

تاریخ معاصر ایران

کردها و فرقه‌دموکرات آذربایجان

گزارش‌هایی از کنسولگری آمریکا در تبریز
دی ۱۳۲۳ - اسفند ۱۳۲۵

مترجم: کاوه بیات



مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۴۷

کردها و فرقه دموکرات آذربایجان

گزارش‌هایی از کنسولگری آمریکا در تبریز
دی ۱۳۲۳ تا اسفند ۱۳۲۵

ترجمه کاوه بیات

سرشناسه	: آمریکا، کنسولگری (تبریز)
عنوان و نام پدیدآور	: کردها و فرقه دمکرات آذربایجان: گزارش‌هایی از کنسولگری آمریکا در تبریز دی ۱۳۲۳ تا اسفند ۱۳۲۵/ترجمه کاوه بیات.
مشخصات نشر	: تهران: پردیس دانش، شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۶ ص. : نمودار.
فروست	: تاریخ معاصر ایران؛ ۴۷.
شابک	: ۴۰۰۰۰ ریال: 978-964-2509-86-7.
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: بخش اصلی این گزارش‌ها به قلم «جرالد اف. پی. دوهر».
یادداشت	: عنوان اصلی: Confidential U.S State Department Central Files. Argentina, 1945.1949,C1987
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: فرقه دموکرات آذربایجان—تاریخ—اسناد و مدارک.
موضوع	: آذربایجان—تاریخ—واقعه ۱۳۲۴-۱۳۲۵—اسناد و مدارک.
موضوع	: ایران—تاریخ—پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷—دخالت روسیه شوروی.
موضوع	: تبریز—تاریخ—اسناد و مدارک
موضوع	: کردان—ایران—سیاست و حکومت—قرن ۱۴
شناسه افزوده	: بیات، کاوه، ۱۳۳۳-، مترجم
شناسه افزوده	: دوهر، جرالد اف. پی.
رده بندی کنگره	: DSR ۱۵۳۵/ف/آ/۱۸ ۱۳۸۸
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۷۴۵۶۷



با همکاری شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب



کردها و فرقه دموکرات آذربایجان
گزارش‌هایی از کنسولگری آمریکا در تبریز
دی ۱۳۲۳ تا اسفند ۱۳۲۵

مترجم: کاوه بیات
حروفچینی و صفحه آرایی: نشر فراهنگ
طراح جلد: کاوه آرام
لیتوگرافی: باختر
چاپ و صحافی: شادرنگ
تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه
چاپ اول: بهار ۱۳۸۹
قیمت: ۴۰۰۰ تومان
حق چاپ و نشر محفوظ است.
تهران. صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵
تلفن: ۲۲۲۰۶۱۳۳

شابک: ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۰۹-۸۶-۷

فهرست مطالب

۱	یادداشت مترجم
۵	فهرست موضوعی اسناد و گزارش‌ها
۱۵	گزارش‌ها
۱۸۵	فهرست اعلام

یادداشت مترجم

اگر چه بحران آذربایجان به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در شکل‌گیری جنگ سرد بین دو بلوک غرب و شرق دارد از نقطه نظر مناسبات بین‌المللی به نحوی نسبتاً گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است ولی ابعاد داخلی آن هنوز جای تحقیق و پژوهش بسیار دارد. سوای از زمینه‌های داخلی آن و وضعیت اجتماعی و سیاسی آذربایجان در آستانه برآمدن فرقه دموکرات آذربایجان و یا سرگذشت آذربایجان بعد از پشت سر گذاشتن این تجربه که محتاج بررسی‌هایی جدی است، در مورد کم و کیف تحولات این حوزه در فاصله پاییز ۱۳۲۴ تا زمستان ۱۳۲۵ نیز موارد مبهم و ناروشن، کم و اندک نمی‌باشد. یکی از مهم‌ترین این موارد نوع روابط و مناسبات حاکم میان دو تشکیلات خودمختار تبریز و مهاباد است؛ روابط و مناسباتی که قرار بود مقوم و مؤید یکدیگر باشد ولی در عمل نتیجه عکس به بار آورد.

آن بخش از اسناد داخلی که در مورد تحولات این دوره در دسترس می‌باشند مانند اسناد و گزارش‌های وزارت کشور و نخست‌وزیری (در سازمان اسناد ملی ایران) و اسناد وزارت خارجه (در آرشیو وزارت امور خارجه) در مورد تحولات جاری در آذربایجان این دوره اطلاعات دقیقی در اختیار نمی‌گذارند. در این ایام حضور اداری و حکومتی ایران بر این حوزه مختل است و طبعاً گزارش مستقیمی هم در کار نیست. چون هنوز آرشیو مراکزی چون ارتش که با دقت بیشتری این تحولات را دنبال می‌کردند در دسترس نمی‌باشند، برای آگاهی بیشتر از رخدادهای مزبور عجالتاً جز توسط به آرشیوهای خارجی چاره‌ای نیست.

به گونه‌ای که در این مجموعه ملاحظه خواهد شد یکی از مهم‌ترین این آرشیوها، آرشیو وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا است. اسناد و گزارش‌های این بررسی نیز براساس یکی از مجموعه‌هایی استوار می‌باشد که در سال ۱۹۸۵ در این زمینه گردآوری و منتشر شده است.^۱

اعضاء هیئت دیپلماتیک آمریکا در ایران و به‌ویژه مقامات کنسولگری تبریز تحولات آن سامان را با دقت دنبال کرده و گزارش می‌کردند. در واقع ایالات متحده فقط ناظر بی‌طرف امر و راوی بی‌نظر ماجرا نبود؛ همان‌گونه که در سطح مناسبات بین‌المللی و در آستانه شکل‌گیری جنگ سردی که در پیش روی بود در مقام مقابله با توسعه‌طلبی روسیه شوروی برآمد و از این رهگذر مخاطره‌ای اساسی را برطرف ساخت که تمامیت ارضی و استقلال ایران را هدف قرار داده بود، در سطوحی خردتر، از جمله در سطح تحولات منطقه‌ای آذربایجان نیز با سیاستی که در جهت دور ساختن کردها از فرقه دموکرات اتخاذ کرد، روش مشابهی را در پیش گرفت. گزارش‌هایی که در این مجموعه ارائه شده‌اند جوانبی چند از این مقوله را آشکار می‌سازند.

بخش اصلی این گزارش‌ها به قلم جرال. اف. پی. دوهر می‌باشند که در فاصله مارس تا نوامبر ۱۹۴۶ / اسفند ۱۳۲۴ تا مهر ۱۳۲۵ در تبریز کنسولیاری بود و در سنوات بعد نیز در مقام وابسته‌عشایری سفارت آمریکا در ایران، در زمینه‌ای مشابه فعالیت داشت. از دیگر اعضاء هیئت دیپلماتیک آمریکا در ایران و دیگر نقاط و همچنین در چند مورد، از تنی چند از مقامات سیاسی بریتانیا نیز در این مجموعه گزارش‌هایی آمده است. در دو گزارش کلی که در سنوات بعد - ۱۳۲۸ - در مورد عشایر حوزه کرمانشاه تهیه شده‌اند نیز در کنار شرح موقعیت جغرافیایی و ساختار ایلی آنها، نکاتی در مورد سرگذشت آنان در خلال دوره مورد بحث ملاحظه شد که انضمام آنها را در این مجموعه ایجاب می‌کرد (اسناد شماره ۷۰ و ۷۱). چون در فهرست توصیفی اسناد که در ادامه این یادداشت ملاحظه خواهد شد، از کم و کیف

1. Confidential U.S. State Department Central Files, IRAN 1945-1949, Internal Affairs, Decimal Numbers 891 and Foreign Affairs Decimal Numbers 791 and 711.91, .A Microfilm Project of University Publications of America. INC. 1985.

یادداشت مترجم ۳

داده‌های آنها تا حدودی صحبت شده است از توضیح بیشتر در این زمینه می‌توان صرف‌نظر کرد.

در ترجمه این رشته گزارش‌ها، به دلیل ماهیت سندی متن تأکید بر دقت و امانت بود و نه لزوماً سلاست و روانی کار، از این رو شاید در بخش‌هایی خوشخوان نباشد. در باب معادل درست پاره‌ای از اسامی جغرافیایی و شخصیت‌های مورد بحث نیز ابهاماتی بود که سعی شد با ثبت اصل کلمات، رفع این موارد به صاحب‌نظران ذی‌صلاح واگذار گردد.

کاوه بیات

فهرست موضوعی اسناد و گزارش‌ها

۱. کنسولگری تبریز، ۱۹ ژانویه ۱۹۴۵ / ۲۹ دی ۱۳۲۳
بازدید پسر سمکواز تبریز و پیشینه سمکو.
۲. کنسولگری تبریز، ۲۴ فوریه ۱۹۴۵ / ۱۵ اسفند ۱۳۲۳
برخوردهایی میان کردها و نیروهای انتظامی ایران در روضه چای و حوالی مهاباد، حضور کردها در کنفرانس حزب توده در تبریز و خط‌مشی شوروی در قبال کردها.
۳. سفارت آمریکا، ۴ مارس ۱۹۴۵ / ۱۳ اسفند ۱۳۲۳
بررسی دشواری‌های احتمالی در اعزام نیروهای ایرانی به حوزه تحت اشغال ارتش سرخ در کردستان.
۴. سفارت آمریکا، ۱۷ مارس ۱۹۴۵ / ۲۶ اسفند ۱۳۲۳
اطلاعات جدیدتر در زمینه دشواری‌های جابه‌جایی نیرو در حوزه تحت اشغال شوروی به گونه‌ای که در سند پیشین نیز بدان اشاره شد.
۵. سفارت آمریکا، ۱۹ مارس ۱۹۴۵ / ۲۸ اسفند ۱۳۲۳
مخالفت صریح مقامات شوروی با تقویت نیروهای نظامی ایران در مهاباد و بررسی ابعاد دیپلماتیک این مسئله.
۶. کنسولگری تبریز، ۴ مه ۱۹۴۵ / ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۴
گزارشی از تبلیغات شوروی در زمینه دامن‌زدن به احساسات قومی در کردستان و تشکیل و تجهیز یک نیروی نظامی در آن حدود.

۶ کردها و فرقه دموکرات

۷. سفارت آمریکا، ۵ مه ۱۹۴۵ / ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۴
اطلاعات واصله از وابسته نظامی سفارت آمریکا در بغداد در مورد تحولات جاری در کردستان ایران و فعالیت‌های حزب کومله.

۸. سفارت آمریکا، ۵ مه ۱۹۴۵ / ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۴
اطلاعاتی دیگر در مورد آخرین تحولات جاری در عرصه جابه‌جایی نیرو در حوزه تحت اشغال ارتش سرخ در کردستان؛ تلاش ایرانیان برای اعزام قوای جدید و اقدامات روس‌ها در محدود نگه داشتن این امر به جابه‌جایی نیروهای موجود.

۹. کنسولگری تبریز، ۱۸ ژوئن ۱۹۴۵ / ۲۵ خرداد ۱۳۲۴
بازتاب منطقه‌ای دیدار وابسته نظامی کنسولگری از مهاباد و واکنش روس‌ها نسبت به آن.

۱۰. سفارت آمریکا، ۲۴ اوت ۱۹۴۵ / ۲ شهریور ۱۳۲۴
گزارشی از به دست آمدن مقادیری اسناد، از جمله یک نقشه از «کردستان بزرگ» که از لحاظ شناسایی اهداف احتمالی تحرکات اخیر در حوزه‌های کردنشین مهم تلقی شده است.

۱۱. سفارت بریتانیا، ۹ اکتبر ۱۹۴۵ / ۱۷ مهر ۱۳۲۴
دیدار قاضی محمد و تنی چند از دیگر سران کرد از باکو و هماهنگی موجود میان فرقه دموکرات آذربایجان و کردها.

۱۲. سفارت آمریکا، ۱۸ اکتبر ۱۹۴۵ / ۲۶ مهر ۱۳۲۴
ارسال تسلیحات روسیه برای کردها.

۱۳. سفارت آمریکا، ۶ نوامبر ۱۹۴۵ / ۱۵ آبان ۱۳۲۴
گزارش سرلشکر ارفع از برنامه‌های احتمالی فرقه دموکرات آذربایجان برای شورش و تصرف قدرت و تلاش روس‌ها برای واداشتن کردهای مهاباد به همراهی با این حرکت. وضعیت در حوزه‌های جنوبی کردستان.

۱۴. سفارت آمریکا، ۷ نوامبر ۱۹۴۵ / ۱۶ آبان ۱۳۲۴
گزارش ژاندارمری از قصد کردهای مهاباد برای تشکیل یک حزب دموکرات،

فهرست موضوعی اسناد و گزارش‌ها ۷

اقدام روس‌ها در جلوگیری از فعالیت ژاندارم‌ها در آذربایجان و افزایش نیروهای شوروی در مازندران.

۱۵. کنسولگری تبریز، ۸ نوامبر ۱۹۴۵ / ۱۷ آبان ۱۳۲۴
حضور سران کرد در تبریز، توزیع سهمیه قند و شکر، و نگرانی بعضی از مالکان کرد از بسط نفوذ فرقه دموکرات.

۱۶. سفارت آمریکا، ۶ دسامبر ۱۹۴۵ / ۱۵ آذر ۱۳۲۴
گزارش‌هایی از عدم همراهی کردها با فرقه دموکرات در نقاطی چون بوکان و اشاراتی به ناآرامی‌های کلی آذربایجان.

۱۷. سفارت آمریکا، ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ / ۲۹ آذر ۱۳۲۴
گزارشی از تحولات جاری در آذربایجان به نقل از یک افسر ژاندارمری؛ انتخابات دستوری، شورش حساب شده، گرایش فرمانده پادگان تبریز به دموکرات‌ها، مجلس محلی و امتناع پاره‌ای از رهبران کرد از همراهی با روس‌ها.

۱۸. سفارت آمریکا، ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ / ۶ دی ۱۳۲۴
خبر سقوط پادگان رضائیه و نقش کردها در حمایت از مقاومت نظامیان.

۱۹. سفارت آمریکا، ۲ ژانویه ۱۹۴۶ / ۱۲ دی ۱۳۲۴
تأیید خبر سقوط رضائیه و تکذیب خبر مربوط به حمایت کردها از نظامیان ایرانی به گونه‌ای که در جراید وقت بیان شده بود.

۲۰. کنسولگری تبریز، ۲ ژانویه ۱۹۴۶ / ۱۲ دی ۱۳۲۴
دیدار قاضی محمد از پیشه‌وری، نیات کردها در اتخاذ سیاست‌هایی مشابه خط‌مشی فرقه دموکرات از لحاظ خودگردانی محلی، امکان تبدیل این ماجرا به تحرکی در جهت ایجاد یک کردستان بزرگ، چگونگی اعمال نفوذ شوروی و نشانه‌هایی از تنش میان کردها و فرقه دموکرات.

۲۱. کنسولگری تبریز، ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ / ۶ بهمن ۱۳۲۴
پیشامد رشته اختلاف‌هایی میان کردها و فرقه دموکرات بر سر تعیین حوزه اقتدار هر یک.

۸ کردها و فرقه دموکرات

۲۲. کنسولگری تبریز، ۶ فوریه ۱۹۴۶ / ۱۷ بهمن ۱۳۲۴
گزارشی از آراء پیشه‌وری در مورد اختلاف‌نظرهای موجود میان کردها و فرقه
دموکرات.

۲۳. سفارت آمریکا، ۸ فوریه ۱۹۴۶ / ۱۹ بهمن ۱۳۲۴
گزارش نگرانی‌های سرلشکر ارفع از بابت احتمال تسری آشوب‌های جاری به
حوزه‌های جنوبی‌تر کردستان.

۲۴. سفارت آمریکا، ۱۸ فوریه / ۲۹ بهمن ۱۳۲۴
بازتاب گزارش‌های مطبوعاتی پیرامون بالاگرفتن اختلاف کردها و فرقه دموکرات
در ارومیه.

۲۵. کنسولگری تبریز، ۲۰ فوریه ۱۹۴۶ / اول اسفند ۱۳۲۴
تمایل کردها برای تبدیل ارومیه به مرکز حوزه خودمختارشان به جای مهاباد و
تدارکات نظامی آنها به‌طور کلی.

۲۶. کنسولگری تبریز، ۲۴ فوریه ۱۹۴۶ / ۱۵ اسفند ۱۳۲۴
فروکش مقاومت شاهسون‌ها و عشایر قراچه داغ در برابر دموکرات‌ها، شناسایی
نوع تسلیحاتی که از طرف مقامات شوروی در میان دموکرات‌ها توزیع شده است و
اطلاعاتی در مورد حدفاصل قلمرو کردها و قلمرو فرقه دموکرات.

۲۷. کنسولگری آمریکا، ۲۶ فوریه ۱۹۴۶ / ۱۷ اسفند ۱۳۲۴
خبرهایی دیگر در مورد حدود «جمهوری» مهاباد و ترکیب حکومتی آن به نقل از
کنسول ترکیه در ارومیه.

۲۸. کنسولگری آمریکا، ۲۸ فوریه ۱۹۴۶ / ۱۹ اسفند ۱۳۲۴
افزایش تنش میان کردها و فرقه دموکرات بر سر حوزه قلمرویی و احتمال
رویارویی در مراغه.

۲۹. سفارت آمریکا در آنکارا، ۹ مارس ۱۹۴۶ / ۱۸ اسفند ۱۳۲۴
گزارشی از اقدامات جاری در زمینه تسلیح کردها، احتمال تسری شورش به خاک
عراق و آرامش نسبی در حوزه‌های کردنشین ترکیه.

فهرست موضوعی اسناد و گزارش‌ها ۹

۳۰. سفارت آمریکا در آنکارا، ۱۱ مارس ۱۹۴۶ / ۲۰ اسفند ۱۳۲۴
تحرکات نظامی شوروی و کردهای تحت فرمان آنها در امتداد مرزهای ترکیه.
۳۱. کنسولگری تبریز، ۲۵ آوریل ۱۹۴۶ / ۵ اردیبهشت ۱۳۲۵
تلاش مقامات شوروی برای حل و فصل اختلافات موجود میان کردها و فرقه
دموکرات و نارضایی کردها.
۳۲. کنسولگری تبریز، ۲۶ آوریل ۱۹۴۶ / ۶ اردیبهشت ۱۳۲۵
گزارشی از دیدار با قاضی محمد و عمرخان شکاک و طرح مباحثی چون امنیت
آسوری‌های ارومیه، نوع روابط با دولت مرکزی، کردها و هیئت اعزامی تبریز به
تهران، امکان طرح خواسته‌های کردها در کنفرانس صلح آتی، آراء قوام‌السلطنه و
تأثیر آن بر حل و فصل مسائل، استقبال قاضی محمد از نفوذ مثبت آمریکادر پیشبرد
امر دموکراسی در ایران.
۳۳. سفارت آمریکا، ۲۷ آوریل ۱۹۴۶ / ۷ اردیبهشت ۱۳۲۵
نظر دولت ایران بر حاشیه‌ای بودن مسئله کردستان و تسویه آن به محض حل
بحران آذربایجان.
۳۴. کنسولگری تبریز، ۲۷ آوریل ۱۹۴۶ / ۷ اردیبهشت ۱۳۲۵
گزارشی از آخرین تحولات جاری در عرصه مقاومت‌های محلی در برابر
دموکرات‌ها در زنجان و صائین قلعه.
۳۵. کنسولگری تبریز، ۷ مه ۱۹۴۶ / ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۵
متن توافقنامه فرقه دموکرات و کردها برای تقسیم کار در مناطق مختلط بین دو
حوزه حکومتی آنها.
۳۶. کنسولگری تبریز، ۷ مه ۱۹۴۶ / ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۵
دیدار تنی چند از سران کرد از یک مبلغ پروتستان و ابراز اطمینان نسبت به امنیت
آسوری‌ها و حسن ظن نسبت به آمریکا.
۳۷. کنسولگری تبریز، ۹ مه ۱۹۴۶ / ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵
ممانعت مقامات فرقه از صدور اجازه سفر آمریکایی‌ها به حوزه تحت اختیار
کردها.

۱۰ کردها و فرقه دموکرات

۳۸. کنسولگری تبریز، ۱۵ مه ۱۹۴۶ / ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۵
درگیری میان کردها و نیروهای نظامی ایران.

۳۹. سفارت آمریکا، ۲۵ مه ۱۹۴۶ / ۴ خرداد ۱۳۲۵
گزارشی از طرح یک برنامه جهت سرنگونی حکومت فرقه دموکرات از سوی سرلشکر حسن مقدم و تعدادی از سران عشایر کرد. امید توطئه گران به جلب حمایت ایالات متحده.

۴۰. کنسولگری تبریز، ۱۹ ژوئن ۱۹۴۶ / ۲۹ خرداد ۱۳۲۵
بازتاب محلی توافقنامه حاصله میان فرقه دموکرات و تهران، ناتوانی آن در تغییر وضعیت موجود و نارضایی کردها از آن.

۴۱. سفارت آمریکا، ۲۶ ژوئن ۱۹۴۶ / ۵ تیر ۱۳۲۵
سفر قاضی محمد به تهران و احتمال حصول توافقنامه مجزا میان او و مقامات تهران.

۴۲. کنسولگری تبریز، ۲۶ ژوئن ۱۹۴۶ / ۵ تیر ۱۳۲۵
محاصره نیروهای ایرانی در سقز و احتمال گسترش ابعاد این رویارویی.

۴۳. کنسولگری تبریز، ۲۸ ژوئن ۱۹۴۶ / ۷ تیر ۱۳۲۵
تداوم بسیج تفنگچیان کرد هم به منظور افزایش فشار بر مقامات تهران و هم واداشتن دموکرات‌های تبریز به شناسایی قلمرو مورد ادعای آنها.

۴۴. سفارت آمریکا، ۲ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۱۱ تیر ۱۳۲۵
فروکش بحران سقز و احتمال تأثیر استقرار واحدهای نظامی عراق در مرز در کاستن از فشار کردها بر سقز.

۴۵. کنسولگری تبریز، ۳ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۱۲ تیر ۱۳۲۵
مذاکرات جاری میان قاضی محمد و مقامات تهران و تعلیق عملیات کردها بر ضد ارتش. افزایش تنش و اختلاف میان اعضاء فرقه دموکرات.

۴۶. سفارت آمریکا، ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۲۰ تیر ۱۳۲۵
مراجعت قاضی محمد به تبریز و به نتیجه نرسیدن مذاکرات طرفین.

فهرست موضوعی اسناد و گزارش‌ها ۱۱

۴۷. کنسولگری تبریز، ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۲۴ تیر ۱۳۲۵
گزارش‌هایی دیگر از تنش‌های موجود میان کردها و فرقه دموکرات در ارومیه و ترتیب سفر یک هیئت آمریکایی به مهاباد.
۴۸. کنسولگری تبریز، ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۲۵ تیر ۱۳۲۵
گزارشی از حوزه تحت تصرف کردها در بخش غربی دریاچه ارومیه و تدارکات آنها برای چیرگی بر خود شهر.
۴۹. سفارت آمریکا، ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۳ مرداد ۱۳۲۵
تکذیب خبر پیشین مبنی بر چیرگی کردها بر خوی و اطلاعاتی دقیق‌تر در این زمینه.
۵۰. کنسولگری تبریز، ۱۲ سپتامبر ۱۹۴۶ / ۲۱ شهریور ۱۳۲۵
استقرار یک واحد نظامی کرد در ارومیه و پُست بازرسی آنها بر سر راه خوی.
۵۱. کنسولگری تبریز، ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۶ / ۲۳ شهریور ۱۳۲۵
اطلاعاتی دیگر در تکمیل گزارش قبلی در مورد حضور نظامی کردها در ارومیه و افزایش فشار عراقی‌ها بر ایل بارزان.
۵۲. کنسولگری تبریز، ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۶ / اول مهر ۱۳۲۵
تأیید اخبار مربوط به تحرکات نظامی کردها در ارومیه و تلاش‌های دیگر آنها در آن حدود.
۵۳. کنسولگری تبریز، ۴ اکتبر ۱۹۴۶ / ۱۲ مهر ۱۳۲۵
گزارشی از مداخلات صریح کنسول شوروی در ارومیه در جلوگیری از دیدار کنسولیار آمریکا از مناطق تحت تصرف کردها. تداوم اختلاف میان کردها و مقامات فرقه. اعضاء جدید کنسولگری بریتانیا در تبریز.
۵۴. کنسولگری تبریز، ۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ / ۱۹ مهر ۱۳۲۵
ادامه تلاش‌های مقامات شوروی برای حل و فصل اختلافات کردها و فرقه دموکرات. دوری مقامات شوروی از قاضی محمد و نزدیکی بیشتر به زروبیگ. مخالفت عمرخان و قاضی محمد با توافق امضاء شده میان زروبیگ و فرقه دموکرات. تحرکات کردها در سایر نقاط برضد فرقه دموکرات. وضعیت ارومیه.

۱۲ کردها و فرقه دموکرات

۵۵. سفارت آمریکا، ۸ نوامبر ۱۹۴۶ / ۱۷ آبان ۱۳۲۵
دیدار جرال دوه‌ر با قوام‌السلطنه و گزارش او از وضعیت منطقه و امکان جلب همراهی کردها. تحولات زنجان.

۵۶. کنسولگری تبریز، ۷ دسامبر ۱۹۴۶ / ۱۶ آذر ۱۳۲۵
مخالفت قاضی محمد با اعزام نیروی نظامی به منطقه، ولو در مقام تأمین امنیت انتخابات.

۵۷. سفارت آمریکا، ۱۳ دسامبر ۱۹۴۶ / ۲۲ آذر ۱۳۲۵
استقرار نیروهای ایرانی در تبریز و تدارک اعزام قوا به مهاباد و مراغه. اخباری از مرند و اردبیل.

۵۸. سفارت آمریکا، ۱۳ دسامبر ۱۹۴۶ / ۲۲ آذر ۱۳۲۵
نگرانی نمایندگی واتیکان از سوء رفتار در قبال مسیحیان آذربایجان و درخواست از سفارت آمریکا برای توصیه حسن رفتار به کردها. ابراز اطمینان ارتش ایران از این بابت.

۵۹. سفارت آمریکا، ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ / ۲۵ دی ۱۳۲۵
گزارشی جامع و مفصل از جرال دوه‌ر تحت عنوان «تحولات سیاسی در میان کردهای آذربایجان در ۱۹۴۶ / ۱۳۲۵». با سرفصل‌هایی چون «مشارکت کردها در انقلاب آذربایجان»، «جمهوری مهاباد»، «تغییر مواضع کردها نسبت به آذربایجان و اتحاد شوروی»، «سراغاز تماس کردها با مقامات کنسولی آمریکا»، «درگیری کردها با ارتش حکومت مرکزی»، «تیرگی بیش از پیش مناسبات کرد و آذربایجان»، «علل شکست سیاست شوروی در قبال کردها»، «نیاز حکومت ایران به یک خط‌مشی هوشمندانه در قبال کردها» به انضمام چهار پیوست در معرفی پاره‌ای از شخصیت‌های سیاسی کرد، گزارش‌هایی از سفر جرال دوه‌ر و انگوس وارد از مهاباد در اواخر تیر ۱۳۲۵.

۶۰. سفارت آمریکا، ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ / ۲۵ دی ۱۳۲۵
رونوشت گزارش سفر کلنل پایبوس وابسته نظامی بریتانیا به آذربایجان در پی فروپاشی فرقه دموکرات. تبریز، جلفا، خوی، رضائیه، میان‌دوآب، تبریز و

فهرست موضوعی اسناد و گزارش‌ها ۱۳

آستارا از جمله حوزه‌هایی هستند که در این گزارش به وضعیت آنها اشاره شده است.

۶۱. سفارت آمریکا، ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷ / ۷ بهمن ۱۳۲۵

گزارشی از تحولات حوزه‌گردنشین آذربایجان غربی در پی فروپاشی فرقه دموکرات؛ استقرار قوای ایران در مهاباد، محاکمه سران حکومت مهاباد، مسئله بارزانی‌ها، نگرانی عمرخان شکاک از رویه بعدی دولت و بحث خلع سلاح به انضمام رونوشتی از نامه‌های سران کرد آذربایجان غربی به نخست‌وزیر و وزارت جنگ.

۶۲. سفارت آمریکا، ۲۸ ژانویه ۱۹۴۷ / ۸ بهمن ۱۳۲۵

مذاکرات ملامصطفی بارزانی در تهران و دشواری حل و فصل مسئله حضور آنها در ایران. تمایل ایران برای مراجعت آنها به عراق.

۶۳. سفارت آمریکا در لندن، ۸ فوریه ۱۹۴۷ / ۱۹ بهمن ۱۳۲۵

نظر بخش شرقی وزارت امور خارجه در مورد مسئله بارزانی‌ها، تمایل دولت عراق به خلع سلاح آنها و تلاش ایران برای کشاندن پای بریتانیا بدین مسئله.

۶۴. سفارت آمریکا، ۱۵ فوریه ۱۹۴۷ / ۲۶ بهمن ۱۳۲۵

گزارشی از سفر جرال دوهر به ارومیه و گزارشی از مشاهدات و شنیده‌های او در مورد نهب و غارت روستاهای مسیحی‌نشین در اثر هرج و مرج ناشی از فروپاشی فرقه دموکرات.

۶۵. سفارت آمریکا، ۲۵ فوریه ۱۹۴۷ / ۶ اسفند ۱۳۲۵

گزارشی از جرال دوهر تحت عنوان «سیاست کردهای شمال در قبال دولت ایران». ایجاد وحدت و انسجام در میان کردهای معمولاً متفرق آن حوزه به دلیل نگرانی‌های مشترک آنها از رویه آتی دولت در قبال مسائلی چون خلع سلاح و احتمال اعدام قاضی محمد.

۶۶. سفارت آمریکا، ۲۵ فوریه ۱۹۴۷ / ۶ اسفند ۱۳۲۵

خبر حرکت ستون‌هایی از مهاباد و ارومیه برای سرکوب بارزانی‌ها و قوای زروبیگ بهادری.

۱۴ کردها و فرقه دموکرات

۶۷. سفارت آمریکا، ۲۷ فوریه ۱۹۴۷ / ۸ اسفند ۱۳۲۵
گزارشی از یک گفتگو با عمرخان شکاک؛ شرح حالی مختصر از او و دوستی وی نسبت به ایالات متحده و وضعیت مسیحیان ارومیه.

۶۸. سفارت آمریکا، اول مارس ۱۹۴۷ / ۱۰ اسفند ۱۳۲۵
لزوم مراجعت عمرخان شکاک به ارومیه برای کمک به تسویه مسئله زروبیگ، تعویق خلع سلاح ایل شکاک به فرصتی دیگر و دیدار عمرخان با ناصرخان قشقایی.

۶۹. سفارت آمریکا، ۵ مارس ۱۹۴۷ / ۱۴ اسفند ۱۳۲۵
گزارش‌هایی در مورد آخرین وضعیت بارزانی‌ها و پیش‌بینی تحرکات بعدی آنها.

۷۰. سفارت آمریکا، ۲ اوت ۱۹۴۷ / ۱۸ مرداد ۱۳۲۸
گزارشی کلی از موقعیت جغرافیایی و تیره‌های مختلف ایل کلهر در کرمانشاه، به انضمام اشاراتی به پیشینه تاریخی و تحولات سیاسی آن در سال‌های اخیر.

۷۱. سفارت آمریکا، ۶ سپتامبر ۱۹۴۹ / ۱۵ شهریور ۱۳۲۸
گزارش‌هایی کلی از موقعیت جغرافیایی و تیره‌های مختلف پنج ایل دیگر کرمانشاهان؛ ولدبیگی، جوانرود، باباجانی و قبادی، اورامان و گوران. به انضمام اشاراتی به پیشینه تاریخی هر یک و تحولات سیاسی آنها در سال‌های اخیر.

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران

شماره ۱۴۵، ۱۹ ژانویه ۱۹۴۵ / ۲۹ دی ۱۳۲۳

موضوع: انتقال اطلاعات سیاسی

مقام محترم وزیر خارجه، واشنگتن [...] ^۱ یکی دیگر از کسانی که در حال حاضر از تبریز بازدید می‌کند و توجه فراوانی را به خود جلب کرده است، [پسر] رهبر کرد سمکو، از ایل شکاک می‌باشد. حدود پانزده تن از هوادارانش او را همراهی می‌کنند. این رهبر کرد پسر اسمعیل آقاسمکو است که در مقام رهبر ایل خود حدود پانزده سال پیش و در مقام رهبر یک شورش بر ضد دولت ایران، عملاً کنترل منطقه ارومیه را در دست داشت. نیروهای ایرانی بعد از تلاش‌ها و تلفات فراوان او را شکست دادند، و به ترکیه گریخت. اسمعیل آقا سمکو چندی بعد در خلال مذاکره با افسران ارتش ایران که تحت فرماندهی ژنرال حسن مقدم - فرمانده کل قوای ایران در منطقه در آن ایام - قرار داشتند، کشته شد. لازم به یادآوری است که ژنرال مقدم در فاصله ژانویه تا سپتامبر ۱۹۴۳ / دی ۱۳۲۲ تا شهریور ۱۳۲۳ استانداری آذربایجان را برعهده داشت. محافظه کاران مدعی هستند که پسر سمکو فقط با کسب اجازه افسران اداری شوروی توانسته است به تبریز سفر کند.

[...]

۱. در برخی از این گزارش‌ها در کنار موضوع اصلی، مضامین دیگری نیز موضوع گزارش قرار گرفته است که ترجمه نشد. بخش‌های ترجمه نشده مزبور به نشانه [...] مشخص شده‌اند. - م.

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران

شماره ۱۵۶، ۲۴ فوریه ۱۹۴۵ / اسفند ۱۳۲۳

[...]

فعالیت‌های کردی

پس از چند ماه انفعال کردها باز هم بی‌میلی خود را نسبت به تبعیت از محدودیت‌های تشکیلات اداری ایران به منصفه ظهور رساندند. در اواسط فوریه / اواخر بهمن فعالیت‌های کردها به دو ناآرامی منجر شد.

یک واحد از نیروهای ایران که در منطقه روضه‌چای در حوالی رضائیه به تمرین مشغول بودند، گروهی از کردها را در حال خلع سلاح و لباس یک ژاندارام ایرانی ملاحظه کردند. یک سرگرد ایرانی به نام مافی که سعی کرد مداخله کند، کشته شد. در اثر تبادل آتش میان نیروهای ایرانی و کردها نیز پنج نفر کشته شدند. نیروهای ایرانی در مقام تلافی، دو روستای کردنشین را منهدم کردند.

چند روز بعد گروهی از کردها به رهبری عزیز گنج‌علی^۱، یک پاسگاه پلیس را در مهاباد از بین بردند. به گفته آنها در آن منطقه به نظارت پلیس احتیاجی نبود. چند پلیس که مقاومت کردند کشته شدند. گفته می‌شود که پرونده‌های اداره خواروبار در پاسگاه مزبور نگهداری می‌شد و رؤسای کرد نمی‌خواستند که سوابق پاره‌ای از اعمال خلاف [آنها] باقی بماند.

چند روز بعد از این پیشامدها، انتظام از نو برقرار شد و پاسگاه مزبور در مهاباد نیز بازگشایی شد. عشایر کرد مامش و منگور در اعاده نظم کمک کردند.

از زمان مشارکت سران کرد در کنفرانس حزب توده در تبریز در ماه ژانویه / دی ۱۳۲۳، نگرانی‌های موجود پیرامون امکان [شروع] تعرض از جانب کردها افزایش یافته است. شهروندان مسئول محلی که از دوران جوانی خود بروز هر از گاه تحرکاتی از جانب کردها را شاهد بوده‌اند، اظهار می‌دارند که بروز خشونت از

1. Aziz Gang Ali

گزارش‌ها ۱۷

جانب کردها - به گونه‌ای که در مورد دو ناآرامی فوریه / بهمن - اسفند نیز شاهد آن بودیم - تا زمانی که رویکرد همدلانه شوروی‌ها نسبت به اقلیت کرد ادامه دارد، کماکان برقرار خواهد بود.

خط‌مشی شوروی در قبال کردها مبهم است. به نظر می‌آید در مورد آن که در چارچوب خط‌مشی شوروی در شکل دادن به یک اکثریت لیبرال در مجلس [شورای ملی] از کردها دقیقاً چه بهره‌ای می‌توان گرفت تردیدهایی وجود داشته باشد. باور عمومی بر آن است که شوروی‌ها در مذاکرات خود با مقامات ایرانی، به هر حال از مخاطراتی که وضعیت کردها برای اقتدار ایران به وجود می‌آورد، بهره‌برداری خواهند کرد. در آذربایجان نشانه‌ای از این امر ملاحظه نمی‌شود که سیاست شوروی در نظر داشته باشد از یک وحدت عمل برای استقلال کرد حمایت کند.

[...]

۳

وزارت خارجه، تلگراف وارده، - تهران توسط ارتش

مورخ ۴ مارس ۱۹۴۵ / ۱۳ اسفند ۱۳۲۳

وزیر خارجه، واشنگتن، ۱۶۰، ۷ مارس. یک بعدازظهر

ریاست ستاد و مقام وزارت امور خارجه ایران، هر دو اظهار می‌دارند که شوروی‌ها از پیشنهادی که در زمینه نقل و انتقال نظامی در آذربایجان ارائه گردیده، مطلع شده‌اند (رک، خارجه، شماره ۱۰۶، ۲۷ فوریه، و سفارت، ۱۱۲، ۲۲ فوریه).^۱ مع‌هذا ریاست ستاد می‌گوید آنها هیچ مخالفتی نکرده‌اند در حالی که منبر وزارت خارجه اظهار می‌دارد که روس‌ها نارضایی قطعی نشان داده‌اند.

به نظر قطعی می‌آید که این قوا هنوز به حوزه روسیه وارد نشده ولی معلوم نیست که آیا این امر به دلیل مخالفت روس‌ها بوده است یا صرفاً به دلیل تعلل در سازماندهی یا هوای بد. هدف اعلان شده از این [جابجایی] نیرو فقط استقرار قوا

۱. در این مجموعه ملاحظه نشد. - م.

در مهاباد (ساوجبلاغ) است و برای تنبیه کردهای درگیر [عملیات] برنامه‌ای فوری، در کار نیست.

اگر یک مقام مناسب ایرانی با من تماس بگیرد من مواضع وزارت خارجه را همان‌گونه که در تلگراف مورد اشاره عنوان شده است، طرح خواهم کرد. در غیر این صورت قصد ارائه توصیه یا مشورتی ندارم. برای وزارت خارجه ارسال شده، تکرار برای مسکو، بغداد.

موریس^۱

۴

وزارت خارجه، تلگراف وارده، تهران توسط [وزارت] جنگ

مورخ ۱۷ مارس ۱۹۴۵ / ۲۶ اسفند ۱۳۲۳

۱۸۸، ۱۷ مارس، ۶ بعدازظهر

امروز ژنرال ارفع رئیس ستاد ارتش ایران در مورد اقدامات امنیتی در حوزه دریایچه رضائیه (ر.ک. سفارت، ۱۱۲، ۲۲ فوریه و ۱۶۰، ۷ مارس)^۲ شرح ذیل را برای وابسته نظامی بیان داشت:

یک) مقامات نظامی شوروی از آغاز با انتقال یک‌گردان پیاده‌نظام ایرانی از تبریز به مهاباد موافقت کرده ولی با انتقال نیرو از خارج از حوزه شوروی مخالفت کردند. با این حال همان‌گونه که قبلاً گزارش شد به [ستونی مرکب از واحدهای] پیاده، سوار و تانک سبک دستور داده شده است که از سقز در کردستان ایران به طرف مهاباد حرکت کنند.

دو) به دلیل بارش برف در حرکت این نیرو تأخیر ایجاد شده است. هنگامی که به بوکان واقع در حاشیه حوزه شوروی رسید، روس‌ها نسبت به پیشروی بیشتر آن اعتراض کرده و زند وزیر جنگ تصمیم گرفت تا مذاکرات بیشتر، آن را متوقف کند (مع‌هذا پیش از وصول دستور، ستون مزبور تا میاندوآب پیش رفته و در آنجا متوقف است).

1. Leland B. Morris (سفیر آمریکا)

۲. بنگرید به سند شماره ۳ همین مجموعه.

سه) به نظر می‌آید که شوروی‌ها این عمل انجام شده را پذیرفته‌اند ولی اصرار دارند که نیرویی بیش از یک‌گردان پیاده نباید راهی مهاباد شود (ارفع در عین حال اظهار داشت که وابسته نظامی روسیه قول داده که برای تعدیل این موضوع اقدام کند).

چهار) از نظر ارفع یک‌گردان تنها کارساز نیست. به عقیده او شوروی‌ها برای نشان دادن آن که ایرانیان نمی‌توانند از عهده انتظام کشور خود برآیند، میل دارند که یک نیروی کوچک ایرانی مقهور کرده‌گردد. از این‌رو وی قصد دارد ستون [مزبور] را در میاندوآب متوقف نگهدارد و مسئولیت جلوگیری از استقرار یک پادگان حسابی را در مهاباد به گردن شوروی‌ها بیاندازد.

برای وزارت خارجه ارسال شد، تکرار برای مسکو و بغداد.

موریس

وزارت امور خارجه، تلگراف وارده، تهران توسط ارتش.

مورخ ۱۹ مارس ۱۹۴۵ / ۲۸ اسفند ۱۳۲۳

۱۹۴۱، ۱۹ مارس

امروز وزیر خارجه انتظام به من اظهار داشت که در مورد وضعیت نیروهای امنیتی ایران در آذربایجان به صورتی جدی نگران است (ر.ک. سفارت، ۱۱۲، ۲۲ فوریه؛ ۱۶۰، ۷ مارس و ۱۸۸، ۱۷ مارس)^۱. براساس روایت وی از این ماجرا، نیروهای ایرانی سقز که وارد حوزه شوروی شده بودند در واکنش به اعتراض روسیه، فراخوانده شده‌اند. وابسته نظامی روسیه در [توضیح] دلیل مخالفت خود به ژنرال ارفع اظهار داشته بود که ورود نیروهای جدید ممکن است باعث اصطکاک با نیروهای نظامی شوروی گردد. انتظام این گفته ژنرال ارفع را تکرار کرد که پذیرفتن پیشنهاد روس‌ها مبنی بر اعزام یک قوای نامکفی معادل ۴۵۰ نفر از تبریز به مهاباد، غیرعملی است.

۱. بنگرید به اسناد شماره ۳ و ۴ همین مجموعه.

۲۰ کردها و فرقه دموکرات

وی از من در مورد موضع دولت متبوعم در قبال این وضعیت پرسید. من نظری را که در [مراسله شماره] ۱۰۶، مورخ ۲۷ فوریه وزارتخانه طرح شده بود،^۱ بیان کردم و او اظهار داشت که سفیر ایران در واشنگتن او را از این نظر مطلع ساخته است.

انتظام قرار بود که همین بعد از ظهر با ماکسیموف سفیر شوروی دیدار کند ولی امیدی نداشت که وی رضایت او را جلب کند. او در نظر داشت که در صورت عدم توفیق، طی صدور بیانیه‌ای همزمان به دولت‌های روسیه، بریتانیا و آمریکا، تأکید کند که از نظر دولت ایران، مواضع شوروی مغایر با بیانیه تهران و نقض معاهده سه‌جانبه محسوب می‌شود. پیشنهاد کردم که بهتر است این رویه را نخست تنها در مورد روس‌ها اتخاذ کند. اگر آنها آن را رد کردند، سپس مسئله را برای دولت‌های بریتانیا و روسیه مطرح کند تا هرگونه که مقتضی بدانند آن را مورد توجه قرار دهند. او پذیرفت. از آنجایی که این امر منوط به تصویب هیئت دولت است هنوز باید دید که آیا این رویکرد اتخاذ خواهد شد یا خیر.

اهمیت احتراز از هرگونه برخورد مسلحانه و حل و فصل امر از طرق دیپلماتیک را برای انتظام مورد تأکید قرار دادم.

به شماره ۱۹۴ برای وزارتخانه ارسال شد، تکرار برای مسکو به [شماره] ۵۷، برای بغداد به [شماره] ۲۴، برای لندن به [شماره] ۱۲.

موریس

۱. در این مجموعه ملاحظه نشد.

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران.

۴ مه ۱۹۴۵ / ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۴

شماره ۱۷۶

[...]

تهییج و تحریک در میان کردها

در بسیاری از محافل گزارش ادامه تحریک و تهییج در حوزه‌های کردنشین، به‌عنوان نشانه‌ای از نارضایتی کردها از نظام سیاسی موجود و مقدمه‌ای بر خواست نهایی استقلال کردستان تعبیر می‌شود.

اخیراً در مراغه نمایشنامه‌ای اجرا شد که در آن یک زن کرد با جامه‌ای سیاه زنجیرهایی بر دست و پا داشت که بر آن نوشته شده بود «ایران، ترکیه و عراق». در لحظه‌ای مناسب این زنجیرها برداشته شد و جای آن را پرچم سرخی می‌گیرد که روی آن نوشته شده بود «زنده باد استالین».

بنا به اطلاعات موثق یک گروه ۲۵۰ نفری کرد، مجهز به اسلحه و یونیفورم نظامی تحت آموزش [نظامی] قرار دارند. ۲۸۰۰۰۰۰۰ ریال هزینه لازم جهت آموزش این واحد نظامی از طریق وضع مالیاتی بر محصول تنباکو تأمین خواهد شد. گفته می‌شود که با توجه به مواضع تهدیدآمیز روستاییان، تعدادی از مالکان منطقه را ترک کرده‌اند. تقریباً کلیه مقامات اداری که نماینده حکومت تهران محسوب می‌شوند، از حوزه مهاباد منتقل شده‌اند.

مقررات نظامی شوروی مانع از اعزام نیروهای ایرانی به حوزه‌های کردنشین است. باور عمومی بر آن است که کردها در تحریک و تهییج فعلی خود به حمایت شوروی پشتگرم هستند.

[...]

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران، ۵ مه ۱۹۴۵ / ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۴

شماره ۲۸۸، محرمانه

موضوع: سازماندهی برای استقلال کرد

وزیر خارجه واشنگتن. افتخار دارم به عرض برسانم، که در پی استفسار از وابسته نظامی در بغداد سفارت آگاهی یافته است که سازمانی موسوم به «کومله» وجود دارد که معلوم می شود برای استقلال ایلات کرد ایران، عراق و ترکیه فعالیت دارد. به گزارش مخبر سفارت، یکی از مقامات ایرانی مستقر در مراغه، «کومله» بیش از آن که یک حزب سیاسی به معنای دقیق آن باشد، نوعی شورای هدایت کننده است. گفته می شود که در عراق تشکیل شده ولی اخیراً فعالیت هایش را به خاک ایران و به ویژه منطقه مهاباد نیز توسعه داده است. اگرچه گزارش شده است که از میان ایلات مختلف کرد در ایران، در حال حاضر تنها دو ایل، در این زمینه توجهی فعالانه بروز داده اند ولی احتمال آن که نفوذ این تشکیلات به دیگر بخش های کردستان توسعه یابد، بسیار است.

مقام مورد بحث اظهار می دارد که «کومله» با حزب توده ایران ارتباطی ندارد. ولی بر این باور است که احتمال دارد مقامات شوروی نسبت به آن همدلی داشته باشند. در این زمینه جالب توجه است که اخیراً یکی از شعب انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی که در ماهیت آن به عنوان یکی از ابزارهای سیاسی روس ها تردید نیست، در مهاباد افتتاح شده و گفته می شود که جلسات خود را به زبان کردی برگزار می کند.

سفارت سعی خواهد کرد در مورد این تشکیلات کردی اطلاعات دقیق تری کسب کرده و در مراحل بعد گزارش کند.

با احترام

لاند موریس

سفارت ایالات متحده آمریکا

تهران، ۵ مه ۱۹۴۵ / ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۴

شماره ۲۸۹، محرمانه

موضوع: تلاش‌های ایران برای استقرار نیروی تأمینی در کردستان آذربایجان

وزارت خارجه. افتخار دارم به یورش عشایر کرد به مهاباد (ساوجبلاغ)، جنوب دریاچه رضائیه و تلاش مقامات ایرانی برای اعزام یک پادگان نظامی بدان محل اشاره کنم، که موضوع تلگراف ۱۹ مارس ۱۹۴۵ / ۲۸ اسفند ۱۳۲۳^۱ من و دیگر تلگراف‌ها بوده است. اگرچه اطلاعاتی که در این زمینه از منابع مختلف در تهران کسب شده، حتی از حد معمول نیز متناقض‌تر و نامطلوب‌تر است، ولی به نظر آشکار می‌آید که در حال حاضر، کار به یک بن‌بست رسیده است. در حالی که ایرانیان تأکید دارند هنوز در تلاشند که برنامه اولیه خود را مبنی بر اعزام یک نیروی ویژه از سقز (خارج از حوزه روسیه) به مهاباد اجرا کنند، مقامات شوروی حاضر به کوتاه آمدن نیستند.

تا جایی که می‌توان فهمید تحولات جاری از ۱۹ مارس / ۲۸ اسفند به بعد، تقریباً به قرار ذیل بوده است:

۱. وزیر امور خارجه انتظام این مورد را با سفیر شوروی به بحث گذاشته و سپس به وزارت جنگ ایران اطلاع داد که توافق شده است بخشی از ستون سقز اجازه یابد که همراه با نیرویی از پادگان مستقر در تبریز به سمت مهاباد حرکت کند. آنگاه یک نیروی جدید می‌توانست خارج از حوزه شوروی، جایگزین قوایی گردد که از تبریز اعزام شده بود.

۲. ژنرال ارفع رئیس ستاد ارتش ایران در مورد این توافق تردید داشت و از یکی از افسران خود خواست که مراتب را از طریق پرسش از فرمانده شوروی در

۱. بنگرید به سند شماره ۵.

میان دو آب - نزدیکترین پادگان روسیه به مهاباد - به تأیید برساند. فرمانده نیروی شوروی از هرگونه توافق اظهار بی‌اطلاعی کرده و اظهار داشت که دستور دارد از هرگونه نقل و انتقال قوای ایران به مهاباد جلوگیری کند.

۳. سپس ارفع موضوع را به وزارت امور خارجه ارجاع داد، که ظاهراً هنوز در همان مرحله مانده است. نمی‌دانم که آیا وزارت خارجه در ارتباط با روس‌ها اقدام دیگری به عمل آورده است یا خیر؛ در طول شش هفته گذشته از این موضوع چیزی با من در میان گذاشته نشده است ولی ریاست ستاد اظهار می‌دارد که اطلاع دارد مذاکراتی در جریان است.

۴. در یک مرحله از این تحولات ستون سقز که به حوالی میان دو آب رسیده بود، از حوزه شوروی فرا خوانده شد و معاونت ستاد ارتش می‌گوید که ستون مزبور در حال حاضر در نقطه‌ای بین سقو و مرز نامشخص حوزه روسیه، که گمان می‌رود در حوالی بوکان باشد، منتظر است.

کردها و همچنین روس‌ها نسبت به اعزام نیروهای ایرانی به مهاباد ابراز مخالفت کرده و اطلاع دارم که یکی از استدلال‌های شوروی در این مناقشه آن است که صرف [استقرار] نیروی مزبور می‌تواند به بروز دردسر از جانب کردها منجر گردد. نظر به آن که اینک مدت زمانی است که کردها آرام بوده‌اند و از پیشامد حوادث دیگری از حوزه مورد بحث گزارش نشده است، این نظریه می‌تواند نظریه درستی باشد.

احتمال آن وجود دارد که مقامات ایرانی نیز براساس ملاحظاتی از سر تعقل و تدبیر نسبت به [اقدامی] که می‌تواند با خطر بروز درگیری با کردها توأم گردد تمایل چندانی نداشته باشند و در توجیه تداوم این انفعال، موضع شوروی را بهانه کرده باشند. ژنرال درخشانی فرمانده قوای ایران در تبریز اخیراً به سرگرد کندی کمک وابسته نظامی سفارت [آمریکا] اظهار داشته است که کردها در صورتی که بخواهند می‌توانند هر نیرویی از ارتش ایران را که به مهاباد اعزام شود، اخراج کنند. برآورد وی آن است که در مهاباد و اطراف آن حدود ۶۰۰۰۰ مرد مسلح وجود دارد.

ژنرال انصاری معاون ریاست ستاد اخیراً از موضوعی سخن گفت که می‌تواند بیانگر جنبه جدید و قابل توجهی از این وضع باشد. او در گفت‌وگویی با کلنل بیکر

گزارش‌ها ۲۵

وابسته نظامی، خاطر نشان ساخت که حل و فصل این مسئله می‌باید براساس مفاد «توافق ما با شوروی‌ها» صورت گیرد که در آن - به گفته او - قید شده است که بدون اجازه قبلی شوروی نمی‌توان نیرویی به حوزه روسیه اعزام کرد. اگرچه در تمامی این مدت، این سیاست شوروی بوده است ولی تا پیش از این سفارت نشنیده بود که در این موضوع توافقی بین روسیه و ایران وجود داشته باشد. کلنل بیکر نتوانست مطلع گردد که آیا توافق‌نامه کتبی وجود دارد و یا «توافق» مورد بحث صرفاً یک ترتیب کاری بوده است فاقد هرگونه اساس رسمی. اگر اظهارات ژنرال انصاری صحت داشته باشد، کاملاً آشکار می‌شود که موقعیت ایران نسبتاً ضعیف است.

با احترام

للاند موریس

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران.

۱۸ ژوئن ۱۹۴۵ / ۲۵ خرداد ۱۳۲۴

شماره ۱۸۷، محرمانه

[...]

کردها

یکی از ساکنان مهاباد در بازدیدی که اخیراً از تبریز داشته اظهار کرده است که یک افسر ارتش آمریکا در منطقه مهاباد دیده شده که به نظر می‌آید در مورد وضعیت کردها تحقیق می‌کند. ظاهراً این گزارش به دیدار وابسته نظامی اشاره دارد که در اوایل مه / اواسط اردیبهشت در منطقه بود. به گفته مخبر مزبور پس از خروج افسر مزبور از مهاباد یک افسر نظامی شوروی که مأمور آن حوزه است در مورد این ادعا که اقدامات تجاوزکارانه کردها به تحریک شوروی است از پاره‌ای از رؤسای کرد پرس و جوهایی به عمل آورده است. اظهارات منسوب به افسر شوروی بدین معنی است که خط‌مشی‌ای که شوروی برای اداره شمال ایران طرح کرده است، اقدامات تجاوزکارانه کردها را تأیید نمی‌کند.

با احترام

سموئل جی. ابلینگ^۱

کنسول آمریکا

1. Samuel G. Ebling

وزارت امور خارجه، تلگراف وارده

تهران از طریق [وزارت] جنگ

مورخ ۲۴ اوت ۱۹۴۵ / ۲ شهریور ۱۳۲۴

[شماره] ۶۴۹، ۲۴ اوت، ۲ بعدازظهر

(فوق محرمانه)

در شب ۱۴ اوت / ۲۳ مرداد پنج ژاندارم، کامیونی را در جاده مهاباد به رضائیه متوقف کرده و بلافاصله از سوی پنج کرد که سوار آن بودند، زیر آتش اسلحه قرار گرفتند. پس از یک زدوخورد کوتاه ژاندارم‌ها بر کردها فائق آمده و دو قبضه تفنگ برنو، ۱۶۰ تیر فشنگ، ۶۰۰۰ ریال پول و یک بسته نشریه که کردها سعی کرده بودند در طول زدوخورد از میان برند، ضبط شد.

در اسنادی که به دست آمد نقشه‌ای از یک کردستان مستقل مورد نظر ملاحظه می‌شود که نواحی ذیل را دربر می‌گیرد؛ بخشی از شرق ترکیه، شامل مرعش، زارا، ارزنجان، ملاتیه، وان و ماردین؛ شمال عراق از خانقین تا سنجار با اشتغال بر کرکوک، موصل و اربیل و دالانی در ایران، از دریاچه ارومیه تا بندر آبگرم بوشهر و خود آن. این دالان خط‌آهن سراسری را در جنوب تهران قطع کرده و شهرهای رضائیه، کرمانشاه، خرم‌آباد، دزفول، شوشتر و بهبهان را دربر می‌گیرد. [...] شوارتسکوف قبلاً از اجساد کردهایی اطلاع داشت که با خود تسلیحات روسی حمل می‌کرده‌اند.

توسعه یک دولت کرد که یکی از بنادر خلیج فارس را نیز شامل شود به اندازه‌ای دور از ذهن و خارق‌العاده است که به نظر نمی‌آید یک تصور محض کردی باشد. انضمام تقریباً تمامی حوزه‌های نفتی بریتانیادر خاورمیانه [در این طرح] نیز به نظر می‌آید جاه‌طلبانه‌تر از آن است که در یک برنامه صرفاً ناسیونالیستی کرد که از حمایت عناصر خارجی عاری باشد، بگنجد.

باید دقت شود که آشکار نگردد که سفارت و شوارتسکف نسخه‌ای از این اسناد را در اختیار دارند.

نقشه و تصاویری از اسناد در یک مراسله ارسال خواهد شد. به [شماره] ۶۴۹ برای وزارتخانه ارسال شد. تکرار به [شماره] ۱۹۶ برای مسکو، به [شماره] ۴۷ برای لندن، به [شماره] ۳۷ برای بغداد و آنکارا.

موری^۱

بخشی از تلگراف واصله به وزارت امور خارجه [بریتانیا] از سوی سفیر اعلیحضرت [پادشاه بریتانیا] در تهران، مورخ ۹ اکتبر ۱۹۴۵/۱۷ مهر ۱۳۲۴

اخبار منتشر شده در اینجا مبنی بر سفر رؤسای کرد منطقه مه‌باد به باکو، توسط کفیل سر کنسولگری بریتانیا در تبریز تأیید شده است. این گروه که هفت نفر را شامل می‌شود تحت سرپرستی قاضی محمد قرار دارد که در حرکت خودمختاری کرد، نقش برجسته‌ای دارد. این که قاضی محمد با هوادارانش مراجعت کرده و اینک در مه‌باد است و در کنفرانسی که اینک توسط فرقه دموکرات در تبریز برقرار است نماینده‌ای دارد، مؤید گزارش نقل شده توسط سرکنسول است مبنی بر آن که رئیس جمهور آذربایجان [شوروی] بدان‌ها توصیه کرده است از حزب «دموکرات» جدید حمایت کنند.

در بیانیه فرقه دموکرات آذربایجان که اخیراً به دست من رسیده است خواسته‌هایی مطرح شده است چون «خودمختاری آذربایجان در چارچوب استقلال ایران» و حق مردم آذربایجان در «اداره امور استان به گونه دلخواه آنها». آذربایجان می‌تواند شکوه‌های کلی و خاصی داشته باشد ولی در این که روس‌ها فقط از سر خیرخواهی به حمایت از تحرکات خودمختاری طلبانه، آن هم

1. Wallace Murray

سرپرست اداره امور شرق نزدیک و آفریقای وزارت خارجه.

گزارش‌ها ۲۹

در مغایرت با تعهدات نهفته در معاهده سه جانبه مبنی بر محترم داشتن استقلال و تمامیت ایران، برخاسته باشند، جای سؤال می‌باشد.

۱۲

وزارت امور خارجه، تلگراف وارده، تهران از طریق [وزارت] جنگ

مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۴۵ / ۲۶ مهر ۱۳۲۴

وزیر امور خارجه، واشنگتن، ۸۲۵، ۱۸ اکتبر، ۳ بعدازظهر

ژاندارمری ایران گزارش می‌دهد:

[...]

پنج. گزارش شده است که قاضی محمد برای کردهای منطقه مهاباد مقادیر معدودی اسلحه از روس‌ها دریافت می‌کند.

موری

۱۳

وزارت امور خارجه، تلگراف وارده، تهران از طریق [وزارت] جنگ

مورخ ۶ نوامبر ۱۹۴۵ / ۱۵ آبان ۱۳۲۴

وزیر امور خارجه، واشنگتن، ۹۲۳، ۶ نوامبر، ۶ بعدازظهر

ژنرال ارفع ریاست ستاد ایران امروز اطلاعات ذیل را که گفته است برای گیت‌هاوس دستیار وابسته نظامی بریتانیا نیز ارسال داشته، در اختیار دفتر وابسته نظامی [سفارت آمریکا] قرار داده است (به [شماره] ۲۹۳ برای وزارتخانه ارسال، تکرار برای مسکو به [شماره] ۲۶۵ و به [شماره] ۷۳ برای لندن).

فرقه دموکرات آذربایجان در نظر دارد به زودی در آذربایجان (و چنین به نظر می‌آید به نحوی مستقل از دولت مرکزی) انتخابات برگزار کند. همچنین قصد دارد همزمان ادارات دولتی تبریز را تصرف کرده و قیامی، یکی از رؤسای فرقه را

به سمت استاندار منصوب کند. برای کمک به این کودتا چند هزار روس از منطقه قفقاز وارد شده‌اند. به گفته ارفع، گیت‌هاوس بر این باور است که این اقدام عن‌قرب خواهد بود ولی به نظر ارفع حرکت مزبور برای زمانی پیش از ۲ مارس / ۱۱ اسفند برنامه‌ریزی شده است. گفته می‌شود که [ایجاد] یک حکومت مختار در آذربایجان [هدف این حرکت] است.

ستاد ارتش ایران به فرمانده پادگان تبریز دستور داده است که در صورت بروز ناآرامی، با تقبل مسئولیت کامل عواقب امر از سوی ستاد کل باید به ضرب اسلحه از ساختمان‌های دولتی دفاع کند.

ارفع اضافه کرد که روس‌ها حدود هزار کرد مسلح را که تحت رهبری ملامصطفی و مسلح به تفنگ، مسلسل و توپخانه صحرایی هستند به مهاباد منتقل کرده و در حال حاضر در آنجا جلسه‌ای با حضور سیصد نفر از رؤسای بخش‌های تحت اشغال شوروی کردستان ایران، جریان دارد. به گفته ارفع مقامات روسی به صورتی آشکار کردها را به شرکت [در این اجلاس] و اعلان استقلال کردستان تشویق کرده و می‌گویند کردها نباید بیمی به دل دهند زیرا آذربایجان ایران هیچ‌گاه به ایران عودت نخواهد شد. وی می‌گوید که شوروی‌ها چند هزار قبضه تفنگ برای کردهای مهاباد ارسال داشته‌اند.

ارفع از جانب کردهای ایران دوست در تهران، اطلاع یافته است که به زودی کردها تحت رهبری ملامصطفی بر ضد پادگان‌های ایران در سردشت، بانه و سقز که همگی در خارج از حوزه روسیه در کردستان ایران قرار دارند، وارد عمل خواهند شد. ستاد [ارتش] در نظر دارد این پادگان‌ها را از سنندج تقویت کند و ارفع به نحوی مبهم از درخواستی صحبت کرد که از بریتانیایی‌ها و عراقی‌ها به عمل آمده است که برای جلوگیری از حمله کردها به سنندج - که نیروهای ایرانی در غرب آن شهر بر ضد آنها درگیر عملیاتی هستند - اقداماتی به عمل آورند.

ارفع اظهار داشت از این جهت اطلاعات مزبور را در اختیار سفارتخانه‌های بریتانیا و آمریکا قرار می‌دهد که آنها از پیش رسماً در جریان قرار گرفته باشند و به این امید که در صورت پیشامد هر رخدادی، بتوانند واقعیت امر را به صورت کامل منتشر کنند. وی اضافه کرد که ایران قصد دارد با تکیه به حمایت‌هایی که بریتانیا و

گزارش‌ها ۳۱

ایالات متحده در کنفرانس تهران و دیگر موقعیت‌ها قول داده‌اند، از تمامیت خود دفاع کند.

احتمال آن هست که مطالب پیش گفته تا حدودی جنبه تبلیغاتی داشته باشد ولی از جانب چنان مقام بالایی صادر شده است که نمی‌تواند نادیده گرفته شود. موری

۱۴

وزارت امور خارجه، تلگراف وارده، تهران از طریق [وزارت] جنگ
مورخ ۷ نوامبر ۱۹۴۵ / ۱۶ آبان ۱۳۲۴
وزارت امور خارجه، واشنگتن، ۹۲۶، ۷ نوامبر، ۳ بعدازظهر

براساس گزارش‌های ژاندارمری ایران برای مذاکره پیرامون استقلال کردستان، جدایی کردستان از آذربایجان و تشکیل یک حزب دموکرات کردستان، کردها در مهاباد تشکیل جلسه داده‌اند. در این گزارش آمده است که قاضی محمد به ریاست تشکیلات انتخاب شده است و سه شورای محلی انتخاب گردیده است.

فرمانده ژاندارمری ناحیه تبریز از افزایش مداخلات مقامات روسی در نقل و انتقال‌های ژاندارمری در آذربایجان گزارش می‌دهد. فرمانده شخصاً از خروج بلیک از تبریز ممانعت کرده است (به [شماره] ۹۲۶ برای وزارتخانه ارسال شده تکرار به [شماره] ۲۶۷ برای مسکو، به [شماره] ۷۵ برای لندن).

او گزارش می‌دهد که مجدداً از سوی فرمانده نظامی شوروی به دلیل کمک ژاندارمری به مالکان آذربایجان برای گردآوری سهمشان از محصول از زارعین املاک، مورد سرزنش قرار گرفته است. اظهار شده است که فرمانده روسی مدعی است که مالکان روستاییان را آن قدر تحت ستم داشته‌اند که به بروز انقلاب منجر شده و اگر این رویه خاتمه نگیرد نیروهای روسیه وارد خواهند شد که خود زمام امور را در دست گیرند.

فرمانده ژاندارمری مازندران گزارش کرده است که نیروهای روسیه در

حوزه‌های گرگان و رشت افزایش یافته و نظارت بر رفت و آمدهای جاده‌ای به‌نحوی بیش از پیش تحت کنترل قرار گرفته است.

به‌نظر می‌آید که تحولات فوق‌الذکر به‌نحوی غیرمستقیم و تا حدودی، مؤید اظهارات دیروز ارفع، ریاست ستاد ایران باشد (اطلاعات نظامی ۹۲۳، ۶ نوامبر)^۱ اگرچه تمامی گزارش‌هایی از آن دست را باید به‌عنوان [گزارش‌هایی] مغرضانه یا احتمالاً مبتنی بر شایعات تا واقعیت‌های تأیید شده، با احتیاط تلقی کرد.

موری

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران.

۸ نوامبر ۱۹۴۵ / ۱۷ آبان ۱۳۲۴

[...]

فعالیت کردها

در خلال پانزده روز گذشته کردها در صحنه تحولات سیاسی آذربایجان به جایگاه مهمی دست یافته‌اند. در حال حاضر حدود ۱۰۰۰ کرد، از جمله چند تن از سران یا خوانین [کرد] برای تحویل جیره شکر سهمیه ایلات خود در تبریز هستند. بنا به شایعات جاری در بازار برای فروش مقادیری شکر و در نتیجه محروم داشتن ایلات از سهمیه مقرر آنها معاملات مشکوکی میان تجار محلی و سران کرد صورت گرفته است.

کردهای بازدیدکننده با اشاره خاصی به تشکیل «کومله دموکرات» یا حزب دموکرات کردستان، آراء سیاسی متعارضی ابراز داشته‌اند. رؤسای ثروتمند کرد که مالکان بزرگی نیز هستند اظهار داشته‌اند که به تشویق شوروی با حزب جدید دموکرات نزدیک شده‌اند، حال آن که نسبت به رشد لیبرالیسم یا دگرگونی‌ای که نظام ارضی موجود را تهدید می‌کند، نگران هستند.

دیگر کردهایی که در زمره نمایندگان [حاضر در تبریز] هستند مدعی هستند که دلیل توفیق حزب جدید دموکراتیک در کسب یک چنین حوزه گسترده‌ای از اعضا در منطقه کردنشین، در اشتیاق اعضا محروم ایلات نسبت به بهبود وضعیت نامطلوب اقتصادی آنها ریشه دارد.

بدین ترتیب توسعه لیبرالیسم در شمال ایران باعث پدید آمدن تفاوت‌هایی در رویکرد سیاسی سران کرد در مقایسه با خواسته‌های سیاسی اقتصادی دهقانان و کارگران زراعی کرد شده است.^۱

وزارت خارجه، تلگراف وارده، تهران از طریق [وزارت] جنگ

مورخ ۶ دسامبر ۱۹۴۵ / ۱۵ آذر ۱۳۲۴

وزیر خارجه، واشنگتن، ۱۰۴۷، ۶ دسامبر، ۸ صبح

گزارش‌های ژاندارمری ایران در چند روز گذشته از ادامه ناآرامی‌ها در «میان‌میر»^۲ و — حکایت دارد؛ تیپ ارتش ایران در اردبیل برای هرگونه عملیات عمده‌ای آمادگی دارد ولی شوروی‌ها بدان اجازه حرکت نمی‌دهند؛ در میان اهالی اردبیل و تبریز اسلحه توزیع می‌شود؛ و در آستارا که یک سرهنگ دوم ژاندارمری در آستانه خانه خودش کشته شده است، آشوب ادامه دارد.

گزارش شده است که شوروی‌ها در بوکان به کردها فرمان داده‌اند که برای عملیات در منطقه مراغه مسلح شوند ولی آنها [از اجرای این فرمان] خودداری کرده‌اند. در مورد امتناع کردها از پذیرش فرمان شوروی‌ها مبنی بر دست‌بردن به اسلحه، از دیگر نقاط نیز داستان‌های مشابهی واصل شده است. ولی گزارش شده است که کردهای [بارزانی] که در ایران پناه گرفته‌اند کاملاً بسیج شده‌اند هرچند

۱. [احتمالاً این گزارش ناتمام است.]

به کندی آماده عملیات می‌شوند. گزارش‌های پیشین در مورد اقدامات ضد دموکرات ایل شاهسون تأیید نشده است.

ژاندارمری کماکان برای دفاع احتمالی از تهران آماده می‌شود و واحدهای موتور VPO^۱ را که اخیراً از جنوب بازگشته‌اند، تحت آموزش گسترده‌ای قرار داده است.

(؟)^۲ اخیراً با شاهنشاه گفت‌وگویی داشته که در خلال آن مشارالیه از اقدامات اتخاذ شده ابراز رضایت کرده ولی خاطر نشان کرده است که وقفه موجود در فعالیت دموکرات‌ها، صرفاً یک تنفس کوتاه است و این تحرکات به هیچ‌وجه فروکش نکرده است. موری

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۷۱۴۳

تهران، مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ / ۲۹ آذر ۱۳۲۴

محرمانه، وزیر خارجه، واشنگتن، ۱۱۵۸، ۲۰ دسامبر، ظهر

سرهنگ همایون فرمانده ژاندارمری تبریز به تهران مراجعت کرده و به قرار ذیل گزارش کرده است:

یک. در انتخابات اخیر برای یک مجمع مردمی حدود ۲۳۰۰۰ رأی ریخته شد ولی عملاً بیش از ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر رأی ندادند. آنها توسط کامیون‌های شوروی از یک حوزه به حوزه دیگر رأی‌گیری برده شدند.

دو. شورش دموکرات‌ها از پیش و براساس یک برآورد کامل نظامی در هر شهر و روستا، با دقت برنامه‌ریزی شده بود. در هر نقطه گروهی مرکب از ۵۰ نفر که خدمت وظیفه خود را به انجام رسانده بودند، گردآوری شده و به زور یا با تشویق، وادار شدند که به نهضت ملحق شوند. این افراد سربازهای شورش را تشکیل دادند.

۱. معنای این حروف اختصار بر مترجم روشن نشد.

۲. علامت استفهام در اصل.

آنها در هر حوزه تحت فرماندهی مقامات شوروی قرار داشتند که به لباس شخصی درآمده بودند.

سه. دموکرات‌ها کل استان را تحت تبلیغات گسترده‌ای قرار داده‌اند که از همان اصول متعارف و معمول شوروی پیروی کرده و بیانگر یک ماهیت کاملاً آشکار شوروی است (به [شماره] ۱۱۵۸ برای وزارتخانه ارسال، تکرار به [شماره] ۳۵۸ برای مسکو و به [شماره] ۱۴۱ برای لندن).

چهار. پادگان‌های ارتش در تبریز خالی شده است. تا پیش از تسلیم [پادگان] موارد بسیاری از ترک خدمت پیش آمد. ژنرال درخشانی فرمانده تبریز به جانب دموکرات‌ها رفته و ممکن است که در حکومت خودمختار به وزارت جنگ نائل آید. او تا پیش از تسلیم، به افرادش توصیه می‌کرد با شورشیان کنار بیایند و بسیاری نیز چنین کردند؛ افسران همان رتبه پیشین خود را در ارتش آذربایجان حفظ کرده و همان حقوق قبلی را دریافت می‌کنند. گویا افسران و افرادی که از پذیرش این پیشنهاد خودداری کنند، اجازه دارند که به تهران مراجعت نمایند.

پنج. پارلمان آذربایجان تشکیل جلسه داده و به دولت مرکزی پیشنهاد کرده که تمامی مالیات استان را گردآوری کند که ۷۵٪ آن برای حوایج استان باقی بماند و مابقی به دولت مرکزی تحویل گردد. اگر این و دیگر پیشنهادات مجلس پذیرفته نشود، آذربایجان خودمختاری کامل اعلان کرده و وزیر خارجه معین خواهد کرد. (یادآور می‌شود که یک هفته پیش بود که دموکرات‌ها مدعی شدند که هر دو [وزارتخانه‌های] جنگ و امور خارجه را در اختیار دولت مرکزی باقی می‌گذارند ولی هم‌اینک مورد اخیر را زیر پا گذاشته‌اند).

شش. کل این حرکت از دفاع در برابر توطئه‌های عناصر مخفی بریتانیا نشأت گرفت.

اگر با توجه به نوع ورود همایون بدینجا - (شوروی‌ها برایش تسهیلات هوایی فراهم کردند) - اعتبار چندانی نمی‌توان برای [گفته‌های] او قائل شد، ولی بر این باور هستم که بسیاری از این موارد - به استثنای مورد شماره شش - تا حد زیادی مطابق واقع هستند و با گزارش‌هایی که قبلاً به سفارت رسیده، همخوانی دارند. همایون گزارش رویترز را مبنی بر آن که پادگان تبریز پیش از تسلیم، در محاصره مسلسل‌های شوروی قرار گرفته بود تأیید نکرده است.

۳۶ کردها و فرقه دموکرات

گزارش شده است که در حال حاضر حوزه شمالی، نسبتاً عاری از خونریزی است و دموکرات‌ها تقریباً کنترل کل آذربایجان را در دست دارند. ولی گزارش شده است که کردها به نحوی فزاینده نسبت به تبعیت از فرامین روس‌ها اکراه دارند و برخی از آنها، از جمله قرنی آقا رهبر متنفذ مامش به نحوی صریح وفاداری خود را نسبت به دولت ایران اعلان داشته‌اند. نفوذ این رهبر ایلی چشمگیر است و احتمال دارد که نهضت دموکرات‌ها از جانب کردها با مخالفت در خور توجهی روبه‌رو گردد.

گزارش شده است که ایل شاهسون دچار اختلاف شده است، یکی از رهبران آن هواخواه دولت مرکزی است ولی برادرش برای آن که تا روشن شدن وضع که بالاخره کدام طرف در نهایت دست بالا را خواهد یافت و محفوظ ماندن ایل، از شورشی‌ها هواداری می‌کند.

گزارش شده است که عشایر منطقه اهر که در امتداد مرز شوروی مستقر هستند، با مسدود ساختن معابر منطقه برای نقل و انتقالات نظامی شوروی دشواری‌های فراوانی ایجاد کرده‌اند.

موری

۱۸

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۱۳۸، ساده [مکشوف؟]، تهران

مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ / ۶ دی ۱۳۲۴

وزیر خارجه، واشنگتن، ۱۱۹۰، بیستم و هفتم [دسامبر]

جراید گزارش می‌کنند که پادگان رضائیه پس از تحمیل تلفات سنگین بر شورشی‌ها سقوط کرد و عشایر کرد نیز در دفاع از شهر وارد کار شدند.

موری

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۵۹۸، تهران.
مورخ ۲ ژانویه ۱۹۴۶ / ۱۲ دی ۱۳۲۴
محرمانه. — وزیر خارجه، واشنگتن، ۱۰، ۲ ژانویه، ۴ بعدازظهر

روسو در تبریز سقوط رضائیه و پایان مقاومت دولت ایران را در آذربایجان تأیید می‌کند (به [شماره] ۱۰ برای وزارتخانه ارسال شد، تکرار برای مسکو به [شماره] ۵). او اظهار می‌دارد که برخلاف گزارش جراید محلی کردها از دموکرات‌ها حمایت کردند و نه ارتش ایران.

موری

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران،
۲ ژانویه ۱۹۴۶ / ۱۲ دی ۱۳۲۴
محرمانه، ۲۴۱. وزیر خارجه، واشنگتن
موضوع: وضعیت سیاسی کردهای شمال ایران

عطف به تلگراف شماره ۱۱، ۲۷ دسامبر، ۲ بعدازظهر خود،^۱ افتخار دارم که اطلاعات تکمیلی ذیل را که از بهترین منابع تبریز در مورد تحولات سیاسی در میان کردهای شمال ایران کسب شده است، به عرض برسانم.
همان‌گونه که در تلگراف پیش گفته گزارش شده است قاضی محمد رهبر خودخوانده کردهای شمال ایران و رئیس حزب برکشیده شوروی کومله برای مدتی کوتاه در پایان هفته گذشته مهمان جعفر پیشه‌وری نخست‌وزیر حکومت خودمختار جدید آذربایجان بود. او در ۲۹ دسامبر / ۳۰ آذر پیش از آن که

۱. در این مجموعه ملاحظه نشد، شاید به سند شماره ۱۸ اشاره دارد.

فرصت گفت‌وگو با او را بیابم به مهاباد (ساوجبلاغ) پایتخت کردهای شمال مراجعت کرد.

قاضی بعد از مراجعت صریحاً اعلان داشت که قصد دارد در عرض چند روز یک مجلس ملی کرد را در مهاباد افتتاح کند. این [بیانیه] مهم بود زیرا اظهارات قبلی کردها به قصد آنها برای [تأسیس] یک انجمن ایالتی محدود بود. دیگر خواسته‌های کردها شبیه خواسته‌های خودمختاری طلبانه آذربایجان است؛ از جمله کاربرد زبان کردی و یک تشکیلات اداری سراسر کرد در محل. او نیز مانند آذربایجانی‌ها از تمایل خود برای باقی ماندن در چارچوب دولت ایران سخن گفت هرچند در این بیانیه یک شرط تلویحی ولی غیرقابل کتمان مستتر است.

در عرصه‌ای کمتر علنی از تبدیل این حکومت جدید به هسته‌ای برای یک ملت بزرگ کرد سخنان جاه‌طلبانه‌ای در کار است که قرار است علاوه بر کردهای شمال ایران، کردهای [حوزه] کردستان ایران تحت اشغال بریتانیا، عراق، ترکیه و حتی سوریه را نیز شامل شود و تا بندر الکساندرتا در مدیترانه امتداد یابد. منابع مطلع محلی طرح فوق را یک خواب و خیال محض ارزیابی می‌کنند، زیرا در میان کردها آگاهی‌های ملی آشکاری به نظر نمی‌رسد. وفاداری‌ها فقط به رؤسای عشایر یا آقاها معطوف است و آقاها نیز نسبت به هر قدمی در جهت یک دولت ملی، سوءظن داشته‌آن را تحدیدی بر اقتدار و امتیازات فتوئالی خود تلقی می‌کنند.

با این حال تمام منابع بر این نکته اتفاق نظر دارند که عوامل شوروی در ارتباط دائم با کردها می‌باشند. حزب کومله معادل حزب انقلابی دموکرات آذربایجان، تحت حمایت غیرقابل کتمان شوروی قرار دارد. نفوذ شوروی از طریق ترکیبی از ارعاب و رشوه حاصل می‌شود. وجه ارعابی ماجرا کم‌وبیش تلویحی است و از صرف آگاهی به منافع شوروی، توأم با یک باور عمومی (که تقریباً با ترس و وحشت پهلو می‌زدند) به شیوه‌های بی‌رحمانه شوروی، نشأت می‌گیرد. در اشاره به جنبه رشوه‌ای امر از پذیرایی مکرر شوروی از گروه‌های متعددی از رؤسای کرد در باکو می‌توان یاد کرد برای آن که تحت تأثیر زندگانی شوروی و اهداف عالی آن

قرار گیرند و بازگرداندن آنها به موطنشان همراه با ذخیره انبوهی از اسلحه و مهمات. علاوه بر این هر از گاه گروهی از رؤسای کرد به تبریز دعوت شده و مقادیری شکر و غیره برای ایلات تابعه، در اختیار آنها گذاشته می‌شود. این تدارکات با سودی بالا فوراً در بازار به فروش رسیده و رؤساء مزبور با ثروتی کوچک به ایل خود بازمی‌گردند. این ترکیب وحشت و رشوه، فوق‌العاده مؤثر به نظر می‌آید.

اگرچه قاضی خود شخصاً هیچ هواداری ندارد (او یک رهبر ایلی نیست)، و حزب کومله او نیز از لحاظ عقیدتی از حداقل حمایت برخوردار است، ولی در اثر حمایت فوق‌الذکر شوروی، هیچ‌یک از کردها جرأت مخالفت با او را ندارند. از این رو اقدام قاضی در تأسیس یک حکومت خودمختار یا یک حکومت مستقل در ظل «حمایت» شوروی، با استفاده از این هسته حکومتی که از ترکیب کردهای فاقد نفوذی تشکیل شده است که برای کسب ثروت و قدرت به حزب کومله ملحق شده‌اند، فقط با تقبل هزینه‌ای امکان تحقق خواهد داشت.

میزان کنترل آتی شوروی بر کردها تا حد زیادی به تحولات آذربایجان بستگی دارد که باید به‌عنوان پلی جهت [توسعه] نفوذ شوروی در میان کردها عمل کند. اگر این پل حفظ شود، آنگاه باید به‌نحوی اساسی به این احتمال اندیشید که با توسعه همین روش به حوزه‌های کردنشین و رای ایران، رؤیای ملت بزرگ کرد قاضی، فرصتی جدی بیابد که در چارچوب مداخلات شوروی تحقق یابد.

مع‌هذا چنین به نظر می‌آید که بین پیشه‌وری نخست‌وزیر تحت‌الحمایه شوروی و قاضی تحت‌الحمایه شوروی، اندکی تفاوت مقصود وجود داشته باشد. قلمرو نه چندان روشن کردهای شمال ایران، اینک در قلمرو به همان اندازه ناروشن آذربایجان خودمختار قرار دارد و از این رو خودمختاری برای کردها، باید از حساب آذربایجان کسر شود. به هر حال پیشه‌وری در دیداری که اخیراً داشتیم اظهار داشت که وی با قاضی که از نظر او «مرد خوبی» است، در مورد مسئله «کردهای آذربایجان» در مشورت بوده است. مع‌هذا پیشه‌وری به شرط «محرمانه ماندن» این نکته را نیز افزود که وی هنوز کردها را به اداره امور خود توانا نمی‌بیند و در نظر دارد به جای یک مجلس ملی، تنها یک انجمن محلی تحت [نظر] حکومت

تبریز و پنج کرسی در مجلس ملی آذربایجان به کردها اعطاء کند. وی اظهار داشت که این رویه بدانها می‌آموزد که چگونه امور خود را اداره کنند و شاید که بتوانند بعدها به خودمختاری کامل دست یابند. ولی او کاربرد زبان کردی را در مدارس و [حوزه‌های] رسمی و توسعه «فرهنگ» کرد را تشویق می‌کند. پیشه‌وری در ادامه با لحنی که از نوعی دفاع از خود غیرقابل توضیح حکایت داشت، افزود که دلیل دوستی وی با کردها آن است که در غیر این صورت دولت مرکزی از آنها به‌عنوان یک عنصر اخلاک‌گر در آذربایجان استفاده خواهد کرد (نیروهای مسلح کرد در حمله آذربایجان انقلابی به رضائیه در دو هفته قبل، کمک نظامی حیاتی‌ای مبذول داشتند).

در حال حاضر در مورد تحولات بعدی این وضع اطلاعاتی در اختیار ندارم و احتمالاً تصمیم نهایی تا روشن شدن وضعیت آذربایجان معوق خواهد ماند. منبع گزارش‌های مربوط به «افکار عمومی» کردها، اهداف خصوصی حزب کومله، کنسول عراق است که به تأیید کنسول بریتانیا رسیده است. هر دو در زمینه امور کردها تجارب و منابع اطلاعات محلی قابل توجهی دارند. من تا روشن شدن وضعیت آذربایجان سفری را که قصد داشتم به مهاباد انجام دهم به تعویق انداخته، احساس می‌کنم فعلاً مصلحت نیست که تبریز را ترک گویم.

با احترام

رابرت روسو^۱

نایب کنسول آمریکا

وزارت خارجه، تلگراف وارده، تبریز،
مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ / ۶ بهمن ۱۳۲۴
وزیر خارجه، واشنگتن، ۹، ۲۶ ژانویه، ۲ بعدازظهر

با ادعای حکمروایی کردها بر کل منطقه مرزی از مهاباد تا ماکو، از جمله میاندوآب، رضائیه و خوی، بین کردها و آذربایجانی‌های خودمختاری طلب، اختلاف بالا گرفته است. آذربایجانی‌ها می‌خواهند خودمختاری کردها تابع حکومت تبریز و محدود به منطقه مهاباد باشد. رخدادهای کوچکی روی داده است مانند جلوگیری کردها از محموله‌های شکر از میاندوآب به تبریز، و اظهارات کردها به سران دموکرات در خوی و ماکو که آنها در حوزه حکمروایی حکومت کردی قرار خواهند داشت که در مهاباد در حال تشکیل است. هنوز موضع دولت شوروی کاملاً روشن نیست، ولی گزارش شده است که آنها کماکان به تسلیح تمام‌عیار کردها ادامه می‌دهند. (به [شماره] ۹ برای وزارتخانه ارسال شد، تهران [شماره] ۱۳، لندن و مسکو به [شماره] ۴، و آنکارا و بغداد به [شماره] ۱). چنین به نظر می‌آید که حل و فصل نهایی موقعیت کردها به تثبیت موقعیت در آذربایجان موکول شده است.
روسو

وزارت خارجه، تلگراف وارده

۲۲۳۱، تبریز

مورخ ۶ فوریه ۱۹۴۶ / ۱۷ بهمن ۱۳۲۴

وزیر خارجه، واشنگتن، محرمانه.

۱۸، ۶ فوریه، ۳ بعدازظهر

در پایان گفت‌وگو با «نخست‌وزیر» پیشه‌وری (تلگراف [شماره] ۱۵، ۴ فوریه^۱

۱. در این مجموعه ملاحظه نشد.

من) خاطر نشان ساختم که شنیده‌ام کردها مدعی حکمروایی بر کل حوزه مرزی از مهاباد تا ماکو شده و پرسیدم موضع وی چیست. او گفت این [موضوع] صحت دارد ولی مسئله‌ای برای آینده است. او گفت اگر بتوان بین حکومت‌های آذربایجان و مرکزی ترتیبی برقرار کرد، کردها نیز بدون تردید ترتیب مشابهی را خواستار خواهند شد، در غیر این صورت آنها نیز حکومت خود را تشکیل خواهند داد. از او پرسیدم که آیا این حکومت تابع حکومت تبریز خواهد بود؟ وی پاسخ داد که این به تمایل کردها بستگی دارد. او شخصاً بر این باور است که آنها بنا به دلایل اقتصادی، جز وابستگی به آذربایجان چاره‌ای ندارند، ولی از نظر او خواسته‌های کردها بر حق است (به [شماره] ۱۸ برای وزارتخانه، به [شماره] ۲۵ برای تهران، به [شماره] ۱۱ برای لندن و مسکو، به [شماره] ۲ برای آنکارا و بغداد ارسال شد). آشکار است که این موضع حاصل فشار شوروی است که حتی به حساب آذربایجان نیز از خودمختاری طلبان کرد هواخواهی می‌کند.

روسو

۲۳

وزارت خارجه، تلگراف وارده

۳۲۲، تهران

مورخ ۸ فوریه ۱۹۴۶ / ۱۹ بهمن ۱۳۲۴

وزیر خارجه، واشنگتن، محرمانه

۱۷۶، ۸ فوریه ۱ بعدازظهر

ارفع رئیس ستاد [ارتش] ایران می‌گوید منتظر بروز دردسر جدی در کردستان ایران از جنوب حوزه روسیه است (به [شماره] ۱۷۶ ارسال شد، تکرار به [شماره] ۴۲ برای مسکو، به [شماره] ۱۶ برای بغداد). برف سنگین ارتباط پادگان ایران را در سقز و ^۱ تا جنوب قطع کرده ولی راه‌های شمال هنوز باز است و این امر حمله کردهای شمال را بدین پادگان‌های دور افتاده، ممکن می‌سازد. از آن بیم

۱. ظاهراً افتاده است [توضیح در اصل].

گزارش‌ها ۴۳

می‌رود که ملامصطفی و شیخ [احمد] بارزان با حمه رشید، یکی از رؤسای فوق‌العاده دردرساز کردهای ایران که اخیراً از عراق به ایران آمده است، متحد شوند.
موری

۲۴

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۶۶۰۷، ساده
تهران از طریق [وزارت] جنگ
مورخ ۱۸ فوریه ۱۹۴۶ / ۲۹ بهمن ۱۳۲۴
وزیر خارجه، واشنگتن، ۲۱۱، هجدهم

روزنامه‌ها گزارش کردند که کردها، دموکرات‌ها را از رضائیه بیرون رانده و پنبه نام را که اخیراً از سوی دموکرات‌ها به سمت فرماندار آن شهر منصوب شده بود بازداشت کرده‌اند (تکرار برای تبریز به [شماره] ۲۹).

موری

۲۵

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۷۷۰۶، تبریز
مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۴۶ / اول اسفند ۱۳۲۴
وزیر خارجه، واشنگتن، محرمانه، ۲۴، ۲۰ فوریه، ۱۰ صبح

در حال حاضر در تبریز مذاکره در باب [تعیین] حوزه حکمروایی بین پیشه‌وری نخست‌وزیر آذربایجان و قاضی محمد رهبر حزب دموکرات کردستان جریان دارد و عجزاً برنامه‌هایی که برای [تشکیل] یک حکومت کرد و توسعه قلمرو آن وجود دارد در حالت تعلیق می‌باشد. کردها عملاً بر کل حوزه مرزی که مدعی [حکمروایی] بر آن نیز می‌باشند، مسلط هستند و قصد دارند رضائیه را

به جای مهاباد پایتخت قرار دهند. ولی هنوز برخورد آشکاری پیش نیامده و تشکیلات محلی آذربایجانی با رضایت کردها که منتظر نتیجه مذاکرات هستند، کماکان در رضائیه و دیگر نقاط به کار خود ادامه می دهند. کردها از پذیرش پنبه، ریاست سابق شهربانی فرقه دموکرات در تبریز به عنوان فرماندار رضائیه خودداری کردند و او به تبریز بازگشت؛ ولی بازداشت نشد (تلگراف [شماره] ۲۹ سفارت، ۱۸ فوریه)^۱.

اگرچه برنامه [تأسیس] یک حکومت موقتاً معوق مانده است ولی کردها یک پرچم اختیار کرده اند [که به صورت] وارونه پرچم ایران است و برای تشکیل یک ارتش داوطلب اقداماتی را آغاز کرده اند. اطلاعات دقیق و جزئی در دست نیست ولی تمام مخبران اتفاق نظر دارند که کردها به مراتب بیش از آذربایجانی ها مسلح هستند. برآورد می شود در مقایسه با حداکثر ۲۵۰۰۰ تفنگ آذربایجانی ها، کردها به ۱۵۰۰۰۰ تفنگ و همچنین تعدادی توپ و مسلسل مسلح هستند. (به [شماره] ۲۴ برای وزارتخانه، به [شماره] ۳۴ برای تهران؛ به [شماره] ۱۹ برای مسکو و به [شماره] ۳ برای آنکارا ارسال شد).

برای [مذاکره] در مورد امنیت شهروندان آمریکایی در منطقه کردنشین و همچنین کسب اطلاعاتی پیرامون برنامه های قاضی سه بار سعی کردم با او دیدار کنم ولی وی عملاً هر سه بار از این کار امتناع ورزید. در نظر دارم که بعد از ۲ مارس / ۱۱ اسفند که عبور و مرور از راه ها میسر می شود و در صورت موافقت روس ها، شخصاً حوزه کردها را شناسایی کنم.

روسو

وزارت خارجه، تلگراف واصله، ۹۸۲۲، تبریز
مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۴۶ / ۵ اسفند ۱۳۲۴
وزیر خارجه، واشنگتن، محرمانه، ۲۹، ۲۴ فوریه، ۱۰ صبح

در پاسخ به پرسش‌های کلنل بیکر (تلگراف سفارت، ۲۲ فوریه) در مورد
آذربایجان:

اگرچه از مخالفت شاهسون‌ها با حکومت دموکرات اطلاع در دست است ولی
در میان آنها فعالیتی نبوده است. در ماه ژانویه در منطقه قره‌داغ (که شاهسون نیست)
شورش محدودی روی داد ولی دموکرات‌ها آن را سریعاً سرکوب کرده و سرانش
را دستگیر کردند. گزارش شد که نیروهای شوروی نیز در آن حوالی بوده‌اند. از آن
حدود تحرکات دیگری گزارش نشده است.

شواهدی قطعی در دست است که شوروی‌ها فداییان دموکرات را مسلح
کرده‌اند. گذشته از این امر که برای تسلیحات دموکرات‌ها در آغاز شورش، منشاء
دیگری نمی‌توان سراغ کرد، کنسول بریتانیا بالاخره دیروز اذعان داشت که وی از
طرقی پنهان توانسته است به شماره سریال تعداد قابل توجهی از تفنگ‌های برنو
نویی که در اختیار نیروهای دموکرات قرار دارد دست پیدا کند. در پرسشی که از
قورخانه [ارتش] ایران در تهران به عمل آمد معلوم شد که شماره سریال تفنگ‌های
مزبور با [شماره سریال] تفنگ‌هایی که ارتش ایران در آغاز اشغال در ۱۹۴۱ به
ارتش شوروی فروخته است، مطابقت می‌کند. اطلاع یافتیم که ستاد ارتش ایران نیز
به شواهد مشابهی دست یافته است. (به [شماره] ۴۲ برای تهران ارسال شد. برای
وزارتخانه به [شماره] ۲۹ و برای مسکو به [شماره] —^۱ تکرار شد).

همان‌گونه که در تلگراف بعدی راجع به کردها توصیف خواهد شد، مرز میان
کردها و آذربایجان مورد مناقشه است. حدود جنوبی و شرقی حوزه تحت کنترل
دموکرات‌های کرد و آذربایجانی در امتداد محور مهاباد — میاندوآب — مراغه —

سراسکند قرار داشته، سپس در مسیر جاده تبریز - تهران تا نقطه‌ای واقع در سی مایلی غرب قزوین و از آنجا در امتداد ارتفاعاتی که به موازات خزر (مرز گیلان) به مرز شوروی در غرب آستارا می‌رسد، ادامه دارد. تمام نقاط شمالی و غربی این محور، از جمله شهرهای این محور، تحت کنترل کامل دموکرات‌ها قرار دارند. مناطق جنوب غربی محور مهاباد - سراسکند و جنوب غرب شاهراه تهران - تبریز را سرزمینی کوهستانی و کم‌جمعیت تشکیل می‌دهد. گزارش شده است که در این حوزه حائل بین دو جبهه مقابل، ذوالفقاری‌ها و افشارها هنوز درگیر رویارویی‌های پراکنده با قوای دموکرات می‌باشند. در مورد اوضاع، جز آن که گروه‌های دموکرات آستارا اخیراً تقاضا کرده‌اند که به آذربایجان ملحق شوند، اطلاعات دیگری واصل نشده است.

روسو

۲۷

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۸۲۳، تبریز

مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۴۶ / ۱۷ اسفند ۱۳۲۴

وزیر خارجه، واشنگتن، محرمانه

۳۱، ۲۶ فوریه، ۹ بعدازظهر

کنسول ترکیه در رضائیه هم‌اینک گزارش کرد که سه هفته پیش [تشکیل] «جمهوری کردستان» در مهاباد اعلان شده است. این خبر هرگز در تبریز منتشر نشد و جز پاره‌ای از شایعات غیرموثق و متناقض قبلی این اولین خبری است که در مورد این تحول منتشر می‌شود.

مرزهای شرقی [حوزه] مورد ادعای کردها در امتداد محوری قرار دارد که از Rikosnyedhb^۱ واقع در دماغه شمالی دریاچه ارومیه آغاز شده و از آن نقطه در شرق دریاچه، درست بالای گاوگان به سمت شرق پیچ می‌خورد به نحوی که مراغه

۱. شناخته نشد.

و میاندوآب را نیز دربرمی‌گیرد. عملاً کنترل دموکرات‌های کرد در جنوب از مهاباد فراتر نمی‌رود ولی از عملیاتی برای تصرف صائین قلعه نیز صحبت می‌شود. مع‌هذا مرزهای مورد ادعای جمهوری کردستان تا جنوب امتداد داشته، کرمانشاه و تمامی کردستان ایران را شامل می‌شود.

براساس منابع غیرمستقیم‌تر، قاضی محمد رئیس این جمهوری جدید، شیخ حاجی بابا نخست‌وزیر، عمرخان وزیر جنگ و رشیدبیگ، فرمانده کل ارتش آن است. (به [شماره] ۳۱ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۴۴ برای تهران، به [شماره] ۲۴ برای مسکو، به [شماره] ۴ برای آنکارا و به [شماره] ۳ برای مسکو تکرار شد).

کنسول ترکیه و دیگر منابع تأیید می‌کنند که کردها عملاً نواحی مورد ادعای خود را در آذربایجان تحت کنترل دارند ولی تشکیلات اداری آذربایجان در این نواحی هنوز تحمل می‌شود. درگیری‌ای رخ نداده است. مذاکرات پیشه‌وری و قاضی (گزارش شده در تلگراف [شماره] ۲۴، ۲۵ فوریه من)^۱ پایان گرفته و هنوز نتوانسته‌ام در مورد نتایج آن اطلاعاتی به دست آورم.

متأسفانه اطلاعات موجود در تبریز در مورد کردها ناقص، کند و اکثراً غیرموثق است. امیدوارم که در اولین فرصت ممکن اطلاعات دست اولی به دست آورم.

روسو

وزارت خارجه، تلگراف وارده،

تبریز، مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۴۶ / ۹ اسفند ۱۳۲۴

وزیر خارجه، واشنگتن، محرمانه، ۳۳، ۲۸ فوریه، ۱۱ صبح

گزارش شده است که مذاکرات قاضی محمد و پیشه‌وری با امتناع مشارالیه از شناسایی مدعیات قلمرویی کردها در سواحل شرقی دریاچه ارومیه، به شکست

کامل منجر شده است. تنش بالا گرفته و گزارش شده است که نیروهای آذربایجانی به منظور جلوگیری از تصرف احتمالی مراغه، همراه با دو تانک بدانجا اعزام شده‌اند. مراغه تنها نقطه مهمی از [حوزه مورد] ادعای [کردها] است که تحت کنترل عملی آنها قرار ندارد.

(به [شماره] ۳۳ برای وزارتخانه، به [شماره] ۴۸ برای تهران، به [شماره] ۲۶ برای مسکو، به [شماره] ۵ برای آنکارا و به [شماره] ۴ برای بغداد ارسال شد). اطلاع در دست است که شوروی‌ها به هر دو طرف گفته‌اند که مسئله را میان خودشان حل و فصل کنند.

روسو

۲۹

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۳۷۸۸، آنکارا
مورخ ۹ مارس ۱۹۴۶ / ۱۸ اسفند ۱۳۲۴
از: وابسته نظامی ایالات متحده، آنکارا، ترکیه، به: ریاست هیئت، وزارت جنگ، واشنگتن.

شماره‌های [وزارت] جنگ، شماره ۱۳۰۷۷

چند گزارش اخیر از کنسولگری آمریکا در تبریز به وزارت خارجه [آمریکا] در اشاره به احتمال تشکیل یک حکومت کرد، نقل و انتقال نیروهای کرد و شوروی. [گزارش] ذیل از ستاد کل [ارتش] ترکیه:

سازماندهی [تأسیس] آن حکومت در جریان است و اعلان رسمی آن عن قریب. تسلیح ایلات کرد ایران به صورت آشکار توسط شیخ عبدال Kafiza^۱ در ایران تسلیح کردهای ایرانی توسط شیخ مصطفی، با استفاده از افسران ارتش سرخ به‌عنوان معلم نظامی، پیش می‌رود. کردها از پوشیدن یونیفورم ارتش سرخ که بدان‌ها پیشنهاد شده است، خودداری کرده‌اند. از نقل و انتقال اخیر نیروهای کرد و

۱. شناخته نشد. زبان این گزارش که ترجمه از ترکی به انگلیسی است نیز واضح نمی‌باشد.

شوروی در این منطقه گزارش در دست نیست. برآورد تفنگ‌هایی که به کردها داده شده است از ۳۰ [هزار] تا ۱۰۰۰۰۰ فرق می‌کند. مصطفی [بارزانی] در نظر دارد در اواخر مارس یا اوائل آوریل / فروردین ۱۳۲۵ کردها را بشوراند و در ارتباط با کردهای عراق منتظر یک شورش مشترک است. از ناآرامی در میان کردهای ترکیه هیچ نشانه‌ای به چشم نمی‌خورد ولی مراقبت دقیق مرزی حکمفرماست و ترک‌ها نسبت به امکان اعزام خرابکار و مبلغ توسط چتر نجات هشیارند. در حال حاضر در مورد اقدامات مشترک امنیتی بین آنکارا و یک هیئت عراقی مذاکراتی در جریان است. تبلیغات روس‌ها در میان کردهای سوریه در حوالی حتای^۱ [اسکندرون] در حوزه کرد داغ جریان دارد.

اظهار نظر وابسته نظامی

نقل و انتقال‌های نظامی که از سوی کنسولگری آمریکا در تبریز گزارش شده می‌تواند بخشی از یک تجدید سازمان سراسری نیروها باشد بعد از تصمیم شوروی‌ها مبنی بر باقی ماندن در ایران. امکان دارد که در حمایت از هرگونه تلاش احتمالی برای انضمام مناطق کردنشین جنوب شرق ترکیه در یک دولت کرد، از کردهای مسلح ایرانی (با تکیه به پشتیبانی واحدهای ارتش شوروی) استفاده به عمل آید، هر چند که یک چنین عملیاتی با مخالفت سرسختانه [ترکیه] روبه‌رو خواهد بود و [پیشامد آن] در حال حاضر بعید به نظر می‌آید.

بدون امضاء

یادداشت: برای آگاهی وزارت خارجه ارسال شد.

محرمانه

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۴۱۳۵، آنکارا، محرمانه

مورخ ۱۱ مارس ۱۹۴۶ / ۲۰ اسفند ۱۳۲۴

۳۲، ۱۱ مارس، ۵ بعد از ظهر

پس از مخابره تلگراف [شماره] ۳۰۰ امروز ظهر، وابسته نظامی به ستاد کل [ارتش ترکیه] مراجعه و اطلاعات کنسول ترکیه در رضائیه و [کنسولگری] تبریز را در مورد نقل و انتقال نیروهای شوروی در شمال غرب ایران ارائه داد (به [شماره] ۳۰۲ برای وزارتخانه ارسال و به [شماره] ۵۴ برای لندن و به [شماره] ۳۱ برای مسکو تکرار شد). ترک‌ها از حرکت نیروهای شوروی و کردهای مسلح به طرف مرزهای ترکیه گزارش می‌دهند. علاوه بر این گزارش شده است که شوروی‌ها در امتداد جاده‌ای در نزدیکی ماکو، استحکاماتی در دست احداث دارند. گروه‌های گشت مرزی ترکیه از ملاحظه آموزش‌های فشرده [نظامی در کاربرد] تفنگ، نارنجک و مسلسل در بخش شوروی مرزهای گرجستان و ارمنستان گزارش می‌دهند.

ویلسون

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۸۸۵۷، تهران، محرمانه

مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۴۶ / ۵ اردیبهشت ۱۳۲۵

۵۸۷، ۲۵ آوریل، ۹ صبح، از روسو

یکی از رؤسای کرد در تبریز می‌گوید که هفته پیش کنسول شوروی در رضائیه به سران کرد دستور داده است که برای شرکت در جلسه‌ای با حضور مقامات شوروی راهی تبریز گردند. وی اظهار می‌دارد که در دو جلسه اول، خلاصه دستورالعمل شوروی‌ها آن بود که آنها بعد از خروج نیروهای شوروی نمی‌خواهند

گزارش‌ها ۵۱

بین کردها و آذربایجانی‌ها برخوردی پیش بیاید، برخی از حوزه‌ها کاملاً کردنشین است و برخی نیز آذربایجانی‌نشین و حوزه‌هایی بینابینی چون میاندوآب، رضائیه و خوی و سلماس نیز هست که باید در آنها یک مدیریت مشترک برپاگردد.

رئیس ایلی مزبور در ادامه افزود که در مجموع از این اظهارات شوروی‌ها راضی نبوده و احساس می‌کنند که آنها به حال خود رها شده‌اند. وی می‌گوید که آنها [شوروی‌ها] به آذربایجانی‌ها همه چیز داده‌اند تانک، توپ و مسلسل - حال آن که به کردها فقط تفنگ داده‌اند.

به [شماره] ۵۸۷ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۱۷۴ برای مسکو، به [شماره] ۱ برای آنکارا، به [شماره] ۴۳ برای بغداد، به [شماره] ۸۳ برای تبریز تکرار شد.

وارد

۳۲
(۱)

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۳۹۴، تبریز
مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۴۶ / ۶ اردیبهشت ۱۳۲۵، محرمانه، وزیر خارجه، فوری
۱۳۵، ۲۶ آوریل (قسمت اول از چهار قسمت)

شب گذشته در یک فضای کاملاً دوستانه به حضور قاضی محمد و عمرخان پذیرفته شدم. پس از رد و بدل تعارفات معمول، بلافاصله مسئله امنیت آمریکایی‌های آسوری‌نسب منطقه رضائیه را در صورت بروز یک تنش داخلی مطرح کردم. قاضی به من اطمینان داد که کردها نسبت به تمامی مسیحیان کردستان احساسات برادرانه دارند و برای محافظت از جان و مال اقلیت‌های مسیحی و به‌ویژه اتباع آمریکایی مقیم در منطقه، تمام سعی خود را به کار خواهند برد.

سپس به قاضی اظهار داشتم که کار من با ایشان تمام شده است ولی با توجه به نقصان اطلاعات در مورد تحولات جاری کردستان میل دارم در صورت موافقت او در این زمینه، به صورتی غیررسمی صحبتی داشته باشم. وی اظهار داشت که از هر پرسشی استقبال می‌کند.

۵۲ کردها و فرقه دموکرات

از او پرسیدم که نهضت کرد می خواهد چه نوع رابطه‌ای با دولت مرکزی داشته باشد. وی پاسخ داد که هدف کردها با [هدف] حکومت آذربایجان مطابقت کامل دارد؛ یعنی خودگردانی در چارچوب ملت ایران. هنگامی که از مذاکرات جاری میان کردها و آذربایجانی‌ها پرسیدم وی مدعی شد که در همان روز در تمامی جوانب توافق کامل کسب شده است.

دوهر

$\frac{۳۲}{(۲)}$

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۳۲۳، تبریز
مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۴۶ / ۶ اردیبهشت ۱۳۲۵، محرمانه. وزیر خارجه. فوری
۱۳۵، ۲۴ آوریل، ۴ بعدازظهر (بخش دوم)

سپس سعی کردم در مورد آن که آیا بین دولت مرکزی و کردها مذاکراتی در جریان است یا از سوی یکی از طرفین پیشنهاد شده است یا خیر، اطلاعاتی کسب کنم. او پاسخ داد خیر. در این مرحله وی گزارش مربوط به سفر عن قریب یک هیئت آذربایجانی را که [قرار است] تحت سرپرستی پادگان برای مذاکره با قوام راهی تهران شوند تأیید کرد. وی گفت که هیئت آذربایجانی از جانب کردها نیز مذاکره خواهد کرد؛ کردها و آذربایجانی‌ها برای تحقق خواسته‌هایشان با هم مشارکت دارند.

سپس از این پرسیدم که آیا کردهای ایران، عراق و ترکیه قصد دارند که همانند جنگ اول جهانی، بعد [از پایان جنگ] هیئتی را به کنفرانس صلح اعزام دارند. وی پاسخ داد خیر؛ به دلیل وضعیت حاکم بر ایران کردهای ایرانی با کردهای دیگر کشورها ارتباطی ندارند.

خاطرنشان ساختم که شنیده‌ام قوام بر این نظر است که مسئله کرد دشواری چندانی نخواهد داشت. وی پاسخ داد که مسئله حتی از آنچه قوام تصور می‌کند نیز ساده‌تر است؛ اگر او در اظهاراتش در مورد دموکراسی صادق باشد، مسئله هم

اینک حل است. وی افزود قوام در حال حاضر مانند یک دموکرات واقعی سخن می‌گوید و اگر هم مانند یک [دموکرات واقعی] عمل کند عناصر متنوع ملی و نژادی ایران نیز می‌توانند بدون هیچ خونریزی و با دوستی کامل با همدیگر زندگی کنند.
دوهر

$\frac{۳۲}{(۳)}$

وزارت خارجه، تلگراف وارده، - ۹۷۶۸، تبریز.
مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۴۶ / ۶ اردیبهشت ۱۳۲۵،
تاریخ وصول: ۱۱/۱۱ صبح ۲۷ [آوریل]
محرمانه، وزیر خارجه، اولویت دارد.
۱۳۵ (قسمت سوم)، ۲۶ آوریل، ۴ بعدازظهر

قاضی با اشاره بدان که مقاصد کردها مسالمت‌جویانه است و جز برای دفاع از خود برنامه نظامی‌ای ندارند، با زیرکی از پاسخ دادن به پرسش‌های مربوط به مسائل نظامی طفره رفت. از او پرسیدم که آیا افسران وی از جیب‌های آمریکایی‌ای که دیده‌ام در شهر می‌رانند راضی هستند؟ با معصومیت پرسید «کدام جیب‌ها؟» در مراحل نخست این گفت‌وگو عمرخان، وزیر جنگ [حکومت] کردستان که سر و وضعی شبیه یکی از ژنرال‌های اُپراهای کمیک داشت، ظاهراً از این مذاکرات حوصله‌اش سر رفت و اطاق را ترک گفت.

هنگامی که پا شدم بروم، قاضی اشاره کرد که بنشینم و از من پرسید چرا دولت ایالات متحده از نفوذ خود برای تبدیل دولت ایران به یک دموکراسی واقعی استفاده نمی‌کند. خاطر نشان ساختم که عدم مداخله از اصول راسخ دولت ایالات متحده است. و مسائل داخلی ایران باید صرفاً توسط خود ایرانی‌ها و بدون مداخله هر کشور بیگانه‌ای حل و فصل شود. سپس وی به نحوی شگفت‌آور چنین اظهار داشت که کردها از مداخله آمریکا استقبال خواهند کرد؛ دولت آمریکا با قدم

گذاشتن به نفع اقلیت‌های ایران بر اعتبار خود خواهد افزود. سپس وی افزود که دولت مرکزی مانع از ارتباط کردها با جهان خارج بوده است و از این پس مردم کرد می‌خواهند خود را به جهان خارج بشناسانند. (به [شماره] ۱۳۵ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۲۵ برای تهران، به [شماره] ۳۰ برای مسکو، به [شماره] ۵۱ برای لندن، به [شماره] ۳۲ برای آنکارا، به [شماره] ۲۸ برای بغداد و برای پاریس ارسال شد. دهر

۳۳

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۷۴۹، تهران
مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۴۶ / ۷ اردیبهشت ۱۳۲۵
وصول در ۱۰/۴۵ صبح، بیست و هفتم، محرمانه، وزیر خارجه

علی‌رغم مدعیات علنی سران (تلگراف [شماره] ۱۲۴ تبریز، ۲۵ آوریل)^۱ و اهمیتی که از سوی خبرنگاران جراید خارجی نسبت به تحولات کردستان نشان داده می‌شود، نخست‌وزیر قوام کماکان بر این نظر است که مسئله کردستان جزئی است و اگر مذاکرات با [حکومت] آذربایجان به نتیجه مطلوب برسد، آن نیز بدون دشواری حل و فصل خواهد شد. نه فقط تا به حال نتوانسته‌ایم از هر برنامه‌ای که احیاناً دولت ایران برای شروع مذاکره با کردها دارد، اطلاعی کسب کنیم بلکه برعکس قوام مشخصاً منکر چنین قصدی شده است. از این رو می‌توان فرض کرد که دولت ایران انتظار دارد که به محض برطرف شدن حمایت مستقیم روس‌ها و حمایت غیرمستقیم آذربایجان خودمختار، نهضت کردها نیز متلاشی شود. روس‌ها بر این باور است که احتمالاً محاسبات دولت ایران درست است، زیرا کل ساختار حکومت خودمختار کردستان تا حدود زیادی تصنعی است و صرفاً بر یک ساختار نه چندان منسجم ایلی تحمیل شده است.

۱. در این مجموعه ملاحظه نشد.

گزارش‌ها ۵۵

به [شماره] ۵۹۶ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۱۷۸ برای مسکو، به [شماره] ۴۴ برای بغداد، به [شماره] ۲ برای آنکارا و پاریس تکرار شد.

وارد

۳۴

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۸۲۹، تبریز
مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۴۶ / ۷ اردیبهشت، زمان وصول: ۲/۰۷ بعدازظهر
محرمانه، وزیر خارجه، فوری، - ۱۳۸، ۲۷ آوریل، ۷ بعدازظهر

وضعیت نظامی کردستان ایران براساس تحلیل گزارش‌های کنسول‌های بریتانیا در کرمانشاه و تبریز، اشارات کردهای [مقیم] اینجا، و گزارش‌های مسافرانی که از گیلان آمده‌اند:

مقاومت ذوالفقاری‌ها و یمین لشکر عملاً متلاشی است با توجه به فصل کشت و لزوم بازگشت هرچه سریع‌تر به کشتزارها «لشکر»‌های روستایی آنها متلاشی شده است. یمینی به Hamaiyn^۱ عقب نشسته و دموکرات‌ها به حدود ۵۰ کیلومتری شمال آن شهر تا قلعه جوق پیشروی کرده‌اند. افشارها هنوز در حوالی صائین قلعه در برابر دموکرات‌ها مقاومت می‌کنند.

در حال حاضر جبهه دموکرات‌ها تقریباً به قرار ذیل است:
به سمت شرق در امتداد محور صائین قلعه - نصیرآباد، قلعه جوق، شمال به آوه، سپس از آنجا تا نقطه‌ای واقع در خط آهن در بیست مایلی غرب تاکستان. محور کُرد در امتداد صائین قلعه Sar-T-Aziz^۲ قرار دارد.

گزارش شده است که واحدهای کوچک ژاندارم در Hirabud^۳ واقع در گیلان مستقر هستند.

۱. در حوزه میاندوآب، شناخته نشد.

۲. شناخته نشد.

۳. هرآباد خلخال؟

کمیسیون [اعزامی] دولت مرکزی برای رسیدگی به برخوردهایی که گزارش شده میان نیروهای دولتی و فداییان رخ داده، در تبریز است. گزارش شده که شوروی‌ها پادگان‌های خود را در تبریز (به استثنای پادگان توپخانه) به این کمیسیون تحویل داده که کمیسیون مزبور نیز به نوبت خود آنها را به دموکرات‌ها سپرده که فعلاً آنها را در دست دارند.

شوروی‌ها امشب به مناسبت فراخوانی ارتش سرخ از آذربایجان یک میهمانی برگزار می‌کنند.

به [شماره] ۱۳۸ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۲۸ برای تهران، به [شماره] ۸۲ برای مسکو و پاریس ارسال شد.

دوهر

۳۵

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۲۵۷۱، ساده، تبریز، بی تاریخ
زمان وصول: ۷ مه ۱۹۴۶ / ۱۷ اردیبهشت، ۵/۱۵ بعد از ظهر
وزیر خارجه، فوری، ۱۴۶، بدون تاریخ

مطلب ذیل ترجمه غیررسمی متن توافقنامه‌ای است که در ۲۳ آوریل / ۳ اردیبهشت بین حکومت ملی آذربایجان و حکومت ملی کردستان در تبریز به امضاء رسیده است:

(یک). هرگاه مصلحت دیده شود، حکومت‌های متعاهدین، نمایندگانی رد و بدل خواهند کرد.

(دو). در آن بخش از آذربایجان که اقلیت کرد دارد، کردهایی به دوایر دولتی منصوب خواهند شد و در آن بخش از کردستان که اقلیت آذربایجانی دارد، آذربایجانی‌هایی به اکثر دوایر [دولتی] منصوب خواهند شد.

(سه). برای رسیدگی به مسائل اقتصادی ملت‌های متعاهدین، یک کمیسیون مشترک اقتصادی تشکیل خواهد شد. رؤسای حکومت‌های ملی اعضاء این کمیسیون را منصوب خواهند داشت.

گزارش‌ها ۵۷

(چهار). نیروهای نظامی ملتین متعاهدین هر کجا لازم باشد به یکدیگر کمک خواهند کرد.

(پنج). تمامی مذاکرات با حکومت تهران براساس منافع مشترک حکومت‌های ملی آذربایجان و کردستان صورت خواهد گرفت.

(شش). حکومت ملی آذربایجان برای پیشرفت کاربرد زبان کردی و توسعه فرهنگ کردی در میان کردهای آذربایجان و حکومت ملی کردستان برای اقدامات مشابه نسبت به آذربایجانی‌هایی که در کردستان زندگانی می‌کنند، اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد.

(هفت). هر دو ملت متعاهدین برای تنبیه هر فرد یا گروهی از افراد که در صدد تخریب دوستی تاریخی و برادری دموکراتیک آذربایجانی‌ها و کردها برآید اقدام خواهند کرد.»

این معاهده از طرف حکومت ملی آذربایجان توسط پیشه‌وری، پادگان، جاوید و بیریا و از طرف حکومت ملی کرد توسط قاضی محمد، محمدحسین سیف قاضی، سیدعبدالله گیلانی، عمرخان از ایل شکاک، رشیدبیگ جهانگیری از ایل هرکی و زروبیگ بهادری از ایل هرکی امضاء شده است.

دوهر

یادداشت: در ۷/۳۵ بعد از ظهر، ۷ مه، توسط افسر نگهبان^۱ PEP^۲ آقای مانپور مطلع گردید.

۳۶

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۳۳۰۸، تبریز
مورخ ۷ مه ۱۹۴۶ / ۱۷ اردیبهشت، تاریخ وصول: ۱۱/۴۳ صبح، ۹ مه
محرمانه، وزیر خارجه، - ۱۵۰، ۷ مه، ۱۱ بعد از ظهر

ملاحسین و سیدعبدالله، از رؤسای کرد (تلگراف [شماره] ۱۳۴، ۲۵ آوریل

1. CWO

۲. معنای این حروف اختصار بر مترجم روشن نشد.

من). شب ۵ مه میهمان مبلغ پروتستان آسوری در محل بوده و در طول شام، نسبت به نیات دوستانه کردها در قبال آسوری‌ها اطمینان دادند. مبلغ مزبور می‌گوید که آنها آزادانه درباره مسائل سیاسی کردها به گفتگو پرداخته و نسبت به دموکراسی سبک شوروی ابراز بدبینی کردند. ملاحظه‌کننده صریحاً اظهار داشته بود که تنها کشوری که کردها می‌توانند آن را به مثابه نمونه دموکراسی تلقی، آمریکا است ولی به نظر می‌آید که آمریکا میل ندارد با توصیه یا کمک پا به عرصه بگذارد. این [اظهارات] مشابه مواضع قاضی محمد است که در تلگراف [شماره] ۱۳۵، ۲۶ آوریل^۱ خود گزارش کردم.

به [شماره] ۱۵۰ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۴۳ برای تهران و به [شماره] ۹۴ برای مسکو ارسال شد.

دوهر

۳۷

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۳۴۶۵، تبریز
مورخ ۹ مه ۱۹۴۶/۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵، ساعت ورود: ۶/۲۵ بعدازظهر
محرمانه، وزیر خارجه، ۱۵۳، ۹ مه، ۹ صبح

از گاگارین به بیکر؛ از دوهر به وزارتخانه.

از روزی که گاگارین وارد شده است (۴ مه) تلاش‌های فزاینده‌ای را به عمل آورده‌ایم که برای او اجازه مسافرت در آذربایجان را کسب کنیم. دوهر صبح روز ۴ مه از جاوید وزیر کشور دیدار کرد و او سعی کرد طی پرسش‌هایی از علت دیدار او سر درآورد. به جاوید گفته شد که این یک سفر عادی یک صاحب‌منصب دیپلماتیک در کشوری است که اعتبارنامه او را پذیرفته و به یک مقام محلی ربطی ندارد. جاوید آن‌قدر کار را لفت داد و در صدور اجازه تعلل کرد تا بالاخره با ورود گاگارین به میانه در همان شب در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفت.

صبح روز بعد سعی کردیم برای کسب جواز سفر به دیگر نقاط آذربایجان از جاوید وقت بگیریم ولی تنها بعد از ظهر او را یافتیم که در منزلش با الهامی و شبستری جلسه داشت. او با اکراه حاضر به پذیرفتن ما شد و اگرچه حاضر نشد در مورد دلایل محدود ساختن حق مسافرت یکی از اعضاء دیپلماتیک خارجی توضیح دهد، ولی به نحوی صریح تا ختم مذاکرات [جاری] در تهران، خروج گاگارین را از حوزه تبریز منع کرد، مگر بازگشت به تهران از راه میانه - زنجان. او پیشنهاد کرد که برای یک پاسخ نهایی مجدداً در ۸ مه از او دیدار کنیم. گاگارین در ۷ مه / ۱۷ اردیبهشت برای کسب اجازه سفر از طریق کردستان با قاضی محمد دیدار کرد. اجازه سفر بدون درنگ صادر شد.

صبح روز بعد گاگارین باز هم از جاوید دیدار کرد و به رغم وعده پیشین مبنی بر ارائه یک پاسخ قطعی، به او گفته شد که تا پیش از پایان گرفتن مذاکرات، نمی‌تواند به او پاسخ دهند. هنگامی که به تمایل قاضی محمد در صدور اجازه بازدید از کردستان به هر آمریکایی اشاره شد، جاوید که دستپاچه بود گفت که این موضوع را با قاضی مورد بحث قرار داده و در مورد صدور اجازه سفر به کردستان از طریق آذربایجان تصمیم خواهد گرفت.

جاوید اظهار داشت که از این به بعد حتی کنسول شوروی نیز با محدودیت‌های مشابهی روبه‌رو خواهد بود. در ۶ مه / ۱۶ اردیبهشت کنسول بریتانیا نیز در خلال یک گفت‌وگوی پر حرارت با جاوید که در نهایت به دروغگوی «خبیث» خواندن جاوید پایان گرفت، اجازه مسافرت نیافت. به [شماره] ۱۵۳ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۴۷ برای تهران، به [شماره] ۹۶ برای مسکو ارسال شد.

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۵۹۱۹ تبریز
ساده، مورخ ۱۵ مه ۱۹۴۶ / ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۵
تاریخ وصول ۱۱/۰۱ صبح، شانزدهم، وزیر خارجه، ۱۵۷، پانزدهم

به گزارش رادیو تبریز نیروهای ایرانی مستقر در صلح آباد^۱ به روستای میرخان
حمله کرده و کردها با اسیر ساختن یک سر جوخه و دو سرباز و تصرف دو قبضه
مسلسل سنگین این حمله را دفع کردند.
به [شماره] ۱۵۷ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۵۵ برای تهران، به [شماره] ۹۹
برای مسکو ارسال شد.

روسو

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۳۳۶، تهران
مورخ ۲۵ مه ۱۹۴۶ / ۴ خرداد ۱۳۲۵،
تاریخ وصول ۲/۳۲ بعد از ظهر بیست و پنجم
فوق محرمانه، وزیر خارجه، ۷۴۹، ۲۷ مه، ۱۱ صبح

از طریق یک آمریکایی که سمت رسمی ندارد از توطئه‌ای مطلع شده‌ام که
برخی از سران کرد و مالکین آذربایجان برای سرنگونی حکومت دموکرات‌ها در
آذربایجان در تهیه و تدارک آن هستند. ژنرال حسن مقدم (استاندار سابق
آذربایجان) امیر اسعد (یکی از سران ایل دهبوکری) و بزرگ ابراهیمی مالک
ثروتمند ماکو از جمله کسانی هستند که گفته می‌شود در این امر دست دارند.

این اطلاعات به درخواست مقدم و با تلویح این نکته به من منتقل شد که از حمایت آمریکا استقبال خواهد شد. البته پیغام دادم که دولت آمریکا با مسائلی داخلی از این دست هیچ‌گونه ارتباطی نمی‌تواند داشته باشد.

براساس اطلاعاتی که دارم این برنامه بسیار پر طول و تفصیل است و در آن یک شورش هماهنگ دهبوکری، هرکی، شکاک و دیگر عشایر کرد به اتفاق شاهسون‌های شمال تعبیه شده است. همکاری اهالی شهرهای عمده آذربایجان نیز مورد نظر است. در خلال این عملیات هم «جمهوری» کرد مه‌باد تسویه خواهد شد و هم تشکیلات دموکرات‌ها در تبریز. ترتیبی داده خواهد شد که در پی تصرف هر نقطه استراتژیک، نیروهای ارتش ایران در [آن نقاط] مستقر گردند.

به مخبر من اظهار شده است از آنجایی که نخست‌وزیر قوام با یک چنین برنامه‌ای همکاری نخواهد کرد، لازم است که شاه او را برکنار کند. از جمله کسانی است که برای جایگزینی او پیشنهاد شده است حکیمی است (که ممکن است خودش نیز در این توطئه دست داشته باشد) و علی منصور.

اگرچه نحوه نسبتاً مستقیم اطلاعاتی که در اختیار دارم مرا به این تصور رهنمون می‌سازد که توطئه‌ای از این دست عملاً در جریان است ولی شخصاً فکر نمی‌کنم که امید موفقیت چندانى داشته باشد. احتمال آن که پیش از فرارسیدن زمان عمل لو برود بسیار است و اگر هم یک چنین اتفاقی نیافتد تصور نمی‌کنم این گروه‌های درگیر که از تجربه یک همکاری پیشین با یکدیگر یا اصولاً با هرکس دیگر، تجربه چندانى ندارند، بتوانند از عهده یک چنین برنامه پیچیده‌ای برآیند. [سالار سعید] سنندجی یکی از اعضای مهم این گروه اخیراً به دستور قوام بازداشت شده است ولی همراهان او فکر نمی‌کنند که این امر به معنای آن باشد که قوام از برنامه آنها مطلع شده است. به هر حال این گزارش از آن جهت اهمیت دارد که مبین افزایش فزاینده تنش سیاسی است و بیانگر نگرانی فزاینده در محافل معتدل و راستگرا که احتمالاً برای جلوگیری از پیروزی کامل چپ به اقدامی اساسی نیاز است.

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۶۹۵۰، تبریز
مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۴۶ / ۲۹ خرداد ۱۳۲۵، تاریخ وصول ۹/۲۲ صبح، بیستم
محرمانه، وزیر خارجه، فوری، - ۱۹۷، ۱۹ ژوئن، ۱۱ صبح

واکنش اولیه مخالفان دموکرات‌ها نسبت به توافق‌نامه‌ی اخیر بین آذربایجان و دولت مرکزی یک احساس آسودگی بود. یک رشته مخالفت‌های علنی و ناآرامی‌های حاصل از آن نیز به صورتی محدود بروز کرد و در نتیجه در هفته گذشته آشوب‌های کوچک و پراکنده‌ای در Suan^۱ رخداد.

ولی منابع آگاه این توافق‌نامه را از همان بدو کار مشکوک تلقی کرده و اینک نیز این احساس، به‌ویژه بعد از سخنرانی روز دوشنبه پیشه‌وری (تلگراف [شماره] ۱۹۶، ۱۸ ژوئن من)، جنبه‌ای عمومی یافته است.

شناسایی صرفاً صوری اقتدار [دولت مرکزی] تنها دستاورد دولت مرکزی از این توافق‌نامه بود. به هیچ‌وجه کنترل بر استان ندارد. در واقع هیچ‌چیز عوض نشده است. در اینجا هنوز همان افراد (دموکرات‌ها) در رأس قدرت قرار دارند، ارتش آذربایجان هنوز در اینجا کنترل می‌شود و هیچ نشانه‌ای دال بر کاهش تعداد کارمندان شوروی در تشکیلات لشکری و کشوری [حکومت] آذربایجان مشاهده نمی‌شود. حتی براساس وعده‌ای که [مظفر] فیروز داده، جدایی خمسه از آذربایجان نیز منتفی شده است.

در شرایط فعلی و اگر اقداماتی اساسی صورت نگیرد، امکان برگزاری انتخابات به شیوه‌ای که به حداقلی از صحت نیز نزدیک شود، به هیچ‌وجه متصور نیست. دموکرات‌ها از آنچنان سازماندهی و حضور منسجمی برخوردار هستند که می‌توانند هر اندازه که بخواهند ارباب کنند. به‌علاوه برگزاری انتخابات و شمارش آراء در اختیار خودشان است و از تشکیلات مخالفی که در مقام رویارویی با آنها برآید کوچکترین نشانه‌ای به چشم نمی‌خورد. در یک چنین

۱. شاید منظور سیوان اشنویه باشد.

گزارش‌ها ۶۳

وضعیتی هر انتخاباتی که برگزار شود جز یک مضحکه مطلق چیز دیگری نخواهد بود.

دهقان‌های بی‌سواد حوزه‌های داخلی [آذربایجان] را که اخیراً زمین‌هایی نیز دریافت کرده‌اند، می‌توان اساسی‌ترین گروهی به‌شمار آورد که به‌نحوی خودجوش از دموکرات‌ها حمایت خواهند کرد. بنا به گزارش‌های واصله اخیراً روستاییان در ابراز نارضایی از امکان مراجعت مالکان یا ژاندارم‌ها، رشته تظاهرات شدیدی برپا داشته‌اند.

با توجه به آن که در توافق‌نامه [تهران - تبریز] جز اشاره‌ای گذرا، توجهی به کردها نشده، نارضایی شدید آنها از آذربایجانی‌ها کماکان ادامه دارد. کردها احساس می‌کنند که آذربایجانی‌ها نتوانسته‌اند به‌گونه‌ای که توافق شده بود، منافع آنها را نمایندگی کنند. و از تبدیل به یک اقلیت در دل یک اقلیت دیگر ناراحت هستند. این نارضایی اگر به صورتی مناسب مورد بهره‌برداری قرار گیرد می‌تواند به نفع دولت مرکزی تمام شود. ولی اخیراً از حمله نیروهای دولتی به کردها در حوزه سقز، گزارش‌هایی رسیده که هنوز تأیید نشده است.

به [شماره] ۱۹۷ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۸۹ برای تهران، به [شماره] ۱۲۵ برای مسکو ارسال شد.

روسو

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۵۲۱، تهران
مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۶ / ۵ تیر ۱۳۲۵، تاریخ وصول ۱۱/۱۶ صبح بیست‌وهفتم
محرمانه، وزیر خارجه، ۹۰۳، ۲۶ ژوئن، ۵ بعدازظهر

امروز صبح رهبر کرد قاضی محمد با هواپیما از تبریز وارد تهران شد. از گزارش‌های مربوط به اظهارات وی به نمایندگان دولت مرکزی در بدو ورود، چنین به نظر می‌آید که وی برای مذاکره درباره توافق‌نامه‌ای مجزا از توافق‌نامه‌ای که

اخيراً بين دولت مرکزی و آذربایجان به امضاء رسیده است، بدینجا آمده است. مظفر فیروز تا شروع مذاکرات رسمی از هرگونه تلاشی برای تماس دیگران با او جلوگیری می‌کند.

الن

۴۲

وزارت خارجه، تلگراف وارده،

۹۱۹۵، تبریز مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۶ / ۵ تیر ۱۳۲۵

تاریخ وصول ۴/۱۵ بعدازظهر، محرمانه، وزیر خارجه، فوری

۲۰۴، ۲۶ ژوئن، ۲ بعدازظهر

منابع محلی کرد گزارش رادیو دهلی را مبنی بر بروز ناآرامی‌های جدی و جدید در سقز را تأیید می‌کنند. مخبر [کنسولگری] اظهار می‌دارد که در نامه‌ای که اخیراً از مهاباد رسیده از بسیج تفنگچیان کرد توسط رؤسای عشایر، تحت هدایت ملامصطفی بارزانی و حمه رشید، یاغی کرد عراقی، سخن به میان آمده است. گزارش شده که واحدهای ارتش ایران در سقز توسط یک نیروی عمده‌کرد تحت محاصره قرار گرفته و در معرض خطر انهدام قرار دارند.

قاضی محمد علناً اظهار داشته که به کنترل کردهای شمال ایران قادر نیست، هر چند که منابع بر این باورند که وی به‌نحوی فعال به ملامصطفی کمک می‌کند. گزارش شده است که در بین نیروهایی که [واحدهای ارتش را در سقز] تحت محاصره دارند، چهار تا شش هزار کرد عراقی نیز وجود دارند. با ورود دستیار قاضی محمد به [تبریز] مقرر کردها در آنجا که در نزدیکی کنسولگری آمریکا قرار دارد، به کانون جنب و جوش بدل شده است.

گزارش‌های مسافران و شایعاتی مربوط به بسیج و نقل و انتقالات نظامی کردها در استان چهارم، از یک حرکت گسترده‌کردها بر ضد ارتش دولت مرکزی یا احیاناً یک نمایش قدرت برای اخذ امتیازهایی از تهران حکایت دارند؛

گزارش‌ها ۶۵

[امتیازاتی] مشابه آنچه به آذربایجان اعطاء شد، از جمله جدایی کردهای شمال ایران از آذربایجان.

به [شماره] ۲۰۴ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۹۵ برای تهران، به [شماره] ۱۳۰ برای مسکو ارسال شد.

دوهر

۴۳

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۹۹۰۲، تبریز
مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۴۶ / ۷ تیر ۱۳۲۵، تاریخ وصول ۱۰/۲۳ صبح بیست‌وهشتم
محرمانه، وزیر خارجه. ۲۰۶، ۲۸ ژوئن، ۲ بعدازظهر

بسیج کردها در سراسر استان چهارم کماکان ادامه دارد. کنسول عراق در اینجا گزارش‌های موثقی در دست دارد که از آن حکایت دارند که تا به حال حداقل ۲۰۰۰۰ تفنگچی بسیج شده‌اند. ارتش [حکومت] آذربایجان قوایی تقویتی به رضائیه اعزام داشته است.

بسیج نیرو و تحرکات نظامی کردها، قطعاً بخشی از تلاش‌های قاضی محمدرضا تشکیل می‌دهد برای واداشتن قوام به موافقت با یک حکومت محلی مجزا برای کردهای آذربایجان. دموکرات‌ها به‌نحوی جدی نگران این وضع هستند زیرا تفکیک قلمرو کردهای شمال از آذربایجان بر نتایج انتخابات مجلس تأثیری مستقیم داشته و بر اعتبار آنها در دیگر عرصه‌ها نیز ضربه‌ای اساسی وارد خواهد کرد.

به [شماره] ۲۰۶ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۹۷ برای تهران و به [شماره] ۱۳۱ برای مسکو ارسال شد.

دوهر

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۴۸۱، تهران
مورخ ۲ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۱۱ تیر ۱۳۲۵، تاریخ وصول: ۹/۵۴ صبح، دوم
محرمانه، وزیر خارجه، ۹۲۲، ۲ ژوئیه، ۹ صبح

یک افسر ستاد کل [ارتش] ایران می‌گوید که کردهای منطقه سقز (تلگراف [شماره] ۱۹۵ تبریز به وزارتخانه، ۲۶ ژوئن)^۱ عقب می‌نشینند و اوضاع به‌طور قطع رو به آرامش دارد. وی اظهار می‌دارد که دولت ایران به کرات از بابت مشارکت کردهای عراق در زد و خوردهای آنجا به دولت عراق مراجعه کرده و بالاخره اینک دولت عراق واحدهای نظامی و ژاندارمری مستقر در معابر مرزهای ایران و عراق را تقویت کرده است. وی معتقد است که از این پس وضعیت [آن حدود] تحت نظارت بهتری قرار خواهد گرفت. در مجموع پاره‌ای از دیگر منابع نسبتاً موثق مؤید اطلاعات فوق‌الذکر می‌باشند.

به [شماره] ۹۲۲ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۴ برای آنکارا، به [شماره] ۵۳ برای بغداد، به [شماره] ۱۰۹ برای تبریز تکرار شد.

الن

وزارت خارجه، تلگراف وارده، ۱۰۱۵، تبریز
مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۱۲ تیر ۱۳۲۵، تاریخ وصول ۲/۱۲ بعدازظهر
محرمانه، وزیر خارجه، ۲۱۰، ۳ ژوئیه، ۳ بعدازظهر

رئیس کلیسای آسوری که اخیراً از رضائیه آمده است گزارش مربوط به عقب‌نشینی کردها را از سقز تأیید می‌کند (تلگراف سفارت [آمریکا] در تهران،

۱. احتمالاً منظور سند ۴۲ به شماره ۹۱۹۵ است و نه ۱۹۵.

[شماره] ۹۲۲، ۲ ژوئیه^۱. رؤسای عشایر کرد به او گفته‌اند که در طول مذاکرات جاری قاضی محمد با قوام، ترک منخاصمه خواهد بود ولی به نتیجه نرسیدن [مذاکرات جاری] به معنای شروع یک تعرضی گسترده از جانب کردها خواهد بود. مخبر مزبور مدعی است که کردهایی که اخیراً وارد ارومیه شده‌اند به زبان‌های انگلیسی و فرانسه مسلط هستند و از مجهز بودن نیروهایشان به واحدهای ضد هوایی و توپخانه سبک لاف می‌زنند.

لطفعلی طباطبایی شهردار سابق تبریز که در حال حاضر در شعبه محلی اداره دارایی خدمت می‌کند اظهار می‌دارد که به دلیل اقدام یکی از مقامات عالی‌رتبه [حکومت] آذربایجان در افشاء حیف و میل‌های صورت گرفته در دارایی‌های عمومی، تنش‌هایی میان دموکرات‌ها بروز کرده است. طباطبایی همچنین از کنسولگری [آمریکا] تقاضا کرد که به دولت آمریکا اطلاع دهد که مردم تبریز - که وی احساس می‌کند از جانب آنها سخن می‌گوید - برای همیشه از ایالات متحده که شوروی را وادار کرد یوغ چیرگی خود را از ایران بردارد، ممنون خواهد بود. به [شماره] ۲۱۰ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۲۰۳ برای تهران، به [شماره] ۱۳۵ برای مسکو، به [شماره] ۴۰ برای آنکارا، به [شماره] ۳۴ برای بغداد تکرار شد.

دوهر

وزارت خارجه، تلگراف وارده، -

۳۳۵۳، تهران، مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۲۰ تیر ۱۳۲۵

تاریخ وصول ۱/۳۶ بعدازظهر، محرمانه، وزیر خارجه

۹۷۳، ۱۱ ژوئیه، ۱۱ صبح، ر.ک. تلگراف [شماره] ۹۰۲ سفارت، ۲۶ ژوئن

قاضی محمد در نهم [ژوئیه] / ۱۸ تیر به تبریز مراجعت کرد. گزارش شده که مذاکرات او با دولت مرکزی به هیچ نتیجه مشخصی نرسیده است و از سوی [دولت مرکزی] به او گفته شده است که یک استان مجزا برای کردهای شمال در کار نخواهد بود مگر آن که قاضی بتواند موافقت مقامات آذربایجان را کسب کند. مع هذا ممکن است که مذاکرات بعدها مجدداً از سر گرفته شود.

الن

وزارت خارجه، تلگراف وارده، تبریز، مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۲۴ تیر ۱۳۲۵

تاریخ وصول ۳/۴۴ بعدازظهر، شانزدهم، محرمانه، وزیر خارجه

۲۱۸، ۱۵ ژوئیه، ظهر

رفیعی که اخیراً به فرمانداری رضائیه منصوب شده است دیروز به یکی از اعضای تشکیلات کنسولگری اظهار داشت که اختلافات کردها و آذربایجانی‌ها جدی است ولی او بر این باور است که کردها تا پیش از آزمودن تمام راه‌های موجود برای دستیابی به یک حکومت محلی مجزا، به زور متوسل نخواهند شد. رفیعی اظهار داشت که وی عن‌قرب راهی رضائیه خواهد شد و در آنجا برای حصول به یک توافق‌نامه مجزا با سران مختلف عشایر [کرد] از جمله عمرخان وارد مذاکره خواهد شد. برای دموکرات‌ها که تا پیش از این از طریق قاضی محمد

به امور مربوط به کردها رسیدگی می‌کردند. این یک استراتژی جدید محسوب می‌شود.

مترجم کنسولگری که امر صدور مجوز برای سفر [آنگوس] وارد مقام کنسولی سفارت، به مهاباد را پیگیری می‌کرد، به دفتر استاندار جاوید فرا خوانده شد. جاوید در مورد اعتبار تضمین [حکومت] آذربایجان در قلمرو کردها با قاضی مذاکره می‌کرد. قاضی در حضور جاوید به مترجم [کنسولگری] اظهار داشت که آذربایجانی‌ها تا جنوب، تا رضائیه مسئول امنیت گروه وارد خواهند بود. ولی کردها برای مسیر رضائیه - مهاباد «منطقه‌ای که در حوزه حکمروایی مقرر دارد» اقدام خواهند کرد. البته جاوید در این گفته قاضی چون و چرایی نکرد ولی اندکی بعد توصیه کرد که این سفر از طریق میاندوآب در بخش شرقی دریاچه رضائیه صورت بگیرد زیرا «جاده رضائیه به مهاباد خوب نیست» به گفته مترجم کنسولگری بین استاندار و قاضی سردی مشخصی محسوس بود. متعاقباً جاوید یک ضمانت‌نامه مکتوب برای گروه وارد صادر کرد و قاضی نیز ترتیبی داد که یک راهنما آنها را تا مهاباد همراهی کند. رویکرد دوستانه رهبرگرد نسبت به ایالات متحده به نحوی مشخص تر از پیش مشهود است و با ترتیبی که برای محدود شدن این سفر به یک امر کاملاً غیررسمی داده است، سعی کرد که وضعیت نامطلوبی پیش نیاید.

به [شماره] ۲۱۵ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۲۱۶ برای تهران، به [شماره] ۱۴۲ برای مسکو، به [شماره] ۴۱ برای آنکارا، به [شماره] ۳۵ برای بغداد تکرار شد.

وزارت خارجه، تلگراف وارده، تبریز، مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۲۵ تیر ۱۳۲۵
تاریخ وصول ۱/۱۰ بعد از ظهر، محرمانه، وزیر خارجه
۲۲۰، ۱۶ ژوئیه ۱۱ صبح، [ر.ک.] تلگراف [شماره] ۲۱۸، ۱۵ ژوئیه من^۱

ملاحظات و مذاکرات وارد در خلال دیدار از رضائیه، به نظر می آید که مؤید
گفته‌های رفیعی در مورد حساس بودن وضعیت کردها در آن منطقه باشد. در حال
حاضر کردها بر کل مناطق غرب شاهراه خوی - شاپور (دیلمان) - رضائیه مسلط
هستند و هر روز دموکرات‌ها را از روستاها بیرون می‌کنند. به نظر می‌رسد که به
استثنای خود شهر رضائیه، تمامی بخش غربی دریاچه ارومیه را در تصرف خود
دارند.

تا حدود ده مایل شمال شاهراه رضائیه انواع وسایل نقلیه به حمل و نقل تعداد
زیادی از کردها به سمت ارتفاعاتی اشتغال داشتند که در دست کردها می‌باشند.
منابع مطلع محلی بر این باورند که کردها قصد دارند از طرق صلح‌آمیز یا به زور هم
که شده باشد شهر رضائیه را که تنها مرکز خرید و فروش آنها نیز می‌باشد، تصرف
کرده و آن را پایتخت کردستان شمال قرار دهند.

به [شماره] ۲۲۰ برای وزارتخانه، به [شماره] ۲۲۱ برای تهران، به [شماره]
۱۴۳ برای مسکو، به [شماره] ۴۲ برای آنکارا، به [شماره] ۳۶ برای بغداد ارسال
شد.

دوهر

وزارت خارجه، تلگراف واصله. تهران، مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۴۶ / ۳ مرداد ۱۳۲۵
تاریخ وصول ۴/۴۰ صبح بیست و هفتم، محرمانه، وزیر خارجه
۱۰۲۲، ۲۵ ژوئیه، ۲ بعدازظهر

تصرف خوی از سوی نیروهای کرد که به گزارش کنسول آمریکا در تبریز، در
۱۸ ژوئیه / ۲۸ تیر رخداده بود، روز بعد و پس از بررسی شخصی گاگارین و
کنسول بریتانیا، تکذیب گردید. براساس گزارش‌های بعدی [یکی از] اهالی خوی
به کنسول آمریکا در تبریز، هفته گذشته ۳۰۰ ایلیاتی شکاک وارد خوی شده و
خواستار آن شدند که نیمی از ادارات بدان‌ها واگذار گردد. ولی هنگامی که نیرویی
متشکل از ۸۰۰ نفر فدایی برای تقویت [نیروهای موجود] به خوی اعزام گردید،
گزارش شده است که شکاک‌ها به ارتفاعات اطراف عقب نشستند. کل این واقعه
بدون خونریزی گذشت.

به [شماره] ۱۰۲۲ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۶ برای آنکارا به [شماره]
۶۹ برای بغداد تکرار شد.

موری

وزارت خارجه، تلگراف وارده، مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۴۶ / ۲۱ شهریور ۱۳۲۵
تاریخ وصول ۲/۳۴، بعدازظهر دوازدهم، محرمانه، وزیر خارجه، اولویت
۲۴۶، ۱۲ سپتامبر، ظهر

یکی از مخبران که تا به حال موثق بوده است، همین الان از رضائیه رسید.
گزارش می‌دهد که یک واحد کوچک از نیروهای ملبس به یونیفورم ارتش
جمهوری کرد، برای استقرار به صورت یک پادگان دائمی وارد آن شهر شده است.

آنها در کاروانسرای که در طول دوره اشغال شوروی پادگان [ارتش دولت] مرکزی بود، اقامت گزیده‌اند.

وی همچنین گزارش می‌دهد که در جاده رضائیه به خوی تنها یک ایستگاه بازرسی آذربایجان هست که آن نیز تحت نظارت مقامات کرد قرار دارد. روزولت و ^۱ در خلال سفر خود به کوهستان ^۲ این گزارش را بررسی خواهند کرد. به [شماره] ۳۲۲ برای تهران ارسال، به [شماره] ۲۴۶ برای وزارتخانه، به [شماره] ۱۵۵ برای مسکو تکرار شد.

دوهر

وزارت خارجه، تلگراف وارده،

تبریز، مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۶ / ۲۳ شهریور ۱۳۲۵

تاریخ وصول ۹/۱۰ بعدازظهر، چهاردهم، محرمانه، وزیر خارجه

۲۴۸، ۱۴ سپتامبر، ۳ بعدازظهر

دو منبع خوب دیگر نیز [گزارش مربوط] به ورود واحد ملبس به یونیفورم ارتش کردستان به رضائیه را که با مخالفتی روبه‌رو نشد، تأیید کرده‌اند. به گزارش یکی از مخبرین از آن پس مقر ارتش کردستان در آن شهر خواهد بود و کردها سربازگیری از میان جوانان شهر را برای خدمت نظام وظیفه آغاز کرده‌اند. ^۳ آذر ژنرال ارتش آذربایجان بیش از سه هفته است که در تبریز به سر می‌برد و باور عمومی بر آن است که وی به رضائیه مراجعت نخواهد کرد. کسانی که اخیراً از مهاباد وارد شده‌اند گزارش می‌دهند که دولت عراق، «تعقیب» بارزانی‌ها را تشدید کرده و تعداد زیادی از خانوارهای آن ایل از مرز گذشته و به ایران آمده‌اند. کنسول بریتانیا می‌گوید بارزانی‌ها در منطقه اشنویه مستقر شده‌اند.

۲. Kuhistan : باید کردستان باشد.

۱. Moomaw . شناخته نشد.

۳. در اصل: Azari

گزارش‌ها ۷۳

به [شماره] ۲۴۸ برای وزارتخانه، به [شماره] ۳۲۷ برای تهران، به [شماره] ۱۵۷ برای مسکو، به [شماره] ۳۷ برای بغداد ارسال شد.

دوهر

۵۲

وزارت خارجه، تلگراف وارده، تبریز، مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۶ / اول مهر ۱۳۲۵ تاریخ وصول ۲/۰۰ صبح، بیست و ششم، محرمانه، وزیر خارجه، اولویت ۲۳، ۲۵۰ سپتامبر، ظهر

یکی از روحانیون آسوری مرتبط با میسیون آمریکایی اظهار می‌دارد که خبر موثق دارد، کردها بدون رویارویی با مقاومتی، حداقل نیمی از ادارات دولتی رضائیه را در دست گرفته‌اند. یکی از دیگر منابع که وی در مورد وثوق آن مطمئن نیست، اظهار داشته که نیروهای فرم ارتش کردستان پادگان‌های ارتش [حکومت] آذربایجان را در آن شهر تصرف کرده‌اند. این گزارش می‌تواند صورت مغشوشی از تحرکات [پیشین] کردها باشد که در گزارش [شماره] ۲۶۴، ۱۲ سپتامبر خود بدان اشاره کردم.^۱

منابع حکومتی آذربایجان گزارش کرده‌اند که کردها در میاندوآب، به نحوی غیررسمی پیشنهاد کرده‌اند که تصفیه‌خانه شکر آن شهر بدان‌ها واگذار گردد. به [شماره] ۲۵ برای وزارتخانه، به [شماره] ۳۳۳ برای تهران، به [شماره] ۱۵۸ برای مسکو ارسال شد.

دوهر

یادداشت: در مخابره پیغام تأخیر حاصل شد.

۵۳
(۱)

خدمات خارجی ایالات متحده آمریکا
تهران، ایران، ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ / ۲۳ مهر ۱۳۲۵
شخصی و محرمانه، لوی [هندرسون] عزیز

به پیوست یک نسخه از نامه مورخ ۴ اکتبر ۱۹۴۶ / ۱۲ مهر ۱۳۲۵ کنسولیار
دوهر در تبریز را ارسال می‌دارم. [او در این نامه] نحوه رسیدگی‌اش به واقعه شاپور
را که در تلگراف شماره ۱۳۲۷، مورخ ۷ اکتبر ۱۹۴۶ شرح آن گذشت توصیف
کرده، در ضمن در مورد مسائل سیاسی حوزه کنسولی خود نیز نکات
جالب توجهی را خاطر نشان کرده است. یک نسخه از نامه‌ای که در پاسخ [ارسال
داشته‌ام] نیز ضمیمه است.

با احترام
جرج آلن

پیوست‌ها:

نامه‌ای از جی. اف. پی. دوهر، مورخ ۴ اکتبر ۱۹۴۶، فوق‌الذکر.
نامه‌ای به جی. اف. پی. دوهر مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶، فوق‌الذکر.
[به] لوی هندرسون، مدیر اداره امور شرق نزدیک و آفریقا وزارت خارجه،
واشنگتن.

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران.

۴ اکتبر ۱۹۴۶ / ۱۲ مهر ۱۳۲۵

محرم‌انه، حضرت اجل جرج وی. آلن، سفیر آمریکا، تهران، ایران

آقای سفیر عزیز. نکاتی چند در توضیح نحوه رسیدگی‌ام به واقعه شاپور. مطمئن هستم که دانشیان بنا به حکم هاشموف از من خواست که به تبریز مراجعت کنم. اینگونه مداخلات شوروی‌ها باید آشکار شود از این‌رو رشته تلگراف‌هایی را به صورت باز و غیر رمز برای سفارت ارسال داشتم. همه می‌دانند که سرکنسول شوروی در تبریز از تمام تلگراف‌هایی که مخابره می‌شود، یک نسخه دریافت می‌دارد. از این‌رو در دو فقره از این تلگراف‌های باز نام هاشموف را ذکر کردم که کراسنیک سرکنسول [شوروی] متوجه شود که امربر او را شناسایی کرده و حاضر مداخله او را آشکار سازم. حالا کراسنیک باید تصمیم بگیرد که یا دموکرات‌ها را وادار کند که مرا تا جایی که می‌توانند از طریق سخت‌تر کردن محدودیت‌های تردد و یا حتی با مداخله در [مخابرات] تلگرافی‌ام، منکوب کرده و یا از دموکرات‌ها بخواهند از موضعی که دانشیان اتخاذ کرد عقب‌نشینی کنند. تقریباً مطمئن هستم که رویکردم در قبال دانشیان و دیگر مقامات آذربایجانی با سست‌تر شدن محدودیت‌ها، منجر به نتیجه خواهد شد؛ اگرچه امیدی ندارم که دانشیان شخصاً عذرخواهی کند. چنین اقدامی به معنای یک تغییر اساسی از موضع خصمانه و مستقلی است که در آغاز در شاپور اتخاذ کرد و احتمالاً به معنای آن خواهد بود که هاشموف بعد از مراجعت به تبریز با وضعیت ناگواری روبه‌رو خواهد شد.

باید اعتراف کنم که دانشیان در میان دموکرات‌ها تنها چهره‌ای است که شخصاً به دل من نشسته است. به‌رغم کاستی‌های آشکار وی که در یکی از تلگراف‌های قبلی خود بدان‌ها اشاره کرده‌ام. او از یک حس طنز خیلی خوب برخوردار است؛ نسبت به تعارفات معمولی در چانه‌زنی‌های ایرانیان که انجام هر کاری را فوق‌العاده

دشوار می‌سازد، بی‌اعتنا است و در رفتارش دوز و کلک ندارد؛ دوز و کلکی که به‌نظر وجه مشخصه اصلی دموکراسی آذربایجان می‌باشد. به‌نظر می‌آید که پس از آن که در اوایل تابستان از نظر افتاد اینک بار دیگر [به نیروی] مؤثری در سیاست دموکرات‌ها تبدیل شده است. احتمالاً وی در حال حاضر بعد از پیشه‌وری نفر دوم است. وی تنها دموکراتی است که می‌تواند در صورت برکناری پیشه‌وری از قدرت با موفقیت جای او را پر کند.

وضعیت غرب آذربایجان کماکان نامشخص است. ولی بر این اعتقادم، که این آخرین باری است که دموکرات‌ها، به جلب رضایت کردها مبادرت کرده‌اند، هرگونه دست‌اندازی بعدی از جانب آنها - [کردها] - با توسل به زور پاسخ داده خواهد شد. تصور می‌کنم حالا که دموکرات‌ها و کردها توافق کرده‌اند که [عواید] را نصف کنند، بحران بعدی میان آنها بر سر تقسیم عواید چهار شهر عمده بروز خواهد کرد. من مطمئن هستم هنگامی که این شکاف پدید آید کار به خونریزی خواهد کشید.

از موقعی که به تبریز آمده‌ام کل کارمندان سر کنسولگری بریتانیا تغییر کرده‌اند. دبلیو میچل کارس^۱ سر کنسول جدید از عوامل سیاسی سابق [در] جنوب ایران است. به زبان‌های فارسی، روسی، فرانسه، آلمانی و اسپانیولی صحبت می‌کند. در نیویورک، فیلادلفیا، تیریف، لواندا، لورنسو مارکز، مادرید و بارسلون و برخی دیگر پست‌ها خدمت کرده است. آخرین مأموریت او، مستشاری سیاسی هیئت نظامی بریتانیا در مجارستان بوده است. نایب کنسول پری^۲ سروان سابق ناوگان تجارتهای بریتانیا است. او در مورمانسک، بوینس آیرس و سنگاپور، مأموریت‌های بندری مختلفی را برعهده داشته است. متولد کیف است به زبان روسی کاملاً مسلط می‌باشد. به‌نظر می‌آید که بریتانیایی‌ها برای این پست - [کنسولگری بریتانیا در تبریز] - از لحاظ خدمه، اولویت خاصی قائل هستند. با این حال کنسولگری آمریکا از لحاظ کارکنان محلی افراد قابل‌تری در اختیار دارد و کارس از نقطه‌نظر کسب اطلاعات تا حدود زیادی به من وابسته شده است.

1. W. Mitchel Carse

2. Perry

گزارش‌ها ۷۷

در ضمن سر کنسولگری بریتانیا اینک یک دستگاه کامل فرستنده و گیرنده در اختیار دارد. بد نیست لزوم فراهم‌آوری تسهیلاتی مشابه برای کنسولگری خودمان نیز در نظر گرفته شود.

با احترام

جرالد اف. پی. دوه‌ر

کنسولیار آمریکا

۵۴
(۱)

خدمات خارجی ایالات متحده آمریکا

سفارت آمریکا، تهران، ایران، ۱۴ اکتبر ۱۹۴۶

محرمانه، شماره ۱۷۸

موضوع: ارسال گزارش کنسولگری آمریکا در تبریز در مورد کردهای غرب آذربایجان

حضرت اجل وزیر خارجه، واشنگتن.

سفیر افتخار دارد نسخه‌ای از نامه مورخ ۱۱ اکتبر جرالد اف. پی. دوه‌ر

کنسولیار تبریز را که متضمن یک گزارش دقیق از ملاحظات او پیرامون وضعیت

کردهای آذربایجان غربی است، پیوست کند.

[...]

$\frac{54}{(2)}$

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران

۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ / ۱۹ مهر ۱۳۲۵

محرمانه. حضرت اجل جرج وی، الن، سفیر آمریکا، تهران ایران

آقای سفیر عزیز. افتخار دارم به عرض برسانم که به رغم تلاش‌های پیگیر مقامات کنسولی شوروی و مقامات محلی آذربایجان در رضائیه و شاپور در ممانعت از آن که در طول سفرم به رضائیه در ۹ و ۱۰ اکتبر از دیگر منابع اطلاعاتی کسب کنم، با کمک کنسول ترکیه در رضائیه و رئیس ایل کرد منگور، داده‌های ذیل فراهم شد:

۱. نایب کنسول هاشموف و معاون [او] علی اکبروف، مقامات کنسولی شوروی در رضائیه به نحوی آشکار در امور داخلی ایران در سراسر غرب دریاچه ارومیه دخالت می‌کنند. مقامات مزبور که در خلال دیدار رسمی صبح دیروز من از آنها اندکی سرمست شده بودند، در حضور مترجم من، اذعان داشتند که دولت شوروی از نفوذ خود در آن منطقه برای حصول توافق میان حکومت ملی کردها و حکومت آذربایجان استفاده می‌کند. یکی از نمایندگان عمرخان در شاپور که دیروز مرا در طول سفر از آن شهر به خوی همراهی کرد، به من گفت که چهار روز پیش فرماندار رفیعی و هاشموف در زیمدشت - روستای مقرر عمرخان - به دیدار او شتافته و از وی خواستند توافق‌نامه‌ای را که چهار روز پیش در حضور نماینده شوروی بین زروبیگ و دانشیان امضا شده است تأیید کند. عمرخان این درخواست را صریحاً رد کرد و اظهار داشته بود که زروبیگ نماینده مردم کرد نیست و از نظر او این توافق‌نامه، جز یک «عمل خائنه» از سوی زروبیگ روس پرست، چیز دیگری نیست.

۲. مقامات شوروی اینک نسبت به «تعاملات» قاضی محمد با مقامات آمریکایی بسیار مشکوک هستند. تمام گزارش‌ها از این حکایت دارند شوروی‌ها حمایت خود را از قاضی محمد پس کشیده، و متوجه زروبیگ شده است.

مع‌هذا شخص اخیرالذکر [زرویگ] نیز به‌نظر می‌آید هر روز در معرض این خطر قرار دارد از سوی کردهای ضد کمونیستی که او را خائن به ملت خود تلقی‌اش می‌کنند، هدف سوء‌قصد قرار گیرد. تنها مداخله هاشموف باعث شد که سه هفته پیش یکی از رهبران جزء کردهای منطقه رضائیه به مقر زرویگ یورش نبرد.

۳. شوروی‌ها در مباحثات خود با کردها از امکان بازگشت ارتش سرخ به آذربایجان سخن می‌گویند. آن رئیس منگور که پیشتر به او اشاره شد، می‌گوید اگر قوام بار دیگر پرونده ایران را در شورای امنیت مطرح کند، کردهای فراوانی حاضر خواهند بود در مورد این تهدید، شهادت بدهند.

۴. در توافق‌نامه‌ای که هفته پیش بین حکومت ملی کرد و آذربایجان به امضاء رسید، مقرر شد که [آذربایجان] سالی ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال بابت خدمات کردها در «حفظ آرامش آذربایجان غربی» پردازند. از لحاظ صوری اداره شهر در اختیار مقامات آذربایجان باقی می‌ماند ولی نمایندگانی از جانب کردها بخشی از ساختمان‌های دولتی، از جمله اقامتگاه فرماندار رضائیه را متصرف خواهند شد. زرویگ به عمرخان توضیح داده است که هدف وی از امضاء این توافق‌نامه آن بوده است که در عین حال که کردها به رهبری قاضی محمد سیاست تصرفات مسالمت‌آمیز خود را دنبال می‌کنند، تا می‌شود از دموکرات‌ها پول بگیرد.

۵. عمرخان ضمن مخالفت با این ترتیب خواستار آن شده است کنترل کامل و فوری کل منطقه به کردها واگذار شود. وی تأکید دارد که این توافق‌نامه هیچ‌گاه نمی‌بایست بدون مراجعه به قاضی محمد یا شخص او به امضاء می‌رسید. رفیعی و هاشموف دائماً بین رضائیه و زیمدشت در رفت و آمدند و از او می‌خواهند که با این مصالحه موافقت کند ولی نماینده عمرخان در شاپور به من گفت که رهبر شکاک‌ها کماکان بر سر حرف خود پافشاری می‌کند. وی همچنین گفت که در حال حاضر ورود سرزده من به دفتر دانشیان، در حالی که طبق معمول به مشاوره و مذاکره با هاشموف مشغول بود و عقب‌نشینی نه چندان مشعشانه وی از در عقب، نقل محافل شاپور است.

۶. اوضاع فعلی از شروع شورش دموکرات‌ها، ملتهب‌ترین وضع است. قاضی محمد برای جلوگیری از شورش صریح تعدادی از عشایر کرد - از جمله شکاک و

منگور - بر ضد حکومت محلی، نفوذ خود را به کار گرفته است. ولی عشایر بی قرار شده و به نظر می آید قاضی محمد مجبور شود با آن گروه [از کردها] همراه گردد که می خواهند به صورتی مستقیم علیه دموکرات ها وارد عمل شوند.

۷. به گفته نماینده عمرخان، آن گروه از عشایر کرد که خواهان رویارویی مستقیم هستند توسط امیراسعد، یکی از رهبران کرد که اخیراً از تهران به مهاباد مراجعت کرده، مشمول حمایت مالی دولت مرکزی قرار گرفته اند. وی خاطر نشان کرد اگر کردها بر ضد دموکرات ها دست به اسلحه ببرند، تا زمانی که کمونیسم از ایران رانده نشود - که احتمالاً به معنای آن است که تا کل آذربایجان به دست کردها نیافتد - اسلحه خود را بر زمین نخواهند گذاشت. در صورت بروز چنین انقلابی، کردها انتظار دارند که بسیاری از سربازان ارتش آذربایجان، جا عوض کنند. صحبت هایی که در طول راه، با سربازهای آذربایجان مسیر رضائیه داشتیم نیز مرا متقاعد کرده که این احتمال دور از انتظار نیست. تنها مخالفت مسلحانه ای که کردها در پیش روی خود می بینند، فداییان هستند. ولی من فکر می کنم که تا پیش از جمع آوری کامل محصول، احتمالاً سه تا چهار ماه بعد از این، شورش سراسری ای از جانب کردها بروز نکند.

۸. سه هفته پیش یک عامل سیاسی بریتانیا از مرز عراق گذشته و به تعدادی از مجتهدان کرد گفته است که اگر کردها نشان دهند که متحد هستند، بریتانیا مطلب مهمی را با آنها در میان خواهد گذاشت. در حال حاضر چهار نفر از نمایندگان کردهای ایران در بغداد مشغول مذاکره با انگلیسی ها هستند.

۹. قوای کرد رضائیه را ترک کرده ولی شهر مالمال از فداییان مسلح کرد است که اکثراً شکاک هستند. در شاپور نیز کردهای مسلح به گشت زنی مشغولند هر چند که تعداد آنها کمتر است.^۱

۱. در ترتیب اولیة این اسناد، ادامه این گزارش (یا صفحه دوم آن) از این مجموعه حذف شده و به جای آن برگه ای آمده است که توضیح می دهد این صفحه به دلایل دربر داشتن اطلاعات طبقه بندی شده امنیتی، از دسترس خارج شده است، ولی صفحه مورد بحث در لابه لای اوراق یک بخش دیگر از این میکروفیلم ها ملاحظه و مورد استفاده قرار گرفت (م).

حزب دموکرات کردها در رضائیه شعبه دارد و دفتر سرهنگ علی آقا خسروی نماینده حکومت مهاباد در رضائیه، در مقر فرماندار رفیعی قرار دارد. کنسول ترکیه سندی را به امضاء رفیعی به من نشان داد که در آن از زروبیگ خواسته شده بود پاره‌ای از اتباع ترکیه را از مالیات معاف دارد. [این سند] از آن حکایت دارد که کردها در منطقه، در مقام ضابطان مالیات عمل می‌کنند. وی به من اظهار داشت که به‌رغم توافق امضاء شده بین حکومت ملی کرد و آذربایجان، عشایر هر کدام به‌صورت جداگانه رفیعی را تحت فشار گذاشته‌اند که با آنها نیز به‌صورت جدا توافق‌نامه‌هایی را به امضاء برساند. او تعدادی از این توافق‌نامه را دیده است. در حال حاضر دو تن از نمایندگان عمرخان در خوی حضور داشته و در مورد سهمی از اداره شهر با فرماندار آنجا مذاکره می‌کنند.

۱۰. [حضور] پلیس مخفی دموکرات‌ها هنوز هم در رضائیه کاملاً مشهود است. با این حال، ورود من به رضائیه و گشت نمایانی که در شهر زدم، با فریادهای «زنده‌باد آمریکا»، «آمریکایی‌ها اینجا هستند» و غیره توأم شد. هر کجا که اتومبیل کنسولی توقف می‌کرد مردم جمع شده و بسیاری از آنها سعی می‌کردند. از پنجره دست مرا فشار دهند. از جمله گروهی از افسران ارتش آذربایجان، کردها و اهالی شهر. کاملاً آشکار بود که هر کجا می‌روم توسط پلیس مخفی دموکرات‌ها و کارکنان نیابت کنسولگری شوروی تحت مراقبت قرار دارم.

۱۱. نیابت کنسولگری شوروی در رضائیه به یک فرستنده قوی رادیویی مجهز است.

۱۲. سه تن از پسران سمکور رهبر قدرتمند کرد در جنگ اول جهانی از ترکیه، از مرز گذشته و به عمرخان پیوسته‌اند.

۱۳. به نظر می‌آید که کردها از مواعیدی که شوروی در بهار گذشته مطرح کرد کاملاً ناامید شده‌اند.

۱۴. به نظر می‌آید که امیر اسعد بسیاری از سران کرد، از جمله قاضی محمد را متقاعد کرده است که سعادت کردهای ایران فقط در اتحاد با دولت ایران نهفته است که تحت سرپرستی قوام قرار دارد. وی به کردها اطمینان داده است تا

موقعی که ملت‌های آمریکا و بریتانیا وجود دارند، شوروی‌ها جرأت نخواهند کرد که به ایران مراجعت کنند.

با احترام

جرالد اف. پی. دوه‌ر

کنسول‌یار آمریکا

۵۵

وزارت خارجه، تلگراف وارده، محرمانه، ۲۵۴۱،

تاریخ وصول ۸ نوامبر ۱۹۴۶ / ۱۷ آبان ۱۳۲۵

۱/۲۰ بعدازظهر، از تهران به وزیر خارجه

شماره ۱۴۵۰، ۸ نوامبر، ۵ بعدازظهر

امروز دوه‌ر را برای دیدار قوام، همراه بردم تا در مورد وضعیت فعلی آذربایجان اطلاعات دست اول را برای نخست‌وزیر ارائه دهد. دوه‌ر تأکید کرد که رؤسای کرد، به‌ویژه عمرخان و رؤسای کردهای غرب و همچنین قاضی محمد، سرخورده از مواعید برآورده نشده شوروی در حمایت از آنها، قویاً با کمونیسم مخالف بوده و حاضرند با دولت مرکزی در حمله به آذربایجان مشارکت کنند. مشروط به آن که دولت مرکزی بدان‌ها اطمینان دهد که فعالیت‌های نظامی خود را با آنها هماهنگ کرده و قول دهد که بعداً همان سیاست سرکوبگرانه رضاشاه را در قبال عشایر از سر نخواهد گرفت. قوام اظهارات دوه‌ر را با علاقه بسیار دنبال کرده و در مورد حکومت تبریز و سران آن پرسش‌های متعددی را مطرح کرد. قوام اظهار داشت که مصمم است که در عرض ده روز، زنجان را ولو به زور هم که شده باشد، متصرف گردد. [...]^۱

فکر کردم زنجان کافی نیست ولی لااقل شروعی خواهد بود. قوام اظهار داشت که قصد دارد «کم‌کم» پیشروی کند.

۱. پاراگراف پایانی، کم‌رنگ و ناخوانا.

یک میسیونر آمریکایی که دیروز از تبریز به تهران مراجعت کرده است می‌گوید که نیروهای تبریز در جلوی زنجان به حفر سنگر مشغولند و از ظواهر امر چنین برمی‌آید که قصد دارند مقاومت سنگینی به عمل آورند.

الن

کنسولگری آمریکا، تبریز، ایران، - ۷ دسامبر ۱۱۴۶ / ۱۶ آذر ۱۳۲۵
غیر محدود^۱

موضوع: پاسخ کردها به بیانیه نخست‌وزیر مبنی بر آن که نیروهایی که به تمامی نقاط آذربایجان اعزام شده‌اند، نیروهایی هستند برای تأمین انتخابات

حضرت اجل، وزیر خارجه، واشنگتن.

افتخار دارم ترجمه پاسخ قاضی محمد رهبر کردها را که در [پاسخ] به بیانیه اخیر نخست‌وزیر قوام ارائه شده است، برای اطلاع وزارت خارجه ارسال دارم. [در این بیانیه آمده است که] نیروهای ایرانی در مقام نیرویی در جهت تأمین امنیت انتخابات آتی دوره پانزدهم مجلس به ایران از جمله کردستان آذربایجان اعزام خواهند شد. جان کلام پاسخ [قاضی محمد] آن است که نباید نیرویی اعزام گردد زیرا بدان‌ها نیازی نیست و کردها خود می‌توانند از عهده انتظام برآیند.

این پاسخ در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۶ [۸ آذر ۱۳۲۵] در آذربایجان روزنامه رسمی دموکرات‌ها منتشر شده است.

با احترام

اف. لستر ساتن^۲

کنسول آمریکا

وزارت خارجه، تلگراف وارده، محدود^۱
۳۸۹۶، - تاریخ وصول: ۱۳ دسامبر ۱۹۴۶ / ۲۲ آذر ۱۳۲۵
۷/۴۶ صبح، از: تهران از طریق [وزارت] جنگ، به: وزیر خارجه
شماره: ۱۵۸۸، ۱۳ دسامبر، ۲ بعدازظهر. فوری

رئیس ستاد [ارتش ایران] می‌گوید که رده اول نیروهای موتوری او ظهر امروز وارد تبریز شدند. فرودگاه تحت کنترل قرار گرفته و انتظار می‌رود که هواپیماهای نظامی از این بعد از ظهر در آنجا فرود آیند.

انتظار می‌رود که ستون تکاب - شمال همدان - امروز بعدازظهر وارد میاندوآب شود. هدف بعدی مراغه و مهاباد است که قاضی محمد آن را مرکز کردستان خودمختار قرار داد. رزم‌آرا انتظار دارد که قاضی به روسیه بگریزد. در میانه شهروندان و فداییان محلی ۱۰۰۰ قبضه تفنگ را تسلیم داشته‌اند. اردبیل، در دست شاهسون‌هاست.

به گفته رزم‌آرا کل تلفات طرفین درگیر در طول عملیات نظامی از بیست کشته و صد مجروح تجاوز نمی‌کند. تلفات حاصل از ناآرامی‌های محلی می‌تواند بیشتر باشد.

وابسته نظامی سکستون^۲ و سرگرد گارور^۳ امید دارند فردا به تبریز پرواز کنند.

الن

1. Restricted

2. Sexton

3. Garver

وزارت خارجه، تلگراف وارده، محرمانه، ۳۹۶۵
تاریخ وصول ۱۳ دسامبر ۱۹۴۶ / ۲۲ آذر ۱۳۲۵
۱۲/۱۸ بعدازظهر، از: تهران از طریق [وزارت] جنگ، به: وزیر خارجه
شماره: ۱۵۸۹، ۱۳ دسامبر.

۳ بعدازظهر مونسینیور پاپالاردو^۱ کفیل نمایندگی پاپ در ایران از سفارت درخواست کرده است برای جلوگیری از هرگونه بد رفتاری در قبال اقلیت‌های مسیحی و کلیمی در آذربایجان و به‌ویژه در منطقه رضائیه، شاپور در خلال دوره گذر بعد از تسلیم دموکرات‌ها، از مساعی جمیل خود استفاده کند. در خلال دوره‌های پیشین آشوب، خطر عمده‌ای که مسیحیان را تهدید می‌کرد از جانب کردها بوده است. لطفاً برای تماس با نمایندگان عمرخان و قاضی محمد در تبریز و یادآوری تضمین‌هایی که به دهر دادند که در صورت بروز آشوب داخلی، مسیحیان حوزه‌های کردنشین را هیچ آسیبی تهدید نخواهد کرد، نهایت سعی را مبذول دارید. علاوه بر این بدان‌ها یادآور شوید که دولت ایالات متحده به‌ویژه از بابت سوء رفتار نسبت به اقلیت‌های مسیحی نگران است زیرا تعدادی از اتباع آسوری و ارمنی تبار آمریکا در حوزه‌های تحت کنترل کردها اقامت دارند. پیشنهاد شده که از مقامات محلی نیز خواسته شود برای حفاظت از این اقلیت‌ها از هیچ اقدامی فروگذار نکنند.

پاپالاردو هم اینک از دولت ایران اطمینان گرفته که برای حفاظت از اقلیت‌ها فرامین ویژه‌ای به فرماندهان نظامی صادر خواهد شد ولی دوره خطرناک [دوران] پیش از اعاده نظم در سراسر منطقه است که در طول آن عناصری می‌خواهند اقلیت‌ها را مورد آزار قرار دهند، از هرج و مرج موجود برای دستیابی به اهدافشان استفاده کنند.

برای تبریز ارسال شد.

الن

1. Mgsr. Pappalardo

سرویس خارجی ایالات متحده آمریکا، سفارت آمریکا، تهران، ایران
۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ / ۲۵ دی ۱۳۲۵، شماره ۲۶۲، محرمانه
موضوع: ارسال گزارش تحولات سیاسی در میان کردهای ایران در سال ۱۹۴۶.

حضرت اجل، وزیر خارجه، واشنگتن

افتخار دارم گزارش کنسولیار جرال د اف. پی. دوهرا تحت عنوان تحولات
سیاسی در میان کردهای ایران در سال ۱۹۴۶ ارسال دارم. کنسولیار دوهرا در
مارس ۱۹۴۶ مأمور کنسولگری تبریز گشت و از ۲۳ ژوئن تا اول نوامبر ۱۹۴۶ / ۲
تیر تا ۱۰ آبان ۱۳۲۵ سرپرستی آن را عهده دار بود. وی در دوران مأموریت خود
سفرهای متعددی به حوزه‌های کردنشین آذربایجان داشت و با بسیاری از رهبران
عشایر و رهبران جمهوری کرد تحت‌الحمایه شوروی در منطقه مهاباد (ساوجبلاغ)
آشنایی کامل یافت. بسیاری از اطلاعاتی که در این گزارش آمده است، در طول
سال گذشته در قالب تلگراف‌های جاری از تبریز منعکس شده‌اند ولی با توجه به
فروپاشی ناگهانی حکومت دموکرات‌های برکشیده شوروی در آذربایجان و نقش
منفعلی که کردها در این میان ایفا کردند که در این فروپاشی مؤثر بود، مصلحت
دیده شد که برای شناسایی عوامل مؤثر در زوال و فروپاشی تدریجی نفوذ شوروی
در میان عشایر کرد شمال ایران در خلال ۱۹۴۶، گزارش جامعی تهیه شود.
گزارش کنسولیار دوهرا را به عنوان شرحی ارزشمند و گویا از این موضوع مهم
توصیه می‌کنم.

با احترام

جرج وی. الن

سفیر آمریکا

پیوست: گزارش مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷

سفارت آمریکا، تهران، ایران، محرمانه
۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ / ۲۵ دی ۱۳۲۵

تحولات سیاسی در میان کردهای آذربایجان در ۱۳۲۵/۱۹۴۶

تهیه شده توسط جرال داف. پی. دوهر کنسولیار

۱. مشارکت کردها در انقلاب آذربایجان.
۲. جمهوری مهاباد.
۳. تغییر مواضع کردها نسبت به آذربایجان و اتحاد شوروی.
۴. سرآغاز تماس کردها با مقامات کنسولی آمریکا.
۵. درگیری کردها با ارتش حکومت مرکزی.
۶. تیرگی بیش از پیش مناسبات کرد و آذربایجان.
۷. علل شکست سیاست شوروی در قبال کردها.
۸. نیاز حکومت ایران به یک خط‌مشی هوشمندانه در قبال کردها.
[پیوست‌های یک تا چهار].

۱. مشارکت کردها در انقلاب آذربایجان

از بدو ورود ارتش سرخ شوروی در بخش شمالی ایران در سال ۱۳۲۰/۱۹۴۱ اقتدار دولت مرکزی ایران بر عشایر کرد غرب آذربایجان عملاً از میان رفت. در پاره‌ای از روستاهای کردنشین که در جوار شهرهایی چون مراغه، میاندوآب، رضائیه، شاپور، خوی و ماکو در امتداد کرانه‌های غربی و جنوبی دریاچه رضائیه قرار داشتند. حکم فرماندهان پادگان‌های ارتش سرخ تا حدودی بر آن حدود مجری بود، ولی عشایری که در ارتفاعات اطراف و چند کیلومتر دورتر از راه‌های عمده‌ای زندگی می‌کردند که دریاچه را دور می‌زد، از نو به شیوه سنتی زندگی ایلی خود بازگشتند؛ راه و روالی که تا پیش از پیشروی ارتش اشغالگر شوروی، از [دو] سده پیش توسط ارتش [دولت] مرکزی ریشه کن شده بود.

در طول سه سال اول اشغال [آن حدود] توسط ارتش سرخ، شوروی‌ها برای رخنه سیاسی به ایلات کرد پاره‌ای اقدامات نصفه و نیمه انجام دادند. تا نیمه دوم سال ۱۹۴۵ / تابستان و پاییز ۱۳۲۴ برای دور ساختن کردها از دولت مرکزی برنامه متمرکز و منسجمی در پیش گرفته نشد، احتمالاً این امر که کردهای آذربایجان هم اینک نیز عملاً از قید حکمروایی دولت تهران خارج شده بودند در این امر بی‌تأثیر نبود.

در پاییز ۱۳۲۴/۱۹۴۵ یعنی تقریباً همزمان با شروع اقدامات مقامات کنسولی شوروی در تبریز برای سازماندهی فرقه به اصطلاح دموکرات آذربایجان که تحت سرپرستی یک مهاجر ایرانی به نام جعفر پیشه‌وری قرار داشت، ماژور ژنرال آتاکیشی اف، یکی از عوامل سیاسی اعزامی از باکو رسته سفرهایی را به مهاباد (ساوجبلاغ) آغاز کرد. گروهی از کردهایی ایرانی، عراقی و سوری که در اندیشه ایجاد یک کردستان بزرگ مستقل بودند در آنجا گرد آمده بودند. رهبر این گروه، قاضی محمد زمینداری کرد بود از یک خانواده خوشنام محلی که نفوذ مذهبی آنها در شمال تا حدود مرزهای شوروی امتداد داشت. جلب نظر مساعد این گروه برای عمل به مثابه یک هسته اولیه جهت تشکیل یک «نهضت ملی» کرد که می‌بایست همزمان با «حکومت ملی» آذربایجان که پیشه‌وری و همکاران شوروی‌اش در حال تدارک آن بودند، هدف اصلی سفرهای مکرر ژنرال آتاکیشی اف به مهاباد بود. به دلیل تشتت سیاسی نهفته در نظام ایلی و سوءظن بسیاری از رؤسای کرد نسبت به مقاصد شوروی‌ها در حمایت از یک حکومت ملی کرد، برنامه روس‌ها در این حوزه در مقایسه با دیگر نقاط آذربایجان که به هر حال از یک نظام اداری موجود برخوردار بود، با کندی و دشواری‌هایی روبه‌رو شد. در آذربایجان مشکل فقط خارج ساختن رشته امور از دست مقامات ایرانی بود، ولی در حوزه‌های کردنشین اصولاً می‌بایست یک حکومت جدید تأسیس گردیده و اقتدار آن به حوزه‌هایی توسعه پیدا کند که چند سال بود فارغ از هر گونه اقتدار بیرونی بودند. همزمان با تأسیس فرقه دموکرات پیشه‌وری، یک فرقه دموکرات کرد نیز تأسیس شد ولی در حالی که گروه پیشه‌وری تحت سرپرستی مجموعه رؤسای قرارگرفت که بخشی از آنها را

یا گروهی از مهاجران ایرانی تشکیل می‌دادند که سال‌های مدید در اتحاد شوروی زندگی کرده بودند و با آموزه‌های کمونیستی آشنایی داشتند و گروهی دیگر از آنها را نیز اتباع جمهوری آذربایجان شوروی تشکیل می‌دادند که از آن سوی مرز آمده بودند، فرقه دموکرات کردستان می‌بایست رهبران خود را از میان رهبران ایلات عمده و چهره‌های متنفذ مذهبی کرد انتخاب می‌کرد که نه تنها جهان‌بینی سیاسی کمونیستی برای آنها قابل قبول نبود که اصولاً مفهوم نیز نبود. در نهایت کمیته اجراییه‌ای که در رأس فرقه دموکرات کردستان شکل گرفت علاوه بر قاضی محمد که رهبری آن را برعهده داشت، عبارت بود از مالکان عمده مهاباد و توابع آن؛ حاجی بابا شیخ روحانی اصلی منطقه مهاباد، عم‌رخان رهبر ایل قدرتمند شکاک و مهمترین مالک غرب آذربایجان که در دوره اوج اقتدار خود یکی از گروه‌های فوق‌العاده سفاک و غارتگر کرد را نیز سرپرستی کرده بود و جمعی از دیگر چهره‌های مرتجع مشابه. علاوه بر این برای جلب حمایت کردها از مقاصد شوروی به چیزی به مراتب بیش از وعده آزادی و برابری و برادری ... تحت رهبری جهانی اتحاد شوروی نیاز بود؛ عوامل سیاسی روسیه متوجه شدند که جز از طریق سرریز مدام اسلحه و مهمات و پول نقد، راه دیگری برای جلب همراهی کردها وجود ندارد.

سازماندهی حکومت محلی کردها هنوز مراحل ابتدایی خود را طی می‌کرد که شوروی‌ها به این نتیجه رسیدند که زمان آن رسیده است که در تبریز «حکومت ملی آذربایجان» پیشه‌وری را به جای حکومت محلی ایران بگمارند. نحوه شکل‌گیری انقلاب اکتبر - دسامبر ۱۹۴۵ / آذر ۱۳۲۴ آذربایجان و سقوط نظام به اصطلاح «دموکرات» حاصل از آن پس از یک سال خود موضوع یک گزارش علی‌حده خواهد بود. تنها نقش فعال کردها در این شورش به رشته زد و خوردهای رضاییه مربوط می‌شود که در خلال آن، گروه‌های فدایی فرقه، عوامل ارتش سرخ و واحدهای نامنظم کرد در حمله به پادگان ارتش ایران دست به دست هم دادند. اهمیت اصلی این فرایند نسبت به وضعیت سیاسی کردها بیشتر در آن بود که تشکیل جمهوری کردستان را تسهیل کرد و شتاب بخشید. سران عشایر کرد که دیدند از سوی پادگان‌های نظامی دولت مرکزی اصولاً مقاومت و یا مقاومت

چندانی بروز نکرد و ارتش سرخ نیز آشکارا از تصرف ادارات دولتی توسط شورشیان فرقه دموکرات آشکارا حمایت می‌کند، به این نتیجه رسیدند که گذشته از یک رویارویی انتحاری با مجموعه سهمگین شوروی، تنه‌راهی که برای آنها باقی می‌ماند آن است که به نهضتی ملحق شوند که شوروی‌ها برای تأسیس یک حکومت دست‌نشانده‌گرد تحت رهبری قاضی محمد برپا کرده بودند.

۲. جمهوری مهاباد

در اوایل فوریه ۱۹۴۶ / اواخر بهمن ۱۳۲۴ یعنی اندک زمانی بعد از تثبیت نهایی تشکیلات فرقه دموکرات آذربایجان تحت حمایت تسلیحاتی ارتش سرخ، قاضی محمد نیز تشکیل یک جمهوری مردمی کرد را به مرکزیت مهاباد اعلان داشت. حوزه‌ای که این حکومت دست‌نشانده جزو قلمرو خود اعلان داشته است تمام بخش غربی دریاچه ارومیه را شامل می‌شود از جمله نواحی خوی و ماکو در شمال دریاچه و در جوار مرز اتحاد شوروی، و مناطق اطراف مهاباد تا جنوب به نواحی سردشت - سقز و به سمت غرب تا میان‌دوآب، از جمله سه شهر یاد شده. حوزه‌هایی که از سوی جمهوری مردمی ادعا شده آن را با حکومت ملی آذربایجان دچار درگیری کرده است. حکومت مزبور از شناسایی اقتدار کردها بر مناطق ماکو، خوی، شاپور، رضائیه و میان‌دوآب امتناع کرده و عملاً «جمهوری» مزبور را به منطقه کوچکی در اطراف مهاباد محدود ساخته است.

با این حال قاضی محمد به جای آن که فوراً در صدد تعقیب خواسته‌های کردها برآید ترجیح داد خط‌مشی‌ای در جهت رخنه تدریجی در حوزه‌های مورد ادعا اتخاذ کرده و در این میان تمامی توان خود را صرف این تجربه نو و بدیع در تاریخ کرد، یعنی سازماندهی و تدارک یک حکومت کردی سازد که از یک کابینه اجرایی، شورای قانونگذار و یک ارتش متحدالشکل منظم برخوردار باشد. گروهی از بستگان قاضی محمد، یکی از کردهای تحصیل‌کرده حوزه مهاباد و تعدادی از کردهای تبعیدی از دیگر نقاط ایران، عراق و سوریه اعضاء کابینه «جمهوری» را تشکیل می‌دهند. البته کل کابینه تحت‌الشعاع قاضی محمد است

که خود را رئیس‌جمهور این حکومت دست‌نشانده خوانده است. مجمع مقننه این تشکیلات که خود را مجلس ملی کرد می‌خواند تحت سرپرستی حاجی بابا شیخ، یکی از چهره‌های مذهبی صاحب‌نام کردستان مرکزی قرار دارد. از آنجایی که قاضی به کمک مستشاران شوروی و بعدها نیز خود به تنهایی تمام قدرت را در انحصار دارد این مجلس ملی صرفاً جنبه‌ای تزیینی داشت. به دلیل وابستگی این حکومت دست‌نشانده به حمایت رؤسای عشایر کرد آذربایجان در خارج از قلمرو مهاباد - به ویژه ایلات شکاک، بیگزاده، هرکی، زرزا، دهبوگری، منگور، مامش، جلالی و میلان^۱ - باعث آن شد که حوزه اقتدار آن در مقایسه با [حوزه اقتدار] حکومت فرقه دموکرات به مراتب محدودتر باشد.

تشکیل یک ارتش مردمی کرد یکی از جالب‌ترین تجربه‌هایی بود که قاضی محمد بدان مبادرت کرد. دیسپلین و تشکل دو نمونه از ویژگی‌هایی هستند که کردها نسبت بدان‌ها بیگانه می‌باشند. تجربه ژاندارمری ایران در چند سال پیش برای استخدام تعدادی از کردها به عنوان بخشی از نیروی منظمش نیز مؤید این امر بود؛ در حالی که آنها در انجام فرامین و مأموریت‌های مشخص عملکرد خوبی داشتند ولی از دیسپلین سررشته‌ای نداشته و نمی‌توانستند زندگی پادگانی را تحمل کنند. قاضی محمد متوجه شد که نیروهای استخدام شده از شهرها با تشکل و دیسپلین سازگاری بیشتری دارند تا کردهای عشایری از این رو ارتش او بیشتر از «کردهای شهری»، روستاییان آشوری تشکیل شده بود و آمیزه خفیفی از کردهای عشایری تا روحی از روحیه سلحشوری نیز در این قوا دمیده شود. تسلیحات، مهمات، پوشاک و تجهیزات پادگانی این قوا را شوروی‌ها تأمین کردند.

تأسیس یک ایستگاه رادیویی - رادیو مهاباد - و انتشار یک روزنامه کردی نیز از دیگر نوآوری‌هایی بود که به کمک روس‌ها وارد زندگی کردی شد. در کنار این مجاری تبلیغاتی، ارتش سرخ پس از عقب‌نشینی از ایران در مه ۱۹۴۵ /

۱. شرح حال خلاصه‌ای از سران اصلی این رؤسای کرد و چهره‌های اصلی جمهوری مردمی کرد در پیوست اول این گزارش ارائه شده است. [بنگرید به سند (۶۱/۳۳)].

اردیبهشت ۱۳۲۴ یک فرستنده قوی را در اختیار حکومت فرقه دموکرات آذربایجان قرار داد که هر روز عصر یک برنامه کردی نیز پخش می‌کرد.

۳. تغییر مواضع کردها نسبت به آذربایجان و اتحاد شوروی

از فوریه تا آوریل ۱۹۴۶ / بهمن ۱۳۲۴ تا فروردین ۱۳۲۵ سران کرد تمام سعی خود را بر آن متمرکز کردند که حکومت خود را به حکومتی کارآمد تبدیل کنند؛ آنها برای پرداختن به مناقشه قلمرویی خود با حکومت تبریز و یارسیدگی به این احتمال که شاید شوروی‌ها داشتند براساس منافع خود آنها را بر ضد شورشیان آذربایجان بازی می‌دادند، هیچ فرصت یا فرصتی کافی نداشتند. ولی در ماه آوریل / فروردین هنگامی که روشن شد ارتش سرخ بالاخره ایران را ترک خواهد گفت بی‌آن که به مواعید خود مبنی بر ایجاد یک کردستان بزرگ مستقل و یا ارائه تسلیحات سنگین و موتوری برای ارتش کرد عمل کرده باشد، سران «جمهوری» نیز در طرح و بیان خواسته‌هایشان در حوزه غربی آذربایجان، جرأت و جسارت بیشتری یافتند؛ آنها امیدوار بودند که بتوانند پیش از خروج ارتش سرخ از منطقه، حمایت روس‌ها را برای انضمام آن نقاط به جمهوری کردستان را جلب کنند. در اوایل آوریل / اواسط فروردین کردها پس از آن که متوجه شدند که نمی‌توانند در این زمینه بر حمایت شوروی‌ها حساب کنند، در قبال حکومت تبریز موضعی تهدیدآمیز اتخاذ کرده و عملاً به سوق و بسیج نیرو در مناطق مورد اختلاف پرداختند. البته پیش از آن که کار به جنگ و درگیری بکشد، هاشموف نایب کنسول شوروی در رضائیه قاضی محمد و تنی چند از سران سرشناس کرد را احضار کرد و بدان‌ها فرمان داد که برای مذاکره با پیشه‌وری، ژنرال آتاکشی‌اف و ژنرال کراسنیک سرکنسول شوروی راهی تبریز شوند. به کردها گفته شد که با توجه به سفر قریب‌الوقوع پیشه‌وری به تهران برای مذاکره با دولت مرکزی پیرامون آینده آذربایجان، حصول یک توافق میان آنها و حکومت فرقه دموکرات، کاملاً واجب است. علاوه بر این بدان‌ها گفته شد که پیشه‌وری و دیگر نمایندگان [اعزامی فرقه دموکرات] آذربایجان می‌بایست اختیار داشته باشند که از طرف سران جمهوری کردستان نیز وارد مذاکره شوند.

در ۲۳ آوریل / ۳ اردیبهشت بعد از مذاکراتی چند با حضور پیشه‌وری، کراسنیک، آتاکیشی‌آف، قاضی محمد و چند تن از دیگر رهبران، بین حکومت ملی آذربایجان و جمهوری مردمی کرد معاهده‌ای به امضاء رسید.^۱ شناسایی و همراهی متقابل حکومت‌های دست‌نشانده‌کرد و آذربایجانی در این معاهده مورد تأکید قرار گرفت و با طرح سازشی پیرامون اعمال نوعی نظارت مشترک بر مناطق مورد اختلاف در غرب آذربایجان، از رسیدگی صریح به اختلافات قلمرویی اجتناب شد.

۴. سرآغاز تماس کردها با مقامات کنسولی آمریکا

تا پیش از مذاکرات کرد و آذربایجان در تبریز در ماه آوریل / فروردین - اردیبهشت برای مقامات کنسولی آمریکا برقراری هرگونه تماس با قاضی محمد یا دیگر رؤسای کرد غیرممکن بود. هرگونه تلاش برای ترتیب ملاقات با قاضی با مخالفت صریح روبه‌رو می‌شد. در پی امضاء معاهده ۲۳ آوریل / ۳ اردیبهشت تحت فشار شوروی، تقاضای دوه‌ر که نیابت کنسولگری را برعهده داشت برای مصاحبه با قاضی بی‌درنگ پذیرفته شد. در خلال ملاقات دوستانه‌ای که بیش از یک ساعت به طول انجامید، رهبر کردها با تأکید بر موارد ذیل، شرح کاملی از «جنبش مردم کرد» ارائه کرد:

الف) دولت جدید کردگرچه خود را یک جمهوری می‌نامد ولی عملاً خواهان چیزی فراتر از یک خودمختاری داخلی در چارچوب ملت ایران نیست. خودمختاری فرهنگی ضمن شناسایی زبان کردی، حق مردم کرد در پشت سر گذاشتن «انزوای تحمیل شده بر آنها از سوی دولت ایران در گذشته»، خودمختاری اداری از جمله اداره محلی امور مالیاتی، آموزش و امنیت عمومی از جمله مواردی بود که می‌بایست در این خودمختاری داخلی ملحوظ گردد.

ب) حکومت مهاباد با کردهای عراق، ترکیه و سوریه بی‌ارتباط بود و به تأسیس یک کردستان بزرگ مستقل علاقه‌ای نداشت. این اظهارات قاضی با

۱. برای ترجمه غیررسمی این معاهده بنگرید به پیوست شماره ۲ این گزارش [سند شماره ۳۷].

سیاست اعلان شده از سوی او در بدو تأسیس حزب دموکرات کردستان در تنافر کامل قرار داشت و بیانگر آن بود که اقدامات اخیر شوروی‌ها هرگونه امیدی را برای جلب حمایت آنها از چنین حرکتی، از میان برده بود.

پ) کردها از علاقه آمریکایی‌ها در امور خود استقبال می‌کنند. ایده‌آل کردها از دموکراسی از نوع آمریکایی آن بود ولی آنها بدون همراهی و مشاوره حکومت آمریکا نمی‌توانند بدین ایده‌آل دست یابند.

ت) قاضی اظهار داشت که اخیراً کردها تمامی اختلافات خود را با حکومت پیشه‌وری برطرف کرده‌اند، ولی در عین حال لحن وی از آن حکایت داشت که آنها از نقش اقلیتی که می‌بایست در مناطق کردنشین آذربایجان ایفا کنند، رضایت نداشتند.

بالاخره قاضی محمد پیشنهاد کرد که اجازه دهد هر یک از مقامات دولت آمریکا [که میل دارد] از کردستان دیدار کرده و خود به رأی‌العین مشاهده کند که از بدو تأسیس حکومت مهاباد چه پیشرفت‌هایی صورت گرفته است. او خواستار آن گشت که روزنامه‌نگاران آمریکایی از این خواسته او مطلع گردند، به میان کردها آمده و مشاهدات خود را در جراید آمریکا منتشر کنند. نکته پایانی او در خور توجه بود؛ وی مدعی شد که اگر دولت آمریکا علاقه خود را نسبت به کردهای ایران ادامه دهد، احتمالاً کردها چنین احساس انزوا نکرده و پیشروی به سمت دموکراسی واقعی را آسان‌تر تلقی خواهند کرد.

در پی ملاقات قاضی محمد با نایب کنسول آمریکا در تبریز، تماس میان نمایندگان کردها در تبریز و اعضاء کنسولگری آمریکا بیشتر شد و برای کنسولگری میسرگردید که تحولات جاری در غرب و جنوب آذربایجان را با دقت بیشتری دنبال کند. از ۲۳ آوریل تا پایان همان ماه ۳/ تا ۱۰ اردیبهشت هنگامی که پیشه‌وری و هیئت اعزامی حکومت آذربایجان برای مذاکره با دولت مرکزی راهی تهران شدند، رؤسای کُرد کنسولگری را از تیره شدن روابط بین آنها و دموکرات‌ها مطلع ساختند؛ [تحولی] که باعث شد قاضی محمد بر پیشه‌وری فشار بیاورد که برای جلوگیری از این سوءظن کردها مبنی بر آن که دموکرات‌ها به زیان آنها امتیازاتی از [دولت مرکزی] کسب کنند، دو نماینده از کردها را نیز در هیئت آذربایجان بپذیرد.

از اواخر آوریل تا اوایل ژوئیه / اوایل اردیبهشت تا اواسط تیر در عین حال که بر کدورت کردها از دموکرات‌ها افزوده شد ولی بین این دو حکومت دست‌نشانده برخورد آشکاری روی نداد. در ماه ژوئن / خرداد - تیر عشایر کرد به شهرهای شاپور و خوی نزدیک‌تر شده و در عین اعمال حاکمیت خود بر روستاهای آن حدود، حکومت مهاباد قوای خود را به میاندوآب اعزام داشته و پادگان فرقه دموکرات را واداشتند که از منتهی‌الیه شمالی دو رودخانه‌ای که آن شهر را تقسیم می‌کند، خارج نشود. در رضائیه واقع در بخش غربی دریاچه ارومیه زروبیگ عامل حکومت مهاباد دانش‌آموزان شهر را به شورش بر ضد حکومت دموکرات‌ها تحریک کرد. اگرچه این ناآرامی به درازا نکشید ولی فشار کردها بر رضائیه ادامه یافت تا آن که در آخر، در پاییز همان سال به تصرف کل شهر به دست کردها به اوج خود رسید. از آن پس رضائیه با حضور نیروهای تبریز و نیروهای کرد، تحت اشغال مشترک طرفین باقی ماند.

ناتوانی پیشه‌وری در کسب هرگونه امتیاز برای کردها از دولت مرکزی، در پی انعقاد معاهده‌ای که بالاخره در ماه ژوئن / خرداد میان او و مظفر فیروز در باب آینده آذربایجان منعقد شد و بعد نیز امتناع حکومت آذربایجان از رعایت معاهده ۲۳ آوریل / ۳ اردیبهشت کرد و آذربایجان - به‌ویژه موارد مربوط به تقسیم قدرت در شهرهای غربی آذربایجان میان کردها و دموکرات‌ها - دلیل اصلی افزایش خصومت میان آنها بود.

در اواسط ژوئن / اواخر خرداد احساس خصومت بر ضد دموکرات‌ها چنان بالا گرفت که تنها مداخله صریح هاشموف نایب کنسول شوروی در رضائیه و معاونش الیک بارین^۱ (علی‌اکبروف) مانع از خونریزی شد. این مداخله شوروی در عین حال که در جلوگیری از حمله کردها به شهرهای تحت کنترل دموکرات‌ها مؤثر واقع شد، ولی عملاً به عامل مؤثری در فروپاشی نفوذ شوروی در میان طوایف کرد نیز مبدل گردید. هاشموف و علی‌اکبروف (که معروف بود سرپرستی شبکه عوامل ان. کا. و. در آن حوزه عهده‌دار است) با طرح

1. Aliec Barien

امکان مراجعت ارتش سرخ به آذربایجان برای «اعاده نظم در مرزهای شوروی»، بارها رؤسای کرد را تهدید کردند.

در ۱۶ و ۱۷ ژوئیه / ۲۵ - ۲۶ تیر انگوس وارد^۱ از کارمندان کنسولی سفارت آمریکا در تهران و جرالد دوه‌ر که نیابت کنسولگری تبریز را برعهده داشت، برای برآورد میزان نفوذ و کنترل «جمهوری» کرد از مهاباد دیدار کردند. این سفر در پی مساعدت قاضی محمد میسر شد که در آن زمان در تبریز بود. قاضی محمد یک نیروی محافظ فراهم آورد که گروه آمریکایی را همراهی کرده و مانع از آن شوند که در طول راه پیشامدی برایشان واقع گردد. وی همچنین به حکومت مهاباد خاطر نشان ساخت که خیرمقدم از این بازدیدکنندگان جنبه‌ای کاملاً غیررسمی داشته باشد که احتمال تعبیر این بازدید به عنوان شناسایی آمریکا از نهضت ملی کرد پیش نیاید.

در میاندوآب گروهی از افسران ارتش مردمی کرد از کنسول وارد و نایب کنسول دوه‌ر پذیرایی کرده و شهردار مهاباد و تنی چند از اعضای حکومت کردستان نیز در چند کیلومتری مهاباد از آنها استقبال کرده و اتومبیل آمریکایی‌ها را تا پایتخت کردستان همراهی کردند. بعد از ظهر روز ۱۶ ژوئیه / ۲۵ تیر تعداد زیادی مقامات حکومت مهاباد و رؤسای عشایر به صورت جمعی از مقامات آمریکایی دیدار کرده و مقامات آمریکایی نیز اجازه یافتند به صورت آزاد در مورد وضعیت سیاسی منطقه به پرس و جو بپردازند. پاسخ بسیاری از این پرسش‌ها، صریح نبود و بر داده‌هایی که قبلاً توسط کنسولگری تبریز از طرق معمول کسب شده بود، چیزی نیافزود. ولی عصر همان روز مدیر اداره آموزش جمهوری که به عنوان راهنمای کنسول وارد و نایب کنسول دوه‌ر تعیین شده بود، حاضر شد به صورتی صریح و صادقانه به تمامی پرسش‌ها پاسخ دهد. نکات ذیل از پاسخ‌های او مستفاد گردید:

الف) در حکومت مهاباد تعدادی ناسیونالیست متعصب وجود دارد. مبلغ اصلی یک کردستان بزرگ مستقل اینها هستند ولی به تدریج نفوذ خود را بر

1. Angus Ward

قاضی محمد که اینک بیشتر در اندیشهٔ یک منطقهٔ خودمختار کرد در چارچوب ملت ایران است، از دست می‌دهند.

ب) گروه معتدل از سیاست‌اخیر قاضی مبنی بر کسب حداقل امتیازهای ذیل از حکومت مرکزی حمایت می‌کند:

۱. خودمختاری فرهنگی برای کردستان، از جمله حق تدریس به زبان کردی در هر شش کلاس مدارس.

۲. یک کردستان واحد ایرانی که مناطق پیش‌گفتهٔ آذربایجان غربی، منطقه مهاباد، کل اردلان و نواحی کردنشین کرمانشاه و همدان را نیز شامل گردد.

۳. یک لشکر نظامی کرد با استفاده از افسران کرد. اگرچه این امر به معنای امتناع از استخدام افسران فنی غیر کرد برای خدمت در ستاد لشکر مزبور نمی‌باشد.^۱

۵. درگیری‌های کردها با ارتش حکومت مرکزی

در خلال سال ۱۹۴۵ بین نیروهای «جمهوری کرد» و واحدهای ارتش مرکز که در سقز و سردشت مستقر بودند درگیری‌های پراکنده‌ای جریان داشت. در ماه ژوئیه / تیر - مرداد واحدهای نظامی حکومت مهاباد که با اعزام نیروهای عشایری از اقصی نقاط شمال در خوی نیز تقویت شده بود، ارتباط پادگان‌های [سقز و سردشت] را با حوزه‌های تدارکاتی آن دو قطع کردند. در همین ایام بود که قاضی محمد به تهران سفر کرد و گفته می‌شود که وی با ترتیب یک آتش‌بس، موجبات آن را فراهم آورد که پادگان‌های مزبور ملبوس و آذوقه مورد نیاز خود را - به استثنای اسلحه و مهمات - دریافت دارند.

حضور یک نیروی گسترده از کردهای عراق که تحت فرماندهی شورشی شوروی خواه کرد، ملا مصطفی بارزانی قرار داشت، در منطقهٔ مهاباد، یکی از مهمترین عوامل تنش میان دولت مرکزی و کردها بود. اگرچه می‌گفتند که مطیع

۱. گزارش مفصل‌تری از سفر کنسول وارد و نایب کنسول دوه‌ر در پیوست سوم این گزارش

ارائه شده است. [بنگرید به اسناد (۶۱/۵) و (۶۱/۶)]

فرامین قاضی محمد هستند، ولی با روش خودمختاری که در حمله به هر واحد نظامی که در دستشان قرار می‌گرفت، اتخاذ کرده بودند، موجب دردسر بسیار بودند. مع‌هذا در پی اقدام دولت عراق در اعلان عفو عمومی برای تمامی شورشی‌های بارزانی - به استثنای ملامصطفی و برادرش شیخ احمد - اهمیت آنها رو به کاهش نهاد.

۶. تیرگی بیش از پیش مناسبات کرد و آذربایجان

از اواسط ژوئیه / اواخر تیر تا سقوط حکومت دست‌نشانده شوروی در منطقه در ماه دسامبر / آذر روابط بین کردها و به‌ویژه سران طوایف کرد با دموکرات‌های تبریز به سرعت رو به تیرگی نهاد. در حالی که مقامات کنسولی شوروی در آذربایجان به نحوی فزاینده بر فشار خود بر کردها می‌افزودند که از یک رویارویی صریح با دموکرات‌ها جلوگیری کنند، بسیاری از سران کرد به کلی از تظاهر به دوستی با شوروی‌ها دست کشیده و آشکارا از تمایل خود به قطع صریح رابطه با روس‌ها و جلب همراهی دولت آمریکا سخن گفتند و لو این که این امر به معنای اعاده حاکمیت حکومت مرکزی می‌بود. فهرستی از مجموعه رخدادهایی که مبین این دگرگونی در خط‌مشی کردها بود به قرار ذیل است:

۱۸ ژوئیه / ۲۷ تیر گروهی مرکب از ۳۰۰ کرد شکاک وارد خوی - واقع در شمال غرب دریاچه ارومیه - شده و از دموکرات‌ها خواستند که نیمی از ادارات دولتی شهر، از جمله دوایر دارایی و شهربانی را بدان‌ها واگذار کنند. این خواسته آنها به یکی از مفاد عهدنامه ۲۳ آوریل کرد و آذربایجانی مستند بود که در آن از سهم کردن کردها در اداره حوزه‌هایی سخن گفته شده بود که درصد چشمگیری از جمعیت‌اش کرد بود. با سرریز تعداد مشابهی از فداییان دموکرات از مرند و ماکو به خوی برای بیرون راندن شکاک‌ها، وضع حالتی بحرانی یافت، تنها پس از فرارسیدن آلادیری‌یف^۱ نایب کنسول شوروی در ماکو بود که کار به زد و خورد نرسید. او به کردها فرمان داد که به موطن خویش بازگردند و لحن وی از

1. Aladieriev

این حکایت داشت که اگر چنین نکنند این امر مراجعت ارتش سرخ را به آذربایجان تسریع خواهد کرد. این عمل مقام شوروی سیلی صریحی بر اقتدار عمرخان، رهبر عشایر شکاک بود که از آن مرحله به بعد در ابراز مخالفت با شوروی، کوتاهی نداشت.

۲۰ ژوئیه / ۲۹ تیر: یک قاصد کرد طی تسلیم نامه‌ای به مقامات دموکرات در مرند اعلان داشت که از آن پس کردها آن شهر را منتهی‌الیه شمال شرقی جمهوری مهاباد تلقی می‌کنند.

۲۲ ژوئیه / ۳۱ تیر: بروز آشوب جدی در رضائیه پس از برگزاری یک انتخابات محلی توسط دموکرات‌ها که طبق معمول به «پیروزی» ۹۹ درصدی دموکرات‌ها منجر شد. دانش‌آموزان و تجار در میدان شهر دست به اعتراض زده و برخلاف حکم تشکیلات محلی شهربانی مبنی بر آن که پراکنده شوند، به سمت تلگرافخانه راهپیمایی و از تبریز خواستند که نتایج این انتخابات قلابی را باطل اعلان کند. در ۲۳ ژوئیه / اول مرداد بازار رضائیه تعطیل ماند و بعد از آن که رفیعی، فرماندار رضائیه اطلاع داد که حاکمیت دموکرات‌ها در آن شهر از بین رفته است. پیشه‌وری طی مخابره تلگرافی از وی خواست که انتخابات را تجدید کند. چند هفته بعد یکی از کردهای سرشناس رضائیه اذعان داشت که سران حزب دموکرات کردستان در آن شهر در تحریک این ناآرامی‌ها دست داشته‌اند.

۴-۱۲ اوت / ۱۳-۲۱ مرداد: در ۴ اوت / ۱۳ مرداد قاضی محمد به پیشه‌وری اطلاع داد که گردآوری و توزیع غله در آذربایجان غربی براساس مقررات سابق حکومت مرکزی صورت خواهد گرفت و نه مقررات جدیدی که از سوی حکومت تبریز وضع شده بود. ظاهراً امتناع سران مذهبی کرد از شناسایی اعتبار مقررات غله دموکرات‌ها که آنها آن را با شرع اسلام ناسازگار می‌دانستند، علت این اقدام بود. ابراز آمادگی برای حمایت از آن گروه از مالکان خوی، شاپور و رضائیه که می‌خواستند مشمول مقررات سابق گردند، قدم بعدی کردها بود. در بسیاری از دهات دو حوزه اخیرالذکر برای گردآوری یک دهم از محصول که مالکان می‌بایست در آراء حمایت کردها پرداخت کنند، تفنگچیان مستقر شدند.

۱۰۰ کردها و فرقه دموکرات

در ۹ اوت / ۱۸ مرداد پیشه‌وری بعد از وصول گزارشی مبنی بر استقرار واحدهای نظامی کرد در خروجی شهرهای شاپور و رضائیه، برای مذاکره با قاضی محمد با عجله به رضائیه شتافت. براساس توافقی که حاصل شد کردها پذیرفتند نیروهای خود را از معابر مزبور برچینند ولی در عین حال از مقررات دلخواه خود درگردآوری غله تبعیت کنند. با این حال پیشه‌وری اندک زمانی پس از بازگشت به تبریز به نایب کنسول دوهرا اظهار داشت که دو روز پس از مراجعت وی از رضائیه، کردها این توافق را زیر پا نهاده بودند.

۱۵ اوت / ۲۴ مرداد: با ورود یک قوای عمده از کردهای بارزانی به یکی از روستاهای بزرگ حوزه میاندوآب، جنگ اعصاب قاضی محمد بر ضد حکومت تبریز بدان قسمت نیز کشیده شد. دموکرات‌ها که انتظار داشتند پادگانشان در میاندوآب مورد حمله قرارگیرد به تعجیل یک نیروی تقویتی را که تانک و توپخانه صحرایی را نیز شامل می‌شد به کرانه رودخانه‌ای که بخش کردنشین شهر را از بخش آذربایجانی آن جدا می‌کرد اعزام داشتند، ولی اقدام دیگری از سوی عشایر کرد صورت نگرفت.

۲۰-۷ سپتامبر / ۱۶-۲۹ شهریور: وضعیت ارومیه تا بدانجا رو به تیرگی نهاد که بالاخره در ۷ سپتامبر / ۱۶ شهریور قوایی مرکب از ۵۰۰ تفنگچی کرد به سمت رضائیه پیشروی کرده و روستاهایی را در شعاع چند کیلومتری جنوب و غرب شهر اشغال کردند. یک گروهان نیز وارد رضائیه شد و در کاروانسرای که قبل از شورش دموکرات‌ها پادگان ارتش ایران محسوب می‌شد، مستقر شدند. چند روز بعد چند صد تن از عشایر تحت امر عمرخان شکاک وارد شهر شده و در خیابان‌ها به گشت‌زنی پرداختند. در ۳۰ سپتامبر / ۸ مهر زروبیگ، معاون قاضی محمد در منطقه ارومیه به زور وارد مقر فرمانداری رفیعی شد و خواستار آن گشت که مطابق با توافقی که در ۲۳ آوریل / ۳ اردیبهشت صورت گرفته بود، برای استقرار نمایندگان کرد و تحویل نیمی از امور اداری، فضایی معین شود. رفیعی که ترسیده بود دیگر مقامات دموکرات ارومیه را فرا خواند و به اتفاق به تلگرافخانه گریختند که از دیرباز براساس سنن رایج در ایران، نوعی بست محسوب می‌شد. در این مرحله هاشموف کنسول شوروی در رضائیه وارد کار شد. نخست به کردها فرمان

گزارش‌ها ۱۰۱

داد که شهر را ترک گویند و پس از امتناع آنها از این امر بدان‌ها قول داد که در صورت فراخواندن نیروهایشان از اطراف، این کار را به‌نحوی رضایتبخش خاتمه خواهد داد. واحدهای نظامی کرد عقب‌نشینی کردند ولی عمرخان از احضار افرادی که کماکان در خیابان‌ها گشت می‌زدند، خودداری کرد. در خلال این دوره بحرانی بین نیروهای کرد و فداییان دموکرات در اطراف رضائیه چند درگیری صورت گرفت که در جریان یکی از آنها تلفاتی بر طرفین وارد آمد. پس از چند روز مذاکره بین مقامات کنسولی شوروی که از طرف حکومت فرقه وارد مذاکره شده بودند و گروهی از رؤسای عشایر کرد و مقامات حکومت مهاباد، دموکرات‌ها پذیرفتند که کردها در مقام نیروهای تأمینی آذربایجان عمل کرده و در مقابل یک مقرری ثابت ماهانه نیز دریافت دارند.

۲۵ سپتامبر / ۳ مهر: تنها دو روز بعد از امضاء این توافق‌نامه که عملاً از سوی هاشموف تحمیل شده بود، کردها در امتداد جاده شاپور رضائیه ایستگاه‌های اخذ عوارض برقرار کردند و از تمامی کسانی که در این مسیر عبور می‌کردند عوارض سنگینی گرفتند. کراسنیک سر کنسول شوروی در تبریز و ژنرال کاویان رئیس شهربانی حکومت تبریز از جمله کسانی بودند که در خلال یک «بازدید» از رضائیه، به زور اسلحه مشمول چنین عوارضی شدند.

۲۷ سپتامبر / ۵ مهر: عمرخان که اینک به‌نحوی تند و صریح بر ضد دموکرات‌ها درآمده بود، به پنبه فرماندار فرقه در شاپور اطلاع داد که کردهای شکاک قصد دارند در سی‌ام همان ماه / ۸ مهرماه آن شهر را به نام جمهوری مهاباد قبضه کنند. این اتمام حجت به واکنش صریح روس‌ها و حکومت تبریز منجر شد. هاشموف و زروبیگ از رضائیه به شاپور شتافتند و پیشه‌وری ژنرال غلام‌یحیی دانشیان، فرمانده نیروهای نظامی فرقه را از جبهه زنجان فرا خواند. او در مقام فرمانده نیروهای فرقه در برابر حمله احتمالی دولت مرکزی به خمسه، در آنجا مستقر شده بود و اینک به شاپور اعزام گردید. زروبیگ و دانشیان، به‌صورت یک فرمانداری نظامی مشترک کنترل شاپور را در دست گرفته و هاشموف نیز برای جلوگیری از خطری که از سوی کردها شاپور را تهدید می‌کرد به زیمدشت، مقر عمرخان رهسپار گردید. پس از سه روز مذاکره در شاپور و زیمدشت که در جریان

آن هاشموف به کرات از احتمال اشغال مجدد آذربایجان توسط ارتش سرخ سخن گفت، بالاخره عمرخان پذیرفت در صورتی که در تمامی اموری که به گردآوری غله و امنیت مربوط می‌شد، با نمایندگان وی در شاپور مشورت گردد، آنجا را به دموکرات‌ها واگذار کند.

در ۳۰ سپتامبر / ۸ مهر یعنی همان روزی که این توافق نهایی شد، بروز دو حادثه بر دامنه خصومت رهبر شکاک‌ها نسبت به شوروی و دموکرات‌های دست‌نشانده آنها افزود.

حادثه اول به محض ورود نایب کنسول آمریکادوهر به شاپور در سرراه سفر به رضائیه رخ داد که اجازه آن از سوی مقامات دموکرات در تبریز صادر شده بود. ارزیابی میزان فروپاشی اقتدار دموکرات‌ها در حوزه‌های کردنشین غرب آذربایجان از جمله اهداف اعلان نشده بازدید نایب کنسول دوهر از آن حدود بود و همچنین بررسی سمت و سوی عملی خط‌مشی رهبران کرد که گزارش شده بود سعی دارند از حوزه نفوذ اتحاد شوروی خارج شده و با دولت مرکزی ایران همراهی کنند. نمایندگان کردها در شاپور و رضائیه قبلاً در جریان این سفر قرار گرفته بودند و به گونه‌ای که بعدها معلوم شد، عمرخان و دیگر سران کرد پیغامی مبنی بر ابراز وفاداری به نخست‌وزیر قوام‌السلطنه آماده کرده بودند مشروط بر آن که دولت مرکزی قول دهد که در آینده رفتار بهتری را در قبال کردها اتخاذ کند. از آنجایی که در پی شورش دموکرات‌ها ارتباط میان کردهای آذربایجان غربی و حکومت تهران قطع شده بود، سران کرد توافق کرده بودند که پس از ورود نایب کنسول دوهر از او بخواهند که قول وفاداری آنها را به نخست‌وزیر ابلاغ کند. ظاهراً ژنرال دانشیان و نایب کنسول شوروی هاشموف از این موضوع بویی برده بودند زیرا دانشیان به تحریک هاشموف اتومبیل نایب کنسول آمریکارادر شاپور متوقف کرد و به نایب کنسول دوهر اطلاع داد که «به دلیل وضع به هم ریخته راه» نمی‌تواند به سفر خود ادامه دهد. ولی هاشموف با طولانی ساختن حضور خود در دفتر دانشیان مرتکب یک اشتباه نیز شد؛ او که بدانجا آمده بود که به دانشیان بگوید اتومبیل آمریکایی‌ها را برگرداند، با نایب کنسول آمریکا و مترجمش برخورد کرد و آنگاه بدون آن که متوجه شود کیه مورد شناسایی قرار گرفته است، از در

گزارش‌ها ۱۰۳

پشتی دفتر گریخت. زروبیگ که در خلال این ماجرا در آنجا حضور داشت بعدها به نایب کنسول اظهار داشت که وی هنگامی که هاشموف فرامین خود را به دانشجویان مبنی بر جلوگیری از عبور آمریکایی به سمت رضائیه تمام می‌کرد در آنجا بوده است. این حادثه فقط به کدورت و ناراحتی بیش از پیش عمرخان و دیگر رهبران کرد منجر شد و هنگامی که نایب کنسول دوهر بعد از مراجعت به تبریز مداخلات مقامات کنسولی شوروی در یک رشته تلگراف‌های غیر رمز^۱ [به سفارت آمریکا در تهران] گزارش کرد، پیشه‌وری به ژنرال دانشجویان دستور داد به تبریز مراجعت کرده و با حضور در کنسولگری آمریکا شخصاً از این بابت عذرخواهی کند.

عصر همان روزی که از ادامه سفر کنسولیار دوهر ممانعت به عمل آمد، مقامات کنسولی شوروی به عمل اشتباه دیگری دست زدند که به حربۀ غیرقابل جبرانی در روابط آنها با کردها منجر شد. علی‌اکبروف، معاون کنسولیار هاشموف برای نمایش فیلمی که اخیراً در جمهوری شوروی آذربایجان تهیه شده بود، جلسه‌ای برگزار کرد؛ عمرخان و تعدادی از دیگر سران عشایر کرد نیز در زمره مهمان‌های افتخاری این مجلس بودند. ولی موضوع این فیلم که شورش دهقان‌های آذربایجان شوروی را بر ضد مالکانشان ترسیم می‌کرد همراه با صحنه‌هایی از غارت خانه اربابان و پیروزی نهایی کارگران و دهقانان بر طرف مقابل، به هیچ‌وجه مناسب حال این مجلس نبود. نمایش این فیلم چنان رؤسای کرد را که هریک در زمره ثروتمندترین ملاکین آذربایجان غربی بودند، برآشفست که فوراً در زیمدشت جلسه‌ای تشکیل داده و به قرآن قسم یاد کردند که تا ریشه‌کن کردن این نوع خاص از «دموکراسی» شوروی از ایران از پا ننشینند. متن این قسم‌نامه به مهاباد ارسال شد و قاضی نیز در مقام رهبر نهضت ملی‌گردد آن را امضاء کرد.

۱۷ اکتبر / ۱۵ مهر: یک هفته بعد کنسولیار دوهر بعد از آن که از سوی پیشه‌وری و دیگر مقامات آذربایجان اطمینان یافت که ماجرای شاپور تکرار نخواهد شد، بار

۱. تأکید در اصل.

دیگر سعی کرد به رضائیه برود. این بار در طول راه تأخیر و تعللی پیش نیامد ولی در رضائیه مقامات دموکرات تمام تلاش خود را به کار بردند تا از دیدار کنسولیار و رهبران کرد جلوگیری کنند. رفیعی فرماندار رضائیه و علی اکبروف معاون کنسولگری شوروی در رضائیه از هیچ تلاشی برای مشغول نگه داشتن هیئت آمریکایی در طول اقامتشان در شهر فروگذار نکردند ولی یک دیدار غیررسمی از مقرر حزب دموکرات کردستان و دیدار غیرمنتظره با رئیس ایل منگور که از کنسولیار دوه‌ر درخواست کرد که در مراجعت به تبریز، اجازه دهد که او نیز در اتومبیل وی را همراهی کند، انبوهی از اطلاعات را در مورد وضعیت سیاسی حوزه‌های کردنشین و به‌ویژه مداخلات هاشموف و آلادی پریف کنسولیاریهای شوروی در رضائیه و ماکود در روابط بین دموکرات‌ها و کردها به همراه آورد.^۱ بر آمدن عمرخان به‌عنوان سخنگوی کردهای آذربایجان، به‌رغم آن که [پیشتر] خود قاضی محمد را در مقام رهبر نهضت ملی کرد در ایران به رسمیت شناخته بود، یکی از مهمترین داده‌هایی بود که در این سفر به‌دست آمد. همزمان با افزایش بغض کردها در برابر شوروی‌ها و دموکرات‌ها، افزایش میزانی از نارضایی از قاضی محمد که بانی اولیه همکاری کرد و دموکرات و شوروی نیز محسوب می‌شد، آشکار گردید. دو ایل دهبوگری و منگور به‌ویژه نسبت به کل اندیشه نهضت خودمختار کردستان خصومت ورزیده و از خط‌مشی صریح عمرخان در مخالفت با روس‌ها و دموکرات‌ها، قویاً حمایت کردند.

۱۲ اکتبر / ۲۰ مهر: عمرخان از پذیرش دعوت پیشه‌وری برای حضور در تبریز امتناع کرد ولی در عوض برای حفظ ارتباط با کنسولگری آمریکا در آن شهر به منظور جلب همدلی آمریکایی‌ها و همچنین تنها کانال ارتباطی بین کردها و حکومت مرکزی نماینده‌ای را به تبریز اعزام داشت. نماینده او عاکف شریفی یکی از رؤسای جزء شکاک، در خلال دیداری از کنسولگری گزارش‌های متعددی را که در تبریز پیرامون برنامه بعدی کردها شایع بود، تأیید کرد؛ این که کردها

۱. گزارش کنسولیار دوه‌ر در مورد این سفر در پیوست شماره چهار ضمیمه شده است.

گزارش‌ها ۱۰۵

قصد دارند به زودی، و به‌رغم تمام توافقی‌هایی که اخیراً زیر فشار شوروی حاصل شده بود، اداره امور رضائیه، شاپور و خوی را در دست گیرند. وی از کنسولیار پرسید که در صورت قطع کامل روابط با شوروی‌ها چه کمکی را از ایالات متحده می‌توانند انتظار داشته باشند؟ کنسولیار دوه‌ر به وی اظهار داشت تا زمانی که کردها خود را از حکومت مرکزی ایران دور نگه دارند، نمی‌بایست به همراهی آمریکا دل ببندند - ولی اگر از جدایی‌طلبی به رویه‌ای مبتنی بر وفاداری به حکومت مرکزی تغییر روش دهند، آنگاه می‌توانند انتظار داشته باشند که در همراهی و حمایتی که آمریکا در بیانیه تهران قول آن را به ایران داد سهیم گردند.

۲۲ اکتبر / ۳۰ مهر: نماینده شکاک مجدداً به کنسولگری بازگشت و گزارش داد که عمرخان را از مفاد گفت‌وگویش با کنسولیار آمریکا مطلع کرده و او حاضر است به نام عشایر کرد آذربایجان غربی نسبت به حکومت مرکزی ایران ابراز وفاداری کند مشروط به آن که حکومت مرکزی نیز به نوبت خود ضمانت دهد که در آینده رفتار عادلانه‌تری را در قبال کردها اتخاذ کند و سیاست‌های سرکوبگرانه پیشین در قبال عشایر تکرار نشود. عاکف شریفی خواستار آن شد که سفارت آمریکا در تهران پیشنهاد کردها را به نخست‌وزیر قوام اطلاع داده و پاسخی دریافت دارد که بتوان آن را به تمامی رؤسای عشایر در منطقه ابلاغ کرد.

پیشنهاد کردها به تهران مبنی بر اعلان وفاداران طبیعتاً از پیشه‌وری و مقامات کنسولی شوروی کاملاً پنهان نگه داشته شد و در عین حال که آنها از سفرهای کنسولیار دوه‌ر به حوزه‌های کردنشین و دیدارهای مکرر سران کرد از کنسولگری آمریکا در تبریز اطلاع داشتند، ولی روشن بود که از میزان دست رفتن نفوذشان بر کردها اطلاع نداشتند. با روشن شدن این امر که مناقشه حکومت مرکزی و دموکرات‌ها راه‌حل مسالمت‌آمیزی در پیش نخواهد داشت تغییر مشی کردها نیز به سرعت اهمیت یافت. نه فقط دموکرات‌ها نمی‌توانستند به پشتیبانی فعالانه عشایر غرب امیدوار باشند، بلکه اینک در معرض این خطر قرار داشتند که در صورت تصمیم ارتش حکومت مرکزی برای پیشروی به سمت آذربایجان، از جانب غرب نیز با یک دشمن خطرناک روبه‌رو شوند. ولی لحن

استهزاء آمیز آشکاری که پیشه‌وری در خلال گفت‌وگویی با سر کنسول بریتانیا در ۱۹ اکتبر / در مورد توافق‌نامه ۲۳ آوریل کرد و آذربایجان اتخاذ کرد، بیانگر آن بود که وی حتی در آن تاریخ نیز از وضعیت واقعی کردستان تصویر درستی در ذهن ندارد.

در ۳ نوامبر / ۱۲ آبان کنسولیار دوه‌ر به پست ثابت خود در [سفارت آمریکا] در تهران بازگشت و موفق شد وضعیت حاصل از شکست سیاست شوروی - دموکرات را در قبال کردها، با جزئیات بیشتری برای نخست‌وزیر قوام تشریح کند. اگرچه به نظر آمد که نخست‌وزیر در صداقت پیشنهاد وفاداری عمرخان شک دارد، ولی پیغامی شخصی برای رهبر شکاک فرستاد مبنی بر آن که وفاداری کردها فقط از خلال عملکرد آنها در صورتی که حکومت مرکزی تصمیم بگیرد که برای اعاده اقتدارش بر آذربایجان به زور متوسل شود، قابل ارزیابی خواهد بود. وی همچنین اضافه کرد که دولت او از هر فرصتی برای تصحیح بی‌عدالتی‌هایی که در دوره پادشاهی رضاشاه بر ایلات مجری شد، استقبال خواهد کرد.

بالاخره در ۲۲ نوامبر / اول آذر سران دموکرات در تبریز به تدریج متوجه شدند که دیگر بیش از این نمی‌شد با صدور تهدیدهایی از جانب نمایندگان شوروی، وفاداری «متحدان» کرد خود را تأمین کنند. به نظر می‌آید که در این مرحله قاضی محمد تحت فشاری سنگین، جمعی از سران کرد را به مه‌آباد فراخواند تا در مورد احتمال یک عملیات مشترک با تبریز در صورت پیشروی ارتش دولت مرکزی، به گفت‌وگو پردازند. عمرخان نماینده خود را به کنسولگری آمریکا فرستاد که توصیه کند صورت گرفتن سفری از سوی کنسول سوتون^۱ به مه‌آباد در آن هنگام می‌توانست حسن‌تأثیر داشته و مقاومت سران عشایر را در برابر فشار لحظه آخر شوروی، تقویت کند. کنسول سوتون تبریز را به سمت مه‌آباد ترک گفت ولی چند کیلومتری بیش از شهر دور نشده بود که یک افسر آذربایجانی او را برگرداند. یک هفته بعد عاکف شریفی به کنسولگری آمد و

1. Sutton

گزارش کرد که قاضی محمد تحت فشار شوروی از عشایر خواسته بود که در دفاع از آذربایجان به دموکرات‌ها ملحق شوند ولی رؤسای عشایر تحت رهبری عمرخان، اعلان کرده بودند که حاضر نیستند در مقابل ارتش حکومت مرکزی مقاومت کنند، مگر آن که زیر آتش توپ‌های ارتش سرخ به چنین اقدامی وادار گردند. و هنگامی هم که ارتش دولت مرکزی در اوایل دسامبر / اواسط آذر رو به کردستان حرکت کرد، نه فقط گلوله‌ای شلیک نشد، بلکه وقتی که مقامات نظامی تهران به میاندوآب رسیدند خود قاضی محمد داوطلب شد که خود را بدان‌ها تسلیم نماید.

۷. علل شکست سیاست شوروی در قبال کردها

علل اصلی فروپاشی نفوذ شوروی را بر کردهای آذربایجانی می‌توان در این موارد جستجو کرد:

(الف) جایگزینی نفوذ چند عامل شوروی که جز بلوف و تهدیدهای توخالی - که برای رؤسای مغرور عشایر فوق‌العاده زننده بود - چیز دیگری در چنته نداشتند، به جای نفوذ ارتش سرخ.

(ب) اتخاذ شیوه‌هایی تبلیغاتی از سوی روس‌ها که وفاداری کردها را نسبت به رؤسایشان نادیده گرفته بود.

(پ) اصرار شوروی مبنی بر آن که کردها نسبت به حکومت تبریز نقش یک اقلیت را عهده‌دار شوند.

(ت) خست شوروی در ارائه تسلیحات نظامی به کردها.

(ث) توجه فعالانه مقامات آمریکایی نسبت به امور کردها.

(ج) آگاهی فزاینده سران تحصیل‌کرده کرد نسبت به سیاست قاطعانه ایالات متحده در برابر توسعه [طلبی] شوروی.

(ح) ناتوانی شوروی‌ها در حمایت از نهضت کردستان بزرگ مستقل، که باعث شد نتوانند از تنها عامل ایدئولوژیکی که شاید می‌توانست کردها را به ادامه مقاومت در برابر دولت ایران ترغیب کند، بهره‌برداری کنند.

۸. نیاز حکومت ایران به یک خط‌مشی هوشمندانه در قبال کردها

امتناع کردها از حمایت از حکومت تبریز در برابر پیشروی ارتش ایران به آذربایجان در دسامبر / آذر اگرچه در فروپاشی حکومت دموکرات‌ها عامل تعیین‌کننده‌ای نبود، ولی برای سیاست اعلان شده در بیانیه تهران در خصوص تمامیت ارضی ایران، یک پیروزی بزرگ محسوب می‌شود. قوای ارتش مرکزی حتی در ایام عادی نیز برای عملیاتی که مستلزم تصرف منطقه زندگی عشایر کرد بود، با مقاومتی مسلحانه روبه‌رو می‌شد؛ تسلیم بدون مقاومت اخیر کردها به تهران، آن هم به‌ویژه بعد از فقدان چهار ساله اقتدار حکومت مرکزی در کردستان آذربایجان و همچنین نه ماه حکومت جمهوری کردستان، بدون تردید یک رخداد خارق‌العاده است. حکومت ایران در نتیجه این اعاده سهل و آسان اقتدارش در آذربایجان غربی، اینک در موقعیت فوق‌العاده خوبی قرار دارد که یک سیاست معقول کردی را به جای سیاست سنتی‌اش در سرکوب و انزوای [کردها] اتخاذ کند.

مهمترین نگرانی سران کرد در حین بحث و فحص مصلحت بودن قطع رابطه با دموکرات‌ها و تسلیم به اقتدار تهران، این احتمال بود که از نوزیر بار حکومت نظامی قرار گیرند و به دنبال آن تبعاتی چون غارت و دیگر اشکال ظلم و ستم. بعد از وصول قول نخست‌وزیر قوام مبنی بر قول رسیدگی به مظالم [گذشته] در صورت وفاداری آنها نسبت به حکومت مرکزی، کردها در عین سعی و تلاش برای جلب حسن ظن دولت آمریکا برای آن که از نفوذ اخلاقی خود بر تهران، به‌نحوی استفاده کند که سیاست ایلی عادلانه‌تری مجری گردد، بر انتخاب شرکتمتر تصمیم گرفتند. از آنجایی که این تقاضای کردها با ارائه پیشنهاد مشابهی از سوی وزارت امور خارجه آمریکا همزمان شد، الن، سفیر [ایالات متحده در تهران] توجه قوام را به مطلوب بودن یک خط‌مشی آزادتر در قبال عشایر ایران جلب کرد. شکل‌گیری عملی سیاست دولت مرکزی در قبال کردها پس از تسلیم اخیر آنها موضوع یک گزارش آتی خواهد بود.

پیوست اول به گزارش مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ / ۲۵ دی ۱۳۲۵
تحت عنوان «تحولات سیاسی در میان کردهای آذربایجان در ۱۹۴۶»

شخصیت‌های سیاسی کرد

قاضی محمد رئیس به اصطلاح جمهوری کرد مهاباد حدود ۴۵ سال سن دارد، اهل مهاباد است و به یک خانواده محترم و ثروتمند کرد تعلق دارد. او در مدارس محلی تحصیل کرده است ولی توانسته است در کنار آشنایی با ترکی، فارسی و کردی بومی‌اش تا حدود قابل توجهی نیز انگلیسی و فارسی بیاموزد. تا پیش از پیشروی روس‌ها، قاضی بیشتر به خاطر زعامت مذهبی‌اش در میان کردهای شمال شهرت داشت و مورد احترام عشایر مختلف و دولت مرکزی قرار داشت. در خلال اغتشاشات مختلف کردها، او در مقام رابط میان عشایر و دولت مرکزی عمل می‌کرد.

هنگامی که شوروی‌ها در جستجوی رهبر کردی برآمدند که بتواند مانند پیشه‌وری در آذربایجان از او استفاده کرد، قاضی را انتخاب کردند که در آن موقع تنها کردی بود که از سوی سران طوایف مختلف شمال محترم شمرده می‌شد. در این مقطع بود که قاضی دگردیسی خود را از قالب یک «شیخ» مذهبی به رهبر سیاسی یک جمهوری تصنعی کرد آغاز کرد.

در نیمه دوم سال ۱۹۴۵ / پاییز - زمستان ۱۳۲۴ ژنرال آتاکیشی اف عامل قفقازی شوروی، برای مشورت با قاضی محمد و رؤسای عشایر چند بار به مهاباد سفر کرد. اعتقاد بر آن است که دلیل اصلی توافق رؤسای عشایر در شناسایی قاضی هم به عنوان یک رهبر سیاسی و هم یک زعیم مذهبی، مقام و موقعیت وی نزد شوروی‌ها بود، به این امید که بتوانند مقادیر معتابهی تسلیحات سبک و سنگین دریافت کنند. کارشناسان امور کرد در اینجا بر این باورند که این تعارض که چگونه سران فوق‌العاده فردگرایی [عشایر] کرد حاضر شدند یک حکومت دست‌نشانده شوروی را مورد تأیید قرار دهند که اهدافش با منافع

واقعی سران مزبور در تقابل کامل قرار داشت، تنها در چارچوب «خم شدن در برابر باد»، با این هدف که از مداخله مستقیم شوروی‌ها در امور کرد جلوگیری گردد، می‌تواند توجیه شود.

قاضی محمد از لحاظ شأن و متانت شخصی از بسیاری از دیگر ابرار شوروی که اینک در آذربایجان در مسند قدرت قرار دارند - از جمله پیشه‌وری - سر است. یک کرد متعارف نیست؛ از ستیزه‌جویی معمول، سر و وضع تا بن دندان مسلح عشایری که امروزه در خیابان‌های تبریز می‌بینم در او نشانی دیده نمی‌شود. در گفت‌وگوهای معمولی‌اش لحن آرامی دارد و حتی هنگامی که باورهای سیاسی خود را به نحوی احساسی بیان می‌کند صدایش از حد معینی تجاوز نمی‌کند. سخن‌پرداز ماهری است و از آنجایی که در بیان آراء و عقاید خود از صداقتی به مراتب بیش از عوامل متعارف شوروی برخوردار است به نظر نمی‌آید که هیچ‌گاه در مکتب حزب کمونیست آموزش دیده باشد.

قاضی به‌رغم پیشینه مذهبی‌اش به هیچ‌وجه مسلمان متعصبی نیست. رهبر مسیحیان آسوری در تبریز و همچنین سرپرست میسیون کاتولیک فرانسه در آنجا او را شخصی «ساده» و «خوب» توصیف می‌کنند. از سوی دیگر مقامات کنسولی بریتانیا در تبریز با این نظریات موافق نبوده و با قطعیت تمام مدعی هستند که قاضی جز یک پشت هم انداز حقه‌باز، شارلتان و مخلوق شوروی چیز دیگری نیست. احتمالاً این طرز تلقی در این امر ریشه دارد که قاضی در ابراز مخالفت با بریتانیا صریح است و در دو مورد افسران کنسولی بریتانیا، با تهدید توسل به خشونت، از مهاباد اخراج شدند.

در این که قاضی محمد فرصت طلب است تردید نیست، ولی برداشتی که باقی می‌ماند آن است که فرصت‌طلبی او رنگ و رویی ایدئولوژیک ندارد؛ در ابراز مهر و محبت خود نسبت به مردم کرد نیز تا حدودی صادق است. در حال حاضر تقدیر و سرنوشت جنگ او را در اردوی شوروی قرار داده است ولی به نظر نمی‌آید که از این وضع خیلی راضی باشد؛ بارها به نحوی بارز نشان داده است که هم نسبت به شوروی‌ها بی‌اعتماد است هم نسبت به سخنگویان آذربایجانی آنها.

محمدحسین سیف قاضی وزیر جنگ جمهوری کردِ برکشیده شوروی. او اهل مهاباد است و یک کرد «شهری»؛ به یکی از محترم‌ترین خانواده‌های کرد تعلق دارد. پدرش شیخ محمدسیف قاضی یکی از زعمای مذهبی کردهای شمالِ تابع قاضی محمد، سال گذشته فوت کرد. شهرت دارد که او - [محمدحسین سیف قاضی] - بسیار زرنگ است و به نظر می‌آید که تحصیلات عالی دارد، کمی انگلیسی و فرانسه نیز صحبت می‌کند.

عَمَر (عُمَر) خان رهبر ایل مهم شکاک است و برای مدتی نیز وزارت جنگ جمهوری کرد [مهاباد] را برعهده داشت. حدود ۵۵ سال سن دارد و همیشه با دولت مرکزی در جنگ بوده است. بخشی از سال‌های جوانی خود را در زندان‌های سیاسی رضاشاه سپری کرده و چند سال نیز در ترکیه تبعید بوده است. هنوز یک یاغی رام نشده تلقی می‌گردد. کنسول بریتانیا بر این باور است که یکی از مهمترین دلایلی که قاضی محمد در اثبات ادعای خود مبنی بر حفظ ثبات سیاسی [منطقه] می‌تواند ارائه کند، آن است که تا حال توانسته است وفاداری عمرخان را نگه دارد.

ابوالقاسم صدر قاضی سخنگوی قاضی محمد در تبریز تلقی می‌شود. او ۵۰ سال دارد. اگرچه متولد مهاباد است ولی در تبریز زندگی می‌کند و املاک در خور توجهی در آن شهر دارد. تحصیل کرده است و در میان کردهای شمال از احترام بالایی برخوردار است. برای مدتی در مجلس شورای ملی نمایندگی کردها [ی مهاباد] را برعهده داشت.

زرو بیگ از رؤسای نوپای ایل هرکی و احتمالاً نامحبوب‌ترین چهره حکومت مهاباد. حدود ۴۰ سال سن دارد، با موهای روشن و چشمان آبی. در ماه‌های اخیر بیشتر ترجیح داده است که یونیفورم ارتش سرخ را بپوشد تا لباس فرم ارتش جمهوری کردستان را. از پیشینه او اطلاع چندانی در دست نیست اگرچه تعدادی از کردهای صاحب‌نام به افسر [نویسنده این] گزارش اظهار داشته‌اند زرو بیگ در آغاز در خدمت یکی از رؤسای ایل بیگزاده بوده است که بنا به میل خود در عراق راه تبعید پیش گرفته بود. او اندک زمانی پس از تشکیل جمهوری مهاباد به موقعیت فعلی‌اش در مقام ژنرال ارتش

کردستان ارتقاء یافت و به فرمانبرداری از مقامات کنسولی شوروی در رضائیه معروف است.

رشید بیگ و نوری بیگ از رؤسای مهم ایل بیگزاده، واقع در منطقه رضائیه می‌باشند.

حاجی بابا شیخ رئیس «مجلس ملی» جمهوری کردستان است و بعد از قاضی محمد مهمترین رهبر مذهبی کردهای شمال به حساب می‌آید. او حدود ۶۵ سال سن دارد، با محاسنی سفید و فوق‌العاده شریف و محترم.

$\frac{59}{(4)}$

پیوست دوم به گزارش مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ تحت عنوان «تحولات سیاسی در میان کردهای آذربایجان در ۱۹۴۶»
معاهده ۲۳ آوریل ۱۹۴۶ کرد - آذربایجان^۱

$\frac{59}{(5)}$

پیوست سوم به گزارش مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ تحت عنوان «تحولات سیاسی در میان کردهای آذربایجان در ۱۹۴۶»
سفر مقام کنسولی سفارت [آمریکا در تهران] وارد و کنسولیار دهر به مهاباد گزارش کنسولر سفارت آنگوس وارد^۲

صبح روز ۱۶ ژوئیه / ۲۵ تیر ۱۳۲۵ همراه با کنسولیار دهر تبریز را به قصد مهاباد ترک گفتم. آقای دُ سنت سوان^۳ به دلیل کسالت در این سفر حضور نداشت. از آنجایی که سفر از تبریز به مهاباد مستلزم عبور از مناطق تحت اداره کردها بود

۱. این گزارش قبلاً منعکس شده است، بنگرید به سند شماره ۳۵.

2. Angus Ward

3. de Saint Suaanue

و ما مطلع شده بودیم که حکم حکومت تبریز در این نواحی چندان مجری نیست، کنسولیار دوه‌ر با قاضی محمد رهبر کردهای شمال ترتیبی داده بود که یک مقام کرد ما را از تبریز تا مهاباد همراهی کند. در پی خروج از تبریز در هیچ‌یک از پست‌های بازرسی متوقف نشده و مورد پرس و جو قرار نگرفتیم مگر در ایستگاهی مابین مراغه و بناب در ۱۳۰ کیلومتری تبریز. نگهبان مأمور این پُست به ترکی سخن می‌گفت ولی جالب آن است که به هنگام ثبت مشخصات ما در دفترچه‌اش، زیر لب به روسی تکلم می‌کرد. در این مرحله از جاده اصلی خارج شده و پس از طی ۱۲ کیلومتر از مراغه دیدار کردیم. در آنجا در حالی که مشغول صرف غذا بودیم، تحت مراقبت سفت و سخت پلیس قرار داشتیم.

اتومبیل‌های ما و رستورانی که در آن غذا می‌خوردیم در محاصره پلیس قرار گرفت و جز کارکنان رستوران هیچ‌کس اجازه نیافت که به ما نزدیک شود. در خیابان‌های مراغه حدود ده نفر که روس به نظر می‌آمدند دیدیم و حدود شش تا هشت زن روس مآب که از پنجره به ما می‌نگریستند. در میاندوآب وارد حوزه تحت کنترل کردها شدیم؛ آخرین نیروهای نظامی و انتظامی آذربایجان در شمال رودخانه‌ای قرار داشتند که در امتداد حاشیه شمال میاندوآب جریان داشت. در میاندوآب برای صرف چای به مقر نظامیان کرد دعوت شده و با نهایت ادب و مهمان‌نوازی از ما پذیرایی کردند. در واقع در تمام مدتی که در قلمرو کردها بودیم با نهایت ادب و مهمان‌نوازی پذیرفته شدیم. راه خود را به سمت مهاباد ادامه داده و پس از آن که در ۱۵ کیلومتری مهاباد به جغتوپُل^۱ رسیدیم در آنجا از سوی یک هیئت کرد که از مهاباد آمده بود مورد استقبال قرار گرفتیم. شهردار مهاباد نیز از اعضای هیئت مزبور بود. در مهاباد نیز به گرمی پذیرفته شدیم. اگرچه کنسولیار دوه‌ر و من تأکید کرده بودیم که دیدار ما رسمی نیست ولی تعدادی از کردها اصرار داشتند که به دیدار ما بیایند. دیدار آنها بسیار مطلوب بود و اولین بار بود که با کردها سخن می‌گفتم. برخلاف تجربه‌ام در بخش‌های غیرکرد آذربایجان که می‌توانستم به راحتی به روسی صحبت کنم، در قلمرو کردها کسی را نیافتم که بتواند به زبان روسی صحبت کند. البته با تعدادی از کردهای

(ایران و عراق) آشنا شدم که انگلیسی صحبت می‌کردند یا کردهایی (از سوریه) که فرانسه می‌دانستند.

کردهای مه‌آباد را بسیار ملی‌گرا یافتیم. از این که در ایران به مثابه یک اقلیت فراموش شده با آنها رفتار می‌شود شکایت بسیار داشتند. از سوء رفتار مقامات کشوری و لشکری ایران نیز ناراضی بوده و کوتاهی دولت مرکزی را در احداث مدرسه و درمانگاه‌های عمومی مورد انتقاد قرار می‌دادند. اگرچه در موقعیتی نبودم که بتوانم صحت و سقم این اظهارات را بسنجم ولی شکایت آنها را از وضعیت راه‌ها درک می‌کردم؛ شاهراه اصلی مابین شاپور و رضائیه واقع در غرب دریاچه ارومیه و شاهراه بین میاندوآب و مه‌آباد در بخش شرقی، در وضعیت فوق‌العاده اسفناکی قرار داشت. ما حاصل این ناراضی‌ها از دولت مرکزی به صورت رواج برداشتی در میان کردها تبلور یافته است که اگر [در آن حدود] یک تشکیلات اداری صرفاً کرد برقرار گردد، اوضاع نه فقط از آن بدتر نمی‌شود بلکه احتمالاً بهتر هم خواهد شد. کردها مردمانی مغرور، سرسخت و ایلیاتی هستند؛ در رتق و فتق امور عشایری خود کم و کسری ندارند ولی به هیچ‌وجه مطمئن نیستم که در حوزه‌ای گسترده‌تر نیز توانایی مشابهی را بروز دهند. کردهایی که من ملاقات کردم در مورد نوع تشکیلات ملی‌ای که بتواند خواسته‌های آنها را برآورده سازد اتفاق نظر نداشتند. گروهی از آنها خواهان نوعی خودمختاری در چارچوب ایران بودند و گروهی دیگر نیز در پی جدایی کامل از ایران و تشکیل یک دولت مستقل کرد از طریق ادغام با کردهای همسایه (در عراق، ترکیه و سوریه). برداشت من آن است که آنها در حصول به نوعی آزادی کرد مصّر هستند، حتی اگر دستیابی به چنین هدفی تنها از طریق توسل به اسلحه میسر باشد. براساس اطلاعات واصله از منابع غیرکرد در ایام بازدید ما از رضائیه و مه‌آباد، کردهای شمال ایران (که [بیشتر] اهل تسنن هستند) حدود ۶۰۰۰ نیروی منظم (ملبس به یونیفورم) داشتند. برآورد تعداد نیروهای غیرمنظم (بدون لباس فرم) کرد دشوار است ولی از آنجایی که تمامی کردهای بیش از دوازده سال تفنگچیان قابلی هستند و حتی زنان کرد نیز به هنگام زد و خورد دوشادوش مردان خود می‌ایستند، تعداد آن باید خیلی زیاد باشد.

پیوست چهارم به گزارش مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ تحت عنوان «تحولات سیاسی در میان کردهای آذربایجان در ۱۹۴۶»
سفر مهاباد مقام کنسولی سفارت وارد و کنسولیار دوه‌ر
گزارش کنسولیار جرالد اف. پی. دوه‌ر

پس از یک سفر بی‌حادثه در آذربایجان و کردستان شمالی به اتفاق رئیس اداره تبلیغات کرد که از سوی قاضی محمد به‌عنوان «گارد افتخار» ما تعیین شده بود، ظهر روز ۱۶ ژوئیه / ۲۵ تیر وارد مهاباد، پایتخت جمهوری کرد شدیم. شهردار مهاباد و تنی چند از سران جمهوری در روستایی واقع در شمال شهر به استقبال آمده و ما را تا مقصد همراهی کردند. در نهایت مهمان‌نوازی از ما پذیرایی شد و کردها نهایت سعی خود را مبذول داشتند که بازدید ما در یک محدوده غیررسمی باقی بماند.

بعد از ظهر روز ورودمان، تعداد زیادی از سران کرد، مشعوف از نخستین دیدار مقامات آمریکایی از مهاباد در آن سال‌ها، در خانه‌ای که اختیارمان گذاشته شده بود، به دیدار ما شتافته و ادای ادب کردند. شهردار مهاباد، رئیس مجلس ملی جمهوری و اعضای کابینه از جمله این دیدارکنندگان بودند.

کسانی که از ما دیدار کردند، با میل و رغبت ولی به قید محرمانه ماندن کامل امر، در مورد وضعیت سیاسی کردستان، خواسته‌های کردها و برنامه کوتاه‌مدت و درازمدت جمهوری با ما به گفت‌وگو نشستند. آنها تأکید داشتند که نمی‌خواهند بخشی از آذربایجان دموکرات باشند، بلکه خواهان آن هستند که برخوردار از خودمختاری فرهنگی و اداری بخشی از ملت ایران باشند. تنی چند اذعان داشتند که تأسیس یک دولت مستقل کرد که «سه میلیون کرد ترکیه، سه میلیون [کرد] ایران، نیم میلیون [کرد] سوریه، یک و نیم میلیون [کرد] عراق و یک چهارم میلیون [کرد] اتحاد شوروی» را شامل گردد، هدف درازمدت سیاست کردها را تشکیل می‌دهد. مع‌هذا بعد از صرف شام، عصر همان روز

رئیس اداره آموزش عمومی جمهوری که پیشتر نیز نسبت به صاحب‌منصبان کنسولگری آمریکا در تبریز مواضع دوستانه‌ای اتخاذ کرده بود، اذعان داشت که [صاحبان آراء فوق‌الذکر] از جمله عناصر تندرو کرد بودند و قاضی محمد و هوادارانش حاضرند امتیازات حداقل ذیل را از دولت مرکزی قبول کنند:

۱. [تأسیس] یک استان کرد در چارچوب ایران که مناطق کرمانشاه، همدان، اردلان، و لرستان و در آذربایجان نیز تمامی بخش‌های غرب و جنوب دریایچه ارومیه را، از جمله شهرهای خوی، ماکو، شاپور، رضائیه و میاندوآب شامل شود. این ایالت باید توسط یک استاندار کرد که از سوی تهران تعیین می‌شود، تحت اداره قرار گیرد و از یک انجمن ایالتی که در محل انتخاب می‌شود برخوردار گردد.

۲. خودمختاری فرهنگی، بیشتر به معنای آن که تا کلاس ششم به زبان کردی تدریس گردد.

۳. ارتش جمهوری مردم کرد در ارتش مرکزی ادغام گردد و کماکان تحت امر افسران کرد - از جمله فرمانده استان - قرار داشته باشد. این امر مانع از آن نخواهد بود که افسران عالی‌رتبه ایرانی در حوزه‌های فنی نتوانند در مقام مستشار در این لشکر خدمت کنند.

همان منبع به ما اطلاع داد که آسوری‌های کردستان و گروه‌هایی منشعب از ارمنی‌ها و یهودی‌های منطقه نیز با تمام وجود از حکومت مهاباد حمایت می‌کنند. ملاحظات مقام کنسولی وارد در طول سفرش به رضائیه در هفته گذشته و اظهارات رهبران آسوری به من در گذشته، به نظر مؤید این ادعای کردها است که آسوری‌ها از آنها حمایت می‌کنند.

در مهاباد تمام نشانه‌های موجود از این حکایت داشت که قاضی محمد و نهضت او از نفوذ گسترده‌ای در کل کردستان برخوردار است. همه رؤسایی که ما با آنها گفت‌وگو کردیم - سرانی از سنندج، بوکان و سردشت - به نظر قاضی را به عنوان رهبر سیاسی خود قبول داشتند. اهالی مهاباد نیز از طرفداران پر شور و شوق این حرکت جدید به نظر آمدند.

اجازه یافتیم که از تمام قسمت‌های مهاباد و اطراف آن بازدید کنیم. از رخنه شوروی بدین شهر نشانه‌ای ملاحظه نشد، در حالی که تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان از عوامل پلیس مخفی [شوروی] ان. کا. و. د. مالا مال است، در مهاباد یکی از آنها نیز دیده نشد. مدیر اداره آموزش عمومی مهاباد اظهار داشت از آنجایی که سران کرد حاضر نیستند با حکومتی که مانند [حکومت] فعلی آذربایجان تحت ترور و ارباب شوروی تحمیل شده، سر کنند، مخالف سرسخت اتحاد با آذربایجان هستند.

ملاحظات ما در طول مسیر رفت و برگشت مهاباد، مؤید آن بود که کردها بر قلمرویی که مورد ادعای حکومت تبریز بود، دست‌اندازی می‌کنند. شهر میان‌دوآب به استثنای پادگانی که در شمال شهر در تصرف قوای آذربایجان بود، تحت کنترل کامل نیروهای نظامی کرد قرار داشت.

سران کرد اظهار داشتند که با دولت مرکزی قصد جنگ و جدل ندارند، مگر این که مورد حمله قرار گیرند. اذعان داشتند که تانک یا توپخانه سنگین در اختیار ندارند ولی مدعی بودند که در صورت ضرورت یافتن یک جنگ دفاعی می‌توانند ده‌ها هزار تفنگچی بسیج کنند. در حین بازدید از شهر، رژه چند صد تفنگچی ملبس به لباس فرم را دیدیم که ظاهراً در زد و خورد های اخیر در اطراف سقز شرکت داشته‌اند. مع‌هذا بخش اعظم نیروی مسلح کردها را نیروهای غیرمنظم و سنتی، یعنی ترکیبی از آنهایی را تشکیل می‌دهد که می‌توانند اسلحه بردارند.

این دیدار ما را متقاعد ساخت که کردها نسبت به روابط نزدیک‌تر با ایالات متحده امیدواری‌هایی دارند. برای نشان دادن مواضع دوستانه خود نسبت به آمریکایی‌ها از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و از ما خواسته شد به هر آمریکایی که مایل است از کردستان دیدار کند، بگوییم که مقدم وی همیشه گرامی است.

$\frac{59}{(7)}$

پیوست پنجم به گزارش مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷، تحت عنوان «تحولات سیاسی در میان کردهای آذربایجان در ۱۹۴۶»^۱

$\frac{60}{(1)}$

سرویس خارجی ایالات متحده آمریکا، سفارت آمریکا
تهران، ایران، ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ / ۲۵ دی ۱۳۲۵
شماره ۲۶۴، محرمانه
موضوع: ارسال گزارش سفر وابسته نظامی [سفارت] بریتانیا به آذربایجان.

حضرت اجل وزیر خارجه، واشنگتن. افتخار دارم که یک نسخه از گزارش کلنل جی.دی. پایبوس، وابسته نظامی بریتانیا را در شرح ملاحظاتش از سفری که در فاصله ۲۹ دسامبر ۱۹۴۶ تا ۳ ژانویه ۱۹۴۷ / ۸ تا ۱۲ آذر ۱۳۲۵ در آذربایجان داشته است، پیوست نمایم.

یادداشت‌های کلنل پایبوس از آنجایی که نخستین گزارشی است که از وضعیت کلی آذربایجان پس از اعاده اقتدار دولت مرکزی در آن استان به سفارت رسیده است، گزارش پر اطلاع و ارزشمندی است.

در مورد یادداشت‌های مربوط به اصطلاح «مهاجر» کنسولیاری دوه‌ر که در نیمه دوم سال گذشته سرپرستی کنسولگری تبریز را برعهده داشت، اظهار می‌دارد که یک گروه چهارمی از مهاجران وجود دارد که در گزارش کلنل پایبوس بدان‌ها اشاره نشده است؛ این گروه تعداد معتناهی از اتباع ایران را شامل می‌شوند که در دوره رضاشاه به دلیل عقاید چپ‌گرایانه خود مجبور شدند به اتحاد شوروی فرار کنند. این پناهندگان، از جمله پیشه‌وری، جاوید و دیگر سران

۱. این گزارش قبلاً در همین مجموعه آمده است بنگرید به سند شماره $\frac{54}{(7)}$.

جنبش دموکرات آذربایجان بعد از اشغال کشور توسط ارتش سرخ در ۱۹۴۱ / ۱۳۲۰ به ایران مراجعت کردند. علاوه بر این کنسولیار دوه‌ر بر این باور است که رقم ارائه شده در این گزارش در مورد تعداد مهاجران محافظه کارانه است و در بخش اعظم دوره‌ای که دموکرات‌ها بر سر کار بودند حداقل ۵۰۰۰ مهاجر در آذربایجان بودند.

با احترام
جرج وی.الن
سفیر آمریکا

پیوست: گزارش سفر در آذربایجان

$\frac{۶۰}{(۲)}$

پیوست شماره ۱ به مراسله شماره ۲۶۴،
مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۶ [۱۹۴۷]،
از سفارت آمریکا، تهران، محرمانه

یادداشت‌هایی از یک سفر به آذربایجان
بین ۲۳ دسامبر ۱۹۴۶ تا ۳ ژانویه ۱۹۴۷

۱. هدف

چند هفته پیش در گفت‌وگویی با ریاست کل ستاد ارتش، ابراز امیدواری کردم که ارتش ایران پس از تصرف مجدد آذربایجان رفتار متعادلی در پیش گرفته و نباشد که در التهاب اولیه پیروزی با یک کینه‌توزی کور نسبت به هوادارن پیشین احزاب توده و دموکرات، قانون را به دست خود گیرند. ژنرال رزم‌آرا به من اطمینان داد که نگرانی‌ام بی‌مورد است و پیشنهاد کرد که خودم به هر کجا که میل دارم بینم، بروم.

۲. مسیر

مسیری که در پیش گرفته شد عبارت بود از تهران - قزوین - زنجان - میانه - تبریز - جلفا - خوی - رضائیه - مهاباد - میاندوآب - تبریز - قزوین - رشت - پهلوی - آستارا - پهلوی - رشت - قزوین - تهران، مسیری معادل ۱۸۰۰ مایل. به دلیل کمبود وقت از مراغه بازدید نشد و به دلیل برف‌گرفتگی مسیر مستقیم تبریز به آستارا از طریق اردبیل، لازم شد به قزوین مراجعت شود.

۳. از قلم‌افتاده‌ها

(الف) اطلاعات منطقه شناختی (که به صورت تکمله‌هایی بر کتب موجود از راه‌ها ارائه خواهد شد).

(ب) نحوه استقرار نیروهای ایران (که در [گزارش] بعدی وابسته نظامی از آرایش رزمی [ارتش ایران] ارائه خواهد شد).

(پ) توصیف تسلیحات روسی‌ای که از دموکرات‌ها به دست آمده است (که جداگانه به وزارت جنگ تسلیم خواهد شد).

۴. یادداشت‌هایی راجع به شهرهای مختلفی که مورد بازدید قرار گرفت زنجان

از آنجایی که درباره بازدید خود از اینجا در ۱۱ دسامبر گزارش داده‌ام، در زنجان توقف نکرد.

میانه

در نتیجه بازدید والا حضرت اشرف و خبرنگاران بریتانیایی از این شهر در نشریات ایران گزارش‌های مفصلی درباره آن منتشر شده است.

تبریز

(سر کنسول اعلیحضرت [پادشاه بریتانیا] برای گزارش نیم سال خود گزارش مفصلی در مورد آخرین روزهای حکومت دموکرات‌های آذربایجان در دست

تهیه دارد). برای آن که ترکیب اصلی گزارش به درازا نکشد وی به توصیه من، یک روزشمار رخ داده‌ها و یک فهرست رجال^۱ از شخصیت‌های اصلی پیوست خواهد کرد.^۲

از تیمسار هاشمی فرمانده نیروهای آذربایجان و کفیل استانداری دیدار کرده و اطلاعات ذیل را از او گرفتم:

(۱) در فاصله فروپاشی تشکیلات فرقه دموکرات آذربایجان تا ورود نیروهای دولتی در ۱۳ دسامبر / ۲۲ آذر حدود ۳۰۰ نفر از دموکرات‌های سابق توسط مردم خشمگین کشته شدند. حدود ۳۰٪ آنها قفقازی یعنی از اتباع شوروی بودند که شناسنامه ایرانی نداشتند.

(۲) از ورود ارتش به بعد کشتاری صورت نگرفت.

(۳) بسیاری از تسلیحاتی که توسط دموکرات‌ها توزیع شد در دست اوباش است و هنوز شب‌ها تیراندازی‌هایی صورت می‌گیرد (در ایامی که آنجا بودم سه گلوله به دیوار سر کنسولگری اصابت کرد).

(۴) سر کنسول شوروی تقریباً هر روز از ژنرال هاشمی دیدار کرده و نسبت به تعقیب دموکرات‌های سابق و دیگر «عناصر روشنفکر» شکایت می‌کند.

(۵) اهالی تبریز نسبت به پیشنهاد انتصاب صدیقی به سمت استاندار، تحت عنوان آن که وی از اعتبار، اقتدار و تجربه کافی برخوردار نیست، اعتراض کرده و از اعلان این [خبر] که در نهایت علی منصور [بدین سمت] منصوب شده است استقبال کرده‌اند. از نظر آنها آذربایجان از آنچنان اهمیتی برخوردار بود که رجال درجه اول بدانجا اعزام شوند. مگر نه که در ایام قاجار ولیعهد اداره آنجا را برعهده داشت؟

(۷) در حال حاضر ارتش و شاه از محبوبیتی بی‌سابقه برخوردارند. دولت مرکزی باید به جای اعزام تهرانی‌هایی طماع و تنبل بدین جا که دوره حکمروایی خود را در این استان، دوره‌ای برای جبران مافات سال‌های غیبت، پر کردن

1. Catalogue raisonne [Résumé ?]

۲. در این مجموعه ملاحظه نشد.

جیب‌ها و مراجعت به خوشی‌های پایتخت تلقی می‌کنند، بهترین کارمندان خود را به آذربایجان بفرستند. از هم‌اکنون مأموران شهربانی به دریافت رشوه و لهذا نادیده گرفتن فعالیت‌های کسانی متهم هستند که - (غالباً به غلط) - مظنون به همکاری با رژیم سابق می‌باشند. اگر از یک چنین رفتارهایی جلوگیری نشود، محبوبیت فعلی دولت مرکزی از بین رفته و مردم به این باور می‌رسند که از دیگ به تنور افتاده‌اند.

جلفا

(۱) به ظاهر همه جا آرام می‌نمود و نیروهای دولتی در نقاطی که بیش از دیگر جای‌ها به حضورشان احتیاج داشت مستقر بودند. کل پاسگاه مرزی از ۲۵ ژاندارم تشکیل شده که تحت سرپرستی یک ستوان دوم قرار دارد. افسر مزبور توضیح داد که این عده به هیچ‌وجه کفایت نمی‌کند چون علاوه بر حفاظت از پل مرزی، باید سلاح‌های غیرمجاز آن حوزه را نیز گردآوری کند. وقتی از او پرسیدم که چرا با توجه به فرمان دولت مبنی بر ممنوعیت صدور احشام، از این کار جلوگیری نمی‌کند - (حدود ۵۰۰ رأس دام را دیدم که به سمت پل جلفا هدایت می‌شدند) - پاسخ داد که نماینده تجارتنی شوروی به او گفته است که دولت او با دولت ایران قراردادی امضاء کرده و فرمان پیشین مبنی بر ممنوعیت صدور دام زنده را لغو کرده است.

(۲) اندکی بعد از ورود نیروهای دولتی [به جلفا] فرمانده پاسگاه مرزی شوروی مدعی شده بود از آنجایی که پل واقع بر رود ارس (مرز) به هزینه روسیه ساخته شده، ملک آنهاست و از این رو قراولان، قرار دادن آنها باید در آغاز پل که قسمت ایران است نیز مستقر شوند. با این امر موافقت نشده و در مورد پل خط آهن نیز قراولان روس و ایرانی هر یک در قسمت‌های مربوط به خود پاسداری می‌دهند.

خوی

(۱) این شهر از قفقازی‌های پشتیبان دموکرات‌ها، آسیب فراوان دید و بیست و

یک نفر آنها پیش از فرا رسیدن قوای دولتی به دست مردم کشته شدند. حدود بیست و پنج نفر دیگرشان نیز که بعد از اسارت تحت بازجویی قرار گرفتند، اظهار داشتند که از اتباع روس شهر گنجه (کیروف‌آباد) می‌باشند.

(۲) با گروهی متشکل از پانزده نفر از نمایندگان طبقات مختلف خوی دیدار کردم که باعث شد از دوره حکومت دموکرات‌ها تصویر نسبتاً روشنی به دست آورم. از یک ملا که شخص هوشمندی بود پرسیدم که چرا تشکیلات دموکرات سعی نکرد با حسن رفتار در قبال مردم، محبوبیتی برای خود کسب کند. وی پاسخ داد که در خلال ربع اول حکومت یک ساله دموکرات‌ها، در واقع آنها در پی کسب محبوبیت بودند. تأکید مستمرشان بر آن بود که همگی برادران هم بوده و در یک سنت و براساس یک راه و رسم زندگانی بزرگ شده‌اند از این رو برای حکومت بر آنها از تهرانی‌های تن‌پرور و نادان و نادرست، شایستگی بیشتری دارند. در این که توانسته بودند - البته با روش‌هایی بی‌رحمانه - به میزانی از امنیت در حوزه‌های برون شهری دست یابند که با دوره رضاشاه قابل مقایسه بود، تردید نیست. برای مرمت راه‌ها اقداماتی کرده و در صورت مشاهده ارتشاء در میان زیردستان خود نیز با شدت عمل برخورد می‌شد. برای جلوگیری از مصرف تریاک نیز تلاش‌های دامنه‌داری را آغاز کرده بودند. آموزش نیز تشدید شده بود (تعدادی از کتاب‌های درسی را نیز به من نشان دادند که از باکو تأمین شده بود ولی به دلیل عدم آشنایی به زبان ترکی نتوانستم این ادعای گروه مزبور را بررسی کنم که می‌گفتند زبانی که در [این کتب] به کار گرفته شده بود ترکی باکو بود و با زبان محلی تفاوت بسیار داشت). به دلیل کمبود پول در عرصه بهداشت عمومی به کار چندانی، یا در واقع به هیچ کاری توفیق نیافته بودند. به گفته روحانی مزبور دموکرات‌های محلی لااقل به ظاهر سررشته امور را در دست داشته و بنا به اعتقاد او جز دستیابی به نوعی خودمختاری محلی در چارچوب دولت ایران هدف دیگری نداشتند. در طول نه ماه آخر حکومت [دموکرات‌ها] بود که دگرگونی‌هایی مشاهده گردید. انبوهی از «مهاجران» (در انتهی گزارش یادداشتی در [توضیح] این اصطلاح آمده است) سرریز شده و کنترل نهضت را به دست گرفتند. از آن مقطع به بعد هواداران محلی [فرقه] موقعیتی ثانوی یافته و

دوران قتل و ترور، شلاق و تجاوز، و دست‌اندازی به اموال غیر آغاز شد. شروع صادرات گسترده مواد غذایی به روسیه، از دیگر جوانب این دگرگونی بود. به نظر روحانی مزبور در این زمان بود که صحبت در مورد خودمختاری محلی خاتمه یافت و دموکرات‌ها به صورتی علنی از جدایی از ایران سخن به میان آوردند. ترور به‌عنوان سریع‌ترین و مؤثرترین روش سرکوب مخالفت و همچنین مهیا کردن مردم برای هرگونه تغییر در نوع حکومت یا حاکمیتی که ممکن بود از بیرون تحمیل گردد، آغاز گردید.

(۳) اختیار بین خوردن پهن اسب و یا تحمل ضربات شلاق یکی از شیوه‌های رایج مهاجران در تنبیه مخالفان سیاسی بود. پشت کسی را دیدم که مجازات دوم را انتخاب کرده و پنجاه ضربه شلاق را تحمل کرده بود.

(۴) چند نفر از اعضای این گروه بر این عقیده بودند که دولت ایران باید آموزش زبان فارسی را توسعه دهد تا زبان ترکی به تدریج از این ایالت محو گردیده و در نتیجه گرایشات جدایی طلب هم از میان برخیزد (من با توجه [به حساسیت موضوع] و به ویژه با یاد داشتن توصیه نافر جام سر ریدر بولارد در زمان پیشنهاد تشکیل یک کمیسیون سه‌جانبه تحقیق، در مورد زبان ترکی و دیگر زبان‌های [رایج در] ایران، از ورود به این موضوع جنجال برانگیز اقلیت‌های زبانی، امتناع کردم ولی حضار که گرم این موضوع شده بودند اظهار داشتند فارسی زبان اصلی منطقه بوده و ترکی توسط فاتحان مغول تحمیل شده بود که در مورد دقت تاریخی این نظریه اطلاعی ندارم).

(۵) اگرچه خوی شهر کوچک و نسبتاً دور افتاده‌ای است که انگلیسی‌ها به ندرت از آن دیدار می‌کنند ولی محبوبیت ما آشکار بود. صبح روز بعد کل جمعیت شهر به بدرقه من آمدند. اصرار بر یک سخنرانی داشتند و صفوفی از شاگردان مدرسه که سرود ملی ایران را می‌خواندند، تشکیل شد.

رضائیه

(۱) در اینجا نیز شور و شوق فراوانی نسبت به شاه و ارتش مشاهده

می‌شود.

(۲) گفته می‌شود که تا پیش از ورود ارتش که به اقدامات خودسرانه مردم پایان داد، حدود یکصد «مهاجر» توسط مردم خشمگین کشته شدند. در رضائیه تعداد همکاران و هواداران [دموکرات‌ها] کم نبود و به گونه‌ای که گفته می‌شود، تقریباً اکثر آنها از میان اقلیت‌های آسوری، کلدانی و ارمنی جذب شده بودند.

(۳) نسبت به تقسیم مجدد آذربایجان به دو استان (همانند دوره رضاشاه) با مرکزیت تبریز و رضائیه، تمایل آشکاری ابراز می‌شود که خواسته بی‌جایی نیست. استان آذربایجان در وضعیت فعلی‌اش بسیار دست و پاگیر و گسترده است و از خطوط مواصلاتی مناسبی برخوردار نیست. دریاچه ارومیه می‌تواند هم از منظر قوم‌شناختی و هم از لحاظ تقسیم‌بندی میان جمعیت یکجانشین و کوچرو، به مثابه حدفاصل نسبتاً مناسبی عمل کند.

(۴) در مورد یکی از فضا‌ی [دوره پیشین] که بسیار تأثرانگیز است داستانی شنیدم و بعداً نیز از مادر قربانی دیدار کردم. در غیبت شوهر این خانم که به دروغ به خبرچینی متهم شده بود، سه «مهاجر» شبانه به خانه او ریخته و دختر پانزده ساله او را در برابر چشمانش مورد تجاوز قرار دادند. دخترک که مشاعر خود را از دست داده در حال حاضر در بیمارستان است.

(۵) به دلیل حضور بارزانی‌ها در اطراف نرده و استقرار یک واحد [از آنها] در شیطان‌آباد که به راه اصلی نزدیک‌تر است هنوز امنیت برقرار نیست. در نتیجه به من توصیه شد که شب را در آنجا به سر برده و صبح روز بعد همراه با یک نیروی محافظ به راه خود ادامه دهم.

مهاباد

(۱) این شهر کوچک که اخیراً هم مقر ارتش کرد و هم مرکز نهضت استقلال کردها تحت سیاست خردمندانه ژنرال همایونی، فرمانده سابق قوای ایران در کردستان، به سرعت به حالت عادی برمی‌گردد. در این حوزه نیز در حال حاضر مسئله اصلی را بارزانی‌ها تشکیل می‌دهند. قاضی محمد که در حول و حوش ۱۱ دسامبر / ۲۰ آذر در میاندوآب (حدود ۳۰ مایلی مهاباد) خود را تسلیم ژنرال همایونی کرده بود [همان روز] به مهاباد مراجعت کرد. اگرچه وی به ظاهر برای

فراهم آوردن زمینه ورود نیروهای ارتش در روز بعد، بدانجا بازگشت ولی در این فرصت باقی مانده ضمن چپاول ساختمان‌های دولتی تمامی تسلیحات و مهماتی را که ذخیره کرده بود تحویل بارزانی‌ها داد. [گفته بود] حال که تسلیم شده‌ام دیگر برای آنها کاربردی ندارم و حیف است که به دست ارتش ایران بیافتد. اگرچه این اقدام خائنانه برای او که اینک در مهاباد تحت بازداشت است و منتظر محاکمه، سودی دربر ندارد ولی تا حد زیادی بر قابلیت دردمس‌آفرینی بارزانی‌ها افزوده است.

(۲) از آنجایی که تا پیش از ورود ارتش، قاضی محمد کنترل اوضاع را در دست داشت، مهاجران هدف انتقامجویی قرار نگرفتند و مهاجران نیز که اصولاً از آغاز نیز در مقایسه با [حضورشان در میان] دموکرات‌ها، در میان کردها زیاد نبودند نیز فرصت کافی برای فرار داشتند.

میاندوآب

در اینجا دقایقی بیش توقف نکردم و همه چیز عادی بود. شهر آسیب چندانی ندیده بود و چنانچه گفته می‌شد به دلیل تعادلی نسبی میان نیروهای کرد و دموکراتی که میاندوآب را در اشغال داشتند، لطمات زیادی متوجه مردم نشده بود. از آنجایی که اهالی شهر با پیشامد هر حادثه‌ای ولو جزئی، از عملکرد یک گروه به گروه دیگر شکایت کرده و این ماجرا در نهایت موجب بروز «برادرکشی میان نیروهای آزادی و روشنگری» می‌شد، طولی نکشید که طرفین از آزار مردم دست برداشتند؛ - نظریه غریبی است ولی احتمالاً نادرست نیست.

مراغه

متأسفانه برای دیدار از این شهر که حدود پنج مایل از جاده اصلی فاصله دارد، فرصت نداشتم. اینجا در آغاز حرکت (فرقه دموکرات) صحنه جنایت هولناکی بود؛ معین آزاد یک سرهنگ رسته ایلخی توسط یک مهاجر به سختی مجروح شد. پس یک رشته مذاکرات طولانی از طریق ژنرال گلینسکی، فرمانده قوای شوروی در تبریز بالاخره اجازه داده شد که آمبولانسی برای آوردن او به

تبریز ارسال شود. ولی «ژنرال» کبیری فرمانده فداییان در آمبولانس را گشوده و با رولور خود به زندگانی سرهنگ مجروح خاتمه داد.

آستارا

(۱) به دلیل برف‌گرفتگی محور تبریز - اردبیل - آستارا، مجبور شدم با طی حدود ۳۰۰ مایل از طریق محور قزوین - رشت - پهلوی خود را بدانجا برسانم.

(۲) در اینجا قوای دفاعی دموکرات‌ها (مرکب از ۵۰۰ مهاجر و ۵۰۰ نفر از قشون [فرقه دموکرات] آذربایجان) در برابر ستون اعزامی ارتش ایران که از سمت بندر پهلوی پیشروی می‌کرد به سختی مقاومت کردند. تاریخ پیشروی این ستون درز کرده بود - (در ارتش ایران مسائل امنیتی به هیچ‌وجه رعایت نمی‌شود) - و در نتیجه دموکرات‌ها از چهار روز قبل مطلع بوده‌اند. به گفته افسر فرمانده [قوای مستقر در آستارا]، افسر اطلاعات محل، و حدود پانزده مغازه‌داری که من با آنها صحبت کردم دموکرات‌ها تحت هدایت نماینده تجارتنی روسیه، به صورتی منظم کل بازار را مورد چپاول قرار داده و آنگاه اموال غارتی را توسط کامیون بدان‌سوی مرز که ۲۰۰ یارد آن طرف‌تر واقع است، ارسال داشتند. کامیون‌ها برای حمل و نقل این اقلام، هریک بیش از پنجاه سفر بار زدند. سپس دموکرات‌ها برای جلوگیری از پیشروی ستون اعزامی موضع گرفته و هنگامی هم که بر عقب‌نشینی تصمیم گرفتند، حدود ۱۰۰ یارد از بازار را آتش زدند که اینک ویرانه کاملی است.

(۳) تا چند روز بعد از تصرف مجدد آستارا نیروهای مورد بحث دموکرات، در آن‌سوی رودخانه‌ای که مرز را تشکیل می‌دهد مستقر بودند و حدود یک هفته پیش توسط ارتش شوروی چند کیلومتر آن‌ورتر، به آرچوان^۱ منتقل شدند که پایانه خط آهن باکورا تشکیل می‌دهد. افسر اطلاعات [قوای آستارا] که افسر ژاندارم مطلعی است، اظهار داشت که براساس اطلاعاتی که به او رسیده است، (نیروی مزبور) خلع سلاح شده و ابوابجمعی قشون آذربایجان - ایرانیان آذربایجانی‌ای که به

خدمت فرا خوانده شده بودند - توسط راه آهن به نقطه ای نامعلوم اعزام و به کار اجباری گمارده شده اند.

(۴) افسر فرمانده قوای [مستقر در آستارا] از من خواست که به هر طریقی که صلاح می دانم از انفکاک آستارا از حوزه استان آذربایجان که از لحاظ زبانی و فرهنگی و اقتصادی پیوندی به آن ندارد و انضمام آن در قلمرو گیلان، حمایت کنم.

معرضه

یکی از مهاجران مجروحی که در رضائیه دستگیر شد، پس از اعزام به بیمارستان، نام خود را «شیخ حسن» اعلان داشت. در حالی که به جراحی او در ناحیه ران رسیدگی می شد، متوجه شدند که او ختنه نشده است. دکتر گفت حقیقتاً که مسلمانی واقعی هستی؟!... اسیر مجروح پاسخ داد «که مادرم خیلی شتاب داشت» چندی بعد که زخم وی چرک کرد و وضعیتش رو به وخامت نهاد دکتر را فرا خواند و در گوش او گفت «مرا به آیین مسلمانی دفن نکنید. نام من ایوانوف است و از تاشکند آمده ام».

نتیجه گیری

۱. خلع سلاح بارزانی ها و دور ساختن آنها از حوزه مرزی ایران و عراق یک مسئله عاجل است.

۲. آن قدر تفنگ به آذربایجان راه یافته که در حوزه های بیرون از شهر کمتر مردمی را می توان دید که مسلح نباشد. ارتش باید هرچه زودتر برای تفتیش سیستماتیک کل منطقه اقدام کند. هرچند که این امر ممکن است چندین سال به طول انجامد به ویژه آن که در مرز ایران و عراق کردها عادت دارند هر موقع که می خواهند از مرز عبور کنند.

۳. اگرچه دولت ایران برای بازدید روزنامه نگاران ایرانی از آذربایجان ترتیباتی فراهم آورده است ولی می توان توصیه کرد که در مورد وضع، و به ویژه تعداد مهاجرانی که کشته شدند و به دست چه کسانی کشته شدند و همچنین پیشینه

کسانی که در حال حاضر بازداشت هستند و منشاء تسلیحاتی که ضبط شده، اطلاعات بیشتری منتشر کند.

۴. لازم است که مجموعه‌ای از مدیران دستچین که ترجیحاً، به تعدادی هرچه بیشتر آذربایجانی [برای اداره آذربایجان] انتخاب شوند. تحمیل مجدد مجموعه‌ای از تهرانی‌های نادان و تن‌پرور و نادرست بر تشکیلات اداری [آذربایجان]، همانند گذشته، جز دعوت به فاجعه چیز دیگری نیست.

۵. آذربایجان برای یکی دو سال به نوعی مساعدت اقتصادی نیاز دارد.

۶. صدور دام زنده از ایران باید ممنوع گردد. بنا به درخواست آذربایجانی‌ها و با موافقت سفیر اعلیحضرت [پادشاه بریتانیا] در ۴ ژانویه / از نخست‌وزیر وقت ملاقات گرفته و بعد از شرح مفصل وضعیت، توصیه‌های فوق‌الذکر را خدمت ایشان ارائه کردم. او تمام نتیجه‌گیری‌هایم را پذیرفت، سپس ضمن اشاره به آنچه که تاکنون انجام داده است، قول داد که به توصیه‌های دیگر نیز عمل کند. وی در پایان از این که از اوضاع تصویر روشنی نکرده بودم، به گرمی از من تشکر کرد.

یادداشتی درباره اصطلاح «مهاجر»

۱. ریشه‌شناسی: اسم فاعل^۱ «هجر».

۲. معنا: کسی که به‌ویژه به دلیل آزار مذهبی، فرار می‌کند.

۳. کاربرد آن در وقایع اخیر:

(۱) ساکنین حوزه‌ای که تا پیش از عهدنامه ترکمانچای بخشی از ایران محسوب می‌شد که در پی امتناع از پذیرش تابعیت روسیه به ایران مهاجرت کردند. تعدادی از خاندان‌های سرشناس ایرانی همانند نخجوان‌ها از این زمره‌اند. و گمان نمی‌رود که «مهاجرانی» از این دست به جنبش اخیر پیوسته باشند.

(۲) آن دسته از پناهندگان که در فاصله سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ از طریق مرزهای خراسان یا آذربایجان وارد ایران شده و همه آنها مسلمان نبودند. رضاشاه با اعطای پناهندگی و تابعیت ایرانی بدان‌ها موافقت کرد ولی تأکید داشت که از

حوزه مرزی به نواحی داخلی ایران منتقل گردند. به رغم مدت زمان طولانی که [از استقرار آنها در ایران] گذشت، به نظر می آید که در مقام ستون پنجم عمل کردند، زیرا بعداً از شمال سر در آوردند. تعدادی از آنها به یونیفورم دموکرات‌ها که روس‌ها در اختیارشان گذاشتند، درآمد و در تحرکات فرقه دموکرات و حزب توده در آذربایجان، استان‌های ساحلی دریای کاسپین و خراسان نقش راهبری ایفا کردند.

(۳) اتباع ترک زبان روسیه، تقریباً همگی مسلمان. اکثرآ از آذربایجان شوروی و در مواردی استثنایی نیز از جماهیر شوروی در ماوراء خزر. آنها را روس‌ها برای تقویت صفوف ارتش حکومت آذربایجان، فدایی‌ها (داوطلبان مسلح فرقه دموکرات) خدمت در پلیس مخفی و در خدمات کشوری مربوط به نهضت، وارد کرده بودند.

(۴) تعداد. ارائه ارقامی دقیق در این زمینه غیرممکن است ولی برآورد ذیل را می‌توان کم‌وبیش مقرون به صحت دانست:

	(الف) کسانی که در فاصله فروپاشی نهضت تا ورود قوای دولتی توسط مردم تبریز، رضائیه و خوی کشته شدند.
۴۲۱	
۵۰۰	(ب) دستگیر شده و منتظر محاکمه هستند
۵۰۰	(پ) از سوی فرماندهان محلی تخمین زده می‌شود که در اختفاء هستند
۵۰۰	(ت) از آستارا به قلمرو شوروی گریخته‌اند
۵۰۰	از جلفا به قلمرو شوروی گریخته‌اند
<hr/>	
۲/۴۲۱	کل

سرویس خارجی ایالات متحده آمریکا

محرمانه، شماره ۲۷۵

تهران، ایران، ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷ / ۷ بهمن ۱۳۲۵

موضوع: کردهای شمال از سقوط جمهوری کردستان به بعد.

حضرت اجل وزیر امور خارجه، واشنگتن. افتخار دارم خلاصه‌ای از وقایع حوزه کردنشین آذربایجان را بعد از فروپاشی حکومت‌های دست‌نشانده شوروی در کردستان و آذربایجان، برای اطلاع وزارتخانه پیوست کنم. این خلاصه توسط کنسولیار جرال داف. پی. دوهر در تکمیل گزارش [پیشین او] در مورد وضعیت سیاسی کردها که به شماره ۲۶۲، مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۴۷ توسط سفارت ارسال شد،^۱ آماده شده است. این [خلاصه] براساس اطلاعاتی استوار است که از سوی کردهای صاحب‌نام در تهران در اختیار افسران هیئت وابستگی نظامی گذاشته شده است و همچنین حاصل گفت‌وگویی با حبیب امیری، نماینده عمرخان رهبر ایل شکاک که اینک برای تقدیم عریضه‌هایی از سوی رهبر شکاک به نخست‌وزیر و وزیر جنگ در تهران حضور دارد.

نسخه‌هایی از این عریض که در آن از آمادگی شکاک‌ها برای تسلیم کامل به دولت مرکزی سخن به میان آمده است و آمادگی تحویل تمامی تسلیحاتی که برای دفاع در برابر دستبردهای عشایری از طرف کردستان عراق و ترکیه بدان‌ها احتیاجی نیست، پیوست شده است. سفارت در مورد این عریض با ژنرال نورمن شوارتسکف [مستشار] ژاندارمری ایران مذاکره کرده و وی بر این اعتقاد است که [این عریضه‌ها] از اتخاذ یک موضع کاملاً معقول از جانب شکاک‌ها حکایت دارد که نیرومندترین ایل کرد در ایران هستند. پیشنهاد شکاک‌ها مبنی بر خلع سلاح کامل منوط بدان که دولت مرکزی بتواند یک قوای مکفی مرزی مستقر سازد، به نظر قدم مؤثری در جهت تسویه مسئله ایلات به نظر می‌رسد،

۱. بنگرید به اسناد شماره ۵۹.

زیرا خلع سلاح این ایل مهم می‌تواند سایر ایلات کردستان را به تأسی از این امر وادار سازد.

با احترام
جرج دی.الن
سفیر آمریکا

پیوست‌ها:

۱. خلاصه وقایع در کردستان شمالی.
 ۲. نامه عمرخان به نخست‌وزیر قوام.
 ۳. نامه هفت تن از سران کرد به نخست‌وزیر قوام.
 ۴. نامه هفت تن از سران کرد به وزیر جنگ امیر احمدی.
- نسخه‌هایی برای: سفارت مسکو، سفارت آنکارا، سفارت بغداد، نمایندگی بیروت، کنسولگری تبریز، وابسته نظامی.

$\frac{61}{(2)}$

پیوست اول به مراسله شماره ۲۷۵ مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷، تحت عنوان «کردهای شمال از فروپاشی جمهوری خلق کرد» به بعد

خلاصه وقایع اخیر در کردستان شمالی
تهیه شده توسط کنسولیار جرال.د. اف. پی. دوه

مهاباد

ستونی از ارتش [دولت] مرکزی ایران که تحت فرماندهی ژنرال همایونی قرار داشت سنج را ترک گفته و پس از یک راهپیمایی در بخش جنوبی به اصطلاح جمهوری خلق کرد، تقریباً بدون آن که با مقاومتی روبه‌رو شود، در ۱۳ دسامبر/۲۲ آذر وارد میاندوآب شد. در آنجا با طلایه ارتش [دولت] مرکزی با

گزارش‌ها ۱۳۳

قاضی محمد رئیس حکومت دست‌نشانده [مهاباد] روبه‌رو شد و او و اعضاء حکومتش خود را تسلیم ژنرال همایونی ساختند. قاضی همراه با ستون اعزامی ارتش راهی مهاباد شد و در آنجا تحت بازداشت قرار گرفت. به گفته منابع دولت ایران، قاضی محمد کلید قورخانه مهاباد را به ملامصطفی رهبر کردهای بارزانی داده بود که سال گذشته در پی یک انقلاب ناموفق بر علیه دولت عراق به ایران گریخته بودند. گزارش شده است که بارزانی‌ها تسلیحات موجود در زرادخانه [مهاباد] را غارت کرده و به خطری به مراتب بیش از دوره قبل از «تسلیم» قاضی تبدیل شدند.

محمدحسین قاضی پسرعموی قاضی محمد که در حکومت مهاباد وزارت جنگ را برعهده داشت و برادرش صدر قاضی، نماینده سابق مجلس ایران که توسط ارتش مخفیانه از تهران به مهاباد منتقل شد نیز همراه با قاضی محمد بازداشت شده‌اند. در اوایل ماه ژانویه / اواخر دی یک دادگاه ویژه نظامی برای محاکمه این سه رهبر جنبش جدایی طلب مهاباد به اتهام خیانت تشکیل شد. براساس منابع کرد این دادگاه در یافتن شاهدانی که بر علیه متهمین شهادت دهند، با دشواری بسیاری روبه‌رو شده است، و در یک مرحله لازم آمد که با الصاق بیانه‌هایی در شهر از کسانی که علیه حکومت دست‌نشانده شکایتی دارند برای حضور در دادگاه دعوت به عمل آید.

به‌رغم دشواری‌هایی که دادگاه نظامی در پیش داشت، این که هر سه متهم به خیانت و به احتمال قوی به مجازات اعدام محکوم می‌شدند، از پیش روشن بود و در واقع در ۱۹ ژانویه / ۲۹ دی نیز حکم محکومیت و اعدام آن سه صادر شد. از آنجایی که هر سه حکم باید به تأیید شاه برسد، آن سه در زندان مهاباد منتظر تصمیم پادشاه هستند. شاه در حال حاضر برای جلوگیری از احتمال تبدیل محکومین کرد به شهدای «راه خلق کرد» امکان تخفیف حکم اعدام به حبس ابد را مورد بررسی دارد. احتمال آن که مقامات کنسولی شوروی در منطقه با تأکید بر آن که در دوره کنترل شوروی، تمامی سران کرد از مداخلات مقامات منفور مرکزی مصون بودند، از صدور هرگونه حکم شدید علیه رهبران جنبش جدایی طلب، برای اعاده نفوذ از دست‌رفته خود استفاده کنند نیز دیگر احتمالاتی است که باید در نظر

گرفته شود. شاه بین دو تمایل مردد است؛ تمایل به جلب رضایت ارتش که خواهان اعدام قاضی محمد و زبردستانش است، از یک سو و علم بدان که عشایر کرد آذربایجان می‌توانند یا در مقام مانعی در برابر توسعه شوروی به شمال ایران عمل کنند و یا با اتخاذ مجدد موضعی که تا این مراحل اخیر داشتند، به مثابه ابزاری در جهت پیشبرد خط‌مشی شوروی در خاورمیانه عمل کنند مردد مانده است. به علاوه شاه بدین نکته نیز واقف است که اتخاذ سیاستی مبنی بر خون و فولاد در کردستان، به هیچ وجه نمی‌تواند سرآغاز یک خط‌مشی آزادتر در قبال عشایر تلقی گردد، [خط‌مشی‌ای] که دولت آمریکا اتخاذ آن را به دولت فعلی ایران توصیه کرده است.

بارزانی‌ها

حضور پنج تا هشت هزار نفر از اعضاء ایل بارزان که تحت فرماندهی یاغی معروف ملا مصطفی از عراق به ایران گریخته و پس از سقوط حکومت مهاباد در منطقه مهاباد - اشنویه مستقر می‌باشند، وضعیت سیاسی کردستان را پیچیده کرده است. بارزانی‌ها بعد از غارت زرادخانه ارتش حکومت مهاباد پیش از اشغال آن شهر به دست قوای دولت مرکزی، با هدفی که صورت دادن یک مقاومت سرسختانه در صورت اقدام ارتش در تعقیب آنها به نظر می‌آمد، به نواحی داخلی عقب نشستند. ملامصطفی و رؤسای تحت فرمان وی، تقاضای ژنرال همایونی را مبنی بر تسلیم اسلحه نپذیرفتند ولی ملا [مصطفی] برای مذاکره با ژنرال همایونی درباره آتیه اتباعش، شخصاً به مهاباد آمد. البته آمادگی وی برای آن که خود را در دسترس ارتش ایران قرار دهد، بیش از آن که از اطمینان به تأمین آنها برخاسته باشد، بدان دلیل بود که به خوبی می‌دانست تا موقعی که چند هزار عشایر تا بن دندان مسلح در جوار پادگان‌های کوچک ارتش در آذربایجان غربی قرار دارند، ارتش جرأت نمی‌کند، با او بدرفتاری کند. همایونی که نمی‌توانست مسئولیت تعیین سیاست دولت مرکزی را در قبال بارزانی‌ها برعهده گیرد - به‌ویژه از لحاظ تبعات آن در قبال دولت عراق - ملامصطفی را برای مذاکرات با مقامات عالی، تحت‌الحفظ به تهران اعزام داشت. گفته می‌شود

که بارزانی‌ها برای تضمین مراجعت صحیح و سالم ملامصطفی از تهران، پنج افسر ایرانی را گروگان نگه داشته‌اند. دولت ایران با تقاضای دولت عراق مبنی بر استرداد رهبران بارزانی موافقت نکرده و پیشنهاد کرده است که عشایر [بارزانی] در منطقه‌ای واقع در جنوب همدان اسکان یابند. ولی این تصمیم ایرانیان را از لحاظ اخلاقی در برابر سران محکوم شده حکومت سابق مهاباد در وضعیت دشواری قرار می‌دهد زیرا [این اقدام] به معنای پاداش دادن به ملامصطفی است که از نقطه نظر نقض حاکمیت ایران در سال ۱۳۲۵/۱۹۴۶ جرایم سنگین تری را مرتکب شده و به مراتب بیش از قاضی محمد تحت نفوذ شوروی‌ها قرار داشت، حال آن که قاضی محمد که در نیمه دوم ۱۹۴۶ / اواسط ۱۳۲۵ خاری در پهلوی رژیم دست‌نشانده شوروی در آذربایجان بود، به جرم خیانت محکوم شده است.

ملامصطفی و ایل او بیش از هر چیز خواهان مراجعت به موطن خود در ارتفاعات شمال عراق هستند و گفته‌اند که اگر از بی‌طرفی بریتانیا در هرگونه برخورد احتمالی با دولت عراق و ایل خودش اطمینان کسب کند، به زور هم که شده به [عراق باز خواهد گشت] ولی بریتانیایی‌ها حاضر نیستند درگیر این قضیه شوند.

شکاک‌ها

عمرخان رهبرکردهای شکاک، در ۱۱ دسامبر / ۲۰ آذر از سقوط میانه به دست قوای مرکز مطلع شد و برنامه اولیه‌ای را به مرحله اجرا درآورد که دو ماه قبل به کنسولیاری دهر در تبریز را در جریان آن قرار داده بود. این برنامه عبارت بود از خارج ساختن شهرهای رضائیه، شاپور، خوی و مرند از دست دموکرات‌ها و حفظ آنها تا زمانی که ستون‌های اعزامی ارتش از جنوب و شرق در آذربایجان غربی به هم برسند. حبیب امیری، نماینده [عمرخان] به افسر [نویسنده این] گزارش اذعان کرد که شکاک‌ها نسبت به دموکرات‌های شناخته شده‌ای که در حین تصرف شهرهای مذکور به دست آنها اسیر شدند، «کم لطف» بوده‌اند. به احتمال قوی منظور از این «کم لطفی» کشتار تمامی آن مقامات دموکراتی است که سعی کرده

بودند عمرخان را به همکاری با رژیم دست‌نشانده تبریز وادار کنند و همچنین یک غارت و تیراندازی حسابی، به گونه‌ای که معمول کردهاست در هر کجا که فرصتی به دست آید. ولی اعتقاد بر آن است که به دلیل سلطه آهنین عمرخان بر اتباعش، کردهای شکاک در مجموع رفتار مناسبی از خود نشان دادند.

عمرخان در تلاشی برای بستن راه فرار پیشه‌وری به اتحاد شوروی، خود شخصاً در رأس ستونی مرکب از صد سوار شکاک به سمت مرند شتافت. به گفته [حبیب] امیری این گروه فقط دو ساعت بعد از عبور اتومبیل‌های حامل گروه پیشه‌وری به مرند رسیده و نتوانستند به مأموریت خود عمل کنند. عمرخان در مرند منتظر رسیدن قوای مرکز ماند و بعد از ورود قوای مذکور، راهی تبریز شد و در آنجا به مثابه یک میهن‌پرست راستین ایرانی از او استقبال به عمل آمد.

هنگامی که سرهنگ زنگنه، استاندار جدید رضائیه، تبریز را به مقصد رضائیه ترک گفت، عمرخان نیز در زمره همراهان او موقعیتی برجسته داشت. زنگنه در رضائیه سران کرد منطقه را که اکثر آنها از همراهان عمرخان بودند، به نشستی فرا خواند. تنها زرو بیگ از ایل هرکی در این جلسه حاضر نشد؛ وی از آن بیم داشت که به دلیل ارتباطات نزدیکش با نیابت کنسولگری شوروی در رضائیه تحت بازداشت قرار گیرد. به گفته حبیب امیری نماینده عمرخان، در این جلسه هماهنگی تقریباً کاملی حکمفرما بود؛ کردها پذیرفتند که به تمامی فرامین حاکم نظامی گردن نهند. مسئله خلع سلاح عشایر مورد بحث قرار نگرفت؛ سرهنگ زنگنه رسیدگی بدین بحث را به زمانی موکول کرده که امنیت بهتری بر آن حوزه اعمال شود. عمرخان بعد از این نشست به مقر خود در زیمدشت مراجعت کرد.

در اوایل ژانویه / اواخر دی شکاک‌ها بالاخره فرمانی را که از آن بیم داشتند از رضائیه دریافت کردند: می‌بایستی سلاح‌های خود را تسلیم نظامیان کنند. در این بین که امیری به تهران اعزام شد تا عریضه‌هایی را به نخست‌وزیر قوام و وزیر جنگ امیر احمدی تقدیم کند، عمرخان و رؤسای تحت فرمان او به دفع‌الوقت گذراندند. امیری پیش از آن که عرایض مزبور را به قوام و امیر احمدی بدهد،

نسخه‌هایی از آنها را به افسر [نویسنده این] گزارش تسلیم کرد. صحبت کلی آنها این است که شکاک‌ها با خلع سلاح کامل توسط ارتش مرکزی مخالفتی ندارند، ولی آنها تأکید دارند که برای این امر یا باید قول دهد که برای جلوگیری از دستبرد دیگر عشایر کرد از فراسوی مرزهای ترکیه و عراق، قوای مکفی بدانجا اعزام دارد یا اجازه دهد برای دفاع از خود مقادیری سلاح داشته باشند. به گفته ژنرال نورمن شوارتسکف، مستشار ژاندارمری ایران، خطر دستبردهایی از آن سوی مرز برای کردهای ایران خطری واقعی است و وی هم اینک به شاه توصیه کرده که به جای خلع سلاح تمامی عشایر کرد، عناصر مسئول [عشایر] اجازه یابند اسلحه خود را که به ثبت دولتی برسد، نگه دارند و وظیفه محافظت از مرزها در برابر عشایر غارتگر کردهای ترکیه و عراق نیز بدان‌ها واگذار گردد. متن کامل عریضه‌های [رؤسای] شکاک به صورت ضمایم ۲ و ۳ و ۴ این گزارش پیوست شده‌اند.

دولت مرکزی

یکی از وجوه نامطلوب وضعیت کردهای ایران آن است که دولت برای رسیدگی به عشایر، هنوز سیاست واحدی را اتخاذ نکرده است. به نظر می‌آید که نخست‌وزیر قوام بر آن است که سیاست سنتی سرکوب را کنار بگذارد حال آن که ارتش ایران خواستار اتخاذ خط‌مشی‌ای مبتنی بر خون و فولاد است؛ مجازات اعدام برای رهبران مهاباد، حکومت نظامی برای مناطق عشایری و خلع سلاح کامل آنها به‌رغم ناتوانی ارتش در تضمین امنیت حوزه‌های عشایری. شاه در مقام فرمانده کل ارتش، برای اعاده سیاست سنتی کنترل نظامی تحت فشار دایم قرار دارد؛ در واقع چنین به نظر می‌رسد که به یک چنین فشاری نیاز نیست زیرا ظاهراً، حال اگر نگوئیم از توانایی، لااقل از خواست گام نهادن در جای پای پدر و حل و فصل خشونت‌بار مسئله عشایر، برخوردار است. ولی او در اتخاذ سیاستی که می‌تواند به از دست رفتن حسن ظن ایالات متحده و دیگر اعضای سازمان ملل منجر گردد، به‌ویژه آن که سیاست مزبور از توجیه اخلاقی چندانی هم برخوردار نباشد، تردید دارد. سفیر کبیر جرج آلن توصیه وزارت خارجه [ایالات متحده] را مبنی بر آن که اتخاذ یک سیاست عشایری آزادتر می‌تواند هدف مطلوبی باشد که

ایران در جهت آن حرکت کند، به اطلاع دولت ایران رسانده است. در نتیجه به نظر می‌رسد که به‌رغم ترجیح شخصی شاه و اکراه قوام از مخالفت با خواسته ارتش، دولت ایران مجبور خواهد بود که در قبال کردها و احتمالاً دیگر عشایر مهم ایران، خط‌مشی ملایم‌تری را اتخاذ کند.

۶۱
(۳)

پیوست شماره ۲ به مراسله شماره ۲۷۵ مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷، تحت عنوان «کردهای شمالی از فروپاشی جمهوری کرد به بعد»
۲۳ دی ۱۳۲۵ (۱/۱۳/۴۷)

حضرت اشرف قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر ایران. تقدیم این عریضه را مستدعی است.

حضرت اشرف از سوابق گذشته بنده مستحضرند. حضرت اشرف به‌خوبی می‌دانند که برای خدمت به میهن و دولت هرچه در توان دارم انجام داده و در اجرای فرامین دولت نفر اول بوده‌ام. پس از هشت سال زندان بی‌دلیل و بی‌گناه، در این دوره از هستی ساقط شدم. پس از آزادی برای استقرار نظم و قانون و امنیت در منطقه خود، نهایت سعی خود را مبذول داشته و اجازه ندارم کسی نسبت به مال دیگری تعرض کند. در خلال پنج سال گذشته هرگونه فشاری را تحمل کردم. اسناد موجود نشان می‌دهند که هیچ‌گاه بر ضد دولت عملی انجام نداده و قدمی برنداشته‌ام. در واقع همیشه هوادار دولت بوده‌ام. در طول ماه‌های اخیر از طریق آقای امیری پیغام‌هایی را از حضرت اشرف دریافت داشتم. هیچ‌گاه به تلگراف‌های متعدد پیشه‌وری و دیگران گوش فرا نداده و توجهی نکردم. بلکه برعکس با آنها مخالفت ورزیده و اجازه ندادم در این حدود دستاوردهایی داشته باشند. اینک خدای را شکر می‌گوییم که با ورود ارتش شاهنشاهی بار دیگر امنیت داریم. برای اطاعت از هر گونه فرمانی که از جانب حضرت اشرف شرف صدور یابد آمادگی داشته، در اجرای اوامر عالی ساعی هستم.

باقی عرایض را آقای حبیب امیری نماینده ایل شکاک شفاهاً به عرض حضرت اشرف خواهند رساند.

عمر شریفی
رئیس ایل شکاک

۶۱
(۴)

پیوست شماره ۳ به مراسله شماره ۲۷۵ مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷، تحت عنوان
«کردهای شمال بعد از فروپاشی جمهوری خلق کرد»
۲۳ دی ۱۳۲۵ (۱/۱۳/۴۷)

حضرت اشرف قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر ایران، ما خدمتگزاران ایل شکاک،
به عرض نکات ذیل عارضیم:

نخست و بیش از هر چیز خداوند باری تعالی را به خاطر استقلال ایران و
سلامتی وجود شاهنشاه و حضرت اشرف شکرگذاریم.
و اما بعد، حضرت اشرف بهتر می‌دانند که در طول سه سال گذشته تا چه حد
تحت فشار و ظلم خائنان و جنایتکاران بوده‌ایم. اینک که با ورود ارتش شاهنشاهی
چشم بدخواهان کور و دست جنایتکاران از دامن مام عزیز میهن کوتاه شده است،
در ظل توجهات و مراحم عالیه می‌توانیم زندگانی شرافتمندانه‌ای در پیش گرفته و
به درگاه خداوند شاکریم.

در حال حاضر ارتش شاهنشاهی از ما خواسته است که تسلیحات و مهمات
خود را تسلیم کنیم. البته حضرت اشرف به خوبی استحضار دارند که سالیان سال
است که عشایر ایرانی با عشایر ترکیه دشمنی دارند. تمامی عشایر ترکیه مسلح
هستند و اگر بندگان در وضعیت فعلی خلع سلاح شوند، با توجه به آن که در حال
حاضر از مرزها محافظت نمی‌شود، آنها تمام زنان و کودکان ما را به اسارت گرفته و
هستی ما را به غارت خواهند برد. از این رو با کمال خضوع از حضرت اشرف
استدعا داریم به افسران مسئول امر شود مرزها را در اختیار گرفته و پس از کسب

اطمینان از آن که جان و مالمان از تظاول دزدان و غارتگران در امان است، خود تمامی تسلیحاتمان را تسلیم داشته و در کمال آسودگی و امنیت دعاگوی سلامتی حضرت اشرف خواهیم بود.

در حال حاضر از این تسلیحات برای حفظ خود در برابر دستبردهای دیگران استفاده می‌کنیم و اگر حضرت اشرف اراده فرمایند، خود از مرزها حفاظت کرده و در حوزه‌هایی که به ما واگذار شود مسئولیت بروز هر رخداد نامطلوبی را می‌پذیریم.

علی‌ایحال از آنجایی که آقای حبیب امیری مدت زمانی مدیدی در این‌جا اشتغال داشته و در جلب دوستی مردم حداکثر تلاش خود را مبذول داشته و زمینه تقدیم عرایض اینجانبان را حضور حضرت اشرف فراهم آورده و منطقه را به خوبی می‌شناسد، ایشان را به‌عنوان نماینده خود معرفی کرده و در این مقام به حضور حضرت اشرف معرفی می‌کنیم که به‌طور شفاهی و حضوری، عرایض ما را مطرح و توضیحات [لازم] را ارائه دهد.

در انتظار اوامر حضرت اشرف طاهر سمیتقوزاده، شیرو پژاقا،^۱ قوتاز^۲ مامدی، عباس Fanuk،^۳ حسن هناره،^۴ محمد اسماعیل، سرتیپ مامدی.

1. Pazagha

2. Ghootaz

۳. در اصل Abbad ولی در نامه بعدی عباس آمده است.

4. Henareh

پیوست شماره ۴ به مراسله شماره ۲۷۵ مورخ ۲۷ ژانویه ۱۹۴۷، تحت عنوان
«کردهای شمال از فروپاشی جمهوری خلق کرد به بعد»
۲۳ دی ۱۳۲۵ (۱/۱۳/۴۷)

وزارت جنگ شاهنشاهی، به عرض موارد ذیل مستدعی هستیم.
بندگان از طوایف شکاک، به تقدیم عرایض خود استدعا داریم. از طرف ارتش
شاهنشاهی از ما خواسته شده است که تسلیحات خود را تسلیم داریم. از آنجایی که
مرزها تحت حفاظت نیست و مسئولیت حفاظت از حدود بر عهده کسی قرار ندارد
و بندگان با عشایر ترکیه دشمنی‌هایی داریم که هنوز برقرار است، اگر در شرایط
فعلی اسلحه خود را تسلیم کنیم، عشایر ترکیه ما را معدوم و مایملکمان را به غارت
خواهند برد.

از این رو با کمال خضوع از وزارت جلیله تقاضا داریم برای استقرار یک نیروی
مکفی در امتداد مرزها فرامین لازمه را صادر و پس از کسب اطمینان از آن که مال و
جان مادر معرض امحاء و غارت نیست و بعد از اخذ قول لازم از جانب وزارتخانه
مبنی بر امنیت خود، تسلیحات خود را تسلیم خواهیم داشت. در حال حاضر با
تسلیحاتی که در اختیار داریم از خود محافظت کرده و اطمینان داریم که وزارت
جلیله به نابودی ما و غارت اموالمان راضی نیست.

در خدمت به دولت و کشور محبوب خود به هر نحو که وزارت جلیله مقتضی
بدانند آمادگی داشته، منتظر اوامر صادره هستیم. طاهر سمیتقوزاده، شیرو پزاقا،
قوتاز مامدی، عباس Fanak، حسن هناره، محمد اسماعیل، سرتیپ مامدی.

وزارت خارجه، تلگراف وارده، - کنترل ۸۳۲۱، محرمانه
تاریخ وصول ۲۸ ژانویه ۱۹۴۷/۸ بهمن ۱۳۲۵
۳/۳۰ بعد از ظهر از: تهران، به: وزیر خارجه، - شماره ۷۶، ۲۸ ژانویه،
۱ بعد از ظهر

گردآوری مقادیر معتنابهی تفنگ که در دست بخش‌های متنوعی از جمعیت -
و به‌ویژه کردها - می‌باشد، مسئله عمده‌ای است که دولت ایران بعد از تصرف
مجدد آذربایجان پیش‌روی دارد. نخستین قدم در جهت خلع سلاح کردها مشکل
بارزانی‌هاست؛ یک ایل سلحشور کرد که در ۱۹۴۵ از عراق به ایران آمد و نیروی
نظامی اصلی «جمهوری کرد»ی را تشکیل داد که در زمان شورش آذربایجان به
ریاست قاضی محمد و تحت حمایت شوروی تشکیل شد.

گفته می‌شود بارزانی‌هایی که در ایران هستند حدود ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت و
۳۰۰۰ قبضه تفنگ دارند. در حال حاضر در حدود ۲۵ مایلی مرز عراق و
احتمالاً ۵۰ مایلی جنوب ملتقای مرزهای ایران و ترکیه و ایران اقامت دارند.
منطقه‌ای که آن را موطن خود می‌دانند، اندکی آن‌سوی مرز ایران و عراق، در قلمرو
عراق قرار دارد. ملامصطفی رهبر آنها در خلال دو هفته گذشته براساس تأییدی
که داشت در تهران بود ولی روز گذشته اجازه یافت به ایل خود مراجعت کند. گفته
می‌شود که پنج افسر ایرانی در تضمین مراجعت صحیح و سالم او نزد ایل‌گروگان
هستند.

او در اینجا که بود سعی داشت برای مراجعت اتباعش به عراق ترتیبی فراهم
آورد. گفته می‌شود که دولت عراق حاضر است به استثنای ملامصطفی و ۱۱۰ نفر
از دیگر سران [بارزانی] که تحت تعقیب جنایی قرار دارند، دیگر بارزانی‌هایی
را که در ایران هستند مورد عفو قرار داده و بپذیرد. ملا [مصطفی] می‌گوید یا
همه بارزانی‌ها با هم می‌روند و یا هیچ‌کس نمی‌رود. وی با موافقت ایرانی‌ها بر آن
بوده است که برای جلب همراهی انگلیسی‌ها برای تحت فشار قرار دادن بغداد

به اعطای یک عفو عمومی با سفارت بریتانیا تماس حاصل کند ولی لروژوتل^۱ [سفیر بریتانیا در تهران]، براساس دستورالعمل‌هایی که دریافت داشته حاضر به پذیرفتن او نشده است. ملا مصطفی اظهار داشته که اگر انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها موافقت کنند که بی‌طرف بمانند، وی از ارتش عراق نمی‌ترسد و راه مراجعتش را با جنگ خواهد گشود.

ایرانیان به حل و فصل مسئله شایقند زیرا حضور این جنگجویان مسلح در ایران تهدیدی مستمر محسوب شده و بخش چشمگیری از نیروهای ایران را زمین‌گیر کرده است. مقامات ایرانی اسکان عشایر [بارزانی] را در اطراف همدان مورد بررسی قرار داده‌اند، هرچند که این امر، کار پر هزینه و خطرناکی خواهد بود. بارزانی‌ها می‌گویند جز در ارتفاعات موطن خود در عراق، جایی که ۱۵۰۰۰ بارزانی دیگر نیز کماکان زندگی می‌کنند، آرام نخواهند گرفت.

به درخواست رئیس ستاد [ارتش] ایران چند روز پیش در منزل کلنل سکستون^۲ وابسته نظامی سفارت، با ملا مصطفی گفت‌وگویی داشتم. رئوس برنامه کودکانه ملا [مصطفی] از این قرار است؛ چون ایالات متحده قدرتی است فائق و خواهان عدالت برای همه مردمان، وی می‌خواهد خود را به نیت حسنه ما بسپرد که با مقامات عراقی و انگلیسی مسئله را حل کنیم. به او گفتم که این مسئله ما نیست و کاری از دست ما بر نمی‌آید.

شب گذشته شاه خواستار آن شد که در مورد این مسئله با من مذاکره کند. اظهار داشتم که به نظرم می‌رسد این مسئله باید به یک مذاکره مستقیم و دوستانه بین مقامات ایرانی و عراقی واگذار گردد و از آنجایی که عراق از این موهبت برخوردار است که براساس نقشه، سرزمین بارزانی را در قلمرو مرزی خود داشته باشد، قاعدتاً دولت بغداد نیز حاضر خواهد بود بخشی از مسئولیت این امر را برعهده گیرد. شاه از بابت وظیفه ایران براساس حقوق بین‌الملل که ایجاب می‌کرد این پناهندگان قبل از بازگردانده شدن به عراق، خلع سلاح شوند، نگرانی‌هایی ابراز داشت.

مسئله دشواری است و برای کل کردستان اهمیت قابل توجهی دارد. اگرچه دغدغه خاطر اصلی ما نیست ولی در حوزه‌ای که این همه نسبت به دسایس خارجی حساس است، هر کاری که از دست ما برآید مفید خواهد بود. از هرگونه نظری که احیاناً وزارتخانه یا سفارت [ایالات متحده] در بغداد در این زمینه داشته باشند، استقبال می‌شود. به [شماره] ۷۶ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۱۱ برای بغداد تکرار شد.

الن

۶۳

وزارت خارجه، تلگراف واصله، محرمانه، کنترل ۲۲۹۵

تاریخ وصول: ۸ فوریه ۱۹۴۷ / ۱۹ بهمن ۱۳۲۵

۱/۰۱ صبح، از: لندن، به: وزیر خارجه، شماره ۸۵۹، ۷ فوریه، ۶ بعدازظهر

پایمن از بخش شرقی وزارت خارجه [بریتانیا] دیروز در مورد ملامصطفی و اتباعش در ایران چنین گفت:

وزارت خارجه اطلاع دارد که ملا مصطفی در تهران تحت نظر پلیس است و تعداد افرادش (برخلاف رقم ۱۰۰۰۰۰ در [گزارش شماره] ۴۷۶ وزارت خارجه [آمریکا، مورخ] ۳۰ ژانویه)^۱ ۱۵۰۰ نفر می‌باشند. اگرچه عراقی می‌خواهند که ایرانیان کل این گروه را خلع سلاح کرده و در غل و زنجیر به عراقی‌ها تحویل دهند، ولی ایرانی‌ها از این امر امتناع کرده و در نتیجه بن‌بستی حاصل شده است. در مورد خود ملا مصطفی نیز وزارت خارجه [بریتانیا] بر این باور است که عراقی‌ها راضی هستند که او در نقطه‌ای به دور از مرز عراق و برای مدتی نامعلوم، تحت نظر پلیس قرار گیرد. پایمن می‌گوید ایرانی‌ها سعی داشته‌اند که پای بریتانیایی‌ها را بدین مسئله بکشند، ولی آنها به هیچ‌وجه زیر بار نرفته‌اند و

۱. در این مجموعه ملاحظه نشد. ولی در سند شماره ۶۲، اطلاع مشابهی عنوان شده است.

به همین دلیل نیز با تقاضای ملامصطفی مبنی بر دیدار با سفیر بریتانیا مخالفت شده بود.

به [شماره] ۸۵۹ برای وزارتخانه ارسال، به [شماره] ۷ برای تهران تکرار شد.
گلمن^۱

وزارت خارجه، تلگراف وارده، محرمانه، [شماره] کنترل ۴۸۷۷
تاریخ وصول ۱۵ فوریه ۱۹۴۷ / ۲۶ بهمن ۱۳۲۵، ۱۲/۲۱ بعدازظهر
از تهران، به وزیر خارجه، - شماره ۱۱۶، ۱۴ فوریه، ۱۴/۴ بعدازظهر

کنسولیاری دوه‌ر در خلال یک مأموریت موقت به تبریز در هفته گذشته برای بررسی وضعیت کلی سیاسی و به‌ویژه شرایط روستاهای مسیحیان آسوری در منطقه رضائیه که در دوره فقدان سامان اداری بعد از فروپاشی حکومت دموکرات توسط مسلمان‌ها غارت شدند، سفری سه روزه به آذربایجان غربی داشت. بازدید از چند روستای غارت شده و گفت‌وگو با مقامات حکومتی، سران جامعه آسوری و خارجی‌های مقیم رضائیه دوه‌ر را متقاعد ساخت کشتاری که گفته می‌شود جان ۲۰۰ مسلمان و مسیحی را در رضائیه گرفت صرفاً انگیزه سیاسی داشته ولی غارت روستاهای آسوری، ریشه در خصومت‌های دینی داشته است. مواضع انفعالی ارتش ایران نیز آن را دامن زد. غارت پیش از ورود ارتش به منطقه آغاز شد ولی حداقل ده روز بعد از ورود [ارتش] نیز ادامه پیدا کرد. احتمالاً ورود وابسته نظامی فرانسه به رضائیه سه روز بعد از سقوط حکومت تبریز در جلوگیری از کشتار مسیحیان به دلایل مذهبی مؤثر واقع شد. بازدیدهای وابسته نظامی بریتانیا و ما، کاپیتان گارین و دوه‌ر نیز در جلوگیری از بروز خشونت بیشتر از جانب مسلمان‌ها به مسیحیان کمک کرد.

ده روستای آسوری کاملاً مورد نهب و غارت قرار گرفته، حتی در و پنجره‌ها را نیز برده‌اند. پانزده روستای دیگر نیز تا حدودی غارت شدند. خشونت از جمله تجاوز به عنف، گسترده بود. بین سه تا پنج هزار آسوری و چند صد ارمنی - به استثنای کسانی که تحت حمایت همسایگان مسلمان و مسیحی خود قرار دارند، از لحاظ غذا، لباس و سرپناه در مضیقه هستند. برداشت عمومی آسوری‌ها آن است که به دلیل مخاطرات ناشی از احتمال غارت و کشتار سازمان یافته نمی‌توانند در منطقه ارومیه باقی بمانند. دو نفر از شهروندان برجسته مسلمانان آذربایجان نیز معتقدند تا زمانی که اقلیت آسوری در منطقه رضائیه باشد، امکان حل و فصل مسئله آنها نیز متصور نیست.

به نظر می‌آید که کردها نسبت به قولی که سال گذشته قاضی محمد و عمرخان به کنسولیار دوه‌ر دادند مبنی بر آن که در صورت بروز آشوب آسیبی به مسیحیان نخواهد رسید. کاملاً وفادار ماندند. در یک مورد عمرخان گروهی از رعایای غیر کرد یکی از روستاهایش را به خاطر مشارکت در غارت یک روستای آسوری در آن اطراف تنبیه کرده است. این مورد با ناتوانی ارتش در اجرای قولی که به کنسول ساتن داده بودند که از اقلیت‌ها حفاظت خواهد شد، در تباین آشکار است.

در رضائیه منابع موثق اظهار می‌دارند که ارتش از اعلان وضعیت فوق‌العاده استفاده کرده، از کسانی که مظنون به همکاری با دموکرات‌ها هستند - به ویژه آسوری‌ها و ارمنی‌ها - اخاذی می‌کند. بسیاری از اتهامات وارده بی‌اساس هستند و یکی از زندانیانی که پدرش در ارتش آمریکا خدمت می‌کند براساس تهمتی بی‌اساس زندانی است که به سی سال قبل مربوط می‌شود. از سوی دیگر رفیعی، فرماندار دموکرات‌ها در رضائیه و دست راست پیشه‌وری در آن حوزه که فرمانبر کنسولگری شوروی محسوب می‌شد، در حال حاضر، با رشوه کلانی که گفته می‌شود داده، در تهران و آزاد است.

ارتش به هیچ‌وجه از عهده تأمین امنیت آذربایجان غربی بر نمی‌آید؛ هنوز شهروندان مسلح همراه با یکی دو سرباز محافظت از روستاها را برعهده دارند. فرماندار نظامی شاپور، یک شهر مهم در حوزه کردنشین، فقط یک ستوان دوم است. وی بعداً به دوه‌ر اذعان داشت که فقط حضور گروهی از افراد عمرخان در

شهر مانع از آن شد که مسلمان‌های غیرکرد تعدادی از روستاهای مسیحی‌نشین آن حدود را غارت کنند. ظاهراً قوای مستقر در رضائیه ضعیف‌تر از آن است که بتواند روستاییان را خلع سلاح کند و فقط بر اثر وساطت میسیونرهای فرانسوی بود که بالاخره اقداماتی در این زمینه صورت گرفت.

کنسولیاری دهر در خلال حضورش در رضائیه، در آنجا با دکتر شفق نماینده سابق مجلس ملاقات کرد که از سوی نخست‌وزیر قوام برای مأموریتی به رضائیه آمده بود. به نظر آمد که دکتر شفق از وضعیت امنیتی آن حوزه، به‌ویژه از لحاظ تأثیری که بر اقلیت‌ها می‌تواند داشته باشد به‌خوبی آگاه است و انتظار می‌رود که پس از مراجعت به تهران این امر را به‌صورت کامل به نخست‌وزیر گزارش دهد.

الن

۶۵
(۱)

سرویس خارجی ایالات متحده آمریکا، سفارت آمریکا

تهران، ایران، ۲۵ فوریه ۱۹۴۷ / ۶ اسفند ۱۳۲۵

شماره ۳۰۹، محرمانه

موضوع: ارسال گزارش «سیاست کردهای شمال در قبال دولت ایران»

حضرت اجل، وزیر خارجه، واشنگتن. افتخار دارم گزارشی را که تحت عنوان «سیاست کردهای شمال در قبال دولت ایران» از سوی کنسولیاری جرالد الف. پی. دهر تهیه شده است برای آگاهی وزارتخانه ارسال دارم.

کنسولیاری دهر اخیراً از یک مأموریت موقت در کنسولگری تبریز مراجعت کرده است و هنگامی که در آنجا بود توانست با تنی چند از رؤسای مهم ایلی و شخصیت‌های برجسته کرد در آذربایجان غربی گفت‌وگوهایی داشته باشد.

با احترام

جرج آلن، سفیر آمریکا

پیوست: یک گزارش به گونه‌ای که ذکر شد.
نسخه‌هایی برای سفارت [آمریکا] در مسکو، بغداد و آنکارا، نمایندگی بیروت،
کنسولگری تبریز و وابسته نظامی.

$\frac{۶۵}{(۲)}$

پیوست به مراسله شماره ۳۰۹، مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۴۷
از سفارت آمریکا، تهران ایران
محرمانه

سیاست کردهای شمال در قبال دولت ایران
تهیه شده توسط کنسولیاری جرال د اف. پی. دوهر.

در خلال مأموریت موقتی که اخیراً در کنسولگری تبریز داشتم، دگرگونی غیرمنتظره‌ای را در عرصه وضعیت سیاسی ایلات کرد آذربایجان ملاحظه کردم. هنگامی که به دنبال ورود ارتش ایران به آذربایجان در ماه دسامبر / آذر، جمهوری خلق کرد سقوط کرد، انتظار عمومی بر آن بود که وحدت سیاسی نسبتاً غیرمنسجمی که در اثر تلاش‌های قاضی محمد، رئیس حکومت دست‌نشانده [مهاباد] در میان عشایر شکل گرفته بود نیز فوراً محو گردد. مقامات حکومتی و همچنین افسران ستاد ارتش شاهنشاهی ایران کم‌وبیش بر این اعتقاد بودند که این به اصطلاح «وحدت» میان کردها پدیده مبهمی بیش نیست و با فروپاشی حکومت برکشیده شوروی در مهاباد، کردهای شمال نیز از نو به مناقشات و درگیری‌های درون ایلی که رسم و سنت آنهاست، مشغول خواهند شد، و بدین ترتیب برای ارتش آسان خواهد بود که با تحریک ایلات بر ضد یکدیگر حوزه‌های کردنشین را تحت کنترل قرار دهد.

اگرچه هیچ‌گاه با این نظر بسیاری از ناظران ایرانی که معتقد بودند نفوذ قاضی محمد صرفاً بر حمایت شوروی مبتنی بود و موفقیت ظاهری وی در ایجاد همکاری میان عشایر، جنبه‌ای زودگذر بیش ندارد، موافق نبوده‌ام ولی با این حال از

اتفاق نظر نسبتاً کامل رؤسای مختلف ایلاتی که در دو هفته گذشته ملاقات کردم، در مورد مسائلی چون خلع سلاح عشایر، کردهای بارزانی و سرنوشت قاضی محمد نیز تعجب کردم. از این نیز شگفت‌انگیزتر، ارتقاء چشمگیر اعتبار عمرخان رئیس قدرتمند ایل شکاک در میان دیگر عشایر غرب آذربایجان بود و آمادگی آشکار اکثر رؤسای مهم ایلات در پیروی از وی در مورد خط‌مشی کلی‌ای که می‌بایست در قبال دولت مرکزی اتخاذ کرد.

از خلال گفت‌وگوهایی که با استاندار علی منصور و دیگر مقامات محلی، و همچنین با فرمانداران نظامی دو شهر در ناحیه کردنشین و با تعدادی از سران عشایر، از جمله خود عمرخان - در مورد وضعیت سیاسی فعلی در میان کردها داشتم، برایم آشکار شد که سوءظن فراینده‌ی کردها در قبال نیت ارتش نسبت به آنها، در باز تولید و حتی تقویت وحدتی که در طول حیات به اصطلاح «جمهوری» [مهاباد] به وجود آمده بود، نقشی تعیین‌کننده دارد. مضمون اصلی خط‌مشی حکومت نظامی رادر قبال کردها می‌توان به عبارات ذیل خلاصه کرد: «خلع سلاح قبل از اصلاح». صرف تأکید ارتش بر خلع سلاح فوری، برای بسیاری از رؤسای کرد یادآور تجارب گذشته در زمینه خلع سلاح است که نه با اصلاح، بلکه با بدترین نوع سرکوب دنبال شد. علاوه بر این از موقعی که ارتش مستقر شده است، زیاده‌روی‌هایی نیز نسبت به کردها بروز کرده است؛ در یک مورد در یکی از روستاهای اطراف شاپور، پانصد رأس گوسفند روستاییان کرد بدون پرداخت بهای آنها ضبط شده است و در هنگامی که عمرخان برای ابراز وفاداری ایلش نسبت به دولت در تبریز بود - در رخدادی احمقانه - اتومبیل شخصی او به حکم مقامات نظامی شهر مصادره شد.

متوجه شدم که تقریباً تمامی رؤسای کرد براساس تجارب تلخ گذشته به این نتیجه رسیده‌اند فقدان وحدت مهمترین اسلحه‌ایست که دولت بر ضد آنها دارد. در گفت‌وگوهایی که داشتیم یکی از کلماتی که به کرات شنیده می‌شد «اتحاد»^۱ یا «یگانگی» بود. آنها نه فقط این [اصطلاح] رادر مورد مسائل کردی‌ای که در پیش

1. "etehad"

داشتند به کار می بردند بلکه به نظر می آید پیوندی میان تمامی ایلات را در ذهن می پروراندند که از آن پس برخلاف گذشته، وضعی پیش نیاید که ارتش شاهنشاهی از کردها برای جنگ با لرها، از قشقایی بر ضد بختیاری، از شکاک برای رویارویی با جلالی ها... و غیره استفاده کند. عمرخان گفت انتظار دارد در صورت بروز جنگ با قشقایی ها در بهار آینده، ارتش از او کمک بخواهد. از او پرسیدم آیا نیروی رزمنده ای در اختیار ارتش خواهد گذاشت؟ پاسخ داد «خیر، نه حتی یک چوپان». برخلاف آنچه انتظار می رفت سران عمده عشایر تصمیم گرفته اند که برای آزادی قاضی محمد که ماه گذشته توسط یک دادگاه نظامی در مهاباد محکوم به اعدام شد، از نفوذ خود استفاده کنند. عمرخان در این زمینه نظر کاملاً مشخصی داشت؛ وی اعلان کرد «ما تصمیم گرفته ایم که اگر ارتش حتی یک موی سر نیز از قاضی محمد کم کند، بدانند که با کردها روبه رو خواهد شد.» وی اضافه کرد که آنها می دانند که قاضی در پذیرش حمایت شوروی برای حکومت خود در مهاباد، خطا کرد ولی از نظر آنها این کار مستوجب اعدام نیست. حسن آقا امیری، رئیس ایل جلالی که در نزدیکی مرز اتحاد شوروی مستقر است نیز نظر مشابهی را عنوان کرد و حتی عبدالله^۱ ایلخانی زاده، یکی از رؤساء ایل دهبوکری و دشمن سرسخت قاضی محمد نیز از فعالیت هایش برای اعدام رهبر سابق حکومت دست نشانده [مهاباد] دست کشیده و دو سه سال تبعید را کافی می داند.

اخیراً شاه موضوع سرنوشت قاضی محمد را با سفیر کبیر الن مورد بحث قرار داده و به وی اطلاع داده است که ارتش تلگراف های متعددی از رؤسای کرد دریافت داشته که در آنها توصیه شده قاضی و همدستانش در حکومت «جمهوری» به اشد مجازات محکوم شوند. ولی پس از پرس و جویی چند شاه اذعان داشت که این تلگراف ها اکثراً از طرف عشایر دهبوکری و منگور منخبره شده است که نفع سیاسی آنها در محو نفوذ قاضی در میان کردها نهفته است. در خلال آخرین انتخابات مجلس، صدر قاضی - برادر قاضی محمد که او نیز به اعدام محکوم شده است - با اختلاف فاحشی بر ایلخانی زاده که مورد حمایت دهبوکری و منگور بود،

۱. در اصل Abdall ولی احتمالاً عبدالله صحیح است.

پیروز شد. وی [ایلخانی‌زاده] اخیراً به کلنل سکستون، وابسته نظامی سفارت اطلاع داده است که رؤسای زیردست او تنها تحت فشار ارتش، پای تلگراف مورد اشاره شاه را امضاء کرده‌اند. سفیرکبیر الن به شاه توصیه کرده است که تا اطلاع از نظر عمرخان که متنفذترین رهبر کردستان شمال محسوب می‌شود، تصمیم‌گیری در مورد اعدام قاضی محمد را به تعویق افکند.

کردها از اقدام اخیر ارتش در اعزام هواپیماهایی بر فراز حوزه‌های عشایری و پخش اعلامیه‌هایی مبنی بر عفو عمومی کلیه کردهایی که اسلحه خود را تسلیم کنند، دلگیر هستند. عمرخان با اشاره بدان که شاید بهتر آن بود که این عفو به ارتشی اعطاء گردد که پنج سال پیش در مقابل هجوم ارتش سرخ به آذربایجان، سلاح بر زمین نهاد و گریخت، موضع ایل خود را در این باره بیان داشت. وی این پرسش را مطرح کرد «هنگامی که به اصطلاح حامیان ما همچون خرگوش‌هایی ترسو فرار کردند، برای ما جز کنار آمدن با شوروی‌ها چه راهی باقی ماند؟ طرفی که لطمه دید کردها هستند، حالا آنها به ما پیشنهاد عفو می‌کنند؟»

یکی دیگر از نکاتی که عمرخان خاطر نشان ساخت و سایر رؤسا نیز آن را تأیید کردند آن بود که کردها تصمیم گرفته‌اند به هر ایل کردی که هدف عملیات خلع سلاح ارتش قرار گیرد کمک کنند. وی گفت که این تصمیم شامل بارزانی‌ها نیز می‌شود: «کرد هستند و ما نمی‌توانیم در برابر ارتش آنها را به حال خود رها کنیم.» وی اضافه کرد که بارزانی‌ها چند قبضه توپ صحرایی دارند که از نظر کردهای شمال در صورت اقدام ارتش برای خلع سلاح عشایر، برای دفاع در برابر تانک و زره‌پوش ضرورت دارند.

رهبر شکاک به من گفت که قرار است در روز ۹ فوریه / ۲۰ بهمن فردای روزی که با هم صحبت می‌کردیم، اکثر رؤسای ایلات از مرزهای شوروی تا مهاباد، در مقر او در زیمدشت گرد هم آیند. تعیین یک خط‌مشی کلی از سوی عشایر کرد شمال در قبال دولت ایران هدف این کنفرانس ایلی است. امنیت مرزی، موضعی که می‌بایست در قبال بارزانی‌ها اتخاذ کرد، شیوه‌های فراهم آوردن موجبات رهایی قاضی محمد، نحوه توزیع اسلحه مازادی که در پی سقوط حکومت دموکرات‌ها

به دست شکاک‌ها و جلالی‌ها افتاد، و انتخاب یک رهبر عالی برای اعزام به تهران جهت آغاز مذاکره با دولت به نمایندگی از ایلات حاضر [در آن نشست] از جمله مضامینی بود که می‌بایست مورد بحث قرار گیرد. عمرخان به من اطلاع داد که در مورد اکثر این پرسش‌ها قبلاً از طریق رد و بدل نامه تصمیم‌گیری شده است و هدف اصلی کنفرانس تأیید این تصمیم‌هاست.

برآورد دقیقی از توان نظامی ایلات بسیار دشوار است. حداقل برآوردی که ارائه می‌شود ۲۵۰۰۰ قبضه تفنگ بین مرز شوروی و مهاباد است، ولی برداشت عمومی از وجود هشتاد تا صد هزار تفنگ و مسلسل در میان کردها حکایت دارد. گفته می‌شود که شکاک‌ها بر محموله‌ای حاوی هشتصد قبضه مسلسل دستی که در پی فرار دموکرات‌ها از رضائیه، با کامیون‌هایی به مرز شوروی حمل می‌شد، دست یافته‌اند. حبیب امیری نماینده عمرخان در تهران به من گفت که وی در رأس یک گروه پنجاه نفری از عشایر مأمور شده بود فداییان دموکراتی را که پس از تسلیم به خانه و کاشانه خود برمی‌گشتند خلع سلاح کند و اظهار داشت که در خلال این عملیات چند نوع مسلسل معمولی و میزان غیرقابل شمارشی از انواع مهمات نیز به دست آنها افتاده است. وی تخمین می‌زند که فقط شکاک‌ها به تنهایی آن قدر سلاح دارند که به هر یک از رزمندگان ایل دو قبضه تفنگ بدهند. در حال حاضر تسلیحات مازاد در غارهایی در حوزه کوهستانی تحت امر عمرخان مخفی شده و تنها در صورتی در میان دیگر ایلات توزیع خواهد شد که ارتش بر ضد کردها وارد عمل شود.

برخی از سران ایلی بر این اعتقادند که عجلتاً ارتش به تسلیم نمادی تسلیحاتی چند از طرف ایلات مختلف راضی است، و سایر افراد مطلعی که با آنها صحبت کردم نیز این نظر را تأیید می‌کنند. جلالی‌ها که تخمین زده می‌شود بین پنج تا ده هزار تفنگ دارند، اخیراً ۱۲۵ قبضه تفنگ شکسته و زنگ زده به ارتش تحویل دادند و دو روز بعد جراید تبریز و تهران یک بیانیه رسمی ارتش را منتشر کردند که در آن آمده بود جلالی‌ها «خلع سلاح» شده‌اند. عمرخان اظهار داشت که مقامات نظامی مستقر در قلمرو به وی اطلاع داده‌اند که از تهران دستور رسیده که ایلات می‌توانند به اندازه‌ای که برای امنیت داخلی و حفظ مرز از

گزارش‌ها ۱۵۳

دستبرد عشایر کرد عراق و ترکیه لازم است، تسلیحاتی را نگه دارند. وی اضافه کرد که به نظر می‌آید ارتش بیشتر به دنبال تسلیم ادوات توپخانه‌ای است که نزد بارزانی‌هاست تا تفنگ‌هایی که نزد ایلات می‌باشد. ولی وی پیش‌بینی می‌کند که پس از تسلیم این توپ‌ها، طولی نمی‌کشد که تسلیم تمامی تسلیحات خواسته شود.

رهبان شاکا هادر ۱۸ فوریه / ۲۹ بهمن به نمایندگی از ایلات تحت نفوذ خود برای مذاکره با دولت وارد تهران شد. به محض تکمیل این مذاکرات با مقامات کشوری و لشکری، نتیجه آن گزارش خواهد شد.

۶۶

وزارت خارجه، تلگراف واصله، محرمانه. [شماره] کنترل ۷۶۴۱

تاریخ وصول ۲۵ فوریه ۱۹۴۷ / ۶ اسفند ۱۳۲۵

۹/۲۴ صبح، از: تهران، به: وزیر خارجه، — شماره: ۱۳۰، ۲۵ فوریه، ۹ صبح

گزارش شده است که ستون‌هایی از مهاباد و رضائیه بر ضد کردهای بارزانی راه افتاده‌اند. گفته می‌شود که این نیروهای دولتی که تحت فرماندهی سرهنگ زنگنه قرار دارند در منطقه نقده واقع در جنوب رضائیه با گروهی از کردها درگیر شدند ولی عمرخان رئیس شاکاک که اینک در تهران است می‌گوید گروهی که در این برخورد دست دارد از کردهای متفرقه و آسوری‌هایی تشکیل شده‌اند که تحت فرماندهی زرو بیگ افسر سابق جمهوری خلق کرد، قرار دارند که کردها او را خائن به مردم خود می‌شناسند. وی اضافه کرد که بارزانی‌ها هنوز با ارتش درگیر نشده‌اند ولی وی بر این نظر است که اگر برای خلع سلاح آنها با توسل به زور اقدام شود، بارزانی‌ها مقاومت کرده و کردهای هرکی و بیگزاده منطقه رضائیه بدان‌ها کمک خواهند کرد.

همچنین امکان آن وجود دارد که در صورت [به نتیجه نرسیدن]^۱ مذاکرات جاری میان عمرخان و مقامات ایرانی، ایل مجهز و مسلح شکاک از بارزانی‌ها حمایت کنند.

سرویس خارجی ایالات متحده آمریکا، سفارت آمریکا

تهران، ۲۷ فوریه ۱۹۴۷/۸ اسفند ۱۳۲۵

شماره ۳۱۲، محرمانه

موضوع: ارسال یادداشتی مربوط به گفت‌وگو با عمرخان شکاک

حضرت اجل، وزیر خارجه، واشنگتن. افتخار دارم یادداشت مربوط به گفت‌وگو با عمرخان، رهبر کل ایل شکاک کرد را که در حال حاضر برای مذاکره با ارتش شاهنشاهی پیرامون خلع سلاح ایلات کرد آذربایجان در تهران است برای آگاهی وزارتخانه ارسال دارم.

عمرخان حدود شصت سال سن دارد و بدون تردید در حال حاضر متنفذترین رهبر ایلی کرد به‌شمار می‌آید. او پس از مرگ برادرش [؟] سمیتکوی معروف که در ۲۱-۱۹۱۹ رهبری حملات کردها را بر ضد مسیحیان رضائیه برعهده داشت، در چند سال قبل، به‌جای او سرپرستی کردهای شکاک را برعهده گرفت.

پس از سال‌ها این نخستین باری است که عمرخان از تهران دیدار می‌کند. آخرین باری که به دعوت رضاشاه به تهران آمد به زندان افکنده شد و به مدت شش سال نیز در آنجا بود. اخیراً که شاه فعلی از او دعوت کرد که به تهران بیاید، طبیعتاً تمایلی به پذیرش این دعوت نداشت و در نهایت پس از آن که شنید مقامات آمریکایی احساس می‌کنند که او می‌تواند به سلامت چنین [دیداری] را

۱. یک سطر کم‌رنگ و ناخوانا، به حدس و گمان ترجمه شد.

صورت دهد، پذیرفت که بیاید. وی در حال حاضر تا حدود زیادی به دلیل روابط مؤثری که کنسولیار دوه‌ر در دوره ریاستش بر [کنسولگری] تبریز توانست با او برقرار کند، قویاً و از صمیم قلب طرفدار آمریکا است. سه ماه پیش نیز [آرچیبالد] روزولت دستیار وابستگی نظامی نیز در کردستان از او دیدار کرد که نتایج خوبی به دنبال داشت. عمرخان نسبت به ژنرال شوارتسکف نیز اعتماد و دوستی خاصی دارد.

از تمامی شواهد موجود چنین به نظر می‌رسد که مسبب غارتگری‌هایی که اخیراً نسبت به مسیحیان منطقه صورت گرفت آذربایجانی‌های ترک زبان بوده‌اند و نه کردها و عمرخان حتی الامکان سعی خود را می‌کند که از پیشامد چنین وقایعی جلوگیری کند. مونسینور پاپالاردو نماینده پاپ در تهران که اخیراً از بازدید آذربایجان مراجعت کرده نیز مطلب فوق را تأیید کرده و می‌گوید وضعیت آسوری‌ها و ارمنی‌های منطقه اینک به تدریج رو به بهبود است هرچند وی احساس می‌کند که تنها راه حل کافی، جابه‌جایی مسیحیان از آن حوزه است.

در مورد این گفته عمرخان که ایل او به هنگام استقرار مجدد ارتش در آذربایجان به این فکر افتاد که به ترکیه فرار کند، من شب گذشته این موضوع را با سفیر ترکیه در میان گذاشتم و او اظهار داشت که هیچ‌گاه در این باب چیزی شنیده است و شک دارد که هیچ یک از مقامات ترکیه پیشنهاد کرده باشند که پذیرای شکاک‌ها باشند. او اطمینان داشت که دولت متبوعش اجازه ورود بدان‌ها نخواهد داد. گفته می‌شود که ایل شکاک حداقل ده هزار جنگجوی تا بن دندان مسلح دارد که تفنگ به جانشان بسته است.

با احترام

جرج وی. الن

سفیر آمریکا

پیوست: یادداشت یک گفت‌وگو همان‌گونه که اشاره شد. اصل به وزارتخانه و نسخه‌هایی برای سفارت آمریکا در مسکو، لندن، آنکارا و بغداد و دفتر وابستگی نظامی آمریکا در تهران.

وزارت خارجه، تلگراف واصله، سرّی، شماره [کنترل] ۱۴۰
 تاریخ وصول اول مارس ۱۹۴۷ / ۱۰ اسفند ۱۳۲۵
 ۱۱/۴۰ صبح، از: تهران؛ به: وزیر خارجه، شماره ۱۴۵، اول مارس، ۱۰ صبح

عمرخان رئیس کردهای شکاک اظهار می‌دارد که رزم‌آرا رئیس ستاد از او خواسته است که برای پایان دادن به درگیری ارتش با گروه یاغی زرو بیگ فوراً به رضائیه مراجعت کند ([گزارش] سفارت، ۱۳۰، ۲۵ فوریه)^۱.
 در نتیجه اقدام ایل بیگزاده در اعزام یک نیروی امدادی برای تقویت مقاومت زرو بیگ، اوضاع وخیم شده است. عمرخان مأموریت دارد به زرو بیگ و سران بیگزاده پیشنهاد کند که در صورت ترک محاصره، مورد عفو قرار خواهند گرفت. ارتش هنوز با کردهای بارزانی که به اشنویه عقب نشسته‌اند و انتظار می‌رود در آنجا به سختی مقاومت کنند، تماس برقرار نکرده است.
 مذاکراتی که در تهران بین سران ارتش و عمرخان جریان داشت به این نتیجه رسید که شکاک‌ها اجازه یافتند تمامی تسلیحات خود را نگه دارند. ارتش انتظار دارد که شکاک‌ها در خلع سلاح ایلات همسایه، [ارتش را] یاری دهند ولی احتمالاً عمرخان فقط سلاح‌های قدیمی و شکسته را برای تحویل به ارتش گرد خواهد آورد و آنها را با سلاح‌های جدیدی که در دسامبر / آذر گذشته پس از سقوط حکومت تحت‌الحمایه شوروی از دموکرات‌ها به غنیمت گرفت، جایگزین خواهد کرد. احتمالاً ارتش نیز عجلتاً این خلع سلاح نمادین را خواهد پذیرفت.

عمرخان [چهار دفعه]^۲ با ناصرخان از ایل قشقایی ملاقات کرده است و اگرچه [در مورد نتایج این دیدار اطلاعات دقیقی ارائه نکرد]^۳ ولی باور بر آن است که این دو رهبر [ایلی] توافق کرده‌اند که در صورت جدایی آشکار بین شاه و

۱. سند شماره ۶۸.

۲ و ۳ متن اصلی کم‌رنگ و ناخوانا است. براساس حدس و گمان ترجمه شد.

نخست‌وزیر از قوام حمایت کامل به عمل آوردند. هر دوی این رهبران ایلی اظهار داشتند که برکناری قوام از نخست‌وزیری، قطعاً به بروز ناآرامی‌هایی جدی در سراسر حوزه‌های عشایری منجر خواهد شد.
تکرار برای بغداد [به شماره] ۲۲.

الن

۶۹

وزارت خارجه، تلگراف واصله، سرّی، [شماره] کنترل ۱۲۶۸
تاریخ وصول ۵ مارس ۱۹۴۷ / ۱۴ اسفند ۱۳۲۵
۳/۵۸ بعدازظهر، از: تهران، به: وزیر خارجه، شماره ۱۵۷، ۴ مارس ۴ بعدازظهر،
فوری

سفارت از طریق دو نفر از رؤسای کرد که اینک در تهران هستند اطلاع حاصل کرده که کردهای بارزانی به جای عبور از مرز عراق قصد دارند بین رضائیه و دریاچه ارومیه، به سمت شمال شتافته و سعی کنند از مرز شوروی به نخجوان بگریزند.

وابسته نظامی [سفارت این مطلب را] با رزم‌آرا، رئیس ستاد [ارتش] ایران در میان گذاشت و وی این شایعه را نادرست خواند. [به گفته رزم‌آرا] در خلال چند روز گذشته ملا مصطفی با ژنرال همایونی در مشورت بوده و وی [همایونی] موافقت کرده که اجازه دهد بارزانی‌ها یک ماه دیگر نیز در ایران بمانند تا برف معابر کوهستانی مرز عراق آب شود و آنگاه بارزانی‌ها با تسلیحات کامل به کردستان عراق بروند.

سفارت بر این باور است که [بارزانی‌ها] در مراجعت به روستاهای بارزانی در عراق، از طریق یک قسمت کوچک و غیرمسکونی قلمرو ترکیه عبور خواهند کرد.
تکرار برای بغداد [به شماره] ۲۵ و آنکارا [به شماره] ۳.

الن

پیوست شماره ۱، ضمیمه نامه شماره ۲۰۰، مورخ ۲ اوت ۱۹۴۹/۱۸ مرداد ۱۳۲۸ از سفارت آمریکا، تهران، ایران.

کردهای جنوب

کلهر

بزرگ‌ترین ایل کرد در حوزه استان کرمانشاه. منطقه کلهر در همسایگی حوزه‌های ماهیدشت، گوران، کرد، ذهاب و ایوان، و حوزه‌های خانقین و مندلی در عراق قرار دارد. روستای اصلی آن گیلان نام دارد که به جاده شاه‌آباد - کرد راه می‌برد.

در حال حاضر عباس قبادیان (امیر مخصوص) نماینده دوره پانزده مجلس شورای ملی از کرمانشاه ریاست ایل کلهر را برعهده دارد. منطقه کلهر از جلگه‌ها و مراتع وسیعی برخوردار است و اگر به طرزی صحیح تحت کشت قرار گیرد می‌توان محصول قابل توجهی به‌بار آورد. حوزه کلهر چنان حاصلخیز است که حتی در حال حاضر با اندک توجهی نیز که بدان مبذول می‌شود می‌تواند نیازهای کل ایل را برآورده سازد.

گفته می‌شود که ایل کلهر در مجموع (به اضافه جمعیت یکجانشین آن) حدود ۱۲۰۰۰ خانوار را شامل می‌شود. این ایل به‌صورتی که ملاحظه خواهد شد به پانزده شعبه اصلی تقسیم می‌شود که هر یک کدخدا یا رئیس علی حده‌ای دارند:

تیره‌های فرعی	تعداد خانوار	کوچرو یا یکجانشین
خالدی	۱۰۰۰	کوچرو
قوچه‌ای	۲۰۰	کوچرو
باسکله‌ای	۱۰۰	یکجانشین
شبانکاره چله‌ای	۲۰۰	کوچرو

۱...	۱۰۰	(The Fools) Shil Shit
کوچرو و یکجانشین	۱۰۰۰	شیانی
یکجانشین	۱۰۰	قاسم‌خانی و زبیره ^۲
یکجانشین	۱۰۰	تنگ شوان
کوچرو و یکجانشین	۱۰۰۰	سیاسیا
کوچرو	۱۰۰۰	کاظم‌خانی
کوچرو	۳۰۰	منیشی
کوچرو	۵۰۰	خمان
کوچرو و یکجانشین	۶۰۰	شهرک و ورمزیار
یکجانشین	۲۰۰	گرگایی
یکجانشین	۱۰۰	لرینی
یکجانشین	۱۰۰	دیره
کوچرو و یکجانشین	۵۰۰	کله‌پا
کوچرو و یکجانشین	۲۰۰	قوچمی
کوچرو و یکجانشین	۲۰۰	کله‌جویی
یکجانشین	۴۰۰	کارون آبادی
یکجانشین	۲۰۰	چیاژرد و چنگر ^۳
کوچرو و یکجانشین	۱۰۰	الوندی
کوچرو	۱۰۰	بداغ بیگی
کوچرو	۳۰۰	کرگا
یکجانشین	۵۰۰	چارزیاری
یکجانشین	۵۰۰	ماهیدشتی
یکجانشین	۲۰۰	شیان [شاهین] و شوانی
کوچرو و یکجانشین	۱۰۰	منصوری

۱. نقطه چین در اصل.

کلهرها نیرومندترین ایل کرمانشاه هستند. گفته می‌شود که می‌توانند در صورت نیاز ۵۰۰۰ سوار بسیج کنند. بیش از دو قرن خاندان‌های اصلی ایل را شهبازی یا حاجی‌زاده، محمدعلی‌خانی و کاظم‌خانی تشکیل می‌دادند. رؤسای ایل همیشه از دو خانواده اول انتخاب می‌شدند و داودخان پدربزرگ [عباس‌خان] قبادیان نخستین استثناء این قاعده بود.

ییلاق (مراتع تابستانی) کلهرها در ۱۲ تا ۲۴ کیلومتری شهر کرمانشاه واقع است و قشلاق (مراتع زمستانی) آنها نیز در شمال مندلی (عراق) واقع است و از حوالی آن شهر تا مرزهای قصرشیرین امتداد دارد.

املاک مزروعی آنها چه در ییلاق و چه در قشلاق بسیار حاصلخیز است. اراضی آبی قابل ملاحظه‌ای را نیز در ملکیت خود دارند. جلگه گیلان که ۱۶ در ۲۴ مایل وسعت دارد نیز از جمله املاک کلهرهاست که توسط ۶۰ نهر آبیاری می‌شود. گفته می‌شود که ایل کلهرها در مجموع ۲۰۰ ده و قصبه را که به طوایف حاجی‌زاده و محمدعلی‌خانی تعلق دارد در اختیار دارد.

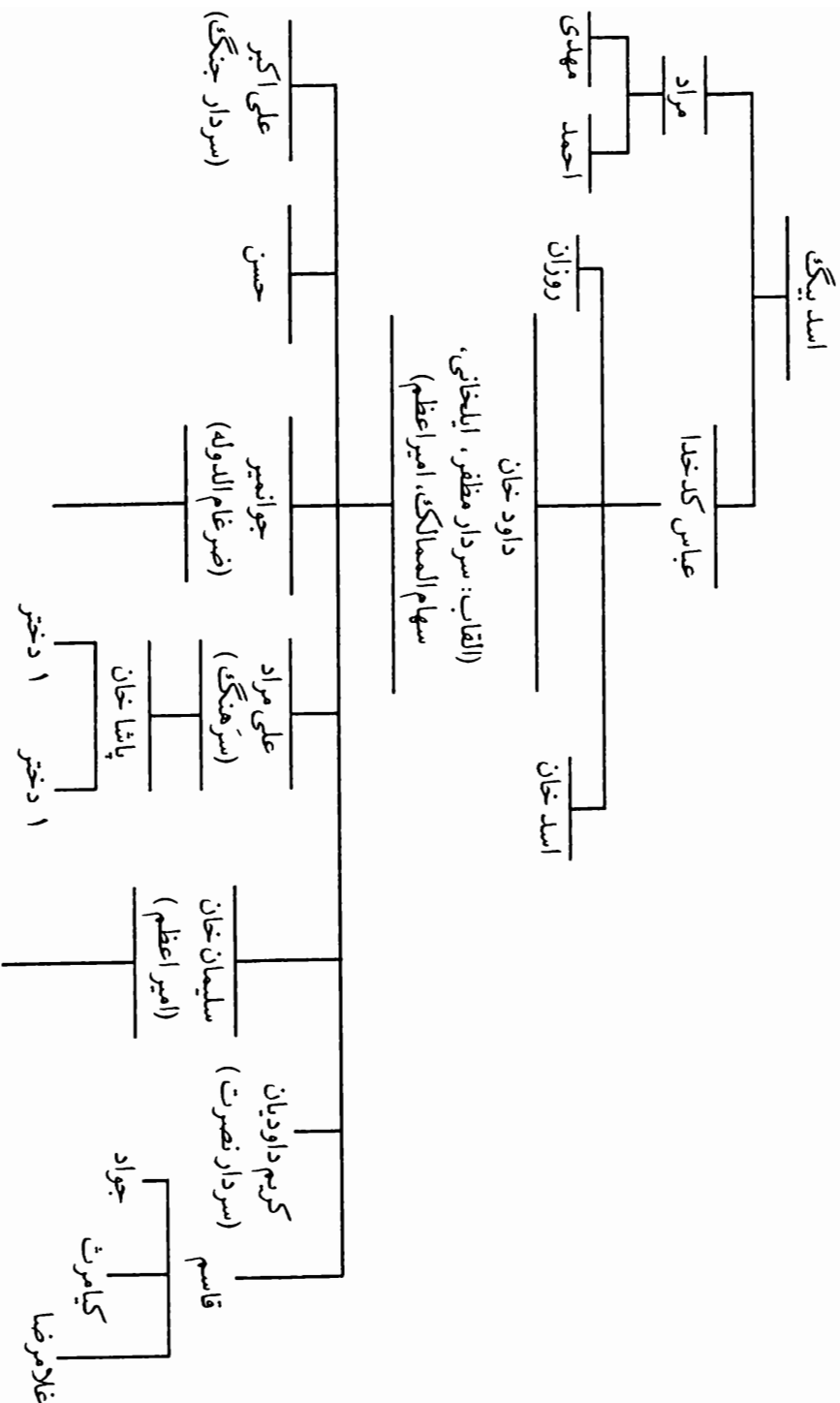
در جنگ جهانی اول جوانمیرخان (پسر داودخان و پدر [عباس‌خان] قبادیان) به ضرب گلوله کشته شد و کل خاندان او در نقاط مختلف منطقه پراکنده شدند. قبادیان پسر بزرگ جوانمیرخان در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۳ به ایل بازگشت و با گردآوری گروه چشمگیری از سواران مسلح به دور خود سعی کرد موقعیت خانوادگی خود را از نو تقویت کند. وی با هدف نهایی نیل به مقام امیرالعشایری، از ایلات اطراف خواست که تحت رهبری او یک اتحادیه ایلی تشکیل دهند. این تحول در حدود سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ رخداد و رضاشاه به محض آگاهی از فعالیت‌های قبادیان نیرویی اعزام داشته و وی را دستگیر کرد. قبادیان بعد از دستگیری و اخراج از کرمانشاه، حدود ده سال در تهران زندانی بود تا آن که بالاخره بعد از اشغال کشور به دست متفقین در اوت ۱۹۴۰ / شهریور ۱۳۲۰ از زندان رها شد.

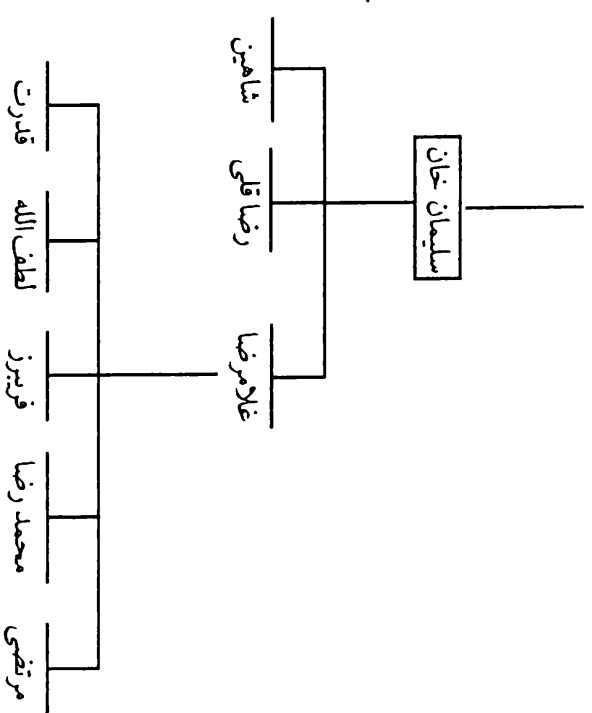
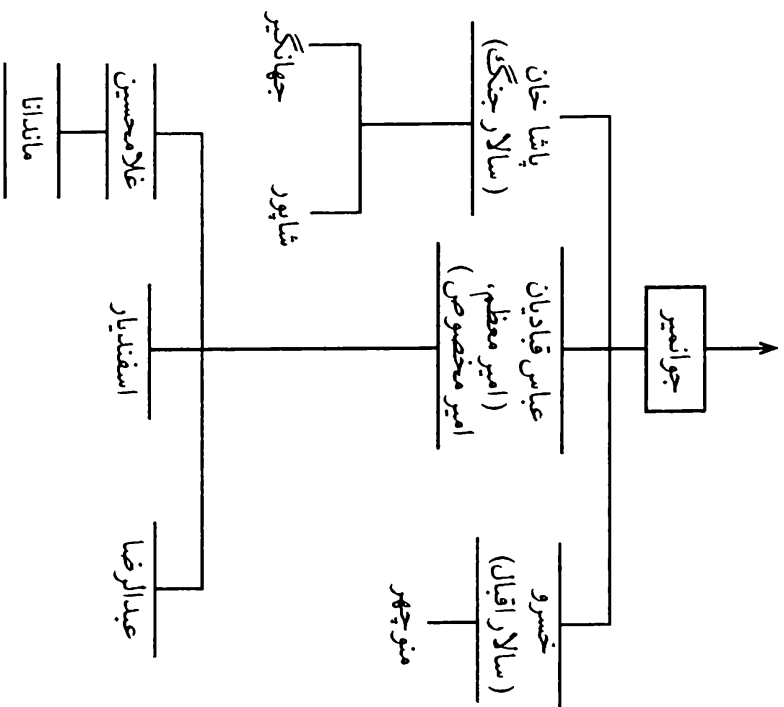
اندک زمانی بعد از بازداشت قبادیان، کل ایل کلهرها خلع سلاح شد و بنا به فرمان شاهانه، نام آن نیز به باوندپور تغییر کرد. سرهنگ دنبلی نیز تا سال ۱۳۲۰/۱۹۴۱ به عنوان حاکم دایم ایل تعیین شد.

[عباس‌خان] قبادیان در ۱۳۲۱/۱۹۴۲^۱ ایل بازگشت و سعی کرد از نو یک اتحادیه ایلی تشکیل دهد. مقامات نظامی بریتانیا که نسبت به فعالیت‌های او مشکوک بودند، مجدداً وی را از منطقه اخراج و به تهران گسیل داشتند. در سال ۱۳۲۱/۱۹۴۲ قبادیان بعد از چند تلاش ناموفق از مقامات بریتانیا اجازه یافت که برای رسیدگی به املاکش به کرمانشاه مراجعت کند. توافق شده بود که وی بر ضد منافع بریتانیا در غرب ایران، عملی انجام ندهد. قبادیان به کمک لیوتنان کلنل فلچر مشاور سیاسی نیرومند بریتانیا در کرمانشاه به دوره چهاردهم مجلس شورای ملی راه یافت. او در دوره پانزدهم نیز مجدداً از کرمانشاه به مجلس راه یافت و به یکی از مخالفان قوام‌السلطنه بدل شد. کله‌رها همگی شیعه هستند.

۱. احتمالاً ۱۳۲۰/۱۹۴۱ صحیح است.

شجره خانوادگی خاندان حاکم ایل کلهر





سفارت آمریکا، تهران، ایران

۶ سپتامبر ۱۹۴۹ / ۱۵ شهریور ۱۳۲۸

شماره ۲۲۹، محرمانه

موضوع: ارسال گزارش‌هایی درباره ایلات مختلف کرد در جنوب حضرت اجل، وزیر امور خارجه، واشنگتن. آقا. افتخار دارم که گزارش‌هایی از شش ایل کرد جنوب را به قرار ذیل برای آگاهی [قسمت] پیشینه وزارتخانه ارسال دارم. اطلاعات مستتر در این گزارش‌ها را آقای کورش شهباز، یکی از کارکنان ایرانی سفارت گردآوری شده است و گزارش‌ها نیز توسط آقای شهباز و ایرنه بلک^۱ کارمند خدمات خارجی تدوین گشته است.

ایلاتی که در گزارش‌های پیوست توصیف شده‌اند به قرار ذیل می‌باشند:

۱. ولدبیگی یکی از شعب ایل جاف سلیمانیه.

۲. جوانرود. آن نیز جاف است.

۳. باباجانی و قبادی. کماکان جاف.

۴. اورامان

۵. گوران

از آنجایی که آقای شهباز در طول جنگ در مقام افسریار، تعدادی از افسران سیاسی بریتانیا را در کردستان و لرستان همراهی کرده است، انتظار می‌رود که اطلاعات مستتر در این گزارش‌ها دقیق باشد.

با احترام

جان. ج. وایلی

سفیر آمریکا

پیوست ۱ به ضمیمه نامه شماره ۲۲۹، از تهران، ایران،
مورخ ۶ سپتامبر ۱۵/۱۹۴۹ شهریور ۱۳۲۸
محرمانه

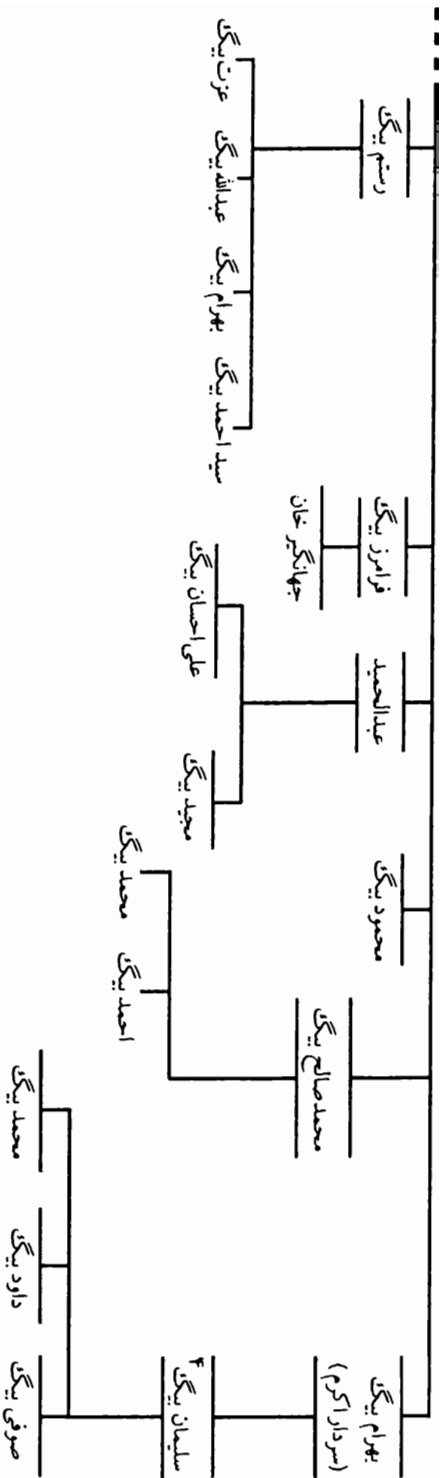
ایل ولدبیگی

ولدبیگی یکی از شعب کردهای جاف است که در حدود ۳۵ مایلی شمال غرب کرمانشاه در مجاورت قلمرو ایلات جوانرود، روانسر و قبادی، جای داشته و حدود ۹۵ روستا را شامل می‌شود. جمعیت ایل ولدبیگی بیش از ۲۱۰۰۰ نفر برآورد شده که همگی مسلمان سنی و بسیار متعصب هستند. آنها که در حال حاضر در دشت روانسر یکجانشین شده‌اند، از ایل بزرگ جاف در سلیمانیه منشعب شده و می‌گویند که در زمان حکمروایی شاهان صفوی از موصل به ایران آمده‌اند.

از آنجایی که در مرز بین کرمانشاه و کردستان قرار دارند، گاه از استاندار کرمانشاه ابراز تبعیت می‌کنند و گاه نیز از استاندار کردستان، ولی در عمل از هیچ‌یک فرمان نمی‌برند. رقابت بین دو استانداری برای آنها فرصتی فراهم آورده است که به راهزنی و غارت مبادرت کرده که زندگی را بر ایلات همسایه آنها، به‌ویژه در منطقه کردستان سخت می‌کند.

رهبر فعلی ایل یعقوب‌بیگ ولدبیگی (سالار امجد) است که فردی است آرام و باهوش. ولی برادرش عزیزبیگ دائماً در شور و شراست و در میان ایلات همسایه تفتین می‌کند. عزیزبیگ به‌رغم برخورداری از همراهی یعقوب‌بیگ و موقعیت مناسبی که به یمن این همراهی در ایل کسب کرده است، در جستجوی فرصتی است که روی دست حامی خود بلند شود.

اگرچه یعقوب‌بیگ در تحولات جنگ اول جهانی نقش فعالی نداشت، ولی به تهران برده شد و سه سال زندان بود. سپس از زندان آزاد و در تهران تحت نظر بود.



۱. دایی عثمان یغ ، رئیس اہل شرفیانی.

۲. عزیز یغ.

۳. کیکاوس یغ ، همسر دختر عثمان یغ (عموزادہ اش).

۴. سلیمان یغ، برادرزادہ یعقوب یغ و پسر سردار اکرم فقید. تصور می کنند کہ خودش باید

به جای یعقوب یغ، ریاست اہل را عہدہ دار گردد.

در خلال جنگ دوم جهانی یعقوب بیگ به مقرر ایلی خود در کاره^۱ مراجعت کرد و با ایلات همسایه خود روابط دوستانه‌ای برقرار ساخت. برادرش عزیزبیگ، به همراه هوادارانش در جاده‌های اصلی به سرقت و راهزنی مشغول شد. یعقوب بیگ با صاحب‌منصبان ارتش ایران هیچ مشکلی نداشت و هنگامی که افسر فرمانده کرمانشاه از او خواست ترک اسلحه گوید وی بدون هیچ اعتراضی این فرمان را پذیرفت. او در اختلافات ایلی، در مقام حکم عمل می‌کند و از آنجایی که مقامات دولتی همیشه تصمیم‌های او را می‌پذیرند، از قدرت و نفوذ بسیاری در میان عشایر برخوردار است.

یعقوب بیگ دایی عثمان بیگ شرفیانی رییس ایل شرفیانی جاف است که در مرز ایران و عراق مستقر است. رفت و آمد میان این دو ایل حتی در زمان سلطنت رضاشاه نیز برقرار بوده است. بخشی از قشلاق ولدبیگی هادر باووسی در آن سوی مرز عراق، در جوار مراتع شرفیانی‌ها واقع است. براساس ترتیبی که میان دولتین ایران و عراق برقرار شده است. ایل ولدبیگی در زمستان بدان ناحیه کوچ کرده و در بهار به بیلاق خود در کاره مراجعت می‌کنند.

هوای کاره در طول تابستان نامناسب است و آب آن نیز نامطبوع است. حالت آبگیر و باتلاقی اراضی آن حدود موجب تب و بیماری می‌شود.

روستای باووسی، مقر زمستانی ایل در دامنه‌های پر علف کوه بمو واقع است و از چشمه‌های متعدد و گوارایی برخوردار است که آب شرب عشایر را تأمین می‌کند. عشایر برای اقامت تابستانی خود از شاخ و برگ درختان کپرهایی درست می‌کنند. رؤسای ایل در جلگه‌ای کوچک در کنار یک چشمه دائمی، چادرهای خود را برپا می‌دارند. هر سال عثمان بیگ شرفیانی مهمان عموی خود شده و مردمان هر دو ایل به مدت دو ماه به رسوم شادی و ورزشی ایلی خود می‌رسند. تمامی عروسی‌ها و میهمانی‌های ایل نیز در این ماه‌ها صورت می‌گیرد.

زنان ایل علاوه بر نخ‌ریسی و قالیبافی، بافته‌هایی پشمی درست می‌کنند که در طول سال مورد استفاده است. چادرها که معمولاً سیاه‌رنگ هستند، از موی بز و پشم گوسفند بافته می‌شود.

پیوست ۲ به ضمیمه نامه شماره ۲۲۹، از تهران، ایران،
مورخ ۶ سپتامبر ۱۵/۱۹۴۹ شهریور ۱۳۲۸

ایل جوانرود

جوانرود از ایلات کرد (اصلیت جاف) است که در حدود ۴۰ مایلی شمال غرب کرمانشاه مستقر می‌باشد. قلمرو جوانرود از ۱۳۰ روستا و جمعیتی معادل ۳۶۰۰۰ نفر برخوردار است. در گذشته قلمرو به مراتب بزرگ‌تری را شامل می‌شده است ولی رو به نقصان نهاده و در حال حاضر غله تولیدی آن کفاف مردم را نمی‌دهد. اهالی این سامان، به‌ویژه چادرنشینانش، زمخت و سرسخت هستند. در این حوزه مار و پلنگ به وفور یافت شده و گرازهای وحشی فراوانی دارد که روستاییان به کمک سگ آنها را شکار می‌کنند.

بر روی تپه‌ای مشرف بر روستای جوانرود بقایای یک قلعه، مسجد و حمامی مشاهده می‌شود که در سال ۱۲۲۴ ه. ق. توسط امان‌الله‌خان اردلان احداث شده‌اند. این مجموعه یک رشته قنات، آب‌انبار و باغ‌هایی را نیز شامل می‌شود که در حال حاضر مخروبه هستند.

روستای جوانرود در سمت راست رودخانه کوچکی واقع است که از رشته ارتفاعات نسبتاً پست و مشجری سرچشمه می‌گیرد که در امتداد جاده حلبچه - کرمانشاه، به موازات رشته کوه شاهو قرار دارد. در غرب این سرزمین سبز و تپه ماهور، قله بلند رشته کوه‌های سرابان^۱ و ده مایل آن‌سوتر نیز بنی‌گز، سربرآورده‌اند. حد فاصل این نقاط کوهستانی را جنگل انبوهی از بلوط‌های کوتاه پوشانده است. آب فراوان است و آثار برجای مانده از نهرهای قدیمی بیانگر آن است که در ایام گذشته سطح وسیعی زیر کشت بوده است.

در طول سه ماه تابستان هوا گرم است ولی در بهار و پاییز بسیار مطبوع است. زمین به‌نظر حاصلخیز می‌آید. راه‌های پاوه و کرمانشاه و همچنین رود زیمکان از درون شهر می‌گذرند.

جوانرودی‌ها در جنگ اول جهانی نقش فعالی داشتند و در تلفات سنگینی که سنجابی‌ها بر قوای بریتانیا در ایران وارد کردند، کمک مؤثری بودند. آنها با عوامل آلمانی که در آن حدود رفت و آمد می‌کردند روابط دوستانه‌ای داشتند.

پس از جنگ محمدبیگ وکیل رئیس ایل به اتفاق عموهایش رستم‌بیگ و حسین‌بیگ، به تهران منتقل شده و به دستور رضاشاه زندانی شدند. آنها تا زمان اشغال ایران توسط متفقین در اوت ۱۹۴۱ / شهریور ۱۳۲۰ در زندان بوده و آنگاه همراه دیگر زندانیان مشابه آزاد شدند.

رؤسای مزبور به محض رهایی از زندان به منطقه خود مراجعت کرده و با سازماندهی ایل نظامیان پراکنده و منهزم ایران را در پاره خلع سلاح کردند. در سال ۱۳۲۱/۱۹۴۲ ستون پنجم آلمان با جوانرودی‌ها ارتباط برقرار کرد و بدین ترتیب، دوستی دیرین آنها تجدید شد.

در ایام شورش رشیدعالی گیلانی در عراق و عملیات آلمانی‌ها در سوریه، نوبخت نماینده دوره سیزدهم مجلس شورای ملی و ژنرال آق‌اولی برای احداث فرودگاه‌هایی برای آلمانی‌ها عواملی را به ارتفاعات شاهو اعزام داشتند. نیروهای امنیتی بریتانیا از این امر مطلع شده و پس از محاصره منطقه جوانرود، محمدبیگ و دو عموی او را به کرمانشاه منتقل و تحت نظر قرار دادند.

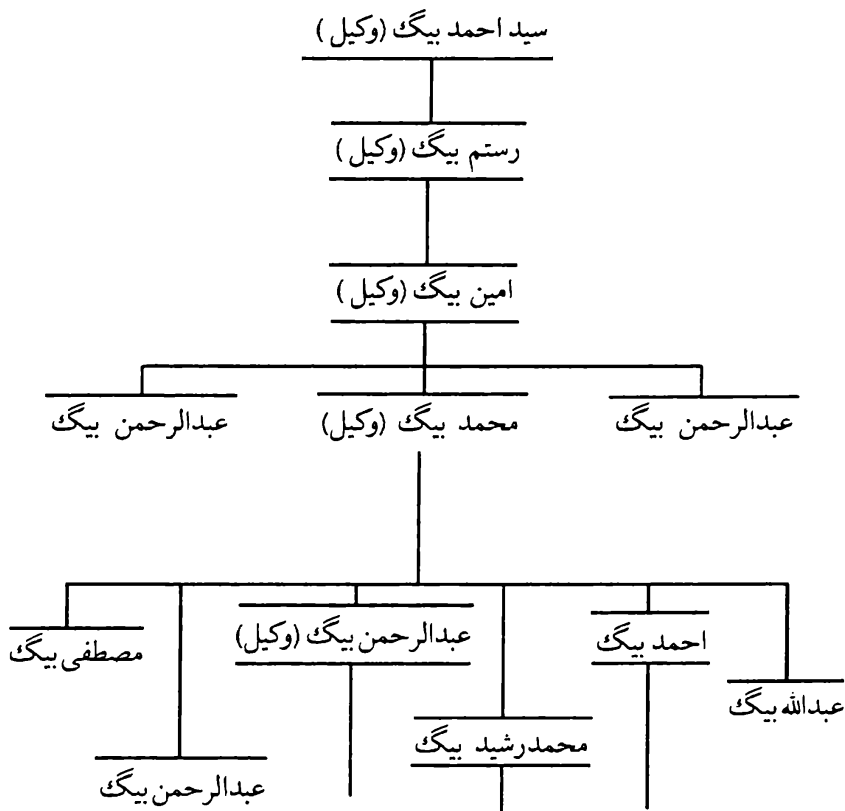
بعد از خاتمه عملیات عراق به نفع بریتانیا آنها که اینک تحت فرمان انگلیسی‌ها بودند، اجازه یافتند به منطقه خود مراجعت کنند. یک ماه بعد از خاتمه جنگ دوم جهانی، آنها به مناسب «خدمات فوق‌العاده» از جانب مقامات ایرانی نشان‌هایی دریافت داشتند. جوانرودی‌ها در طول اشغال ایران توسط متفقین، مقادیر معتابهی تسلیحات و مهمات گرد آوردند.

پس از جنگ گزارش‌هایی مبنی بر تعرض جوانرودی‌ها نسبت به ایلات همسایه و همچنین تحرکات آنها در زمینه قاچاق کالا - به ویژه تریاک - منتشر گردید. افسر فرمانده لشکر کرمانشاه به کرات از رؤسای آنها تقاضا کرد که از خط‌مشی مسالمت‌آمیز ارتش ایران استفاده کرده و اسلحه خود را تحویل دهند. ایل جوانرودی این هشدارها را نادیده گرفته و در نتیجه در ۲۳ ژوئیه ۱۹۴۸ / اول مرداد ۱۳۲۸ ارتش ایران با کمک سایر ایلات، پیشروی خود را آغاز کرده و

منطقه را در دست گرفتند. در خلال عملیاتی که صورت گرفت نادر بیگ و حسین بیگ به اتفاق تنی چند از دیگر اعضاء خانواده آنها کشته شدند. یک واحد از ارتش ایران در قلعه جوانرود مستقر شد و یک سروان به عنوان حاکم نظامی ایل منصوب گردید.

جوانرودی‌ها همگی اهل تسنن هستند و رعایای وکیل جوانرود، بزرگ مالک ایل به شمار می‌روند. در حال حاضر جوانرودی‌ها متحد، وفادار و یکجانشین هستند. تیره‌های ایلی دیگری نیست.

شجره‌نامه [خاندان حاکم] ایل جوانرود^۱



۱. این سند به نظر ناقص و ناتمام می‌آید.

پیوست شماره ۳ به نامه ۲۲۹، از تهران، ایران،
مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۴۹ / ۱۵ شهریور ۱۳۲۵
محرمانه

ایلات باباجانی و قبادی

باباجانی و قبادی از جاف‌هایی هستند که در دوره صفویه از ایل بزرگ جاف جدا شده و در حال حاضر در منطقه‌ای وسیع در شمال غرب جلگه کرمانشاه زندگی می‌کنند. قلمرو آنها از حوزه جوانرود در شرق آغاز شده تا نواحی قشلاقی گوران و سنجابی در جنوب و حوزه اورامان در شمال امتداد می‌یابد. این دو ایل در مجموع حدود ۱۷۰ روستا را با جمعیتی معادل ۴۵۰۰۰ نفر شامل می‌شوند. اکثر آنها اهل تسنن می‌باشند و گاهی اوقات نیز متعصب. آنها کوچرو بوده و بیشتر ایام سال را در حرکت می‌گذرانند. از نظر عدم پایبندی به قوانین نیز شهرت دارند.

ایلات جوانرود و ولدبیگی نیز مانند باباجانی در اصل بخشی از ایل جاف سلیمانیه را تشکیل داده و از آن جدا شده‌اند. گزارش‌های اخیر از آن حکایت دارد که هر از گاه انشعابات مشابهی در ایل اصلی جاف در عراق صورت گرفته است. سیداحمدبیگ نخستین رهبر ایلی این تیره بود که در زمان خاندان صفوی به ایران آمد. هریک از سه پسر او، سرپرستی یک ایل خاص را برعهده گرفتند که ترکیب آن به «ایلات ثلاثه» شهرت یافته است.

باباجانی و قبادی در گذشته یک ایل واحد را تحت سرپرستی رؤسای باباجانی تشکیل می‌دادند ولی پس از مرگ مصطفی خان بزرگ در ۱۹۰۳ تعیین جانشینی برای او با دشواری‌هایی روبه‌رو شد. پسرانش احمدبیگ و مصطفی خان هر دو مدعی رهبری ایل بودند. محمدصالح بیگ پسر بزرگ و جانشین قانونی او بی‌طرف ماند و حاضر نشد درگیر این دعوا گردد. پس از تحریکات مختلف و پیشامد چند زدو خورد بالاخره بر تقسیم ایل به دو قسمت تصمیم گرفته شد: باباجانی تحت سرپرستی احمدبیگ و قبادی که تحت نظر مصطفی خان قرار داشت.

قبادی‌ها در جنوب غرب باباجانی، بین ایلات ولدبیگی و جوانرود قرار گرفتند. مرکز آنها در نراب بود. مناطق ییلاقی آنها ناسالم است و خیلی حاصلخیز نمی‌باشد. کشت و زرع چندانی در کار نیست. احتمالاً اشتغال فراوان به تاخت و تاز، برای رمه‌گردانی فرصت چندانی باقی نمی‌گذارد.

بخشی از سرزمین زمستان‌ها در جوار قشلاق باباجانی‌ها در ایران قرار دارد و بخشی از آن نیز در عراق واقع است. در طول ماه‌های زمستان مرزهای ایران و عراق بر روی عشایر باز است و آنها به اختیار خود بدین سوی و آن سوی می‌روند. مصطفی خان هم در کرکول ایران قشلاق می‌کند و هم در قیطول عراق. عشایر مبلغ معینی را به عنوان حق‌المرتع به عراقی‌ها پرداخته و برای هر رأس احشام خود نیز چند ریال عوارض می‌دهند.

مناطق ییلاقی ایل باباجانی از مناطق ییلاقی قبادی‌ها حاصلخیزتر است. آب و علف فراوان است و بخش چشمگیری از دشت سور تحت کشت می‌باشد. قشلاق آنها در زله حصن^۱، واقع در کوه بمو است که در هشتاد مایلی غرب ییلاق آنها قرار دارد. این منطقه راه اتومبیل رو ندارد و رفت و آمد توسط دواب صورت می‌گیرد.

در ایام سلطنت رضاشاه، احمدبیگ، مصطفی خان و عموی ایشان محمدبیگ (سالار اسعد) در تهران زندانی شدند. محمدصالح بیگ سرپرست قانونی ایل شش ماه بیش در زندان نماند و پس از رهایی، تا زمان اشغال ایران توسط متفقین در ۱۳۲۰/۱۹۴۱ که به آزادی احمد بیگ و مصطفی خان منجر شد، به ریاست ایل باباجانی منصوب بود.

۱۷۴ کردها و فرقه دموکرات

مناسبات احمدیگ رئیس باباجانی با دولت حسنه است ولی مصطفی خان که سرسخت‌ترین و شرورترین رهبر ایلی منطقه به‌شمار می‌آید. در یک مرحله تهدید کرد که سر فرمانده لشکر کرمانشاه را از بدن جدا خواهد کرد. در سپتامبر ۱۹۴۷ / شهریور ۱۳۲۷ هنگامی که فرمانده ستاد ارتش از تمامی سران عشایر ایران دعوت کرد که در تهران مهمان دولت باشند، از ایلات باباجانی و قبادی فقط افراسیاب بیگ، پسر احمدیگ در این مراسم شرکت کرد.

پیوست شماره چهار به نامه شماره ۲۲۹، از تهران، ایران، مورخ ۶ سپتامبر
۱۳۲۸/۱۵ شهریور ۱۹۴۹

ایل اورامان

ایل اورامان در منطقه‌ای واقع در شرق ارتفاعات اورامان و چند روستا در جنوب شرقی آن رشته کوه‌ها در قلمرو عراق زندگی می‌کنند. اورامان رشته کوه‌های معظمی است که در جنوب و غرب به خاک عراق می‌رسد و به دلیل رود سیروان تقریباً غیرقابل دسترس می‌باشد. هوای آن گرم است و در آن انار، انجیر، Gal Nuts و دیگر میوه‌های جنگلی فراوان است. Buckthorn فراوانی در این سامان به عمل می‌آید و میوه آن به عنوان خشکبار صادر می‌شود. عسل فوق‌العاده خوبی تولید شده و هیزم نیز فراوان است. کرفس وحشی بسیار است و آن را در محل ترشی می‌اندازند که طرفدار دارد. گندم و جو و دیگر اقلام وارد می‌شود. آب شرب منطقه از چشمه‌ها تأمین می‌گردد. اورامان حدود ۶۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد که زمخت و نافرمان هستند. تمامی آنها اهل تسنن می‌باشند.

در خلال جنگ اول جهانی جعفر سلطان، سراسر اورامان را، از جمله اورامان تخت، اورمان بالا، اورامان لهن، دزلی و رزاب را مستقل اعلان کرد و در مقام یک سلطان خود خوانده، حکم راند. ولی در پی ظهور رضاشاه و لشکرکشی‌های وی بر ضد عشایر و نظام فتووالی، مناسبات موجود میان جعفر سلطان و حکومت مرکزی به سرعت رو به تیرگی نهاد. هنگامی که رضاشاه از جعفر سلطان خواست که سلاح خود را بر زمین گذاشته و به تهران بیاید، مشارالیه این درخواست را کاملاً نادیده گرفت. در نتیجه این رفتار [جعفر سلطان]، در ژوئن ۱۹۲۸ / خرداد ۱۳۰۷ [؟] نیروهای دولتی در پاوه به عشایر حمله کردند و پس از یک ماه زد و خورد، جعفر سلطان و پسرانش به عراق عقب نشستند. تنی چند از اعضاء خانواده او کشته و بسیاری نیز دستگیر و به تهران اعزام شدند. (محمدامین بیگ، یکی از پسران بزرگ‌تر جعفر سلطان از جمله این زندانیان

بود). هنگامی جعفر سلطان در سال ۱۳۱۳/۱۹۳۴ در عراق درگذشت، کل ایل تحت حکومت نظامی بود.

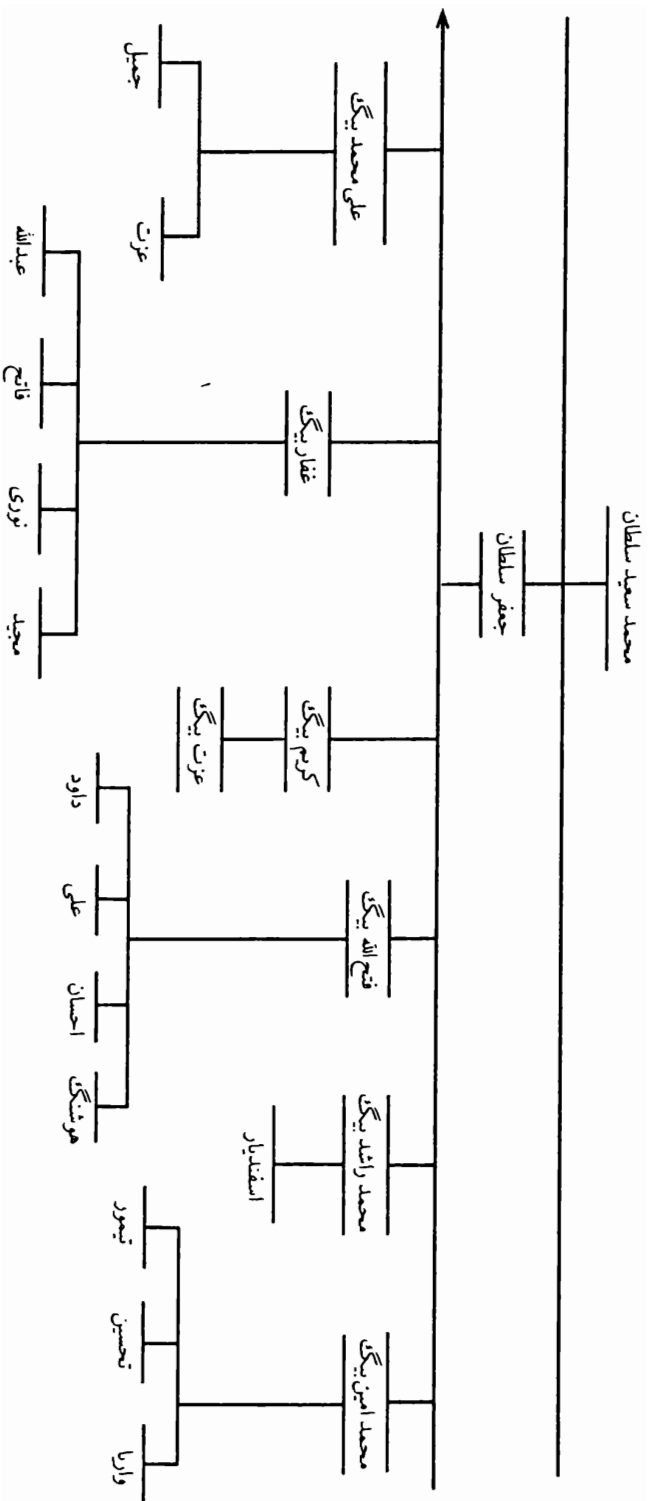
از دیگر رهبران ایلی که تبعید شدند، پاره‌ای در عراق و در کنار ایل همسایه جاف، سکنی گزیده و مابقی راهی بغداد شده و شهریه‌ای از دولت عراق می‌گرفتند. بسیاری از پسران جعفر سلطان به مدرسه اعزام شده و از آموزش نسبتاً خوبی به عربی، انگلیسی و حتی زبان کردی رسمی خودشان برخوردار شدند.

در ایام اشغال ایران توسط متفقین در اوت ۱۹۴۱ / شهریور ۱۳۲۰، کریم‌بیگ بزرگ‌ترین پسر جعفر سلطان و رهبر ایل اورامان، به پادگان ارتش در پاوه حمله کرد و پس از خلع سلاح آن، خود را رهبر بلامنازع منطقه اعلان کرد.

ولی در پی فوت کریم بیگ در ۱۳۲۲/۱۹۴۳ ایل اورامان بر سر تعیین جانشین دچار اختلاف گردید؛ گروهی به هواداری از پسرش عزت‌بیگ برخاستند و گروهی دیگر نیز به هواداری از محمدامین بیگ برادر کریم‌بیگ. در حالی که دامنهٔ اختلاف ادامه داشت محمدامین بیگ ضمن مراجعه به مقامات بریتانیایی و ایرانی پیشنهاد کرد از آنجایی که عزت‌بیگ با شانزده سال سن جوان‌تر از آن است که امورات ایل را به صورت رسمی عهده‌دار گردد، بهتر است در مقام مشاور قرار گیرد. ولی عزت‌بیگ اصرار داشت که همانند پدرش تنها رهبر ایل باشد. در نهایت مقامات بدین نتیجه رسیدند که با رضایت محمدامین بیگ و عزت‌بیگ، ایل را به دو قسمت کرده و هریک بر یک بخش آن حکمروایی کنند.

بعد از پایان جنگ دوم جهانی در اروپا، ارتش ایران یک افسر رابط را برای بررسی وضع به پاوه اعزام داشت. محمدامین بیگ و تا حدودی نیز عزت‌بیگ، روابط نسبتاً خوبی با حکومت مرکزی برقرار کردند و در اوت ۱۹۴۵ / مرداد ۱۳۲۴ ارتش ایران ستونی را به پاوه اعزام و کنترل منطقه را در دست گرفت؛ آن دو رهبر ایلی نیز به درجات نظامی در ارتش ایران نایل آمدند.

در سپتامبر ۱۹۴۸ / شهریور ۱۳۲۷ ستاد ارتش برای تقویت مناسبات ارتش و ایلات از طریق تفاهم متقابل، سران ایلات کشور را به تهران دعوت کرد. از



اورامان نیز چهره‌های ذیل به نمایندگی از ایل رهسپار تهران شدند: محمدامین بیگ لهونی، عزت بیگ لهونی، حسین بیگ لهونی، توفیق بیگ لهونی، منصور بیگ لهونی و اسفندیار بیگ لهونی.

در تکمیل اطلاعات پیشینه‌ای در مورد این ایل جادارد به تلاش‌های تبلیغاتی شوروی نیز اشاره شود. در اوایل سال ۱۹۴۳ / زمستان ۱۳۲۲ برای ایل تبلیغات شوروی فرستاده شد که در آن از لزوم اتحاد کردهای شمال و جنوب سخن به میان آمده بود. منشاء این تبلیغات انجمن [کومله] ژینه‌وی کرد^۱ (احیای کرد) بود که مقررش در مهاباد قرار داشت. هنگامی که قاضی محمد استقلال کردستان را اعلان داشت ماهنامه نیشتمان (وطن) که نشریه‌ای اجتماعی، فرهنگی و ادبی بود در جنوب کردستان توزیع گردید. دیاری کومله^۲ و ژینه‌وی کرد^۳ [بو لاککان ی کرد]. هدیه انجمن ژیان کرد به جوانان کرد نیز در میان عشایر جنوب کردستان توزیع شد. مشاور سیاسی بریتانیا نسخه‌هایی از این نشریات را در اورامان ضبط و برای بررسی به دولت ایران تسلیم داشت.

از دوره شورش کومله و اعدام برادران قاضی به بعد تبلیغات در خور توجهی برای عشایر جنوب کردستان ارسال نشده است ولی رؤیای دیرینه استقلال کردستان هنوز در میان بسیاری از کردها زنده است.

1. Jiyaneve y Kurd

2. Diyarîy Komelhe

3. Jiyaneve y Kurd Bo Lakekan y Kurd

پیوست ۵ به نامه شماره ۲۲۹، از تهران (ایران)، مورخ ۶ سپتامبر ۱۵/۱۹۴۹
شهریور ۱۳۲۸
محرمانه

ایل گوران

قلمرو ایل گوران از جلگه سنجابی در شرق تا شهر سر پل ذهاب در غرب، امتداد دارد. در شمال به منطقه‌ای می‌رسد که بین قلمرو ایل قبادی و حوزه شمال شاه‌آباد واقع است. باور عمومی بر آن است که در گذشته مردمان یکجانشینی در اینجا زندگی می‌کردند که به یک لهجه تاجیک رایج در داخله ایران سخن می‌گفتند. سال‌ها پیش کلهرها و زنگنه‌ها بر این سرزمین چیره شده و در نتیجه یک ایل جدید تشکیل شد.

در حال حاضر ایل گوران حدود ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. حدود ۲۵۰۰ خانوار یکجانشین هستند که در روستاهای منطقه گوران زندگی کرده و هنوز به لهجه اصلی تاجیک صحبت می‌کنند. مابقی کوچرو بوده و به کردی محلی سخن می‌گویند. آنها در زمستان به دشت ذهاب می‌روند که مابین قلمرو ایلات جوانرود، سنجابی و قبادی قرار دارد. در خلال تابستان در گهواره - مرکز اصلی ایل - مستقر می‌شوند که در نزدیکی رشته ارتفاعات Kalu Kariz، شمال شرق کرد و چهل مایلی غرب کرمانشاه قرار دارد. آنها تنباکو کشت کرده و محصول خود را به کارخانه دخانیات تهران می‌فرستند.

ایل گوران به تیره‌های اصلی ذیل تقسیم می‌شود: گهواره، تفنگچی، نیریژی، قلخانی، بهرامی، بیویانی و طایشه‌ای (جاف).

ایل گوران در گذشته تحت رهبری یکی از رؤساء قرار داشت ولی از دوره رضاشاه به بعد تحت سرپرستی رؤسای تیره‌های مختلف، به صورتی مستقل ولی همراه در مسائل مهم، اداره می‌شوند. عشایر گوران به شجاعت و جنگاوری شهرت دارند.

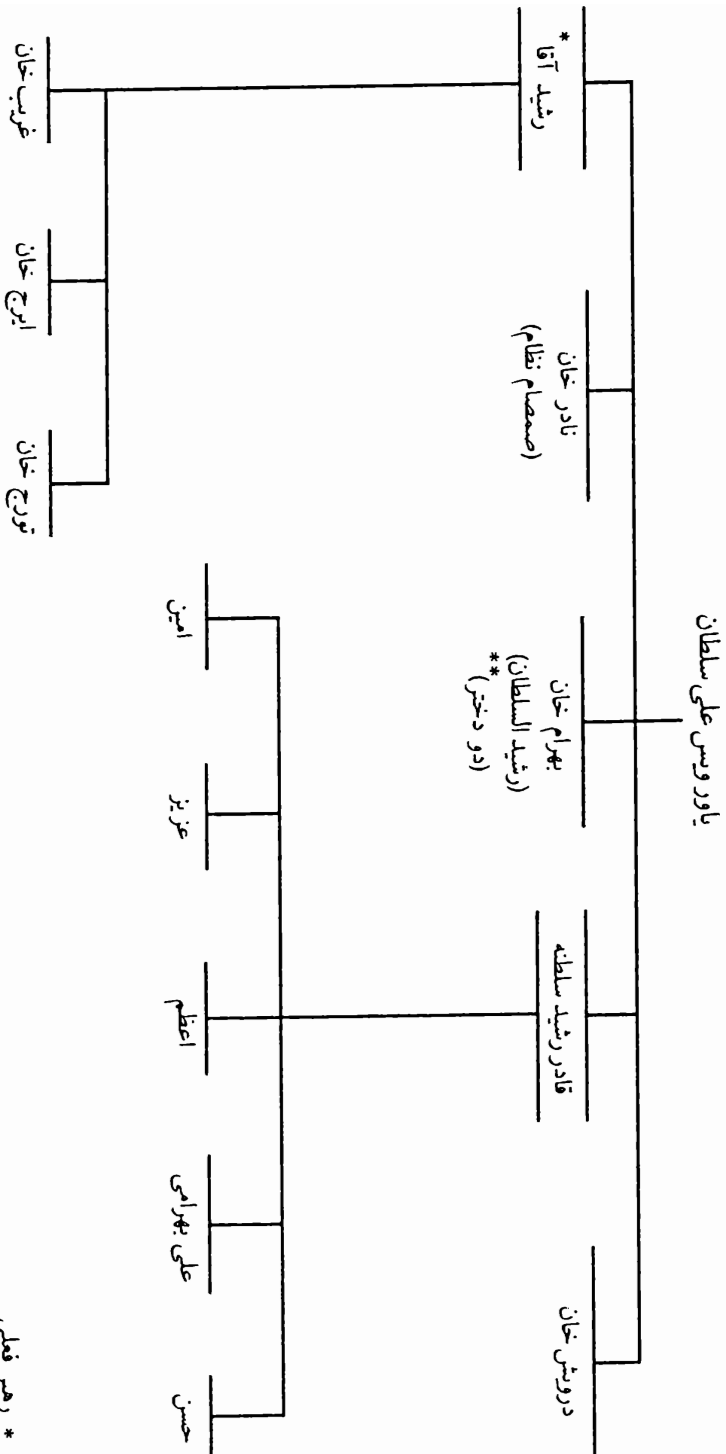
مهمترین رؤسای ایلی عبارتند از قنبر سلطان و پسرش جهانبخش از تیره قلخانی؛ رشید آقا رئیس بهرامی‌ها و سید شمس‌الدین حیدری و برادرش سید نورالدین حیدری، رهبران مذهبی فرقه علی‌الهی. به استثنای نیریژی‌ها و طایفه‌ای‌ها، سایر عشایر ایل پیرو این طریقت هستند. ولی رؤسای ایل به استثنای برادران حیدری، شیعه می‌باشند.

در ایران حدود ۱۵۰۰۰۰ مسلمان علی‌الهی زندگی می‌کنند. حدود ۵۰۰۰۰ نفر آنها در کرمانشاه و مابقی در آذربایجان و لرستان هستند. آنها در مورد مراسم مذهبی خود پنهانکاری می‌کنند ولی اطلاع در دست است که هیچ نوع کتاب دینی ندارند و به ندرت عبادت می‌کنند، زیرا بر این باورند که علی واسطه آنها با جهان اعلی است و او بدان‌ها فرمان داده است که به دعاهای او اعتماد کنند. آنها دوست ندارند علی‌الهی خوانده شوند و نام اهل حق را ترجیح می‌دهند.

ایل گوران در طول جنگ جهانی اول در زد و خورد‌های ایلی نقش فعالی داشت؛ هم با ترک‌ها جنگیدند و هم با روس و انگلیس ولی در مجموع آلمان خواه بودند.

در جنگ دوم جهانی، رشید آقا و برادرش رشیدالسلطنه به اتهام فعالیت‌های خرابکارانه توسط بریتانیایی‌ها دستگیر و در همدان زندانی شدند. آنها در مه ۱۹۴۴/اردیبهشت ۱۳۲۳ موفق به فرار شدند رشیدالسلطنه به ضرب گلوله جانورودی‌ها که برای انگلیسی‌ها کار می‌کردند، کشته شد. ولی رشید آقا فرار کرد و در حال حاضر ریاست تیره بهرامی ایل را عهده‌دار است.

شجره نامه [خاندان حاکم] بهرامی های ایل گوران



* رهبر فعلی

** یکی از دختران همسر جهانپخش خان از ایل قلمخانی گوران

فهرست اعلام

آوه ۵۵	آ
آنکارا ۲۸، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۷ تا ۵۱،	آتاکیشی أف، ۸۸، ۹۲، ۹۳
۵۴، ۵۵، ۶۶، ۶۷، ۶۹ تا ۷۱، ۱۳۲،	آذربایجان، آذربایجانی‌ها: اکثر صفحات
۱۴۸، ۱۵۵، ۱۵۷	آذربایجان شوروی ۲۸، ۸۹، ۱۰۳، ۱۳۰
	آذر، ژنرال ۷۲
الف	آرچوان ۱۲۷
ابراهیمی، بزرگ ۶۰	آستارا ۳۳، ۴۶، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰
ابلینگ، سمونل جی ۲۶	آسوری، آسوری‌ها ۵۱-۵۸، ۶۶، ۷۳،
احمد بیگ ۱۷۲ تا ۱۷۴	۱۱۰، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۴۵، ۱۴۶،
ارییل ۲۷	۱۵۳، ۱۵۵
ارتش سرخ ۴۸، ۵۶، ۷۹، ۸۹ تا	آفریقا ۷۴
۹۲، ۹۶، ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۹	آقا امیری، حسن ۱۵۰
اردبیل، ۳۳، ۸۴، ۱۲۰، ۱۲۷	آق اولی، ژنرال ۱۷۰
اردلان ۹۷، ۱۱۶	آلمان ۱۷۰
ارس، رود ۱۲۲	آمریکا، آمریکایی، سفارت آمریکا،
ارفع، ژنرال [حسن] ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴،	کنسولگری آمریکا، ایالات متحده:
۲۹، ۳۰، ۳۲، ۴۲	۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۱ تا ۲۴، ۲۶، ۲۹ تا
ارمنستان ۵۰	۳۲، ۳۷، ۴۰، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۳،
ارمنی ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۴۶، ۱۵۵	۵۸، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۱،
اروپا ۱۷۷	۷۴ تا ۷۸، ۸۲، ۸۳، ۸۵ تا ۸۷، ۹۳،
ارومیه (همچنین: رضائیه) ۱۵، ۶۷،	۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۲ تا ۱۰۶، ۱۰۸،
۱۰۰، ۱۴۶	۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۱،
ارومیه، دریاچه ۲۷، ۴۶، ۴۷، ۷۸، ۹۰،	۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۴،
۹۵، ۹۸، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۵۷	۱۴۶ تا ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۴

۱۸۶ کردها و فرقه دموکرات

ایوان ۱۵۸	ارزنجان ۲۷
ایوانوف ۱۲۸	استالین ۲۱
	اشنویه ۷۲، ۱۳۴، ۱۵۶
ب	افراسیاب بیگ ۱۷۴
باباجانی (ایل) ۶۴، ۱۷۲ تا ۱۷۵	افشارها ۴۶، ۵۵
بارسلون ۷۶	الکساندرتا، بندر ۳۸
بارزانی، بارزانی‌ها ۷۲، ۱۲۵، ۱۲۶،	الن، جرج وی ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۷۰، ۷۴،
۱۲۸، ۱۳۳ تا ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۴۳،	۷۵، ۷۸، ۸۳ تا ۸۶، ۱۰۸، ۱۱۹،
۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷	۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۰،
بارزان، شیخ‌احمد ۴۳، ۹۸	۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۷
بارزانی، ملامصطفی ۳۰، ۴۳، ۴۹، ۶۳،	الوندی (تیره) ۱۵۹
۹۷، ۹۸، ۱۳۳ تا ۱۳۵، ۱۴۲ تا	الهامی ۵۹
۱۴۵، ۱۵۷	الیک بارین ← علی‌اکبروف
با سکه‌ای (تیره) ۱۵۸	انتظام، (وزیر خارجه) ۱۹، ۲۰، ۲۳
بانہ ۳۰	انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی
باوندپور ← کلهر	۲۲
باویسی ۱۶۸	ان.کا.و.د. ۹۵، ۱۱۷
باکو ۲۸، ۳۸، ۸۸، ۱۲۳	انگلیس، انگلیسی‌ها ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۸۲
بختیاری ۱۵۰	امیر احمدی [سپهبد] ۱۳۲، ۱۳۶
بداغی بیگی (تیره) ۱۵۹	امیر اسعد ۶۰، ۸۰
بریتانیا، سفارت بریتانیا ۲۰، ۲۷ تا ۳۰،	امیری، حبیب ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸،
۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۵، ۵۵، ۵۹، ۷۱،	۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۲
۷۲، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۱۰۶، ۱۱۰،	انصاری (ژنرال) ۲۴
۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۹،	اورامان ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۰،
۱۳۵، ۱۴۳ تا ۱۴۵، ۱۶۱، ۱۶۴،	اورامان بالا ۱۷۶
۱۷۰، ۱۸۰	اورامان تخت ۱۷۶
بغداد ۱۸ تا ۲۰، ۲۲، ۲۸، ۴۲، ۴۸، ۵۱،	اورامان لهون ۱۷۶، ۱۷۸
۵۴، ۵۵، ۶۶، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱،	اهر ۳۶
۷۳، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۵،	ایران: اکثر صفحات
۱۵۷، ۱۷۷	ایلخانی‌زاده، عبدالله ۱۵۰، ۱۵۱

فهرست اعلام ۱۸۷

۹۵، ۹۹ تا ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۳۶،
۱۳۸، ۱۴۶

ت

تاشکند ۱۲۸
تاکستان ۵۵
تبریز: اکثر صفحات
ترکیه ۱۵، ۲۱، ۲۷، ۳۸، ۴۶ تا ۵۰، ۵۲،
۷۸، ۹۳، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۱،
۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۵۵،
۱۵۷

تفنگچی (تیره) ۱۸۱

تکاب ۸۴

تیریف ۷۶

تنگ شوان (تیره) ۱۵۹

تهران: اکثر صفحات

ج

جاف (ایل) ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹،
۱۷۲، ۱۷۷

جاوید ۵۷ تا ۵۹، ۶۹، ۱۱۸

جعفر سلطان ۱۷۶، ۱۷۷

جغتوئیل ۱۱۳

جلالی (ایل) ۹۱، ۱۵۰، ۱۵۲

جلفا ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۳۰

جوانرود (ایل) ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۹ تا

۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۲

جوانمیرخان ۱۶۰

جهانبخش ۱۸۲

جهانگیری، رشیدبیگ ۴۷، ۵۷، ۱۱۲

بلک، ایرنه ۱۶۴

بمو (کوه) ۱۶۸، ۱۷۳

بنی‌گز (کوه) ۱۶۹

بلیک ۳۱

بوکان ۱۸، ۲۴، ۳۳، ۱۱۶

بولارد، سرریدر ۱۲۴

بوشهر ۲۷

بوینس آیرس ۷۶

بهبهان ۲۷

بهرامی، بهرامی‌ها (تیره) ۱۸۱، ۱۸۲،

۱۸۴

بیریا، محمد ۵۷

بیگزاده (ایل) ۹۱، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۵۳،

۱۵۶

بیروت ۱۳۲، ۱۴۸

بیکر، کلنل ۲۴، ۲۵، ۴۵، ۵۸

بیویانی (تیره) ۱۸۱

پ

پاپالاردو (مونسنیور) ۸۵، ۱۵۵

پادگان، صادق ۵۷

پاریس ۵۴ تا ۵۶

پاوه ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۷۷

پایبوس، جی.دی. (کلنل) ۱۱۸

پایمن ۱۴۴

پری ۷۶

پنبه (شخص) ۴۳، ۴۴، ۱۰۱

پهلوی، بندر ۱۲۰، ۱۲۷

پیشه‌وری، جعفر ۳۷، ۳۹ تا ۴۱، ۴۳،

۴۷، ۵۷، ۶۲، ۷۶، ۸۸، ۸۹ تا ۹۲

چ

چارزیاری (تیره) ۱۵۹

چیاورد (تیره) ۱۵۹

ح

حاجی بابا شیخ ۴۷، ۸۹، ۹۱، ۱۱۲

حاجی زاده (خاندان) ۱۶۰

حتای (اسکندرون) ۴۹

حزب توده ۱۶، ۲۲، ۱۱۹، ۱۳۰

حزب دموکرات کردستان ۳۱، ۳۴، ۸۸،

۸۹، ۹۹، ۱۰۴

حسین بیگ ۱۷۰، ۱۷۱

حکیمی، ابراهیم ۶۱

حلبچه ۱۶۹

حمه رشید ۴۳، ۶۴

حیدری، سیدشمس‌الدین ۱۸۲

حیدری، سیدنورالدین ۱۸۲

خ

خالدی (تیره) ۱۵۸

خانقین ۲۷، ۱۵۸

خاورمیانه ۲۷

خراسان ۱۲۹

خرم‌آباد ۱۲۷

خزر ۴۶

خلیج فارس ۲۷

خمان (تیره) ۱۵۹

خمسه ۶۲، ۱۰۱

خوی ۴۱، ۵۱، ۷۰ تا ۷۲، ۷۸، ۹۰، ۹۵،

۹۷ تا ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۲

تا ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۵

د

دالانی ۲۷

دانشیان، غلام یحیی (ژنرال) ۷۵، ۷۸،

۷۹، ۱۰۱ تا ۱۰۳

داودخان [کلهر] ۱۶۰

درخشانی، ژنرال ۲۴، ۳۵

دزفول ۲۷

دزلی ۱۷۶

دُست سوان ۱۱۲

دشت ذهاب ۱۸۱

دشت سور ۱۷۳

دموکرات‌ها: اکثر صفحات

دنبلی، سرهنگ ۱۶۰

دوهر، جرالد اف. پی. (کنسولیاری): اکثر

صفحات

دهبوکری (ایل) ۶۰، ۶۱، ۹۱، ۱۰۴

دیاری کومله (نشریه) ۱۸۰

دیره (تیره) ۱۵۹

ذ

ذوالفقاری‌ها ۴۶، ۵۵

ذهاب ۱۵۸

ر

رزاب ۱۷۶

رزم‌آرا، ژنرال ۸۴، ۱۱۹، ۱۵۶، ۱۵۷

رستم بیگ ۱۷۰

رشت ۳۲، ۱۲۰، ۱۲۷

رشیدالسلطنه ۱۸۲

رشید آقا ۱۸۲

رضا شاه ۸۲، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۲۳،

ژ	۱۲۴، ۱۲۹، ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۶۸
ژینه‌وی‌کرد [بولاککان‌کرد] (نشریه)	۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۱
۱۸۰	رضائیه ۲۷، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۳
	۴۴، ۴۶، ۵۰، ۵۱، ۶۵، ۶۶ تا ۶۸
	۷۳، ۷۸، ۷۹، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰
	۹۲، ۹۵ تا ۹۹، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۴
	۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۸
	۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۵ تا ۱۴۷
	۱۵۲ تا ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷
	رضائیه، دریاچه ۱۸، ۲۳، ۶۹، ۷۰، ۸۷
	رفیعی، فرماندار ۶۸، ۷۰، ۷۸، ۷۹، ۹۹
	۱۰۰، ۱۰۴، ۱۴۶
	روانسر ۱۶۵
	روزولت، آرچیبالد ۷۲، ۱۵۵
	روضه‌چای ۱۶
	روسو، رابرت ۳۷، ۴۰ تا ۴۲، ۴۴، ۴۶ تا
	۴۸، ۵۰، ۵۴، ۶۳
	ز
	زارا ۲۷
	زرزا (ایل) ۹۱
	زروبیگ ۵۷، ۷۸، ۷۹، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱
	۱۰۳، ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۵۶
	زنجان ۵۹، ۸۲، ۸۳، ۱۰۱، ۱۲۰
	زند ۱۸
	زنگنه، سرهنگ ۱۳۶، ۱۵۳
	زنگنه‌ها ۱۸۱
	زیمدشت ۷۸، ۷۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۳۶
	۱۵۱
	زیمکان ۱۶۹
ساتن. اف لستر ۸۳، ۱۴۶	
سازمان ملل، ۱۳۷	
سالار سعید سنندجی ۶۱	
سرابان (رشته کوه) ۱۶۹	
سراسکند ۴۶	
سرانی ۱۱۶	
سرپل‌ذهاب ۱۸۱	
سردشت ۳۰، ۹۰، ۹۷، ۱۱۶	
سقز ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۳۰، ۴۲، ۶۳،	
۶۴، ۶۶، ۹۰، ۹۷، ۱۱۷	
سکستون، کلنل ۸۴، ۱۴۳، ۱۵۱	
سلماس ۵۱	
سلیمانیه ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۷۲	
سمیتکو، اسماعیل آقا ۱۵، ۱۵۴	
سیمتقوزاده، طاهر ۱۴۰، ۱۴۱	
سنجابی، (ایل) ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۱	
سنجابی، جلگه ۱۸۱	
سنجار ۲۷	
سنگاپور ۷۶	
سنندج ۳۰، ۱۱۶، ۱۳۲	
سوتون، کنسول ۱۰۶	
سوریه ۳۸، ۴۹، ۹۰، ۹۳، ۱۱۴، ۱۱۵،	
۱۷۰	
سیاسیا (تیره) ۱۵۹	
سیروان (رود) ۱۷۶	

۱۹۰ کردها و فرقه دموکرات

شهبازی (خاندان) ۱۶۰	سیف قاضی، محمدحسین ۵۷، ۱۱۱،
شهرک ورمزیار (تیره) ۱۵۹	۱۳۳
شیان [شاهین] و شوانی (تیره) ۱۵۹	
شیانی (تیره) ۱۵۹	ش
شیخ حسن ۱۲۸	شاپور (دیلمان) ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۷۹،
شیخ عبدل ۴۸	۸۵، ۸۷، ۹۰، ۹۵، ۹۹ تا ۱۰۳،
شیخ مصطفی ۴۸	۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۳۵، ۱۴۶،
شیرو پزاقا ۱۴۰، ۱۴۱	۱۴۹
شیطان آباد ۱۲۵	شاه آباد ۱۵۸، ۱۸۱
	شاهسون (ایل) ۳۴، ۳۶، ۴۵، ۶۱، ۸۴،
ص	شاهو (رشته کوه) ۱۶۹، ۱۷۰
صائین قلعه ۴۷، ۵۵	شبانکاره چله‌ای (تیره) ۱۵۸
صدرقاضی، ابوالقاسم ۱۱۱، ۱۳۳،	شبستری ۵۹
۱۵۰	شرف بیانی (ایل) ۱۶۸
صدیقی ۱۳۱	شرف بیانی، عثمان بیگ ۱۶۸
صفوی (خاندان) ۱۷۲	شرق نزدیک ۷۴
صلح آباد ۱۶۰	شریفی، عاکف ۱۰۴ تا ۱۰۶
	شریفی، عمرخان ← عمرخان
ط	شفق ۱۴۷
طایشه‌ای، طایشه‌ای‌ها (تیره) ۱۸۱،	شکاک (ایل) ۱۵، ۵۷، ۶۱، ۷۱، ۷۹،
۱۸۲	۹۱، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴ تا
طباطبایی، لطفعلی ۶۷	۱۰۶، ۱۱۱، ۱۳۱، ۱۳۵ تا ۱۳۷،
	۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۹ تا ۱۵۶
ع	شوارتسکف، نورمن (ژنرال) ۲۷، ۲۸،
عراق ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۳۸، ۴۰، ۴۳، ۴۹،	۱۳۱، ۱۳۷، ۱۵۵
۵۲، ۶۵، ۶۶، ۷۲، ۹۰، ۹۷، ۹۸،	شورای امنیت ۷۹
۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳،	شوروی، شوروی‌ها، روسیه، روسیه‌ها:
۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۲ تا ۱۴۴، ۱۵۳،	اکثر صفحات
۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۰،	شوستر ۲۷
۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۷	شهباز، کوروش ۱۶۴

فهرست اعلام ۱۹۱

- عزت بیگ ۱۷۷
 عزیزبیگ ۱۶۵، ۱۶۸
 عزیز گنج علی ۱۶
 علی اکبروف ۷۸، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۴
 علی الهی (فرقه) ۱۸۲، ۱۸۳
 عمرخان (عمر شریفی) ۴۷، ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۶۸، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۵
 ۸۹، ۹۹ تا ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۳۱، ۱۳۲
 ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۴۹ تا
 ۱۵۱، ۱۵۲ تا ۱۵۶
- قبادیان، عباس خان (امیر مخصوص)
 ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۵
 قرنی آقا ۳۶
 قره داغ ۴۵
 قزوین ۴۶، ۱۲۰، ۱۲۷
 قشقای (ایل) ۱۵۰، ۱۵۶
 قصر شیرین ۱۶۰
 قفقاز ۳۰، ۱۲۱، ۱۲۲
 قلخانی (تیره) ۱۸۱، ۱۸۲
 قلعه جوق ۵۵
 قنبر سلطان ۱۸۲
 قوام، قوام السلطنه ۵۲ تا ۵۴، ۶۱، ۶۷، ۷۹، ۸۲، ۸۳، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۳۲، ۱۳۶ تا ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۵۷، ۱۶۱
 قوچمی (تیره) ۱۵۹
 قوجه ای (تیره) ۱۵۸
 قیطول عراق ۱۷۳
- ق
- ق
- قازی محمد ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۷ تا ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۳ تا ۸۵، ۸۸ تا ۹۴، ۹۶ تا ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹ تا ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۴۸ تا ۱۵۱، ۱۸۰، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۶۵، ۱۶۴ (ایل) ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۱
- کارون آبادی (تیره) ۱۵۹
 کاسپین (دریا) ۱۳۰
 کاظم خانی (تیره) ۱۵۹، ۱۶۰
 کاویان، ژنرال ۱۰۱
 کبیری، ژنرال ۱۲۷
 کراسنیک ۷۵، ۹۲، ۹۳، ۱۰۱
 کرد داغ ۴۹
 کرد، کردستان: اکثر صفحات
 کرکوک ۲۷
 کرکول ۱۷۳

۱۹۲ کردها و فرقه دموکرات

گهواره (تیره) ۱۸۱	کرگا (تیره) ۱۵۹
گیت هاوس ۲۹، ۳۰	کرمانشاه ۲۷، ۴۷، ۵۵، ۹۷، ۱۱۶،
گیلان ۴۶، ۵۵، ۱۲۸	۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۸،
گیلان (جلگه) ۱۶۰	۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۲
گیلان (روستا) ۱۵۸	کرنه ۱۵۸، ۱۸۱
گیلانی، رشیدعالی ۱۷۰	کره ۱۶۸
گیلانی، سید عبدالله ۵۷	کریم بیگ ۱۷۷
	کلدانی ۱۲۵
ل	کله پا (تیره) ۱۵۹
لرستان، لرها ۱۱۶، ۱۵۰، ۱۶۴، ۱۸۲	کله جویی (تیره) ۱۵۹
لروژوتل ۱۴۳	کلهر (ایل)، کلهرها ۱۵۸، ۱۶۰ تا ۱۶۲،
لرینی (تیره) ۱۵۹	۱۸۱
لواندا ۷۶	کلیمی ۸۵
لورنسو مارکز ۷۶	کندی، سرگرد ۲۴
لندن ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۴۱، ۴۲،	کومله ۲۲، ۳۲، ۳۸ تا ۴۰، ۱۸۰،
۵۰، ۵۴، ۱۵۵	کیف ۷۶
لهونی، اسفندیاری بیگ ۱۸۰	گ
لهونی، توفیق بیگ ۱۸۰	گارور، سرگرد ۸۴
لهونی، حسین بیگ ۱۸۰	گاگارین، کاپیتان ۵۸، ۵۹، ۷۱،
لهونی، عزت بیگ ۱۸۰	۱۴۵
لهونی، محمد امین بیگ ۱۷۶، ۱۷۷،	گاوغان ۴۶
۱۸۰	گرجستان ۵۰
لهونی، منصور بیگ ۱۸۰	گرگان ۳۲
م	گرگایی (تیره) ۱۵۹
مادرید ۷۶	گلمن ۱۴۵
ماردین ۲۷	گلینسکی ۱۲۶
مازندران ۳۱	گنجه (کیروف آباد) ۱۲۳
مافی، سرگرد ۱۶	گوران (ایل) ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۱،
ماکسیموف ۲۰	۱۸۴، ۱۸۲





فہرست اعلام ۱۹۳

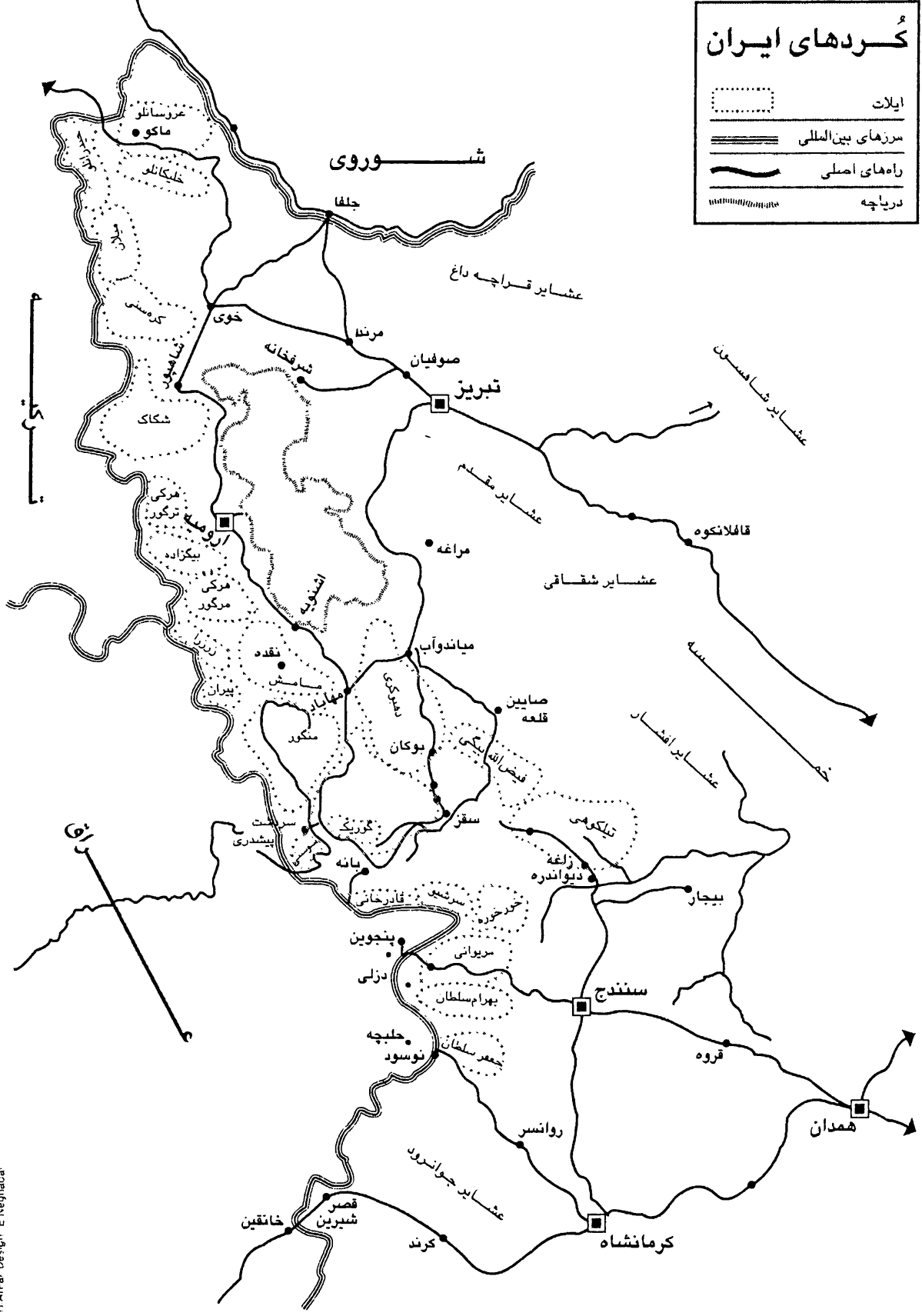
مصطفیٰ خان بزرگ ۱۷۳	ماکو ۴۱، ۴۲، ۵۰، ۶۰، ۸۷، ۹۰، ۹۸،
معین آزاد، سرہنگ ۱۲۶	۱۱۶، ۱۰۴
مقدم، حسن، ژنرال ۱۵، ۶۰	مامدی، سرتیپ ۱۴۰، ۱۴۱
ملاتیہ ۲۷	مامدی قوتاز ۱۴۰، ۱۴۱
ملاحسین ۵۷، ۵۸	مامش (ایل) ۱۶، ۳۶، ۹۱
مندلی ۱۵۸، ۱۶۰	مانیور ۵۷
منصور، علی، ۶۱، ۱۲۱، ۱۴۹	ماوراء خزر ۱۳۰
منصوری (تیرہ) ۱۵۹	ماہیدشت ۱۵۸
منگور (ایل) ۱۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۹۱	ماہیدشتی (تیرہ) ۱۵۹
۱۵۹، ۱۵۰، ۱۰۴	مجارستان ۷۶
منیشی (تیرہ) ۱۵۹	محمداسماعیل ۱۴۰، ۱۴۱
مورمانسک ۷۶	محمدامین بیگ ← لہونی، محمد
موری ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۴۳	امین بیگ
موریس، للاند ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۵	محمدبیگ (سالار اسعد) ۱۷۳
موصل ۲۷، ۱۶۵	محمدبیگ وکیل ۱۷۰
مہاباد (ساوجبلاغ) ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱ تا	محمد صالح بیگ ۱۷۳
۲۴، ۲۶ تا ۳۱، ۳۸، ۴۰ تا ۴۲، ۴۴	محمد علی خانی (خاندان) ۱۶۰
تا ۴۷، ۶۱، ۶۴، ۶۹، ۷۲، ۸۰، ۸۴	مدیترانہ ۳۸
۸۶ تا ۹۱، ۹۳ تا ۹۷، ۹۹، ۱۰۱،	مراغہ ۲۱، ۳۳، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۸۴، ۸۷،
۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۹ تا ۱۱۷، ۱۲۰،	۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۶
۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۲ تا ۱۳۴، ۱۳۷،	مرعش ۲۷
۱۴۸ تا ۱۵۳، ۱۸۰	مرند ۹۸، ۹۹، ۱۳۵، ۱۳۶
میاندوآب ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۴۱، ۴۵، ۵۱،	مسکو ۱۸ تا ۲۰، ۲۹، ۲۸، ۳۱، ۳۵،
۶۹، ۷۳، ۸۴، ۸۷، ۹۰، ۹۵، ۹۶،	۳۷-، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸،
۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶،	۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰،
۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۲	۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳،
میان میر ۳۳	۱۳۲، ۱۴۸، ۱۵۵
میانہ ۵۸، ۵۹، ۸۴، ۱۲۰، ۱۳۵	مسیحیان، مسیحی (اقلیت) ۵۱، ۸۵،
میچل کارس، دبلیو ۷۶	۱۵۴، ۱۵۵
میرخان (روستا) ۶۰	مصطفیٰ خان ۱۷۳، ۱۷۴

۱۹۴ کردها و فرقه دموکرات

- میسوین آمریکایی ۷۳، ۸۲
میسوین کاتولیک فرانسه ۱۱۰
میلان (ایل) ۹۱
- ن
نادریگ ۱۷۱
ناصرخان (قشقای) ۱۵۶
نخجوان ۱۵۷
نخجوان‌ها (خاندان) ۱۲۹
نراب ۱۷۳
نصیرآباد ۵۵
نقده ۱۲۵، ۱۵۳
نویخت ۱۷۰
نوری بیگ ۱۱۲
نیریژی (تیره) ۱۸۱، ۱۸۲
نیشتمان (وطن)، ماهنامه ۱۸۰
نیویورک ۷۶
- وان ۲۷
ویلی، جان. ج ۱۶۴
ولدبیگی (ایل) ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶
۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳
ولدبیگی، یعقوب بیگ (سالار امجد)
۱۶۵
- ه
هاشموف ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۹۲، ۹۵
۱۰۰ تا ۱۰۴
هاشمی، تیمسار ۱۲۱
هرکی (ایل) ۵۷، ۶۱، ۹۱، ۱۱۱، ۱۳۶
۱۵۳
همایونی، ژنرال ۱۲۵، ۱۳۲ تا ۱۳۴
۱۵۷
همدان ۸۴، ۹۷، ۱۱۶، ۱۳۵، ۱۴۳
۱۸۲
هناره، حسن ۱۴۰، ۱۴۱
هندرسون، لویی ۷۴
- ی
یری‌یف آلادی ۹۸، ۱۰۴
یعقوب بیگ ۱۶۸
یمین لشکر ۵۵
یهودی‌ها ۱۱۶
- وارد، آنگوس ۵۱، ۵۵، ۶۹، ۹۶، ۱۱۲،
۱۱۵
واشنگتن ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۹، ۳۱،
۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۴۱ تا ۴۳، ۴۵ تا
۴۸، ۷۴، ۷۷، ۸۲، ۸۶، ۹۶، ۱۱۸،
۱۳۱، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۶۴

کردهای ایران

	ایلات
	سرزهای بین‌المللی
	راه‌های اصلی
	دریاچه





جنگ سردی که در پی ختم جنگ جهانی دوم تا فروپاشی اتحاد شوروی، بیش از پنجاه سال تحولات جهانی را تحت الشعاع خود قرار داد چند نقطه شروع مهم داشت. یکی از این نقاط حوزه تحت اشغال ارتش سرخ در ایران بود که در پاییز ۱۳۲۴ صحنه تشکیل دو حکومت خودمختار در تبریز و مهاباد گشت. مقامات دیپلماتیک ایالات متحد در مقام یکی از طرفین اصلی این جنگ سرد، تحولات آن حدود را به دقت دنبال می کردند و آنچه در این کتاب ارائه می شود گزیده ای است از این گزارش ها که بیشتر به توضیح مناسبات دو حوزه تبریز و مهاباد مربوط می شود و تنش های فزاینده آن دو.



با همکاری:
شرکت نشر و پژوهش شیراز کتاب



۴۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-2509-86-7



9 789642 509867